

سیری در جنگ ایران و عراق

مسائل اجتماعی و سیاسی



موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق

نویسنده:

محمد درودیان

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق جلد ۵
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۹	پیشگفتار چاپ چهارم
۲۰	پیشگفتار
۲۳	مقدمه
۲۷	زمینه های تغییر در موازنه جنگ
۲۷	اشاره
۲۹	تغییر استراتژی نظامی عراق
۳۲	افزایش خرید و انباشت سلاح
۳۲	اشاره
۳۳	کمک های شوروی به عراق
۳۵	کمک های امریکا به عراق
۳۹	کمک های فرانسه به عراق
۴۰	کمک های انگلیس به عراق
۴۰	کمک های آلمان به عراق
۴۱	کمک های کویت و عربستان به عراق
۴۴	تحولات ارتش عراق
۴۴	ایجاد زیرساخت فن آوری تولید موشک
۴۶	حمله موشکی عراق به تهران
۵۱	بازسازی و تحول در سازمان رزم
۵۳	تلاش مهندسی عراق
۵۵	فراخوانی و آموزش

۵۷	گسترش سازمان رزم عراق
۵۹	مانورهای دشمن
۶۰	اجرای عملیات محدود در منطقه جنوب
۶۳	آغاز تحولات و تغییر در موازنه جنگ
۶۳	اشاره
۶۸	تهاجمات استراتژیک عراق
۶۸	سقوط فاو
۷۶	ارزیابی علل سقوط فاو
۸۲	دیگر دلایل سقوط فاو
۸۳	آثار و بازتاب سقوط فاو
۹۰	سقوط شلمچه
۹۲	بازتاب سقوط شلمچه
۱۰۱	سقوط جزایر مجنون
۱۰۹	حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایران
۱۱۶	فراخوانی عمومی نیروهای بسیجی
۱۱۹	تداوم تهاجمات عراق و بازپس گیری زبیدات
۱۲۳	بازتاب و نتایج بازپس گیری مناطق تصرف شده به وسیله عراق
۱۳۰	تلاش ایران برای مهار حملات عراق
۱۳۰	اشاره
۱۳۳	عقب نشینی از حلبچه
۱۳۹	افزایش تحرکات دیپلماتیک
۱۴۶	قطع نامه ۵۹۸ از تصویب تا اجرا
۱۴۶	اشاره
۱۴۶	قطع نامه ۵۹۸ و مواضع جهانی
۱۶۱	پاسخ رسمی جمهوری اسلامی ایران به قطع نامه ۵۹۸
۱۶۲	بازتاب پذیرش قطع نامه ۵۹۸ در ایران

- ۱۷۰ واکنش عراق در برابر پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸
- ۱۷۶ تجاوز مجدد عراق و پاسخ جمهوری اسلامی
- ۱۷۶ تجاوز به مناطق جنوب، میانی و غرب
- ۱۸۴ تجاوز مشترک ارتش عراق و نیروهای منافقین به غرب
- ۱۸۹ عملیات مرصاد
- ۱۹۱ بازتاب و پی آمدها
- ۱۹۳ تغییر اوضاع به سود ایران
- ۱۹۹ تلاش برای برقراری آتش بس
- ۲۱۶ از آغاز مذاکرات صلح تا پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق
- ۲۱۶ اشاره
- ۲۱۷ بازتاب پی آمدهای احتمالی پایان جنگ
- ۲۱۷ اشاره
- ۲۱۸ ارزیابی دست آوردهای جنگ
- ۲۲۲ فرآیند تحولات و توازن منطقه ای
- ۲۲۴ تجزیه و تحلیل روند تحولات ایران
- ۲۲۸ آغاز مذاکرات بی حاصل زیر نظر دبیرکل سازمان ملل
- ۲۲۸ اشاره
- ۲۲۸ نخستین مذاکرات در ژنو
- ۲۳۰ ادامه مذاکرات در نیویورک
- ۲۳۲ ادامه مذاکرات در ژنو
- ۲۳۷ مذاکرات مجدد در نیویورک
- ۲۳۸ مذاکرات جدید در ژنو
- ۲۴۰ تلاش عراق برای به دست گرفتن ابتکار عمل
- ۲۴۰ تلاش تهدید آمیز
- ۲۴۴ تلاش صلح جویانه
- ۲۴۵ زمینه های تلاش صلح جویانه

- ۲۴۹ ----- آغاز صلح جویی با فرستادن نامه برای رهبران ایران
- ۲۴۹ ----- نخستین نامه رئیس جمهور عراق
- ۲۵۱ ----- پاسخ رئیس جمهور ایران به نامه رئیس جمهور عراق
- ۲۵۳ ----- دومین نامه رئیس جمهور عراق
- ۲۵۴ ----- دیدار نمایندگان دو کشور
- ۲۵۵ ----- پاسخ آقای هاشمی به نامه دوم رئیس جمهور عراق
- ۲۵۸ ----- پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در پی اشغال کویت
- ۲۵۸ ----- اشغال کویت و بازتاب های آن
- ۲۶۸ ----- پنجمین نامه صدام و پاسخ رئیس جمهور ایران
- ۲۷۱ ----- پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ در ششمین نامه رئیس جمهور عراق
- ۲۷۶ ----- بازتاب پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در رسانه های خبری
- ۲۸۴ ----- درباره مرکز

آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق جلد ۵

مشخصات کتاب

سرشناسه : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

عنوان و نام پدیدآور : آغاز تا پایان : بررسی وقایع سیاسی- نظامی جنگ از زمینه ساری تهاجم عراق تا آتش بس / محمد درودیان؛ نظارت بهاءالدین شیخ الاسلامی؛ ویرایش مهدی انصاری، احمد نصرتی.

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۲۳ ص.

فروست : سیری در جنگ ایران و عراق؛ ۶.

شابک : ۴۸۰۰۰ ریال : ۷-۵۸-۶۳۱۵-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت : چاپ قبلی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ هفدهم.

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷

شناسه افزوده : درودیان، محمد، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده : شیخ الاسلامی، بهاءالدین، ۱۳۳۰ -، ناظر

شناسه افزوده : انصاری، مهدی، ۱۳۳۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : نصرتی، احمد، ۱۳۴۲ -، ویراستار

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

شناسه افزوده : سیری در جنگ ایران و عراق؛ [ج] ۶.

رده بندی کنگره : DSR۱۶۰۰/س۲س۹ ج. ۶. ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۳۰۴۱۵

ص: ۱

اشاره

هر چه از زمان وقوع جنگ ایران و عراق فاصله بیش تر می شود و هر چه تعداد کسانی که به دلیل کمی سن در آن زمان، شاهد این جریان نبوده و یا آن را درک نکرده اند، بیش تر می شود و هر چه درباره ی این واقعه بزرگ سؤالات بیش تری مطرح می گردد، ضرورت وجود آثاری که واقعیات را آن طور که بوده است بیان کند و کتاب هایی که با استناد به اسناد خدشه ناپذیر به تشریح و تفسیر وقایع بپردازد و از زبان شاهدان حوادث و حاضران در صحنه های طراحی، اجرا و هدایت و فرماندهی جنگ، آن را بیان کند، بیش تر می شود. همین ضرورت هاست که مسئولیت مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ را، که راویان و محققانش از اوایل جنگ تحمیلی با حضور مستقیم در صحنه های این جنگ، به ثبت و ضبط و جمع آوری اسناد آن پرداختند، بیش تر می کند.

مرکز مطالعات برای انجام این مسئولیت خطیر در تلاش بی وقفه برای تهیه مجموعه های متعدد، در زمینه های گوناگون و ابعاد مختلف جنگ تحمیلی می باشد که مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» از جمله آنها است. این مجموعه شش جلدی که به طور کامل منتشر شده است، به دلیل اختصار نسبی و جامعیت که مروی است نظامی و سیاسی از زمینه سازی جنگ و آغاز آن تا آتش بس و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق، مورد استقبال خوبی قرار گرفته است، به ویژه از طرف اندیشمندان، دانشجویان و جوانان؛ طوری که جلد های مختلف آن به چاپ های متعدد رسیده است. کتاب حاضر آخرین جلد از این مجموعه است که در سال ۱۳۷۸ در ۵۰۰۰ نسخه انتشار یافت و در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ تجدید چاپ شد. با اتمام نسخه های چاپ سوم، این کتاب بار دیگر چاپ و منتشر شد تا در اختیار علاقه مندان قرار گیرد.

مرکز مطالعات همواره منتظر اظهار لطف کسانی است که کاستی ها و اشکالات آثار منتشر شده را اعلام و نسخه ای از اسناد و عکس های منحصر به فرد خود از جنگ ایران و عراق را در اختیار این مرکز قرار دهند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۵

ص: ۱۰

هر چه نگارش و ثبت یک رویداد به زمان وقوع آن نزدیک تر باشد خواننده تحلیل گر با اعتماد بیش تری به بررسی و نتیجه گیری از آن می پردازد به ویژه این که وقایع نگاران خود از راویان و شاهدان حادثه باشند.

مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» که نگاهی گذرا ولی عمیق در توصیف و تحلیل هشت سال جنگ تحمیل شده به جمهوری اسلامی می باشد به وسیله کسانی تحقیق، ارزیابی و آماده برای چاپ شده است که هر کدام در دوران دفاع مقدس مسئولیتی مرتبط با جنگ داشته اند و به همین دلیل این دوره که نتیجه ده سال طراحی، تحقیق، تدوین و ارزیابی می باشد یکی از نفیس ترین نوشته ها درباره جنگی است که امام خمینی (رحمه الله علیه) آن را جنگ حق و باطل (۱) دانست. هر خواننده علاقه مند، با مطالعه و بررسی این مجموعه، مظلومیت یک ملت و ستم متجاوزان (۲) را در طولانی ترین جنگ دو دهه اخیر دریافته و چهره تزویر جهان خواران (۳) را می بیند. او با شنیدن صدای شکستن ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب (۴) می آموزد که می توان علیه تمامی قدرت ها و ابرقدرت ها سالیان سال مبارزه کرد (۵).

این مجموعه حاصل تلاش همه کسانی است که این وظیفه را چون جنگ تکلیف دانسته و نتیجه را فرع بر آن پنداشتند (۶)، هر چند استقبال خوانندگان، تجدید چاپ ها و دریافت جوایز در زمینه دفاع مقدس نشان از نتیجه ای رضایت بخش و دل گرم کننده دارد.

ص: ۱۱

-
- ۱-۱. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.
 - ۲-۲. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.
 - ۳-۳. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.
 - ۴-۴. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.
 - ۵-۵. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.
 - ۶-۶. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.

این دوره که یک جلد آن با مدیریت برادر ابراهیم محمدزاده و پنج جلد دیگر با مدیریت برادر محسن رشید به زیور چاپ آراسته گشته به وسیله برادر محمد درودیان تحقیق و تدوین، برادر غلامعلی رشید ارزیابی اطلاعات نظامی و برادر بهاءالدین شیخ الاسلامی ارزیابی سیاسی شده است.

همچنین برادر مهدی انصاری ویرایش نهایی و مدیریت آماده سازی برای چاپ شامل حروف چینی، صفحه آرایی و تنظیم فهرست راهنمای موضوعی پنج جلد از این کتاب و برادر علی محمد تقیی نظارت بر چاپ تا خروج از صحافی را عهده دار بوده اند. برادران حسن دری و علی محمد تقیی نیز نقشه ها و برادران حشمت الله شمس و حمیدرضا دانش فر طرح جلد این مجموعه را طراحی و اجرا کرده اند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه با تشکر فراوان از همه دست اندرکاران این مجموعه، خرسند است که با چاپ کتاب حاضر به وعده خود در ارائه مجموعه ای تحلیلی - توصیفی از اوضاع سیاسی - نظامی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران جامه عمل پوشانده و امید دارد که این عمل را حضرت حق جل جلاله پسندیده و بپذیرد.

این مرکز در پایان از همکاران خود در مؤسسه فرهنگی هنری تاریخ جنگ که مسئولیت ویرایش نهایی و آماده سازی کتاب حاضر را برای چاپ بر عهده داشته اند، قدردانی می کند.

شناختی گذرا بر این مجموعه

جلد اول: «خونین شهر تا خرمشهر» که به بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آزاد سازی خرمشهر (از شهریور ۱۳۵۹ تا

ص: ۱۲

خرداد ۱۳۶۱) پرداخته که جایزه اول نخستین همایش ادبی - هنری حماسه خرمشهر را به خود اختصاص داد و در سال ۱۳۷۷ به چاپ چهارم رسید.

جلد دوم: «خرمشهر تا فاو» که چهار سال جنگ را (از تیرماه ۱۳۶۱ تا مرداد ۱۳۶۵) تحلیل نظامی - سیاسی کرده است. این کتاب در اسفند ۱۳۷۵ برای چهارمین بار چاپ شد.

جلد سوم: «فاو تا شلمچه» که به بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از پایان عملیات والفجر ۸ تا پایان عملیات کربلای ۸ (اسفند ۱۳۶۴ تا فروردین ۱۳۶۶) اقدام کرده و مفتخر به دریافت تقدیرنامه انتخاب آثار دفاع مقدس سال های ۱۳۷۳ - ۷۴ شد.

جلد چهارم: «شلمچه تا حلبچه» که رویدادهای سیاسی - نظامی سال ۱۳۶۶، درگیری با امریکا در خلیج فارس و انتقال منطقه نبرد از جنوب به غرب را بررسی کرده است.

جلد پنجم: «پایان جنگ» (کتاب حاضر) به بررسی وقایع پس از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت به وسیله عراق می پردازد.

جلد ششم: «آغاز تا پایان» که اوضاع سیاسی - نظامی جنگ را از آغاز تا پایان آن به اختصار بررسی و تحلیل کرده است.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه تلاش کرده است تا کتاب حاضر در یازدهمین سالگرد برقراری آتش بس رسمی و پایان جنگ عراق علیه ایران انتشار یابد.

«مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه»

مرداد ۱۳۷۸

ص: ۱۳

در میان پرسش‌های اساسی که درباره جنگ ایران و عراق وجود دارد مهم‌ترین سؤالی که کماکان ضرورت پاسخ‌گویی به آن احساس می‌شود «نحوه پایان یافتن جنگ در سال ۱۳۶۷ می‌باشد». امام راحل نظر به شرایط نامساعد در زمان پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و ضرورت حفظ آمادگی نظامی برای مقابله با تجاوزات مجدد عراق، پاسخ به این سؤال را به زمان مناسب‌تری در آینده واگذار کردند. اکنون با گذشت یازده سال از زمان برقراری آتش‌بس میان ایران و عراق و تغییرات نسبتاً گسترده و عمیقی که در سطح منطقه و نیز در داخل ایران روی داده است - به ویژه اشغال کویت به وسیله عراق در سال ۱۳۶۹ - می‌توان ابعاد موضوع را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. بر پایه این ملاحظه جلد پنجم از مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» به بررسی شرایط و عوامل مؤثر در نحوه پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ اختصاص یافته است.

کتاب حاضر در چهار فصل به شرح زیر تنظیم شده است:

فصل اول: زمینه‌های تغییر در موازنه جنگ

فصل دوم: آغاز تحولات و تغییر در موازنه جنگ

فصل سوم: تلاش ایران برای مهارت حملات عراق

فصل چهارم: از آغاز مذاکرات صلح تا پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق

ص: ۱۴

در فصل اول کتاب برای تشریح زمینه های تغییر در موازنه سیاسی - نظامی جنگ سه بحث اساسی انجام گرفته است: نخست، تجزیه و تحلیل «تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند با کمک مستشاری روس ها، بر پایه این فرض که سرنوشت جنگ تنها بر روی زمین و با برتری نظامی عراق حاصل خواهد شد»؛ سپس با تأکید بر آمار و ارقام «انباشت سلاح و تجهیزات» با افزایش تولید و خرید سلاح با هزینه و سرمایه گذاری نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار در سال های پایانی جنگ به وسیله عراق توضیح داده شده و در پایان گسترش سازمان رزم عراق با فراخوانی نیروها و آموزش آنها مورد بررسی قرار گرفته است. روند اقدامات در این زمینه سبب گردید تا عراقی که در سال ۱۳۵۹ با ۱۲ لشکر و در سازمان ۳ سپاه به ایران حمله کرد، در سال ۱۳۶۶ با بیش از ۵۰ لشکر و در سازمان ۹ سپاه از توان قابل ملاحظه ای برای بازپس گیری مناطق تصرف شده برخوردار شود.

فصل دوم کتاب در واقع به بازتاب و پی آمدهای برتری نظامی عراق و تغییر استراتژی این کشور از پدافند به آفند اختصاص یافته است. بازپس گیری فاو در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ نقطه تحول در جنگ و تغییر موازنه به سود عراق بود. به عبارت دیگر، همان گونه که تصرف فاو از سوی ایران موازنه جنگ را به زیان عراق تغییر داد، بازپس گیری آن، اوضاع را به سود عراق به چرخش درآورد. با وجود برتری کمی عراق بر ایران که در چند سال پایان جنگ کاملاً مشهود بود، در عین حال به نظر می رسد شکست عراق در تهاجم به فاو می توانست همچنان اوضاع را هر چند به صورت غیر طبیعی به سود ایران حفظ نماید. بنابراین نقطه تحول در جنگ و پذیرش قطع نامه ۵۹۸ را باید در روند تحولات نظامی جنگ در ماه های پایانی و برتری نظامی عراق و کسب پیروزی در فاو جستجو کرد. در هر صورت آغاز این روند موجب تداوم حملات عراق و بازپس گیری مناطق تصرف شده به فاصله کمتر از سه ماه شد.

فصل سوم کتاب به پی آمدهای پیروزی نظامی عراق و در نتیجه تلاش ایران برای کنترل و مهار نتایج حاصله از برتری عراق اختصاص یافته است. پذیرش قطع نامه ۵۹۸ که در موقعیت برتری نظامی ایران بر عراق در سال ۱۳۶۶ و به منظور تأمین خواسته های ایران تنظیم شده بود، تنها راه حلی بود که در چنین شرایطی روبه روی ایران قرار داشت. جمهوری اسلامی ایران با این اقدام در واقع ضمن بهره برداری از تغییر فضای بین المللی، در داخل کشور نیز اوضاع در خصوص جنگ و پایان آن را به خوبی اداره کرد. امتناع عراق از پذیرش قطع نامه زمینه ای برای مقابله بین المللی و داخلی با تجاوزات عراق و نیز پایان بخشیدن به جنگ شد. در این مرحله حضور گسترده مردمی در جبهه ها همانند روزهای آغازین جنگ، تجاوز عراق را در جنوب و تجاوز منافقین را در غرب با ناکامی مواجه ساخت. پیدایش وضعیت جدید در صحنه های نظامی بین المللی، عراق را به پذیرش قطع نامه ۵۹۸ وادار ساخت. در نتیجه امکان برقراری آتش بس میان دو کشور در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ فراهم شد.

در فصل چهارم ابتدا بازتاب پایان جنگ در نظر تحلیل گران و صاحب نظران بررسی شده و سپس روند مذاکرات بی حاصل ایران و عراق تحت نظر سازمان ملل تشریح گردیده است. طی این مدت عراق با اتکا به برتری نظامی در ماه های پایانی جنگ، روند مذاکرات را تحت تأثیر ابتکار عمل خود قرار داد و از پیشرفت در حل و فصل اختلافات ممانعت می کرد. در چنین وضعیتی در حالی که عراق همچنان مواضع تهدیدآمیز خود را به سمت ایران نشانه می رفت و نوعی نگرانی از تجاوز مجدد عراق در داخل ایران به وجود آمده بود، ناگهان پس از مناقشه با کویت به اشغال این کشور اقدام کرد. عراق با این اقدام بخشی از نتایج برتری نظامی بر ایران را آشکار ساخت و مقدمات حضور گسترده امریکا و تغییر آرایش سیاسی - نظامی در منطقه را

فراهم ساخت. عراق پیش از اشغال کویت به تبادل نامه های صلح با ایران پرداخت و متعاقب اشغال کویت، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را که پیش از این در آغاز هجوم سراسری به ایران، در برابر دوربین های تلویزیونی پاره کرده بود، پذیرفت و مناسبات دو کشور در فضا و مرحله جدیدی قرار گرفت و جنگ بدون این که نتیجه ای برای عراق به دنبال داشته باشد، پایان گرفت.

ص: ۱۷

حملات پی در پی و گسترده عراق در بهار ۱۳۶۷ روند تحولات جنگ را به گونه ای ناگهانی و غافل گیرانه، به زیان ایران و به سود عراق تغییر داد. کارشناسان و تحلیل گران مختلف، نظرات متعددی در توضیح عوامل وقوع این رخداد ارائه کردند و در این میان «حضور نظامی امریکا در خلیج فارس»، «اقدام نظامی امریکا علیه ایران»، حمایت گسترده شوروی (پیشین) (۱) از عراق و «افزایش توانایی نظامی عراق» به عنوان بخشی از این عوامل مورد تأکید قرار گرفت (۲).

در واقع، نبودن چشم انداز روشن نسبت به پایان یافتن جنگ و نگرانی های موجود درباره فرآیند تحولات جنگ باعث شد تا نوعی اجماع جهانی برای تشدید فشار بر ایران و تغییر اساسی در موازنه نظامی به سود عراق به عنوان نخستین شرط پایان سریع جنگ به وجود آید.

ص: ۱۸

۱-۷. اتحاد سوسیالیستی جماهیر شوروی کشوری بود متشکل از کشورهای کوچک تر روسیه، بلوروس، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان، اوکراین، مولداوی و... که در نظام دو قطبی وقت به سردمداری قطب کمونیست، مخالف امریکا که سردمداری قطب سرمایه داری را بر عهده داشت شناخته می شد؛ اما این کشور پس از فروپاشی (۱۹۹۰ میلادی - ۱۳۶۹ خورشیدی) به چهارده کشور تجزیه شد.

۲-۸. روند تحولات جنگ در سال ۱۳۶۶ در جلد چهارم تحت عنوان شلمچه تا حلبچه بررسی شده است. با توجه به این که تحولات ماه های پایانی جنگ، ریشه در اقدامات عراق در سال ۱۳۶۶ دارد، لذا این مبحث در این جلد (پنجم) بررسی می شود تا زمینه لازم برای درک منطقی تحولات جنگ و علل پذیرش قطع نامه ۵۹۸ فراهم شود.

در همین راستا، «مایکل آرماکاست»، معاون وقت وزارت خارجه امريکا با يادآوری ضرورت تهيه طرح مشترک با شوروی برای پايان دادن به جنگ، تأکيد کرد:

«هر دو ابرقدرت علاقه مند به جلوگيري از پيروزی ايران هستند.» (۱).

«کسينجر» نيز طی مقاله ای در روزنامه «لوس آنجلس تايمز» به وحدت نظر امريکا و شوروی در کوتاه مدت درباره ضرورت ممانعت از شکست عراق تأکيد کرد (۲) «کلودسشون»، وزير خارجه سابق فرانسه نيز در مصاحبه ای گفته بود:

«اعضای دائمی شورای امنيت در يک تصميم اعلام نشده در زمينه حمايت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ايران به توافق رسیده بودند.» (۳).

اجماع بين المللی برای حمايت از عراق در مقابله با ايران، نقش مؤثر و تعيين کننده ای در تحولات سياسی - نظامی جنگ داشت، اما منشأ تحولات ماه های پايانی جنگ را بايد در جبهه های جنگ و وضعيت نظامی ايران و عراق جست و جو کرد. با توجه به اين که هسته مرکزی و نقطه ثقل تحولات نظامی در جبهه های جنگ بوده است، به نظر می رسد نتايج حاصله از تغيير در موازنه نظامی و «به دست گرفتن ابتکار عمل نظامی عراق بر روی زمين» را بايد عامل اصلی در تغيير روند جنگ و در نهايت، پاسخ مثبت ايران به قطع نامه ۵۹۸ دانست. اين تحول چشم گیر و تعيين کننده مهم ترين سؤالی است که فراروی محققان قرار دارد. به عبارت ديگر، عراق تحت چه شرايطی و در چه روندی موفق به انجام تغييرات و اقدامات اساسی برای تغيير در موازنه جنگ شد؟

در يک پاسخ کوتاه، می توان بر اين موضوع تأکيد کرد که برتری نظامی عراق، حاصل تغيير در استراتژی نظامی از دفاع به حمله و سلسله اقداماتی بود که اين کشور به طور مشخص در سال ۱۳۶۶ و در چارچوب اين استراتژی انجام داد.

ص: ۱۹

۱- ۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۱۵۵، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۶، به نقل از نشریه پاتريوت، چاپ دهلی، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۶.

۲- ۱۰. دفتر سياسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، خط توطئه در ششمين و هفتمين سال جنگ، سال ۱۳۶۶، ص ۱۶۰.

۳- ۱۱. محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، حوزه هنری سازمان تبليغات اسلامی، زمستان ۱۳۷۰، ص ۱۳۷، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ / ۶ / ۱۳۶۹، ص ۲.

ناکامی اولیه ارتش عراق پس از تجاوز به ایران و ادامه آن با شکست های پیاپی و عقب نشینی از مناطق اشغالی، چند عارضه اساسی برای کشور و ارتش عراق در پی داشت. فقدان روحیه تهاجمی، انهدام بخشی از توان و سازمان رزم ارتش عراق، از دست دادن اعتبار سیاسی و نظامی، از دست دادن قدرت به دست آمده از این اعتماد به نفس و مهم تر از همه پیدایش نوعی تزلزل در ارکان قدرت عراق از جمله این عوارض بود. بر همین اساس، ارتش عراق علاوه بر ضرورت کسب آمادگی برای دفاع در برابر حملات ایران، با نوعی چالش احتمالی امنیتی در داخل کشور متبوعش روبه رو بود. در این مرحله جدید، عراقی ها در اولویت نخست با اتخاذ استراتژی دفاعی به تحکیم مواضع و استحکامات خود پرداختند. این استراتژی می توانست شکست ناپذیری عراق را در برابر حملات پی در پی ایران تضمین کند. در سال های پس از فتح خرمشهر، ابتکار عمل در دست نیروهای ایران بود و عراق بدون داشتن روحیه تهاجمی در انفعال و لاک دفاعی به سر می برد. در این مدت آن چه عراق را شکست ناپذیر کرده بود و مانع از پیروزی قطعی نظامی ایران می شد، قدرت دفاعی ارتش عراق با تکیه بر برتری کمی نیروی انسانی و سلاح بود. عراق در استراتژی دفاعی خود از «قانون تعداد» که به گفته «کلاوز ویتس» تعیین کننده صریح و بدون ابهام نظریه جنگ است پیروی می کرد (۱) «بلیاکوف» روسی (۱۹۷۹) در این باره می گوید:

«ارتباط نیرو و ابزار، شاخص عینی قدرت جنگی طرف های متخاصم و میزان برتری [یکی] را بر دیگری نشان می دهد. این ارتباط با مقایسه اطلاعات کمی و کیفی موجود در نیروهای متخاصم تعیین می شود.» (۲).

مبتنی بر این نظر، می توان استنباط کرد که تعداد نیروها به اضافه کیفیت

ص: ۲۰

۱-۲۳. پیشین، ص ۲۹۹.

۲-۱۳. پیشین، ص ۱۱.

آنها و با در نظر گرفتن شرایط متغیر، نقش تعیین کننده ای دارد و عراقی ها به دلیل تأثیر پذیری از روش آموزش شوروی ها، قدرت دفاعی خود را در برابر ایران به تدریج بهبود بخشیدند. با وجود مزیت دفاع، نظر به این که پیروزی تنها با تهاجم حاصل می شود، عراق طی سال هایی که در موضع دفاع قرار داشت، مترصد استفاده از برتری دفاعی در فرصت مناسب بود، ولی «قدرت تصمیم گیری» و «ریسک پذیری با برخورداری از روحیه تهاجمی» دو عنصری بود که ارتش عراق به آنها نیاز داشت، ولی فاقد آنها بود.

استراتژی دفاعی عراق در این دوره ضمن این که مواضع دفاعی این کشور را پس از فتح خرمشهر همچنان محفوظ نگه داشت، در عین حال سبب شد تا ایران با اجتناب از رویارویی در مناطقی که عراق دفاعی مستحکم داشت، در پی انتخاب زمین مناسب و استفاده از اصل غافل گیری باشد که انتخاب منطقه «هور» در عملیات خیبر و بدر در این راستا بود.

در این روند، فتح فاو بسیار برجسته بود و تأثیرات تعیین کننده ای را در روند جنگ بر جای نهاد. وجه تمایز عملیات والفجر ۸ با تلاش های پس از فتح خرمشهر، حصول توانایی برای ایران در تأمین و تثبیت مناطق تصرف شده بود، امری که پیش از این حاصل نمی شد. این عملیات یک پیام نظامی داشت (۱) و به دلیل تأثیر آن در تغییر توازن به سود ایران، در واقع نقطه آغاز بازنگری عراق در خصوص ضرورت تغییر روند نظامی جنگ بود.

سرهنگ «الکساندر کولیکو»، کارشناس برجسته شوروی در مقالات مستندی که در مجله ارتش سرخ شوروی در ماه آوریل و مه ۱۹۸۶ منتشر شد (۲)، اهمیت پیروزی فاو را از نظر نظامی مورد توجه قرار داد. به نظر وی این پیروزی محدود به کسب امتیاز جغرافیایی و روانی نبوده، بلکه یک پیام نظامی داشت؛ بدین معنا که، گرچه ایران قادر نبود به تهاجم نهایی و سرنوشت ساز دست بزند ولی نشان داد که اگر به این کشور اجازه داده شود، می تواند از

ص: ۲۱

۱- ۱۴. محی الدین مصباحی، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، مجموعه مقالات تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۳۳.

۲- ۱۵. پیشین.

کارآیی سیستم دفاع متحرک عراق از طریق یک رشته عملیات برنامه ریزی شده بکاهد (۱) وی سپس در مورد کارآیی این گونه استراتژی برای دفاع در برابر عملیاتی شبیه عملیات ایران در فاو ابراز تردید کرده (۲) و تأکید می کند که ممکن است عراق مجبور شود استراتژی خود را از دفاع متحرک به استراتژی تهاجمی تغییر دهد (۳) کولیکو با توجه به ناتوانی عراق در بیرون راندن ایران از فاو و ناکامی در استراتژی دفاع متحرک، به این نتیجه رسید که نیروهای عراق و شیوه فرماندهی در جنگ برای اجرای یک استراتژی تهاجمی کافی نیست (۴) با توجه به این تحلیل، رخدادهای نظامی جنگ در آغاز سال ۱۹۸۶ نشان داد که نیروهای عراق نه تنها در موضع دفاعی قادر به مهارت تهاجمات نظامی ایران نیستند، بلکه در موضع تهاجمی نیز نمی توانند بخش های هر چند محدودی از خاک ایران را تصرف کنند. پیدایش این وضعیت بیان گر مشکلات ساختاری ارتش عراق در موضع تهاجم و دفاع بود. تحلیل نظامی شوروی ها در این زمینه به تدریج مورد پذیرش برخی از افسران ارشد عراق قرار گرفت. ادامه این وضعیت با توجه به کاهش روحیه نیروهای عراقی ضربه ای سنگین بر اعتبار نظامی بغداد بود (۵) ارزیابی های موجود از ناتوانی عراق و در مقابل، افزایش نگرانی از برتری ایران و نتایج احتمالی برخاسته از آن، زمینه تهاجم گسترده هوایی عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی و پایانه های نفت ایران را فراهم ساخت (۶) این حملات به لحاظ ماهیت آن گرچه نقش مؤثری در کاهش توان نظامی - اقتصادی ایران داشت، لیکن فاقد نقش تعیین کننده برای تغییر موازنه به سود عراق و یا پایان دادن به جنگ بود. ضمن این که ایران در این مدت علاوه بر بازپس گیری برخی از مناطق که عراق در چارچوب استراتژی دفاع متحرک تصرف کرده بود - از جمله شهر مهران - توانست عملیات کربلای ۵ را طرح ریزی و اجرا کند. در هم شکستن

ص: ۲۲

۱-۱۶. پیشین.

۲-۱۷. پیشین.

۳-۱۸. پیشین.

۴-۱۹. پیشین.

۵-۲۰. پیشین، ص ۲۲۹.

۶-۲۱. ر.ک به: کتاب از فاو تا شلمچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، صص ۵۶ - ۶۲.

مواضع دفاعی و استحکامات عراق در منطقه با اهمیت شرق بصره همان نتایجی را در پی داشت که با فتح فاو به دست آمد. به همین دلیل، به نظر برخی از کارشناسان نظامی بصره «نقطه چرخش» جنگ بود (۱). برابر اخبار موجود، صدام پس از عملیات کربلای ۵ و ناامیدی از بازپس گیری منطقه تصرف شده در این عملیات، در جلسه ای پنج ساعته با فرماندهان ارتش عراق، بحث هایی را در مورد خطر شکست تدریجی عراق در «جنگ فرسایشی» انجام داد. در این جلسه احتمالاً در مورد گسترش بیش تر سازمان گارد ریاست جمهوری، تدارک نیروهای بیش تر برای ضد حمله، تشدید جنگ نفت کش ها و استفاده بیش تر از گازهای شیمیایی، بحث و تصمیم گیری شده است (۲).

افزایش خرید و انباشت سلاح

اشاره

بر اساس گزارش های موجود، در سال ۱۳۶۶ برنامه های تسلیحاتی عراق (۳) شتاب بی سابقه ای پیدا کرد به گونه ای که از آن به عنوان «انقلاب در تأسیسات و نهاد نظامی عراق» یاد می شود. ضمن این که، شبکه تدارکاتی عراق نیز از این سال به نحو بی سابقه و چشم گیری فعال شد. «نگرانی ناشی از گسترش دامنه جنگ» و «ضرورت مقابله با برتری ایران» سبب شد که بر اساس یک «تصمیم همگانی»، عراق به طور برجسته و بی سابقه ای تجهیز شود. در این مرحله در کمتر از دو سال، فرانسه (۴) حدود ۵ / ۶ میلیارد دلار و شوروی (۵) حدود ۹ / ۳ میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات نظامی به عراق فروختند. افزون بر این، زیربنای صنعتی فوق العاده عراق از سال ۱۹۸۴ میلادی به بعد با ۱۴ / ۲

ص: ۲۳

۱- ۲۲. آنتونی کردزمن، آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه: حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ص ۳۰۱ (چاپ نشده).

۲- ۲۳. پیشین، ص ۲۹۹.

۳- ۲۴. کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۴۹۰.

۴- ۲۵. برابر گزارش مجله نیوزویک، فرانسه در طول جنگ تقریباً ۶ / ۱۶ میلیارد دلار سلاح پیش رفته از جمله ۱۳۳ فروند میراثاف - (F - ۱) و موشک های اگزوست به عراق فروخته است. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۱۳، به نقل از جمهوری اسلامی ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹).

۵- ۲۶. برابر گزارش مجله نیوزویک، پنجاه درصد از ۸۴ میلیارد دلار هزینه سلاحی که در طول جنگ به عراق فروخته شد، به وسیله روس ها تأمین شد. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۱۳، به نقل از جمهوری اسلامی ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹).

میلیارد دلار هزینه تقویت شد. عراقی ها توانستند در این روند از شوروی، امریکا، فرانسه و آلمان تجهیزات و تکنولوژی پیش رفته خریداری کنند.

کمک های شوروی به عراق

در این مرحله روس ها علاوه بر ارسال سلاح به عراق، با ارزیابی از ضعف های ساختاری ارتش آن کشور در وضعیت دفاع و حمله، در توسعه نیروهای مسلح عراق (۱) و طرح ریزی استراتژی تهاجمی عراق نیز نقش فعال و محوری داشتند. کمک های شوروی به عراق در این مرحله در مقایسه با کمک سایر کشورها بسیار برجسته تر و نمایان تر بود و تا اندازه ای، تأثیرات سرنوشت ساز بر روند تحولات جنگ داشت (۲). یکی از مسئولان حزب کمونیست شوروی درباره علل ارسال سلاح به عراق گفت:

«شوروی ارسال سلاح به عراق را به خاطر بازگرداندن موازنه نظامی و سیاسی میان ایران و عراق از سر گرفت و نه به خاطر این که جنگ ادامه یابد. ایرانیان امیدهای زیادی به برتری قدرت نیروی انسانی خود دارند و ممکن است این برتری به توازن نظامی اخلاص وارد آورد و از این رو، شوروی ارسال سلاح به عراق را آغاز کرده است و این کار همچنان ادامه دارد (۳) ... هدف از چنین معاملات، آن است که از پیروزی مهاجم کنونی یعنی جمهوری اسلامی ایران جلوگیری شود. طرف مهاجم تا زمانی که معتقد باشد پیروزی نظامی اش امکان پذیر است، حاضر نخواهد شد در گفت و گوهایی صلح و پایان دادن به نبرد شرکت جوید.» (۴).

گسترش مناسبات همه جانبه عراق و شوروی این امکان را فراهم ساخت تا روس ها اهداف جدید سیاست خارجی خود را در منطقه و در برابر ایران پی گیری کرده و در مقابل، عراقی ها نیز با برخورداری از حمایت سیاسی - نظامی شوروی، تجهیزات نظامی و کمک های مستشاری دریافت

ص: ۲۴

۱- ۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۱۰۷، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۶، قاهره، به نقل از طه یاسین رمضان.

۲- ۲۸. مأخذ ۶، ص ۲۳۶.

۳- ۲۹. پیشین، ص ۲۳۳.

۴- ۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۳۰۳، ۲۷ / ۱۰ / ۱۳۶۵، به نقل از رادیو امریکا، ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

کنند. «طه یاسین رمضان»، از مسئولان وقت دولت عراق در مصاحبه ای با مجله «الدستور» ضمن انتقاد از امریکا و تأکید بر این مسئله که «موضع امریکا پر از تضاد است»، با اشاره به موضع شوروی گفت:

«اتحاد شوروی موضع خود را روشن ساخته است... روابط فعلی عراق با اتحاد شوروی در تمامی جنبه ها رو به گسترش می رود.» (۱).

چند ماه پس از آن، وی به مسکو سفر کرد و در بازگشت به بغداد گفت:

«در این دیدار صورت جلسه هجدهمین دوره کمیته همکاری مشترک عراق و شوروی در زمینه های اقتصادی، علمی و فنی به امضا رسید.» (۲).

وی در قاهره نیز رسماً اعلام کرد:

«شوروی ها در کنار ما هستند و در توسعه نیروهای مسلح ما شرکت دارند.» (۳).

بر اساس گزارش هفته نامه «فارین ریپورت» چاپ لندن در مورد کمک های تسلیحاتی شوروی به عراق، روس ها از اول ماه ژانویه ۱۹۸۷ یک قطار هوایی به منظور تحویل اسلحه به عراق به کار انداختند و موشک های زمین به زمین با برد متوسط از نوع اسکاد - B، تانک های جدید تی - ۷۲، هواپیماهای میگ ۲۳ و میگ ۲۵ که به صورت قطعات جداگانه حمل می شد و موشک های ضد هواپیما از انواع گوناگون همراه با تکنسین های روسی را به عراق فرستاد. علاوه بر آن، حکومت مسکو چهار فروند هواپیمای سوخت رسان از نوع توپولف ۷۲ برای سوخت رسانی از آسمان به هواپیماهای جنگی و بمب افکن های عراق به آن کشور تحویل داد (۴).

«جیمزبیل» یکی از محققان امریکایی، طی مقاله ای در مورد کمک های شوروی به عراق نوشت:

«شوروی با عراق روابط بسیار نزدیک دارد و حدود ۶۰ درصد از تجهیزات نظامی آن کشور را تأمین می کند و علاوه بر هواپیماهایی مانند میگ ۲۳، ۲۱ و ۲۵ در حال حاضر میگ ۲۹ و هزاران فروند موشک زمین به زمین اسکاد فواگ در

ص: ۲۵

۱- ۳۱. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۲۹۹، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۶.

۲- ۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۶، به نقل از رادیو صوت الجماهیر، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۶.

۳- ۳۳. مأخذ ۱۶، قاهره، خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۶.

۴- ۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۸۰، ۴ / ۱۰ / ۱۳۶۶ رادیو اسرائیل، ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

عراق گذاشته است. مستشاران شوروی با مقامات نظامی عراق بر اساس یک برنامه منظم، همکاری می کنند. شکی وجود ندارد که اتحاد جماهیر شوروی بزرگ ترین قدرت خارجی است که از عراق حمایت می کند.» (۱).

با توجه به شواهد، قرائن و اطلاعات موجود، آقای هاشمی به عنوان فرمانده عالی جنگ طی سخنانی در مورد کمک تسلیحاتی شوروی به عراق (۲) و دلایل آن گفت:

«ما می دانیم که ۷۰ تا ۸۰ درصد تسلیحات عراق از آن روس هاست.» (۳).

کمک های امریکا به عراق

اقدامات امریکا نیز علیه ایران به موازات افزایش پیش روی نیروهای نظامی ایران در مواضع عراقی ها، با هدف جلوگیری از پیروزی ایران و شکست عراق تشدید شده و گسترش می یافت (۴)، زیرا پیروزی ایران بر عراق برای امریکا غیر قابل قبول بود. (۵) صدام با فرستادن «نزار حمدون» به عنوان سفیر عراق در امریکا علاوه بر اهدافی که در سطوح مختلف پی گیری می کرد، زمینه تحکیم عراق و امریکا را فراهم ساخت و به تدریج عراق به یک متحد امریکا در منطقه تبدیل گردید، و بازارش برای امریکا، بازار پر سودی ارزیابی شد (۶) به همین دلیل، جامعه تجاری و صنعتی امریکا به عنوان بزرگ ترین پشتیبان عراق، از روابط تجاری با این کشور حمایت می کرد (۷).

سیاست جانب دارانه امریکا از عراق نیز با آغاز سال ۱۳۶۶ و بر اساس

ص: ۲۶

۱- ۳۵. مأخذ ۶، ص ۴۱۸.

۲- ۳۶. برابر گزارش روزنامه «اخبار مسکو»، چاپ شوروی (پیشین)، فهرست بخشی از تسلیحاتی که شوروی در دهه ۸۰ میلادی به عراق تحویل داد، به شرح زیر می باشد: ۵۰۰ دستگاه تانک تی - ۷۲، ۱۰۰۰ دستگاه تانک تی - ۶۲، ۳۵۰ فروند موشک زمین به زمین با برد ۳۰۰ کیلومتر، ۲۵ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۹، ۲۳ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۵، ۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۳، ۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۱، ۳۰ فروند جنگنده شکاری سوخوی ۲۵، ۵۰ فروند جنگنده شکاری سوخوی ۲۰ (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۷۹، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹).

۳- ۳۷. پیشین، جلد اول، ص ۵۲.

۴- ۳۸. مأخذ ۳، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹، به نقل از نیوزویک، چاپ امریکا.

۵- ۳۹. پیشین، ص ۱۳۳ به نقل از رادیو امریکا، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۹.

۶- ۴۰. پیشین، ص ۱۳۷ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۶ / ۱۳۶۹، ریچارد مورفی، معاون اسبق وزارت خارجه امریکا، تلویزیون انگلیس.

۷- ۴۱. مأخذ ۱۵، ص ۵۹۲.

ارزیابی جدید شکل جدیدتری به خود گرفت. به گونه ای که «ریچارد آرمیتیج»، معاون وزیر جنگ آمریکا، در کنگره اظهار کرد:

«پیروزی ایران در جنگ با عراق استقلال کشورهای عربی و اسلامی را متزلزل خواهد کرد.» (۱).

به همین دلیل، «مورفی»، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد:

«هدف نهایی آمریکا مقابله با انقلاب اسلامی می باشد.» (۲).

در این حال، تصورات امریکایی ها، در مورد توان نظامی ایران و برتری این کشور بر عراق، نقشی اساسی در گرایش آمریکا به عراق داشت. ضمن این که سرخوردگی دولت آمریکا از ماجرای «مک فارلین» و تلاش برای جبران این ماجرا و اثبات نزدیکی خود به عراق نیز در این گرایش بی تأثیر نبود. (۳) بر همین اساس، امریکایی ها در سال ۱۳۶۶ با سازماندهی «فشار دیپلماتیک» به ایران از جمله با تصویب قطع نامه ۵۹۸، هم زمان با حضور نظامی گسترده در منطقه خلیج فارس، حفاظت از نفت کش های کویت را بر عهده گرفت (۴) بدین وسیله، آمریکا با ایجاد «چتر حمایت استراتژیک»، فرصت و امکان مناسب را برای حملات ویران کننده عراق به پایانه های نفت ایران و مراکز صنعتی و اقتصادی ایران، فراهم ساخت.

کمک اطلاعاتی (۵) آمریکا به عراق که از سال ۱۳۵۹ خورشیدی آغاز شد و

ص: ۲۷

۱- ۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۳، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۶ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۶، به نقل از روزنامه القبس، چاپ کویت.

۲- ۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۶، به نقل از روزنامه الانباء، چاپ کویت.

۳- ۴۴. مأخذ ۳، ص ۱۳۷ رابرت هانتر، از مسئولان سابق شورای امنیت ملی آمریکا در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی. ان. ان. ۴- ۴۵. «محمی الدین مصباحی»، طی مقاله ای در مورد تأثیر حضور آمریکا در خلیج فارس نوشت: «از اواسط ۱۹۸۷ [میلادی]، حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس عملیات حفاظت و اسکورت کشتی ها و توافق ابرقدرت ها در قبال افغانستان همراه با تصمیم شوروی در بازسازی ماشین جنگی عراق از عواملی بودند که موجب کاهش توانایی ایران در بهره برداری و استفاده از رقابت های ابرقدرت ها گردید و بدین ترتیب، خلاء استراتژیک که برای اقدامات و سیاست ایران در خلیج فارس بسیار اهمیت داشت، منتفی گردید.» (محمی الدین مصباحی، بازنشاسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، مرداد ۶۷، ص ۲۳۵).

۵- ۴۶. «وفیق السامری»، رئیس بخش ایران در سازمان اطلاعات نظامی عراق در مصاحبه با روزنامه الحیات چاپ لندن گفته بود که وی پس از آغاز جنگ در شهریور سال ۱۳۵۹ با مأموران سیا و مأموران آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا در بغداد تماس گرفته بود. ارزش مندرتین اطلاعاتی که آمریکا در اختیار عراق قرار داد بر اساس عکس های ماهواره ای از مواضع ایران در طول جبهه ۱۲۰۰ کیلومتری این کشور تهیه شده بود. مأموران آمریکا تحولات جنگ و راه های گریز در طرح های نظامی را با

همتای عراقی خود مورد بحث و بررسی قرار می دادند. مأموران امریکایی اطلاعاتی در مورد محل های استقرار نیروهای ایران، جنگ افزارها، تحرکات و مقاصد آنها در اختیار عراقی ها قرار می دادند. (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۱۶).

در سال های پایانی جنگ نیز بیش از هر چیز دیگر مورد نیاز و درخواست عراق بود (۱)، سبب گردید تا سازمان «سیا» اطلاعات فوق العاده محرمانه ای از مراکز استراتژیک ایران در اختیار عراق قرار دهد. حتی برابر برخی گزارش ها، «ویلیام کیسی» رئیس سیا، بارها عراق را در حمله به تأسیسات اقتصادی و حیاتی ایران تشویق کرده بود و نمونه آن حمله هواپیماهای عراقی به «جزیره ی سیری» که در چارچوب هم آهنگی دقیق اطلاعاتی میان سیا و ارتش عراق انجام گرفت (۲).

امریکایی ها علاوه بر فروش سلاح به عراق، در بسیاری از زمینه ها تسهیلات لازم را برای تأمین نیازمندی های تسلیحاتی عراق فراهم می کردند. بعدها «هوارد تایچر»، عضو شورای امنیت ملی امریکا در دولت ریگان، طی اظهاراتی فاش کرد که رئیس وقت سازمان سیا (ویلیام کیسی)، شخصا برای اطمینان از این که عراق تسلیحات، مهمات و خودروهای مورد نیازش را دریافت می کند، بر این همکاری نظارت می کرد (۳) برابر گزارش های موجود، امریکا در پنج سال گذشته (۱۳۶۱ تا ۱۳۶۶) معادل ۵ / ۱ میلیارد دلار تجهیزات الکترونیکی، انواع ماشین آلات، دستگاه های حساس و رایانه های فوق العاده قوی در زمینه تولید سلاح های شیمیایی، موشکی و هسته ای را به دولت عراق فروخت (۴). بعدها، یک بازپرس کنگره امریکا که مسئول بررسی عمل کرد دولت امریکا در برابر عراق بود، گفت:

«دامنه وسعت انواع تجهیزات تکنولوژی حساسی که از طرف دولت امریکا به عراق ارسال شده است، آدم را شوکه می کند.» (۵).

همچنین، در گزارشی که بعدها در تلویزیون «ای. بی. سی» امریکا پخش شد، بر این مسئله تأکید شد که شرکت های امریکا به طور قانونی و غیر قانونی

ص: ۲۸

۱- ۴۷. مأخذ ۳، ص ۶۲، مصاحبه مطبوعاتی سفیر اسبق عربستان سعودی در امریکا، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۴۸. پیشین، ص ۷۲، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۷ / ۱۳۶۹، به نقل از هفته نامه المجله، چاپ دمشق.

۳- ۴۹. مأخذ ۱۳، ص ۲۰.

۴- ۵۰. مأخذ ۳، ص ۷۸، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹، به نقل از روزنامه واشنگتن پست، چاپ امریکا.

۵- ۵۱. پیشین.

نوعی فن آوری را در اختیار عراق قرار داده بودند که این کشور را قادر می ساخت، برنامه های ساخت پیش رفته ترین جنگ افزارها را ادامه دهد. (۱) به گزارش روزنامه «تایمز مالی»، چاپ انگلیس، شرکت امریکایی «اینترنشنال سیکنال اند کنترل» نیز در انتقال مخفیانه تکنولوژی ساخت بمب های خوشه ای به عراق دست داشت (۲).

کمک های فرانسه به عراق

فرانسوی ها در مقایسه با سایر کشورهای غربی بیش ترین تسلیحات مورد نیاز عراق را به این کشور واگذار کردند. فرانسوی ها منابع استراتژیک و انگیزه های مالی لازم را برای تقویت عراق داشتند، به همین دلیل از شهریور سال ۱۳۵۹ (۳) فروش تسلیحات نظامی فرانسه به عراق به ۵ / ۶ میلیارد دلار رسید و ۴ / ۷ میلیارد دلار نیز قراردادهای بازرگانی و غیرنظامی میان دو کشور منعقد شد. دست کم، هفت میلیارد دلار از مجموع این معاملات به صورت وام و اعتبارات بود. (۴) در سال ۱۹۸۲ میلادی، ۴۰ درصد از صادرات تسلیحاتی فرانسه به عراق ارسال شد؛ میراث اف - ۱، موشک های هوا به هوا ماژیک - ۱، موشک های اگروست ۳۹ - ۵، AM، و پس از آن، هواپیماهای سوپر اتاندارد علاوه بر تقویت قدرت هوایی عراق، این کشور را برای حمله به نفت کش ها و پایانه های نفتی ایران از موقعیت برتری برخوردار کرد. همچنین، عراقی ها یک قرارداد ۶ / ۵ میلیارد دلاری تحت عنوان «پروژه فاو» با سه شرکت خصوصی فرانسوی امضا کردند. عراقی ها پیش بینی کرده بودند که طی سه مرحله، از ساخت هواپیما و صنعت فضایی برخوردار شوند و به جای تعمیر و ارائه خدمات به میراث های اف - ۱ در فرانسه، در کشور خود به این کار اقدام کنند.

ص: ۲۹

-
- ۱- ۵۲. پیشین، ص ۶۷، به نقل از شبکه ای. بی. سی امریکا، ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۹.
 - ۲- ۵۳. پیشین، ص ۷۸، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹.
 - ۳- ۵۴. متأسفانه «کردزمن» در کتاب خود، پایان دوره زمانی مورد نظر را ذکر نکرده است. احتمالاً- پایان دوره، سال ۱۳۶۷ مورد نظر بوده است.
 - ۴- ۵۵. مأخذ ۱۳، ص ۲۰۲.
 - ۵- ۵۶. پیشین، ص ۱۸۲.

همچنین، عراقی‌های امیدوار بودند با احداث کارخانه هواپیما سازی «سعد ۲۵» و با انتقال تکنولوژی، هواپیمای آموزشی آلفا جت ۱۳۴، محصول مشترک آلمان و فرانسه را تولید کنند. عراق در مرحله پایانی می‌توانست هواپیمای میراث ۲۰۰۰ اس را به عنوان بمب افکن جدید که در ارتفاع پایین پرواز می‌کرد و دستگاه رادار آن می‌توانست دفاع هوایی را گمراه کند، تولید کند. (۱) افزون بر این، فرانسوی‌ها در ساخت راکتور اتمی و فراهم کردن زمینه دست‌یابی عراق به سلاح اتمی نقش برجسته‌ای داشتند.

کمک‌های انگلیس به عراق

رونق ناگهانی بازار عراق برای صنایع ابزارسازی انگلیس نیز کارساز بود. براساس برآورد انجمن تکنولوژی ابزارهای ماشین (MTAA)، فروش ابزار ماشین انگلیس به عراق از ۲ / ۹ میلیون دلار در ۱۹۸۷ میلادی به ۳۱ / ۵ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ میلادی افزایش یافت. (۲) از سوی دیگر برخی از کارخانه‌های انگلیس در پی فروش سلاح به عراق سودآور شدند و حتی در سال ۱۹۸۸ میلادی فروش این اقلام به ۱ / ۲ میلیارد دلار رسید. (۳) هم‌زمان، انگلیس‌ها دفتر خرید ایران در خیابان ویکتوریای لندن را از طریق سازمان اطلاعاتی M-۱۵ کنترل کرده و اطلاعات آن را در اختیار عراق قرار می‌دادند (۴).

کمک‌های آلمان به عراق

آلمان‌ها همانند فرانسه و انگلیس تجهیزات نظامی فراوانی در اختیار عراق قرار دادند. فن‌آوری آلمان‌ها در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی (۵) و موشکی بیش

ص: ۳۰

۱- ۵۷. مأخذ ۱۵، صص ۶۳۱ و ۶۳۲.

۲- ۵۸. پیشین، ص ۵۱۳.

۳- ۵۹. پیشین، ص ۵۴۸.

۴- ۶۰. پیشین، ص ۶۴۸.

۵- ۶۱. به گزارش مجله «اشپیگل»، چاپ آلمان، در تأسیسات شیمیایی که شرکت‌های آلمانی در سامره ساخته بودند، مواد شیمیایی بسیار مرگ‌بار «تابون و لاست» تولید شد. کارشناسان آلمانی همچنین متوجه شدند سه کارخانه فروخته شده به عراق قادر به تولید اسید سیانیدریک غلیظ و فشرده می‌باشند. (محمد صفری، ما اعتراف می‌کنیم، ص ۱۱۴، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۱ / ۷ / ۱۳۶۹).

از سایر بخش‌ها به کار گرفته شد. آلمان‌ها مانند فرانسوی‌ها نوعی اتحاد استراتژیک با عراق داشتند، اما این اتحاد با موانعی روبه‌رو بود. آنها نمی‌توانستند روابط خود را کاملاً علنی سازند. یکی از دلایل پنهان‌کاری آلمان‌ها، جلوگیری از خشمگین شدن ایران بود (۱)، زیرا شرکت‌های آلمانی روابط اقتصادی نسبتاً گسترده‌ای با ایران داشتند و مایل نبودند بر اثر افزایش کمک‌های آلمان به عراق، این روابط دچار آسیب شود.

در این حال، آلمان‌ها در چارچوب سیاست‌های خود و با هدف کاهش خشم صدام نسبت به روابط بازرگانی آلمان با ایران، صادرات خود را در سال ۱۹۸۸ میلادی نسبت به سال قبل با جهش چشم‌گیری ادامه دادند.

در چهار حوزه کلیدی: شیمیایی (۲)، کالاهای ساخته‌شده، ماشین‌های سنگین و کنترل ابزار دقیق ماشینی و ابزارهای علمی، فروش آلمان به عراق در فاصله یک دوره ۱۲ ماهه دو برابر شد. ارزش فن‌آوری پیش‌رفته آلمان به عراق از ۸ / ۳۷۴ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ میلادی به ۸ / ۸۲۶ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ میلادی رسید. بخشی از کارخانه‌های آلمان نیز به صورت انحصاری، سلاح‌های مورد نیاز صدام را می‌ساختند (۳).

کمک‌های کویت و عربستان به عراق

کشورهای عربی به ویژه کویت و عربستان نیز با کمک‌های مالی به عراق بخشی از هزینه‌های این کشور را متحمل شدند. برابر گزارش «کردزمن»، دو کشور یاد شده در مجموع ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار به صورت قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند. (۴) بعدها، پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام‌های عراقی مبنی بر «جنگ با ایران به تنهایی»، ابوغزاله،

ص: ۳۱

۱- ۶۲. پیشین، ص ۳۱۸.

۲- ۶۳. برابر گزارش‌های موثق و محرمانه، آلمان‌ها اطلاعات به دست آمده از مجروحان شیمیایی ایرانی در بیمارستان‌های آلمانی را در اختیار عراق قرار می‌دادند تا از آنها برای اصلاح ترکیبات شیمیایی مورد استفاده در سلاح‌های خود بهره‌برداری کنند.

۳- ۶۴. پیشین، ص ۴۹۳.

۴- ۶۵. مأخذ ۱۳، ص ۲۰.

معاون اسبق رئیس جمهور و وزیر دفاع مصر ادعای عراق را به عنوان یک دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت:

«تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند» (۱).

فهد پادشاه عربستان نیز در سخنانی گفت:

«اگر عراق می گوید افراد خود را فدا کرده است، ما نیز با پول، سلاح های پیش رفته و همکاری بین المللی در این فداکاری سهمیم بوده ایم.»

وی سپس اقدامات رهبری عراق را نشان ناسپاسی نسبت به حمایت های نظامی عربستان ذکر کرد. (۲) هم زمان، شیخ «الصباح» سفیر کویت در واشنگتن در پاسخ به اظهارات عراقی ها گفت:

«کویت ۱۴ میلیارد دلار کمک های نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت نموده است... و طی جنگ، کویت بیش از نیاز نفت صادر می کرد تا به صدام در جنگ کمک کند.» (۳).

بعدها کویتی ها اذعان داشتند، افزون بر کمک های مالی، پایگاه نیروی هوایی در اختیار عراق دادند که همین امر به عراقی ها برای حمله به جزیره خارک و پایانه های نفت ایران و نفت کش ها کمک شایانی کرده بود (۴).

عراقی ها تجهیزات و مواد خامی را که برای مقاصد نظامی نیاز داشتند از دویت شرکت در ۲۱ کشور جهان به دست می آوردند. (۵) غربی ها در نظر داشتند با کمک به عراق از برتری نظامی ایران و تغییر موازنه به سود این کشور جلوگیری کنند. (۶) در نتیجه، این کمک ها همراه با حمایت های مالی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان (۷)، و سلاح های روسی، قدرت زمینی عراقی ها را بهبود بخشید و آنها توانستند با تکیه بر سلاح های فرانسوی و روسی توان هوایی خود را افزایش دهند. قدرت توپخانه این کشور نیز با خرید جنگ افزار از کشورهای مختلف افزایش یافت و قدرت ایجاد

ص: ۳۲

۱- ۶۶. روزنامه کیهان، ۷ / ۱۲ / ۱۳۶۹، ابوغزاله در گفت و گو با رادیو کویت.

۲- ۶۷. مأخذ ۳، ص ۶۲، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۹.

۳- ۶۸. کنفرانس بحران خلیج فارس، بررسی منافع و راه های موجود امریکا، ۲۱ / ۶ / ۱۳۶۶، واشنگتن.

۴- ۶۹. مأخذ ۱۵، ص ۴۲۳.

۵- ۷۰. مأخذ ۳، ص ۱۱۵، به نقل از رادیو امریکا، ۱۱ / ۷ / ۱۳۶۹.

۶- ۷۱. پیشین، ص ۵۷، رادیو لندن، ۳ / ۵ / ۱۳۶۹.

۷- ۷۲. پیشین، ص ۷۳، به نقل از مجله اشپیکل، چاپ آلمان، به نقل از «سعود الفیصل»، وزیر خارجه عربستان، ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۹.

زیرساخت صنعتی برای تولید موشک و سلاح‌های شیمیایی با کمک آلمان‌ها به وجود آمد و تقویت شد.

به دنبال پیدایش چنین وضعیتی، صدام در مهرماه ۱۳۶۶ در مصاحبه با روزنامه کویتی «السیاسه»، برتری عراق را این چنین مورد تأکید قرار داد:

«عراق در تمام زمینه‌های سیاسی و نظامی در حال حاضر قوی‌تر از سالیان گذشته است و امکانات نظامی آن حداقل نسبت به شش ماه قبل دو برابر شده است.» (۱).

وی همچنین در مصاحبه با روزنامه «بوربا» چاپ عراق با توجه به تشدید درگیری در خلیج فارس گفت:

«روند تمام عواملی که احتمالاً موجب خاتمه بخشیدن به جنگ ایران و عراق خواهد شد، اخیراً به طور رضایت بخشی به نفع عراق در حرکت می‌باشد.»

صدام این عوامل را شامل: «اوضاع جهان عرب»، «روابط بین‌المللی»، «موقعیت قوی‌تر عراق از لحاظ نظامی» و «افکار عمومی مردم ایران» ذکر کرد. وی در این مصاحبه در مورد مواضع و نظرات ابرقدرت نسبت به جنگ گفت که آنها بیش‌تر در فکر به دست آوردن صلح می‌باشند. (۲) مدتی بعد، در پی تصویب قطع‌نامه ۵۹۸ و حضور آمریکا در خلیج فارس و درگیری میان ایران و آمریکا، صدام در مصاحبه با روزنامه کویتی السیاسه درباره روند جنگ گفت:

«اهداف ایران در سال‌های اول تا هشتم جنگ تحقق پیدا نکرده است و پیش‌بینی هم نمی‌شود که در سال‌های هشتم، نهم و دهم تحقق یابد.»

وی همچنین تأکید کرد:

«پیروزی بر عراق به طور قطع غیرممکن است.» (۳).

ص: ۳۳

۱- ۷۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، شماره نشریه ۲۰۷، ۲۱ / ۷ / ۱۳۶۶، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۶.

۲- ۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه ۲۷ / ۳ / ۱۳۶۶، روزنامه بوربا، چاپ عراق، ۲۶ / ۳ / ۱۳۶۶.

۳- ۷۵. مأخذ ۵۶.

انتشار متن نامه رئیس گروه تحقیقات موشکی عراق به صدام در مرداد سال ۱۳۶۶ (۱) مبنی بر کسب موفقیت در آزمایش موشک با برد ۶۰۰ کیلومتر، به دلیل فضای ناشی از حضور امریکا در خلیج فارس و اسکورت نفت کش ها و همچنین تصویب قطع نامه ۵۹۸ در سازمان ملل، با بی توجهی مواجه شد، حال آن که این مسأله نشان دهنده یک تحول اساسی در صنایع موشکی عراق و آغاز شکل گیری مرحله جدیدی از حملات ارتش این کشور به مردم بی دفاع و غیر نظامی ایران در شهرها بود.

در نخستین واکنش نسبت به اعلام رسمی عراق مبنی بر دست یابی به موشک «الحسین» (۲) با دو برابر برد بیش تر نسبت به موشک اسکاد - B، خبرگزاری آلمان به نقل از یک منبع نظامی عرب اعلام کرد که عراق بدون کمک خارجی نمی تواند چنین موشک هایی تولید کند. (۳) بعدها، با اصابت نخستین موشک عراق به تهران که با غافل گیری و حیرت همراه بود، مسکو و واشنگتن تحویل این نوع موشک را به عراق تکذیب کردند و به تدریج، هنگامی که موشک های بیش تری به تهران اصابت کرد، معلوم شد که عراق از قابلیت تولید موشک برخوردار شده است. بعدها نمایش بخشی از قطعات موشک های منفجر نشده در تلویزیون ایران، قابلیت عراق را در تولید موشک تأیید کرد. تعویض دستگاه های سوخت، بر برد موشک های اسکاد افزوده بود و برابر برخی از گزارش ها، عراقی ها با اصلاحات گوناگون در موشک های اسکاد، از هر سه موشک اسکاد، دو موشک الحسین تولید می کردند. (۴) پروژه افزایش برد موشک اسکاد تحت عنوان پروژه ۱۷۲۸ انجام می شد و فن آوری آلمان ها

ص: ۳۴

۱- ۷۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۸، ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۶ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۶، به نقل از رادیو صوت الجماهیر.

۲- ۷۷. نام گذاری موشک های جدید عراق به «الحسین» و «العباس»، خود مسئله قابل توجهی است.

۳- ۷۸. پیشین، خبرگزاری آلمان، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۶.

۴- ۷۹. مأخذ ۱۵، ص ۵۵۶ و ۵۵۷.

این امکان را برای عراق فراهم می ساخت تا به تدریج تولید و ساخت قطعات موشک از جمله بدنه آن را آغاز کند. (۱) بعدها، بازرسان سازمان ملل به مخازن ترکیب اکسیژن سیستم مراقبت فشار و یا شاسی های پرتاب موشک دست پیدا کردند که همگی آنها ساخت آلمان بود. (۲) مجله اشپیگل چاپ آلمان با آشکار شدن نقش این کشور در انتقال تکنولوژی و کمک های فنی به عراق نوشت:

«امروز، دیگر ثابت شده است که بدون تکنولوژی آلمان، عراق قادر به تولید موشک های دور برد اسکاد - B نبوده است. تکنولوژی پیش رفته آلمان، به بغداد این امکان را داد که برد موشک های اسکاد - B را به ۶۰۰ کیلومتر افزایش دهد.» (۳).

دلایل و انگیزه های عراق برای دست یابی به زیرساخت صنعت بهسازی و تولید موشک، ترکیبی از ناکامی عراق برای دریافت موشک اس.اس.۱۲ از شوروی (۴) و استراتژی جدید این کشور برای پایان دادن به جنگ با برخورداری از سلاح جدید برای حمله به شهرها و مراکز غیرنظامی به منظور فشار مستقیم بر مردم و غیرمستقیم بر تصمیم گیرندگان در ایران بود. به گفته «عامر رشید العبیدی»، یکی از مسئولان صنایع نظامی وقت عراق:

«عراق به سلاحی نیاز داشت که جنگ را به میان مردم ایران ببرد و تنها، موشک دوربرد چنین فرصتی را در اختیار ما قرار می داد.» (۵).

عراقی ها به تدریج زیرساخت مناسبی (۶) را فراهم ساختند که منجر به

ص: ۳۵

۱- ۸۰. پیشین، ص ۴۹۵.

۲- ۸۱. روزنامه کیهان، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از مجله آلمانی اشپیگل.

۳- ۸۲. پیشین.

۴- ۸۳. «تیمرمن» در کتاب خود در این زمینه می نویسد: «خودداری شوروی از تحویل موشک اس.اس.۱۲ و وخامت اوضاع مالی عراق دست به دست هم دادند و صدام را در شتاب بخشیدن به برنامه تسلیحاتی بومی مصمم تر ساختند.» (تیمرمن، سوداگری مرگ، ص ۴۸۸).

۵- ۸۴. مأخذ ۱۵، ص ۴۸۵.

۶- ۸۵. فیوزها و سایر مکانیسم های کنترل مورد نیاز در موشک الحسین و العباس در کارخانه الکترونیکی «صلاح الدین» تولید می شد. این شرکت را فرانسوی ها ساخته بودند... بعدها «حسین کامل»، در نطق افتتاحیه نمایشگاه در بغداد رسماً اعلام کرد: در حال حاضر سه نوع متفاوت سوخت موشکی اف.ای در عراق تولید می شود.» (تیمرمن، سوداگری مرگ، صص ۶۴۰ و ۶۴۱).

تولید موشک «العباس» با برد ۸۶۰ کیلومتر شد. این موشک بر خلاف موشک الحسین، نوع بهسازی شده موشک اسکاد - B نبود، بلکه با آن طرح شباهت هایی داشت. بلند پروازترین برنامه موشکی عراق پروژه ۳۵۹ بود که زیر نظر عامر العییدی اداره می شد. وی در نظر داشت، تکنولوژی پیش رفته و پیچیده موشک کندور ۲ را با طرح ساده و بهسازی شده موشک اسکاد ترکیب کند (۱) که به دلیل مخالفت غربی ها و بعدها در پی حمله عراق به کویت، منتفی شد.

حمله موشکی عراق به تهران

حملات موشکی عراق به تهران و بازتاب های آن در جلد چهارم (از شلمچه تا حلبچه)، مورد بررسی قرار گرفته است.

برخورد نخستین موشک عراق به تهران در ۱۹ اسفند ۱۳۶۶ به منزله آغاز چهارمین مرحله از حملات عراق به مردم بی دفاع و اماکن غیر نظامی ایران بود. استفاده عراق از موشک، وجه تمایز مرحله چهارم جنگ شهرها با مراحل پیشین به شمار می رفت که موجب شگفتی ایران و کارشناسان اطلاعاتی غرب شد (۲) و سؤال ها و ابهامات بسیاری را درباره نحوه دست یابی عراق به موشک و مشخصات این جنگ افزار، مطرح کرد. روزنامه «واشنگتن پست» در مقاله ای نوشت، عراق به موشک های اس.اس.۱۲ ساخت شوروی دست یافته است ولی مقامات شوروی اجازه استفاده از آن را به عراق نمی دادند. (۳) برخی از تحلیل گران نظامی نیز بر این مسئله تأکید کردند که این موشک ها همان موشک های اسکاد - B ساخت شوروی هستند که در داخل عراق تغییر شکل یافته اند. (۴) ادعای عراق مبنی بر تولید این موشک ها سبب شد تا کمک فنی روس ها و واگذاری لوازم و سایر نیازمندی ها برای ساخت موشک در رسانه ها

ص: ۳۶

۱- ۸۶. پیشین، ص ۴۹۹.

۲- ۸۷. مأخذ ۱۳، ص ۴۰۳.

۳- ۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹، ۹ / ۱ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۸ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از واشنگتن پست.

۴- ۸۹. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۳۰۸، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از میدل ایست تایمز، چاپ قبرس.

مورد تأیید قرار گیرد. (۱) دست یابی ایران به قطعات برخی از موشک های شلیک شده که به دلایل فنی منفجر نشده بودند، و مشاهده ردپای روس ها و اعلام آن از طریق رسانه های عمومی، به تدریج این موضوع را آشکار کرد که عراق با کمک فنی آلمان و شوروی موفق به تولید موشک جدید با برد ۶۵۰ کیلومتر شده است (۲) واکنش افکار عمومی ایران درباره شوروی ها به دلیل تجهیز عراق به موشک و نگرانی روس ها از عواقب این مسئله سبب شد، «گنادی گراسیموف» سخن گوی وقت وزارت خارجه شوروی طی مصاحبه ای اعلام کند، این ادعا کاملاً بی اساس است و شوروی تاکنون از این نوع سلاح به هیچ یک از دو طرف متخاصم نفروخته است. (۳) نماینده وقت شوروی در سازمان ملل نیز اعلام کرد که شوروی این سلاح ها را در اختیار عراق قرار نداده است (۴).

اگر چه روس ها اعلام کردند که در این زمینه که در این زمینه نقشی نداشته اند، ولی اظهارات مقامات رسمی این کشور در مذاکرات، بیانگر چراغ سبز شوروی به عراق برای حمله موشکی به تهران بود. بعدها آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران گفت:

«در اوج بمباران های عراق [موشک باران تهران]، به قائم مقام وزیر خارجه شوروی گفتم: «چرا به عراقی ها موشک می دهید؟» گفت: «شما دست از حمایت مجاهدان افغانی (۵) بردارید تا ما هم موشک ندهیم، معامله خوبی نیست؟» (۶).

آقای هاشمی رفسنجانی نیز در مراسم اختتامیه کنفرانس بین المللی «تجاوز و دفاع»، در مورد سیاست شوروی ها در برابر ایران گفت:

ص: ۳۷

۱- ۹۰. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۳۰۷، ۹ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از دی ولت، چاپ آلمان، اسفند ۶۶.

۲- ۹۱. بعدها، رادیو امریکا اعلام کرد که عراق ۱۹۰ فروند موشک الحسین به شهرهای ایران پرتاب کرد. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۷۳، رادیو امریکا، ۷ آبان ۱۳۶۹).

۳- ۹۲. مأخذ ۶۹، به نقل از لوموند، چاپ پاریس، اسفند ۱۳۶۶.

۴- ۹۳. روزنامه اطلاعات، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۶، سازمان ملل، به نقل از خبرگزاری رویتر، «بلاثوکف» نماینده وقت شوروی در سازمان ملل.

۵- ۹۴. کیانوری، دبیر حزب منحل توده در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی در ۱۶ / ۱۱ / ۱۳۷۱ در همین زمینه گفت: «روس ها به آقای ولایتی صریحاً توسط وزیر خارجه شوروی می گویند: «شما به محض این که حمایت از افغان ها را قطع کنید ما هم حملات عراق به ایران را متوقف می کنیم».

۶- ۹۵. روزنامه کیهان، ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۷۵.

«آنها[شوروی ها] با داعیه همسایگی و بسیاری مسائل دیگر به دلیل آن که ما حاضر نیستیم از حکومت دست نشانده افغانستان حمایت کنیم و مردم آواره افغانستان را پناه می دهیم، از ما عصبانی هستند و به صراحت نیز به ما می گویند که: «افغانستان در برابر عراق» (۱).

در این مرحله، نوعی پیوستگی (۲) بین رفتار عراق و سیاست روس ها وجود داشت. در واقع، روس ها برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق و خروج از بحران افغانستان نیاز به همکاری ایران داشتند و برای دست یابی به آن، از طریق عراق به ایران فشار می آوردند. پیدایش این وضعیت بیان گر دشواری و پیچیدگی های حاکم بر جنگ و ابعاد رو به گسترش فشار امریکا و شوروی به ایران بود.

اهداف عراق از حملات موشکی به تهران متفاوت بود؛ برخی از موارد آن رسماً از سوی مقامات این کشور مورد تأکید قرار گرفت که به آن اشاره می شود. صدام در مصاحبه با سر دبیر روزنامه مصری «الاهرام» در مورد زمان پایان جنگ به مسئله ای اشاره کرد که در واقع دلیل تشدید فشار به ایران و حملات موشکی به تهران را روشن می کرد. وی گفت:

«هر گاه ایران درک کند که خسارات ناشی از جنگ برایش هولناک است، دست صلح را دراز خواهد کرد.» (۳).

فشار عراق در این مرحله با حمله موشکی به تهران و شایعه استفاده مستقیم از سلاح های شیمیایی (۴) بر علیه مردم متمرکز بود و هدف از آن، دست یابی به صلح عنوان شد. (۵) وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق در همین زمینه

ص: ۳۸

۱- ۹۶. مأخذ ۶، جلد اول، ص ۵۲.

۲- ۹۷. ریچارد مورفی از مسئولان وزارت خارجه امریکا در این زمینه گفت: «هر عکس العمل شوروی را باید در عمل کرد فوری رژیم بعث عراق جست و جو کرد.» (معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه، جزوه «اگر من بودم، می زدم»، سال ۱۳۶۷).

۳- ۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۹، کویت، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۶۹.

۴- ۹۹. وفیق السامری، یکی از مسئولان اطلاعاتی عراق که از این کشور متواری شد، در مصاحبه ای اعتراف کرد که عراق قصد داشت تهران را با موشک همراه با کلاهک شیمیایی مورد حمله قرار دهد.

۵- ۱۰۰. روزنامه کیهان، ۸ / ۱ / ۱۳۶۷، «سعدون حمادی»، قائم مقام وزارت خارجه عراق.

تأکید کرد که قصد عراق گسترش کانون صلح طلبان و منادیان خاتمه جنگ و تضعیف کوشش‌هایی است که برای بسیج داخلی به عمل می‌آید (۱).

با توجه به این که حمایت‌های مردمی، هسته مرکزی دفاعی و قدرت تهاجمی ایران را تشکیل می‌داد، نوعی گرایش و توجه به این تحلیل به وجود آمد که تغییر در روحیه مردم ایران تنها عاملی است که می‌تواند باعث شکست جمهوری اسلامی ایران شود. (۲) بر این اساس، هدف عراق از حمله به مردم بی‌دفاع و مراکز غیر نظامی در شهرها، درگیر کردن مردم به صورت مستقیم با نتایج خسارت‌بار جنگ بود (۳).

با فشار روانی ناشی از این حملات دشمن امیدوار شد که باور و اعتقادات مردم در خصوص جنگ و ادامه آن به تدریج تغییر کرده و در بستر این تحول، شرایط لازم برای پایان جنگ فراهم شود.

عراق، جز این در پی اهداف دیگری نیز بود. «شائول بخاش» در روزنامه واشنگتن پست درباره بخشی از این اهداف نوشت:

«عراق به تشدید جنگ ادامه می‌دهد، زیرا از آن وحشت دارد که جامعه بین‌المللی جنگ را فراموش کند و یا به این نتیجه برسد که می‌توان خصومت‌ها را با توافقی کم‌تر از آن چه عراق خواستار است، پایان دهد.» (۴).

«شیرین هانتر»، معاون بخش خاورمیانه در مرکز بین‌المللی و استراتژیک دانشگاه «جرج تاون» نیز بر این باور بود که هدف عراق بین‌المللی کردن جنگ و وارد کردن دیگر کشورها به این معرکه بر علیه ایران است (۵).

عراق افزون بر «تضعیف روحیه مردم ایران و دامن زدن به مخالفت آنان با

ص: ۳۹

۱- ۱۰۱. مأخذ ۷۵، ۱۳۶۷ / ۱ / ۶، به نقل از خبرگزاری خلیج، به نقل از لطیف جاسم، وزیر اطلاعات عراق، ۱۳۶۷ / ۱ / ۵.

۲- ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۷، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از «آنتونی پارسونز»، سفیر سابق انگلیس در ایران.

۳- ۱۰۳. «استفان پلیتر»، کارشناس سوق‌الجیشی در امور عراق می‌گوید: «عدم تحرک در اقدام به صلح سازمان ملل موجب شد که عراق به این تصمیم برسد که تنها راه ختم جنگ این است که به اقتصاد ایران آن قدر ضربه زند تا قادر به تغذیه مردمش نباشد و در عین حال نیز جمعیت شهرهای ایران را با حملات موشکی ترور کند تا آنها از دولتشان مطالبه صلح کنند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از کریستین ساینس مانیاتور).

۴- ۱۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از رادیو امریکا، ۱ / ۱۰ / ۱۳۶۷.

۵- ۱۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۸، ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۷، بلگراد، به نقل از خبرگزاری تانیوگ، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

«جنگ»، و همچنین «تحت فشار قرار دادن جوامع بین‌المللی برای اتخاذ اقدامات مؤثر جهت خاتمه دادن به جنگ»، هدفی دیگر را نیز دنبال می‌کرد و آن «تحریک ایران برای انجام عملیات زمینی» بود.

به نظر می‌رسد افزایش توانایی نظامی عراق با خرید تجهیزات و سلاح‌های پیش‌رفته و گسترش سازمان رزم، این اطمینان را برای نیروهای عراقی فراهم ساخته بود که از آمادگی بیش‌تری برای مقابله با تهاجمات قوای نظامی ایران برخوردار شده‌اند. بر همین اساس روزنامه واشنگتن پست به نقل از یک مقام آگاه عراقی می‌نویسد:

«برای اولین بار در تاریخ عراق، ما می‌خواهیم ایرانی‌ها حمله کنند.» (۱).

رادیو امریکا طی تحلیلی با بیان نظریه موجود در مورد حمله موشکی عراق تأکید می‌کند:

«عراقی‌ها می‌خواهند ایران دست به حمله زمینی بزند، زیرا می‌دانند که قادرند آن را بشکنند» (۲).

استراتژی عراق در جنگ شهرها بر این مبنا بود که ایران قادر به مقابله با برتری موشکی عراق نخواهد بود. (۳) و در نتیجه ایران برای خروج از فشار روانی ناشی از حملات موشکی به تهران اقدام به انجام عملیات زمینی خواهد کرد. چنان‌که با گذشت یک هفته متوالی از حملات موشکی عراق، آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی گفت:

«ایران پاسخی نهایی خود به موشک‌های عراقی را با عملیات در جبهه‌ها خواهد داد.» (۴).

عراقی‌ها همواره در فصل زمستان تحت فشار روانی ناشی از انجام عملیات گسترده ایران که به صورت سالانه انجام می‌شد قرار داشتند. بنابراین تحریک ایران به انجام حمله زمینی می‌توانست خیال عراقی‌ها را در مورد ابعاد و منطقه عملیات، آسوده کند، ضمن این‌که در این مرحله عراقی‌ها استراتژی

ص: ۴۰

۱- ۱۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۳۵۱، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۶، ص ۳۳، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۲- ۱۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۳۵۹، ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۶، به نقل از رادیو امریکا، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۳- ۱۰۸. پیشین، واشنگتن پست، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۷.

۴- ۱۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۳۵۸، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۲۱ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

تهاجمی جدیدی را طرح ریزی کرده بودند که نقطه آغاز آن حمله به فاو بود. بنابراین انجام حمله زمینی به وسیله ایران، زمینه مناسب را برای اجرای استراتژی تهاجمی عراق فراهم می ساخت.

بازسازی و تحول در سازمان رزم

«کردزمن» در کتاب درس هایی از جنگ ایران و عراق، معتقد است که هنوز ماهیت قطعی تغییرات صورت گرفته نامعلوم است، ولی به نظر می رسد که عراق مبادرت به سازمان دهی مجدد «شورای عالی دفاع» خود در سال های ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۵ - ۶۶) کرده است تا فرماندهان و افسران واحدهای رزمی امکان اظهار نظر بیش تری بیابند و تمرکز گرایش در ساختار فرماندهی عراق کاهش یافته و حرفه گرایی از بهای بیش تری در مقابل سیاست گرایی برخوردار شود. (ص ۳۹۳).

استراتژی نظامی عراق در سال ۱۳۶۶ از دو مشخصه برخوردار بود. در بعد پدافندی فراهم کردن آمادگی های لازم برای مقابله با تهاجم قوای نظامی ایران و در بعد آفندی کسب توانایی برای بازپس گیری مناطق از دست رفته در منطقه جنوب بود. (۱) نظر به این که بسیاری از یگان های دشمن در دو عملیات کربلای ۵ و ۸ شرکت کرده و خسارات و تلفات قابل ملاحظه ای را متحمل شده بودند، لذا بازسازی یگان ها با فراخوانی های مجدد عمومی و نیروهای شهربانی به همراه عفو عمومی زندانیان و فراری ها آغاز شد. (۲) فرصت حاصله از تغییر استراتژی ایران از جنوب به منطقه شمال غرب این امکان را برای عراقی ها فراهم ساخت تا طی این مدت با فراغت کامل بازسازی، آموزش و تجدید سازمان ارتش عراق را دنبال نمایند. (۳) پیش از این با توجه به ناتوانی عراق برای مقابله با تهاجم قوای نظامی ایران، به وسیله کارشناسان نظامی چنین پیش بینی می شد که ارتش عراق از آموزش کافی یا روحیه تهاجمی برای دست زدن به حمله برخوردار نیست. اما با توجه به اقدامات عراق در سال ۱۳۶۶ تحلیل گران پنتاگون به وجود تحولات عمده در ارتش عراق پی بردند و در ارزیابی خود تجدید نظر کردند (۴).

ص: ۴۱

-
- ۱- ۱۱۰. بررسی و تحلیل دشمن در ۲ ماه اخیر در جنوب، اطلاعات قرارگاه کربلا، اسفند ۱۳۶۶، فروردین ۱۳۶۷، ص ۵.
 - ۲- ۱۱۱. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بررسی عمل کرد دشمن در سال ۱۳۶۶، ص ۸۳.
 - ۳- ۱۱۲. معاونت اطلاعات قرارگاه کربلا، سال ۱۳۶۶، جزوه ترتیب نیرو، ص ۹.
 - ۴- ۱۱۳. معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی» خرداد ۱۳۶۷، صص ۲ و ۳، عراق، بازسازی و تحول در سازمان رزم، به نقل از نیویورک تایمز، ۹ / ۲ / ۱۳۶۷.

عراقی‌ها نخست برای برخورداری از آمادگی لازم در چارچوب استراتژی پدافندی در منطقه جنوب، اقدامات زیر را به عمل آوردند:

- ۱- افزایش رده‌ها و موانع جلوی خطوط پدافندی خود.
- ۲- عمق بخشیدن به خطوط پدافندی (۱).
- ۳- ایجاد خطوط مواصلاتی متعدد برای تحرک بخشیدن به مانور و پشتیبانی نیروها.
- ۴- به کارگیری و افزایش سازمان‌های احتیاط محلی تیپ‌ها و لشکرها و سپاه‌ها.
- ۵- پیروی کردن از تاکتیک‌های منطقه‌ای به ویژه در مناطق سپاه‌های سوم، ششم و هفتم.
- ۶- اعزام و انتقال یگان‌های مانوری از قبیل: لشکرهای گارد و تیپ‌های نیروی مخصوص با در نظر گرفتن میزان حساسیت‌های نیروهای ایرانی در هر منطقه به صورت «احتیاط نزدیک» (۲).
- ۷- اجرای مانورهای دفاعی (بازدارنده) و تمرین پاتک (بازپس‌گیری). (۳).
- ۸- فعال شدن کلیه عناصر اطلاعاتی عراق جهت کسب اطلاعات از چگونگی و زمان دقیق تک‌نیروهای ایرانی در جنوب (۴).
- ۹- بازدید و توجیه فرماندهان عراق با برنامه ریزی‌های خاص از بالاترین رده‌ها (مثل شخص صدام) تا رده فرماندهی تیپ‌ها از مناطق جنوب.
- ۱۰- تشکیل جلسات گوناگون درباره آگاهی از نحوه اجرای دستورات و تاکتیک‌های اجرا شده بنابر دکترین اتخاذ شده قبلی.
- ۱۱- انجام مانور آتش کلیه جنگ افزارها بر علیه نیروهای ایرانی و ارزیابی

ص: ۴۲

-
- ۱- ۱۱۴. دشمن در مناطق سپاه‌های سوم، ششم و هفتم، چهار رده پدافندی ایجاد کرد.
 - ۲- ۱۱۵. بیش‌تر این انتقال‌ها از ابتدای مهر ۱۳۶۶ به سمت منطقه جنوب صورت گرفت.
 - ۳- ۱۱۶. بیش‌تر این مانورها در فصل پاییز و زمستان سال ۱۳۶۶ به صورت چشم‌گیری انجام شد.
 - ۴- ۱۱۷. این اقدامات در فصل پاییز و زمستان ۱۳۶۶ گسترده‌تر شد.

فرماندهان دشمن از این آتش ها به هنگام اجرا که در بسیاری از مناطق جنوب مشاهده می شد.

۱۲- اعلام آماده باش های مکرر در تمام مناطق جنوب برای حفظ هوشیاری و آمادگی نیروها که در فصل پاییز و زمستان ۱۳۶۶ به طور چشم گیر انجام شد (۱).

روند جنگ در آخرین سال به گونه ای بود که دشمن در منطقه جنوب در سال ۱۳۶۶ با هیچ گونه تهدیدی مواجه نشد، لذا فرصت لازم را به دست آورد تا برای ایجاد استحکام در رده های پدافندی خود، دست به احداث سنگرهای جدید و ترمیم سنگرهای قدیمی بزند (۲).

تلاش مهندسی عراق

فعالیت مهندسی دشمن در سال ۱۳۶۶ در منطقه جنوب از بیش ترین حجم برخوردار بود که به دلیل اهمیت آن به تفکیک مناطق به آنها اشاره می شود: (۳).

الف) شلمچه: حساسیت و اهمیت شهر بصره و همچنین شکسته شدن دژهای مستحکم شلمچه در عملیات کربلای ۵ باعث شد تا عراق بیش ترین، حجم فعالیت مهندسی خود را در این منطقه متمرکز کند. تصرف پنج ضلعی، «نهر دو عیجی»، «نهر جاسم» و همچنین بخش هایی از شرق و غرب کانال ماهی گیری و جزایر «بوارین»، «ماهی» و «ام الطویل» به دست نیروهای ایرانی، وضعیت بغرنجی را از نظر پدافندی برای عراق به وجود آورد. حضور رزمندگان اسلام در جنوب کانال زوجی و از سوی دیگر در شرق و غرب کانال ماهی گیری مانع آن شده بود که عراق رده های مناسب پدافندی ایجاد کند و به همین خاطر، عراق تقریباً مجبور بود، از یک سو خطوط ایجاد شده خود را

ص: ۴۳

۱- ۱۱۸. مأخذ ۸۶، ص ۱۳۱.

۲- ۱۱۹. پیشین، ص ۲۶.

۳- ۱۲۰. این بحث با استفاده از گزارش های مندرج در بولتن «بررسی» تحت عنوان «عراق، بازسازی و تحول در سازمان رزم»، (خرداد سال ۱۳۶۷) که متکی به اطلاعات داده شده به وسیله معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه می باشد، نوشته شده است.

پاک کرده و از سمت دیگر اقدام به احداث رده دفاعی کند. به هر صورت، پس از عملیات کربلای ۸ دشمن تمرکز فعالیت های خود را در رده اول تا پنجم جنوب کانال زوجی و غرب کانال ماهی گیری قرار داده و یک رده جدید نیز در شمال آب گرفتگی بویان احداث کرد. عراق در این مدت، حدود ۶۰ کیلومتر خاک ریز در منطقه شرق بصره احداث و ترمیم کرد. در همین مدت شمال کانال تا رودخانه دجله و شهر بصره که تا آن زمان از موانع و رده های پدافندی زیادی برخوردار نبود، حجم بالایی از کار مهندسی دشمن را به خود اختصاص داد.

ب- جنوب اروند و شبه جزیره فاو: دشمن به لحاظ فعالیت فراوان مهندسی بعد از عملیات والفجر ۸ در این منطقه با مشکل عمده ای روبه رو نبود به ویژه این که مانع بزرگی همچون رودخانه اروند در برابر رزمندگان اسلام قرار داشت. به طور کلی دشمن برای نقل و انتقال آسان یگان ها و نیروهایش در منطقه یاد شده، عمده فعالیت های مهندسی خود را در طول سال ۱۳۶۶ به احداث و ترمیم خاک ریزها و جاده ها و حفر کانال های فراوان نررو در خطوط مقدم اختصاص داد.

ج) هور: سیاست پدافندی دشمن در منطقه هورالهویزه بیش تر به ایجاد و ترمیم رده های دفاعی دوم و سوم مربوط بود و بالاترین حجم فعالیت مهندسی عراق در این زمینه به جزیره جنوبی اختصاص داشت.

دشمن در ادامه تلاش های گذشته خود موفق شد جزیره را از دو سمت شرق و غرب به منطقه طلائیه و پدالهویدی متصل و خطوط مواصلاتی متعددی را در آن احداث کند. از ۱۶۰۰ کیلومتر سیل بند و خاک ریز که دشمن در این منطقه احداث کرده بوده حدود ۱۰۰ کیلومتر به جزیره جنوبی اختصاص داشت که همین مسئله بیانگر میزان حساسیت و توجه دشمن به این محور بود.

سیاست جدید عراق در این باره، واگذاری مسئولیت پدافند جزیره از سپاه سوم به سپاه ششم بود که این تصمیم پس از اتصال جزیره به پدال هویدی به مرحله اجرا درآمد. هدف عمده و اصلی فعالیت های دشمن در این منطقه را می توان در دو چیز خلاصه کرد: یکی تسهیل در امر ارتباط یگان ها با عقبه هایشان و دیگری کاستن از خطوط پدافندی و آزاد کردن یگان های درگیر خود.

د) شرق عماره - غرب فکه: این منطقه به لحاظ وضعیت جغرافیایی خاص خود، از عملیات والفجر مقدماتی به بعد به منطقه ای آرام و پدافندی تبدیل شد و نسبت به دیگر مناطق از کم ترین فعالیت های مهندسی دشمن برخوردار بود. آرامش نسبی حاکم بر منطقه شرق عماره و عدم تلاش و تحرک جمهوری اسلامی در آنجا باعث شد تا به محل امن برای بازسازی و آموزش یگان های تازه تأسیس و ضربه دیده دشمن تبدیل شود.

مجموعه تلاش های پدافندی عراق در سال ۱۳۶۶ برای افزایش قابلیت های بازدارندگی و دفاعی اش سبب شد که نوعی اطمینان از آمادگی برای دفاع و عدم غافل گیری در زمان و مکان برای خود حاصل کند (۱).

فراخوانی و آموزش

ضربات پی در پی رزمندگان اسلام بر قوای نظامی دشمن در سال ۱۳۶۵ سبب شد تا عراقی ها متحمل تلفات و خسارات فراوانی شده و فرصت لازم را برای بازسازی نیابند. نیازمندی عراق به یگان های پیاده و بازسازی یگان های زرهی و مکانیزه باعث شد، تا با فراخوانی و آموزش و جایگزینی تجهیزات به تقویت بنیه دفاعی و تهاجمی خود اقدام کند.

پیش از این، ارتش عراق هر سال تنها یک نوبت فراخوانی داشت، ولی با تشدید روند تحولات جنگ و کاستی های موجود در سازمان رزم عراق،

ص: ۴۵

فراخوانی به سه نوبت در سال افزایش یافت و در ماه های چهارم، هشتم و دوازدهم سال، نیروها فراخوانی می شدند. در هر نوبت صدهزار تن از مشمولان جدید، خود را به حوزه های نظام وظیفه معرفی کرده و در مجموع حدود ۳۰۰ هزار نیرو در پادگان ها دوره آموزشی را طی کرده و سپس به یگان ها معرفی می شدند. (۱) عراق برای جبران کمبود نیروی خود، اقدامات زیر را در فراخوانی ها انجام می داد:

- به حداقل رساندن شمار افسران و نیروهای گارد پادگان های آموزشی، پشتیبانی و غیره در پشت جبهه.

- استفاده از افسران مجروح معالجه شده، در مناطق عملیاتی.

- گرفتن نیرو از شهربانی و پلیس.

- کاهش استعداد گردان های دفاع الواجبات (نیروهای حفاظت کننده از مراکز نظامی).

- اعلام عفو عمومی.

- احضار متولدین سال های ۶۷، ۶۸، ۱۹۶۹ میلادی (۱۹ تا ۲۰ ساله) و متولدین سال های ۴۵ تا ۱۹۵۳ (۳۶ تا ۴۴ ساله) به خدمت.

- به کارگیری سربازان وظیفه دیپلم به جای درجه داران و تکمیل کادر درجه داری.

- جمع آوری گروهان های کماندویی و تبدیل آنها به تیپ های جدید.

- جمع آوری افسران توجیه سیاسی از گردان ها.

- جمع آوری فراریان در هور.

- تعطیل برخی از کارخانه ها به بهانه نبود مواد اولیه (با هدف جذب نیروها به جبهه ها).

- ادغام بعضی از وزارت خانه ها و یا انحلال آنها به منظور استفاده از نیروی اضافی آنها.

ص: ۴۶

- قطع کمک هزینه های تحصیلی و مجبور شدن استفاده کنندگان آنها به خدمت سربازی.

- کاهش عمومی ظرفیت دانشگاه ها و مجبور شدن دانشجویان برای خدمت سربازی.

- جذب ۳۰ درصد از نیروی ادارات در جبهه (۱).

یکی از تحلیل گران در گزارش خود درباره تمرینات آموزشی گسترده عراق نوشت:

«در طول سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) این کشور نیروهای نخبه خود را برای انجام آموزش های رزم مرکب، از خطوط مقدم عقب کشید. این نوع آموزش که به نیروهای زرهی و پیاده داده می شد، به فرماندهان تمام سطوح به ویژه در واحدهای گارد ریاست جمهوری اجازه آزادی عمل بیش تری در تمرینات می داد. همچنین مانورهایی در سطح سپاه با تاکتیک های دفاع و ضد حمله انجام می شد. این اصلاحات، بهبود عمده ای در تعدادی از سپاه ها و لشکرهای کلیدی عراق به وجود آورد» (۲).

گسترش سازمان رزم عراق

ناکامی عراق پس از تهاجم اولیه به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و پس از آن، حملات پی در پی و گسترده ایران برای آزاد کردن مناطق اشغالی و نامطلوب شدن وضعیت ارتش عراق، آن کشور را به گسترش سازمان رزم خود مصمم ساخت. بدین ترتیب عراق که در آستانه تجاوز به ایران، ۱۲ لشکر را در قالب سه سپاه سازمان دهی کرده بود، دست به تشکیل یگان های جدید زد (۳).

ص: ۴۷

۱- ۱۲۳. معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه، نگرشی بر وضعیت ارتش عراق در ده سال گذشته، دی ماه ۱۳۷۰، ص ۱۵.

۲- ۱۲۴. مأخذ ۱۳، ص ۳۹۲.

۳- ۱۲۵. عراق در سال ۱۳۶۰ دو لشکر ۱۴ و ۱۵ پیاده و در سال ۱۳۶۱ پنج لشکر ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۶ و ۲۳ پیاده و در سال ۱۳۶۲ سه لشکر ۱۷ زرهی (همان لشکر ۹ زرهی بازسازی شده است)، ۱۸ و ۱۹ پیاده و در سال ۱۳۶۳ نه لشکر ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴ و ۳۵ پیاده و در سال ۱۳۶۴ ده لشکر ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۴، ۳۳، ۳۲ و ۴۵ پیاده و در سال ۱۳۶۵ ده لشکر ۳، ۲، ۱ و ویژه ۳، ۲، ۱ گارد ریاست جمهوری، ۴۲ الاهیوار پیاده ۱ و ۵ الوطنی و در سال ۱۳۶۶ پنج لشکر ۴۴ و ۵۰ پیاده، ۴ گارد ریاست جمهوری، فرماندهی حفاظت نفت، حراست نفت و در سال ۱۳۶۷ شش لشکر ۸، ۷، ۶، ۵ گارد ریاست جمهوری، ۴۶ و ۴۹ پیاده را سازماندهی کرد. (معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه «نگرشی بر وضعیت ارتش عراق در ده سال گذشته»، دی ماه ۱۳۷۰، ص ۱۵).

به گونه ای که در سال ۱۳۶۶ (سال هشتم تجاوز) ۵۹ لشکر متشکل از ۵۱ لشکر پیاده، ۶ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه را در ۹ سپاه سازمان دهی کرد که با توجه به وضعیت عراق امری فوق العاده به شمار می رفت. تشکیل سپاه های عراق، عکس العمل آن کشور در برابر موفقیت نیروهای جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ هشت ساله بود و بدین ترتیب دشمن می کوشید نقاط ضعف خود را با بسیج نیرو و امکانات پوشش دهد. در همین راستا عراق، ۶ سپاه جدید را به ترتیب زیر تشکیل داد:

سپاه چهارم را در منطقه عماره به نام نیروهای «حطین» در ۳۰ مهر ۱۳۶۰ (قبل از آغاز عملیات فتح المبین) و سپاه پنجم را در منطقه شرق دجله به نام نیروهای «عمودیه» در تیر ۱۳۶۴ (پس از عملیات خیبر) و سپاه ششم را در منطقه شرق دجله به نام نیروهای «الحکم» در ۱۱ شهریور ۱۳۶۴ (پس از عملیات بدر) و سپاه هفتم را در منطقه غرب اروند به نام نیروهای «ذیقار» در ۱۱ شهریور ۱۳۶۴ (پس از عملیات بدر) و سپاه یکم ویژه را در منطقه کوت به نام نیروهای «الله اکبر» در ۲۰ شهریور ۱۳۶۵ (پس از عملیات والفجر ۸) و سپاه گارد ریاست جمهوری را در بغداد به نام نیروهای «الفاریس» در ۲۱ دی ۱۳۶۵ (پس از عملیات والفجر ۸) سازمان دهی کرد (۱).

با توجه به نگرانی دشمن نسبت به منطقه جنوب (فاو تا چنگوله)، این منطقه با چهار سپاه به نام های سپاه هفتم، سوم، ششم و چهارم پدافند می شد. (۲) در ترکیب کلی سپاه ها و لشکرها هر سپاه یک تیپ کماندویی و هر لشکر یک گردان کماندویی در اختیار داشت. البته در برخی از مناطق به دلیل عدم امکان استفاده از یگان های زرهی و احساس نیاز دشمن، نیروهای

ص: ۴۸

۱-۱۲۶. پیشین.

۲-۱۲۷. مأخذ ۸۷ ص ۲.

کماندویی یک سپاه از یک تیپ به دو تیپ و گردان های کماندویی یک لشکر از یک گردان به دو گردان افزایش می یافت (۱).

استعداد نیروهای دشمن در منطقه جنوب در مجموع بالغ بر دو لشکر پیاده، دو لشکر مکانیزه و چهار لشکر زرهی بود. هر سپاه یک لشکر زرهی در «احتیاط» داشت که در مجموع چهار لشکر در احتیاط سپاه های چهار گانه دشمن در منطقه جنوب قرار داشتند. (۲) مجموع نیروهای درگیر عراق بر حسب گردان ۲۲۵ گردان پیاده، ۳۳ گردان زرهی، ۴ گردان مکانیزه، ۳۴ گردان کماندویی و مجموع گردان های احتیاط آن ۶ گردان پیاده، ۱۱ گردان زرهی، ۶ گردان مکانیزه، ۴۲ گردان و ۳ گروهان کماندویی و مجموع نیروهای درگیر و احتیاط دشمن بالغ بر ۳۶۱ گردان پیاده، زرهی، مکانیزه و کماندویی بود. (۳) افزایش توان نظامی عراق علاوه بر این که قدرت دفاعی را تقویت می کرد، زمینه های لازم را برای اجرای استراتژی آفندی با هدف بازپس گیری مناطق تحت تصرف ایران فراهم می ساخت، به همین منظور عراقی ها اقداماتی را شامل مانور بازپس گیری منطقه فاو، همراه با حملات محدود در منطقه جنوب به اجرا گذاشتند.

مانورهای دشمن

مانورها و تاکتیک های یگان های دشمن در منطقه جنوب به تناسب استراتژی عراق شامل دفاع (پدافند) و تهاجم (آفند) بود. به همین دلیل بیش ترین تلاش این یگان ها اتخاذ مواضع پدافندی و غیرقابل نفوذ (پدافند منطقه ای) و در همان حال، برخورداری از آمادگی لازم برای تغییر موضع از پدافند به آفند بود. (۴) عراق افزایش آمادگی و تکمیل آموزش یگان های رزمی خود را در نقاط حساس آفندی و پدافندی پی گیری می کرد. (۵) تلاش های نظامی ایران در منطقه فاو در اواخر پاییز و زمستان ۱۳۶۶ سبب افزایش حساسیت دشمن

ص: ۴۹

۱- ۱۲۸. مأخذ ۸۶ ص ۴۴.

۲- ۱۲۹. مأخذ ۸۷ ص ۲.

۳- ۱۳۰. مأخذ ۸۵ ص ۲۳.

۴- ۱۳۱. مأخذ ۹۲.

۵- ۱۳۲. مأخذ ۸۶ ص ۸۳.

در آن منطقه بود. دشمن هم در اندیشه اتخاذ مواضع پدافندی مناسب در منطقه بود و هم به دنبال کسب آمادگی لازم تا در فرصتی به هنگام، با تغییر موضع، منطقه فاو را بازپس گیرد. بر پایه همین مسئله، میزان آموزش یگان های دشمن در این منطقه بسیار قابل ملاحظه بود، چنان که حدود ۲۰ یگان در منطقه غرب رودخانه اروند دوره های آموزشی را گذراندند. (۱) بدین ترتیب که از اوایل بهمن سال ۱۳۶۶ عراق یگان های یاد شده را از مناطق جنوب با هدف آمادگی برای عملیات آفندی و بازپس گیری فاو به این منطقه، در کنار «خور عبدالله» منقل کرد. (۲) دشمن ماکت منطقه فاو را در زمینی وسیع در منطقه زیبر احداث کرده و آخرین وضعیت خاک ریزها و میادین مین نیروهای ایرانی در منطقه فاو را در آن ماکت پیاده کرده بود و بر اساس آن نیروهایش را آموزش می داد. نظر به اهمیت مانور آموزشی و اهدافی که پی گیری می شد، در دهم اسفند ۱۳۶۶ ارتشبد «عبدالکریم نزار الخزرچی» از منطقه بازدید کرد و پس از آن، «ماهر عبدالرشید»، فرمانده سپاه هفتم در بازدید از منطقه گفت:

«ما به شما سربازان عراقی امید زیادی داریم و امن از شما می خواهیم کلیه سرزمین های عراق را که به تصرف ایرانی ها درآمده است بازپس گیرید... ما منتظر نیروهای ایرانی نمی نشینیم بلکه خود را آماده می نمایم تا منطقه فاو را بازپس بگیریم.» (۳)

اجرای عملیات محدود در منطقه جنوب

ارتش عراق با کسب آمادگی دفاعی و تهاجمی، به عملیات ایذایی محدودی در منطقه جنوب با اهداف چندگانه دست زد. بازداشتن نیروهای ایرانی از ادامه تهاجم در منطقه اروندرود، تقویت روحیه نیروهای عراقی و مهم تر از همه، به دست گرفتن ابتکار عمل نظامی در جنوب، بخشی از این اهداف بود (۴).

ص: ۵۰

۱- ۱۳۳. مأخذ ۸۵ ص ۳ و ۴.

۲- ۱۳۴. پیشین، ص ۲۴.

۳- ۱۳۵. پیشین، صص ۲۴ و ۲۵.

۴- ۱۳۶. مأخذ ۸۷ ص ۱.

بدین منظور، ارتش عراق نقل و انتقال و جابه جایی های زیادی را در منطقه جنوب انجام داد و از تابستان ۱۳۶۶ آغاز به عملیات محدود کرد و در همین راستا در ۲۰ تیر ۱۳۶۶ در جزیره مجنون با دو گروهان اقدام به تک کرد که در ضلع غربی جزیره جنوبی ۱۲۰۰ متر و در ضلع شرقی ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر پیش روی کرد. (۱) همچنین در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ دشمن در منطقه فاو با استعداد یک گردان در محور «ام القصر» دست به تک زد، اما موفقیتی به دست نیاورد. (۲) به طور کامل، دشمن بعد از عملیات کربلای ۵ طی یک سال، ۱۹ عملیات محدود در منطقه غرب اروندرود و شرق عماره و یک عملیات در منطقه شرق بصره انجام داد (۳).

در کنار فعالیت های عراقی ها، منافقین نیز بر فعالیت های خود در منطقه جنوب (چنگوله تا فاو) افزودند و جمعا هشت مورد عملیات در منطقه قره تپه، غرب میمه، غرب دوبرج، منطقه بیات، دیواره مرگ و کوشک انجام دادند. بیش ترین تلاش منافقین در خطوط پدافندی ارتش ایران و با هدف گرفتن اسیر و تخلیه اطلاعاتی آنها انجام می شد. (۴) در ماه های پایانی سال ۱۳۶۶ آمادگی دفاعی و تهاجمی عراق سبب گردید مسئولان عراق بر آمادگی خود در مقابله با جمهوری اسلامی تأکید کنند. در همین باره «عدنان خیرالله» وزیر دفاع وقت عراق اعلام کرد:

«عراق برای رویارویی با حمله آینده ایران از کمال خونسردی و آرامش خاطر بهره می برد و در این زمینه تمامی امکانات و آمادگی رزمی خود را بسیج کرده ایم» (۵).

ص: ۵۱

۱- ۱۳۷. پیشین.

۲- ۱۳۸. پیشین، ص ۲.

۳- ۱۳۹. در این عملیات ها تیپ های ۴۳۱، ۱۰۶، ۴۵، ۹۳، ۴۲۱، ۴۱۸، ۱۱۷، ۲۹، ۱۸ و ۲۱ مکانیزه ۹۹، ۳۹ ۵۰۲، ۱۱۴، ۲۸، ۹۱، ۹۷ مکانیزه و ۴۱۸، ۴۲۵، ۴۱۷، ۹۴، ۳۹، ۶۰۳، ۴۴۳، ۱۸ و ۸۰ زرهی کماندویی سپاه یکم، دوم و چهارم، ۸۳، ۸۱، ۵۰۵، دو تیپ کماندویی سپاه ششم و گردان های کماندویی ۷۱ و دو گردان تانک لشکر ۲۷، دو تیپ ۹۷، ۱۴۰ خفیه شرکت داشتند که جمعا ۷۴۳۵ تن از نیروهای دشمن کشته و ۲۰۷۴ تن اسیر شدند. (سپاه پاسداران، عمل کرد دشمن در سال ۱۳۶۶، ص ۸).

۴- ۱۴۰. مأخذ ۸۸، صص ۱۴ و ۱۵.

۵- ۱۴۱. مأخذ ۸۶، ص ۱۳۶.

او همچنین در مورد آمادگی عراق برای انجام عملیات آفندی گفت:

«عراق تصمیم دارد ایرانیان را از تمامی سرزمین های اشغالی خود خارج سازد و ایران به زودی جاپای به دست آورده در خاک عراق را از دست خواهد داد» (۱).

روزنامه عراقی «الجمهوریه» نیز بر تصمیم عراق به تصرف این مناطق اشاره کرد. (۲) پیش از این عدنان خیرالله تصرف مجدد فاو را مشروط به برقراری توازن روحیه و توان کرده بود. (۳) صدام نیز با تأکید بر این که نیروهای ایرانی در سال ۱۳۶۶ در مقایسه با سال ۱۳۶۵ - که از نیروهای سپاه محمد صلی الله علیه و آله و سلم استفاده کرد - از توان و نیروی کمتری برخوردار است، خطاب به ارتش عراق اعلام کرد:

«شما تعدادتان از همه نظر بیش تر است» (۴).

ص: ۵۲

۱- ۱۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۳۹، ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۶، بغداد، خبرگزاری عراق، به نقل از روزنامه القادسیه، ۲ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۲- ۱۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از خبرگزاری عراق ۱۰ / ۱۳۶۷ / ۱.

۳- ۱۴۴. معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۰، به نقل از «عدنان خیرالله».

۴- ۱۴۵. مأخذ ۸۶، ص ۱۳۶.

عراقی‌ها برای تغییر در این موازنه، علاوه بر بین‌المللی کردن جنگ و تشدید فشار بر ایران، بر این باور بودند که صحنه اصلی تغییر در موازنه جنگ بر روی زمین است (۱) و در صورت تغییر استراتژی از پدافند به آفند، می‌تواند با به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ و بازستاندن مناطق تحت تصرف ایران، شرایط لازم را برای پایان (۲) جنگ فراهم کند. بر پایه همین ملاحظه، در سال ۱۳۶۶ توان رزمی عراق با گسترش سازمان و خرید و تولید تجهیزات نظامی افزایش یافت. به گونه‌ای که در نیمه دوم همین سال عراق تنها در منطقه جنوب، از فاو تا چنگوله ۴۳۵ گردان نیروی پیاده، زرهی و مکانیزه در اختیار داشت که ۱۳۰ گردان آن در احتیاط و ۳۰۵ گردان درگیر بودند، در حالی که مجموع نیروهای ایران در این منطقه کمتر از ۱۰۰ گردان بود.

ص: ۵۳

۱- ۱۴۶. تلاش عراق برای گسترش دامنه جنگ و بین‌المللی کردن آن به منزله سازمان دهی فشار بیرونی به ایران بود و حمله به مردم بی دفاع و غیر نظامی در واقع فشار روانی به مردم بود. اما آنچه که عراقی‌ها به آن نیاز داشتند و لازمه تغییر در روند جنگ ارزیابی شد، ضربات پی در پی به سازمان نظامی ایران بود که با آغاز حملات عراق در روزهای پایانی فروردین سال ۱۳۶۷ آغاز شد و به مدت چهار ماه ادامه یافت.

۲- ۱۴۷. صدام در روزهای آغاز ماه فروردین سال ۱۳۶۷ گفت: «بغداد به این نتیجه رسیده است که جنگ را با استفاده از کلیه سلاح‌های ممکن تا وادار ساختن ایران به قبول آتش بس ادامه دهد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۳۶۷/۱/۷، نیکوزیا، آسوشیتد پرس، ۱۳۶۷/۱/۶).

پیدایش وضعیت جدید در صحنه جنگ با افزایش توان عراق و در مقابل کاهش تدریجی توان ایران، به دلیل خودداری از بسیج نیرو در سال ۱۳۶۶ (۱) و زمین گیر شدن نیروهای سپاه در مواضع پدافندی (در منطقه فاو، جزایر مجنون، شلمچه و...) نگرانی های جدیدی را نسبت به نتایج تهاجم احتمالی عراق به وجود آورد، به گونه ای که در دی ماه سال ۱۳۶۶، طی جلساتی که فرماندهان برای بررسی وضعیت دشمن تشکیل دادند، بر این مسئله و ضرورت هوشیاری نسبت به آن تأکید شد. به نظر می رسد برداشتی که نسبت به قدرت هجومی عراق بر اساس تجربه سال های قبل به ویژه نتایج استراتژی موسوم به دفاع متحرک به وجود آمده بود، احتمال از سرگیری حملات گسترده عراق در مناطق مختلف و موفقیت آن همانند آنچه که تحقق یافت، پیش بینی نمی شد. اما تهاجم دشمن به فاو به دلیل اهمیت این منطقه همچنان مورد بحث و توجه قرار داشت.

در آستانه سال ۱۳۶۷ به دلیل وضعیت حاکم بر جنگ و نگرانی های موجود نسبت به گسترش دامنه جنگ، روند احتمالی رخدادهای سیاسی - نظامی آن بیش از گذشته مورد توجه کارشناسان و رسانه های خبری قرار گرفت. در این میان، به دلیل این که عملیات والفجر ۱۰ (۲) همانند سایر عملیات های گسترده پیشین منجر به درگیری عمیق نیروهای خودی با نیروهای اصلی ارتش عراق نشد و علاوه بر این، مردم بی دفاع و غیر نظامی حلبچه در معرض حملات شیمیایی هواپیماهای عراقی قرار گرفتند، لذا این عملیات بازتاب گسترده و تعیین کننده ای در روند جنگ نداشت، در نتیجه

ص: ۵۴

۱- ۱۴۸. در سال ۱۳۶۵ که سال تعیین سرنوشت جنگ نامیده می شد، ۳۰۰ گردان نیرو جذب شد و عملیات کربلای ۴ و ۵ انجام گرفت ولی جذب نیرو در سال ۱۳۶۶ متوقف شد، ضمن این که تمام توجه ایران در درگیری با امریکا در خلیج فارس متمرکز شده بود.

۲- ۱۴۹. برای اطلاع بیش تر، نگاه کنید به موضوع بازتاب عملیات والفجر ۱۰ مندرج در کتاب شلمچه تا حلبچه، تهیه شده به وسیله مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

همچنان این احتمال وجود داشت که ایران دست به عملیات گسترده ای بزند. عدم تحقق این امر و توجه به تجهیزات خریداری شده عراق در مقابل محدودیت هایی که به رهبری امریکا در زمینه خرید تجهیزات برای ایران اعمال می شد (۱) و نیز تأثیر آن بر خرید تکنولوژی پیش رفته و سیستم های نظامی مدرن و تأمین قطعات یدکی سلاح های موجود (۲)، این باور را در کارشناسان و تحلیل گران نظامی بیش از گذشته تقویت کرد که شرایط برای دست یابی ایران به پیروزی، دشوارتر شده است.

بر پایه همین ملاحظات و با وجود این که عملیات والفجر ۱۰ انجام شده بود، این موضوع مورد اشاره قرار می گرفت که «نشانه ای از حمله زمینی بزرگ ایران وجود ندارد». (۳) در روزنامه «واشنگتن پست» نیز کارشناسان نظامی بر این مساله تأکید کردند که، «احتمال نمی رود در آینده ای نزدیک، حمله بزرگ و دیر انتظار ایران علیه عراق آغاز شود». (۴).

در واقع، عملیات والفجر ۱۰ به دلیل منطقه عملیات و نتایج آن، انتظارات موجود را برآورده نکرده بود، زیرا در گذشته، تحرکات نظامی ایران به ویژه عملیات گسترده که تأثیرات قابل ملاحظه ای بر روند جنگ داشت، اساساً در منطقه جنوب انجام می شد. عدم تحقق این مهم، به منزله عدم تأثیر گذاری بر روند جنگ بود و در نتیجه، وجود نوعی انتظار برای انجام عملیات، سبب شد تا دلایل آن مورد بررسی قرار گیرد. «شائول بخاش»، یکی از کارشناسان، درباره ایران معتقد بود:

«ایران علاوه بر مشکلاتش برای خرید تسلیحات، به رغم تلفات سنگین در ژانویه ۱۹۸۷ میلادی [کربلای ۵] بر استحکامات عراق صدمه قابل ملاحظه ای وارد نکرده است» (۵).

برابر این تحلیل، تمرکز درگیری ایران با امریکا در سال ۱۳۶۶ در خلیج فارس و آسیب نرساندن قابل ملاحظه ای به سازمان و استحکامات عراق،

ص: ۵۵

۱- ۱۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۶۳، ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۶، خبرگزاری رویت، ریچارد مورفی معاون وقت وزارت خارجه امریکا.

۲- ۱۵۱. پیشین.

۳- ۱۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست، ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۷ شائول بخاش، استاد دانشگاه جورج میسور.

۴- ۱۵۳. واحد مرکزی خبر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۵- ۱۵۴. مأخذ ۳.

سبب شد تا عراق بر اثر فرصت به دست آمده، ضمن بازسازی و حفظ قوای خود، بر حجم و کارایی آنها نیز بیفزاید. در این باره، «کردزمن» معتقد است که مشکلات ایران در انجام حملات بزرگ در نیمه دوم سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) برای عراق «فضای تنفس حیاتی»، فراهم آورد که از آن برای سازمان دهی کامل نیروها و قابلیت های جدیدش بهره گرفت. (۱) همچنین در آن هنگام برخی از کارشناسان نظامی تلفات وارد شده به ایران در عملیات کربلای ۵ را ملاک قرار داده و اظهار کردند که ایران در حمله به بصره فراتر از آنچه که انتظار می رفت، متحمل هزینه و صدمه به تدارکات خود شد و نتوانست به آن چه که می خواست دست یابد.

علاوه بر این، تأثیر حملات هوایی عراق بر زیرساخت های اقتصادی ایران، همراه با کاهش تولید نفت که موجب تضعیف بنیه اقتصادی این کشور شد، به عنوان عامل تأثیر گذار در انجام عملیات نظامی مورد توجه قرار داشت. در این راستا، یکی از دیپلمات های ایران در بغداد در دیدار با یک دیپلمات خارجی گفت:

«دلایلی وجود دارد که انسان باور کند، خرابی اقتصادی ایران به خاطر جنگ و کاهش قیمت نفت (۲)، توانایی ایران را برای انجام نوعی هجوم که موجب پیروزی نظامی شود، تضعیف کرده است.» (۳).

این موضع به اندازه ای اهمیت داشت که فرمانده نظامی نیروهای امریکا در خلیج فارس نیز به آن اشاره کرد. (۴).

در پاره ای از تحلیل ها «عدم جذب نیروی کافی» به عنوان عامل اصلی ناتوانی ایران در انجام دادن یک رشته عملیات گسترده مورد توجه و تأکید قرار گرفت. (۵) به عقیده کردزمن، نخستین شکست ایران این بود که نتوانست

ص: ۵۶

۱- ۱۵۵. آنتونی کردزمن، آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ های مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه: حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، (چاپ نشده).

۲- ۱۵۶. نشریه نظامی جینز دیفنس، چاپ لندن در همین زمینه کاهش درآمد ارزی ایران را به علت سقوط دلار و کاهش صادرات نفت به دلیل حملات پی در پی عراق به کشتی های حامل نفت ایران مورد توجه قرار داد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از جینز دیفنس، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۷).

۳- ۱۵۷. بولتن خارجی وزارت اطلاعات، ۶۹۲، ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۴- ۱۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۸، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۵- ۱۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۷، نشریه نظامی جینز دیفنس، چاپ لندن، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۷.

یک بسیج ملی که برتری قاطع از لحاظ نیروی انسانی آموزش دیده را نصیب آن کشور می کرد، عملی سازد. (۱) روزنامه «نیویورک تایمز» ضمن توجه به این عامل، علت آن را «نگرانی و نارضایتی از محرومیت های اقتصادی ناشی از جنگ» ذکر کرد (۲).

در فروردین سال ۱۳۶۷ به دلیل تحولاتی که به تدریج در حال وقوع بود، ساختار الگوهای موجود از کنش و واکنش های حاکم بر جنگ دست خوش تغییر شد. صاحب نظران و تحلیل گران رسانه های خبری نیز برخلاف ظاهر فریبنده وضعیت حاکم بر جنگ که اوضاع را به سود ایران نشان می داد، معتقد شدند که تحولات رخ داده نشانه های آشکاری از تغییر اوضاع به سود عراق است و از این پس عامل تعیین کننده در روند تحولات جنگ پیش از آن که متأثر از برتری ظاهری ایران باشد، متکی بر علل برتری ساز عراق خواهد بود (۳).

صرف نظر از ملاحظات سیاسی و نظامی که به طور آشکاری به سود عراق در حال تغییر بود، اوضاع داخلی ایران نیز به دلیل افزایش اختلاف نظرات سیاسی و مناقشات جناحی در آستانه فرا رسیدن انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی در نیمه دوم فروردین، از حساسیت خاصی برخوردار بود. فضای داخلی کشور عمیقاً درگیر انتخابات مجلس و فارغ از وضعیت حساس و نگران کننده روند جنگ بود، چرا که پیروزی در عملیات والفجر ۱۰، نوعی احساس آرامش نسبت به جبهه ها ایجاد کرده بود. طبیعتاً عراقی ها همان گونه که به ملاحظات نظامی توجه داشتند، اوضاع داخلی ایران را نیز در طرح ریزی تهاجم به فاو نادیده نگرفتند.

سرانجام، سومین دوره انتخابات در ۱۹ فروردین ۱۳۶۷ و زیر موشک باران تهران و سایر شهرها برگزار شد، اما با توجه به حساسیت های موجود در جبهه ها، امام خمینی (ره) در آستانه این انتخابات فرمودند:

«امروز روز مقاومت است، امروز روز درنگ نیست، امروز روز صیقل انسانیت

ص: ۵۷

۱- ۱۶۰. مأخذ ۶، ص ۲۰۵.

۲- ۱۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۴، ۲۴ / ۱ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۷.

۳- ۱۶۲. مأخذ ۶، ص ۳۸۹.

انسان هاست، روز جنگ است... درنگ امروز، فردای اسارت باری را به دنبال دارد.» (۱).

آقای هاشمی نیز در خطبه های نماز جمعه تهران تأکید کرد:

«زمان پر کردن جبهه ها است و جوان ها باید به سوی جبهه بشتابند... ما در یکی از حساس ترین مقاطع جنگی مان هستیم. اگر جبهه ها پر از جوان ها باشد، هر شرارتی را که دیدیم، می توانیم فوراً پاسخ بدهیم.»

وی سپس با استناد به سخنان امام (ره) در پیام نوروزی مبنی بر این که «حسینیان آماده باشید»، خطاب به جوانان گفت:

«شما همه مخاطب امام هستید و ما باید در جبهه حاضر باشیم» (۲).

تهاجمات استراتژیک عراق

سقوط فاو

در حالی که ایران در آستانه برگزاری انتخابات مجلس سوم و فرا رسیدن ماه مبارک رمضان بود و نیروهای خودی پس از انجام عملیات والفجر ۱۰ به شهرهای خود بازگشته بودند، ارتش عراق در ساعت ۵ بامداد روز یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ با اجرای آتش تهیه سنگین در سراسر خطوط و عقبه یگان های خودی در فاو و اجرای حمله شیمیایی به صورت گسترده، تهاجم خود را به فاو آغاز کرد. (۳) عراق برای حمله به فاو، ۲۶ ماه زیرسازی های (۴) لازم را به عمل آورده بود (۵) و ضمن انجام تلاش های گسترده، در انتظار فرصت مناسب برای حمله به فاو بود (۶).

ص: ۵۸

۱- ۱۶۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷ / ۱ / ۱۵، امام خمینی، ۱۳۶۷ / ۱ / ۱۱.

۲- ۱۶۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷ / ۱ / ۲۶.

۳- ۱۶۵. سند شماره ۶۹۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش سقوط فاو، اسفند ۱۳۶۷، ص ۶۷.

۴- ۱۶۶. برابر گزارش نشریه «لوس آنجلس تایمز»، امریکایی ها در تعیین استراتژی عراق برای بازپس گیری فاو و ارائه تاکتیک های نظامی با ماکت سازی شبیه فاو مشارکت داشته اند. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، حوزه هنری، زمستان ۱۳۷۰، ص ۶۰).

۵- ۱۶۷. سردار محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاده (دافوس)، سپاه پاسداران، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۴ / ۱۱ / ۲۶.

۶- ۱۶۸. فرمانده اسبق سپاه گارد عراق می گوید: «پس از تصرف فاو به وسیله ایرانی ها، صدام حسین بارها فرماندهان نظامی را فراخوانده و در اجلاس های متعدد بر ضرورت آزاد سازی شهر فاو تأکید کرد. سرانجام، پس از یک سلسله بحث های متعدد، کلیه طرح های لازم برای حمله به فاو آماده گردید. در طول دو سال گذشته ما به طور مستمر اطلاعات لازم را از نحوه آرایش نیروهای ایرانی مستقر در شهر فاو دریافت می کردیم و در عین حال نیروهای رزمی و تخصصی خود را برای انجام

عملیات بزرگ آزاد سازی شهر فاو انتخاب کرده بودیم. وسایل مورد نیاز و امکانات لجستیکی و پشتیبانی در طول این دو سال فراهم شد و در چند نوبت نیروهای شرکت کننده مانور لازم را انجام دادند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۱۳۶۷ / ۲ / ۲۷، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی).

استعداد نیروهای دشمن در این عملیات بالغ بر ۴۸ تیپ، بیش از ۱۲۰۰ تانک و نفربر و ۳۵ گردان توپخانه با سازمان سپاه هفتم و سپاه گارد بود (۱).

با توجه به نگرانی‌هایی که نسبت به هجوم احتمالی دشمن به منطقه فاو وجود داشت، از یک هفته قبل از تهاجم دشمن، قرارگاه سیدالشهدا علیه السلام (۲) به یگان‌های پدافند کننده در خط فاو آماده باش صد در صد داده بود، اما به دلیل تحرکات نسبتاً مداوم دشمن در این منطقه طی دو سال گذشته و اعلام آماده باش های مکرر، یگان‌های یاد شده، اعلام آماده باش جدید را نیز همچون گذشته ارزیابی کردند، علاوه بر آن استحکامات خطوط پدافندی خودی در منطقه فاو، نوعی اطمینان به وجود آورده بود. (۳) بخشی از نیروهای یگان‌های مستقر در خط فاو نیز که در منطقه عملیات والفجر ۱۰ شرکت داشتند، در مرخصی به سر می‌بردند و غیر از نیروهای موجود در خط، نیروی دیگر وجود نداشت (۴).

در غروب روز ۲۷ فروردین ۱۳۶۷ فرمانده یکی از گردان‌های لشکر امام حسین علیه السلام، مشاهده می‌کند که یک گردان از نیروهای دشمن با کلاه آهنی و برانکار در حال حرکت بودند. علایم نشان می‌داد که نیروهای عراقی در حال آفند به سر می‌بردند. با افزایش احتمال حمله دشمن، تنها کم‌تر از ۱۲ ساعت قبل از آن، بار دیگر به نیروها اطلاع داده شد که عراق می‌خواهد حمله کند. (۵) با تاریک شدن هوا در ساعت ۲۴، آتش تهیه جلوی خط لشکرهای امام حسین علیه السلام و ثارالله اجرا شد. به دلیل نگرانی‌های موجود، نیروها

ص: ۵۹

۱- ۱۶۹. معاونت سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشریه «بررسی»، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۵.

۲- ۱۷۰. منطقه عملیاتی فاو پس از تصرف به دست جمهوری اسلامی ایران، در حالت پدافند تحت اداره و نظارت قرارگاه سیدالشهدا (ع) قرار گرفت.

۳- ۱۷۱. مأخذ ۱۵، ص ۵۷.

۴- ۱۷۲. پیشین، ص ۵۹.

۵- ۱۷۳. پیشین، ص ۶۰، مصاحبه با یکی از فرماندهان گردان از لشکر امام حسین (ع)، نوار ۱۳۶۷ / ۲ / ۲.

تا صبح بیدار بودند و سیستم ارتباطی فعال بود. (۱) در این زمان استعداد نیروهای خودی در خط شش تا هفت گردان و در احتیاط پنج گردان بودند و استعداد توپخانه نیز ۱۵ گردان بود. (۲) به عبارت دیگر، استعداد نیروهای خودی از یک لشکر تجاوز نمی کرد، حال آن که دشمن با دو سپاه و با استعدادی بیش از ۱۲ لشکر آماده حمله بود.

با وجود آمادگی نیروهای خودی، سلاح ها و ادوات موجود در خط دوم بر اثر حجم گسترده آتش دشمن منهدم و بر اثر حملات شیمیایی (۳) نیز نیروهای مسئول و خدمه یگان های ادوات، ضد زره و توپخانه زخمی و شهید شدند و امکان پشتیبانی آتش از نیروهای درگیر در خط، در همان آغاز عملیات از میان رفت. (۴) یگان های زرهی و پیاده دشمن از ساعت ۵:۳۰ دقیقه بامداد از معابری که پیش از این شناسایی شده بودند، هجوم خود را آغاز کردند. به همراه یگان های زرهی، دستگاه های مهندسی دشمن نیز در حرکت بودند و بریدگی های موجود بر روی جاده را پر کرده و موانع را به سرعت برطرف می کردند و به پیش روی خود ادامه می دادند. (۵) در این عملیات، یگان های سپاه گارد عراق در حد فاصل جاده «استراتژیک» تا «خور عبدالله» و یگان های سپاه هفتم عراق در حد فاصل اروند تا جاده استراتژیک گسترش یافته و به اجرای عملیات پرداختند. (۶) در این حال، فشار دشمن بر روی جاده استراتژیک برای ایجاد رخنه در خط خودی متمرکز بود. تانک ها و نفربرهای دشمن که بر روی جاده منهدم شده بودند، بلافاصله از روی جاده خارج شده و پیش روی ادامه یافت. بر اثر این فشارها، سرانجام نیروهای دشمن خطوط پدافندی نیروهای خودی بر روی جاده استراتژیک و وسط کارخانه نمک را شکستند. (۷) بخشی از نیروهای دشمن که لباسی شبیه لباس بسیج به تن داشتند و برخی نیز به زبان فارسی صحبت می کردند، به داخل نیروهای خودی رخنه

ص: ۶۰

۱- ۱۷۴. پیشین، ص ۶۱، مصاحبه با معاون عملیات قرارگاه سیدالشهداء (ع)، نوار مصاحبه ۲ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۱۷۵. پیشین، ص ۶۴.

۳- ۱۷۶. دشمن در حملات شیمیایی به توپخانه خودی، از گاز سیانور استفاده کرد.

۴- ۱۷۷. پیشین، ص ۶۷.

۵- ۱۷۸. پیشین، ص ۶۷.

۶- ۱۷۹. پیشین، پاورقی ص ۶۸.

۷- ۱۸۰. پیشین، ص ۶۸.

کردند. (۱) (۲) علی رغم برتری قابل ملاحظه نیروهای دشمن که خط دفاعی نیروهای خودی را بر اثر آتش و فشار نیروی زرهی درهم شکسته و پیش روی می کردند، اما بر اثر مقاومت نیروهای خودی بار دیگر به عقب رانده شدند و رخنه ها ترمیم شد. (۳) سماجت نیروهای عراقی در پیش روی با وجود تلفاتی که بر آنها وارد آمده بود، نشان می داد که از وضعیت خطوط خودی و نیروهای موجود در آنها اطلاعات کافی داشته و بر این باور هستند که این مقاومت ها شکسته خواهد شد (۴).

ساعت ۷ صبح، خبر حمله به فاو از منطقه عملیاتی به آگاهی مسئولان و فرماندهان سپاه رسید و تلاش برای آزاد کردن یگان های سپاه از سایر مناطق به ویژه ماووت و حلبچه در شمال غرب - که تا فاو ۱۰۰۰ کیلومتر فاصله داشت - با جایگزین کردن یگان های ارتش در آن مناطق آغاز شد. همچنین، برای به کارگیری هلی کوپتر و هواپیما و فعال کردن سیستم ضد هوایی «هاگ» ارتش، تماس با تهران نیز شروع شد. (۵) فرماندهانی که برای همایش در کرمانشاه حضور داشتند، به سرعت به سمت منطقه فاو حرکت کردند و از ساعت ۸:۳۰ صبح به تدریج در منطقه حضور یافتند. (۶) به دلیل نبودن اطلاعات و ارزیابی صحیح از حرکت دشمن، احتمال داده می شد که حرکتی شبیه حرکات متکی به استراتژی دفاع متحرک در حال اجراست؛ لذا برخی فرماندهان در خصوص هدف نهایی دشمن و احتمال این که می خواهد تمامی فاو را تصرف کند تردید داشتند (۷).

به موازات پیش روی نیروهای دشمن در فاو، ۵۰ فروند قایق و تعدادی ناو و ناوچه عراقی در خور عبدالله آماده شدند تا در ساحل فاو نیرو پیاده کنند. (۸) بر اثر فشار دشمن، در حوالی ظهر تقریباً رخنه نیروهای دشمن در برخی از محورها با شکسته شدن خط کامل شد و سپس، در پشت مواضع نیروهای

ص: ۶۱

۱- ۱۸۱. پیشین، ص ۶۸، جلسه قرارگاه نیروی زمینی، نواری، ۱۸/۲/۲، ۱۳۶۷.

۲- ۱۸۲. برابر گزارش های موجود، منافقین در این عملیات مشارکت داشتند.

۳- ۱۸۳. پیشین، ص ۷۷.

۴- ۱۸۴. پیشین، ص ۷۷.

۵- ۱۸۵. پیشین، ص ۷۰.

۶- ۱۸۶. پیشین، ص ۷۲.

۷- ۱۸۷. پیشین، صص ۷۸ و ۸۱.

۸- ۱۸۸. پیشین، ص ۷۷.

خودی به پیش روی ادامه دادند. (۱) در پی موفقیت دشمن در این مرحله، رادیو عراق در ساعت ۱۵:۱۵ دقیقه بعد از ظهر اعلام کرد که عملیات «رمضان المبارک» برای آزاد سازی فاو با شرکت سپاه هفتم و سپاه گارد آغاز شده است. (۲) بدین ترتیب، از بعد از ظهر همان روز تقریباً جمع بندی نسبتاً روشنی از اهداف دشمن به دست آمد و بر دامنه نگرانی ها افزود.

از عصر روز ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ ارتش عراق هم زمان با پیش روی در منطقه فاو، در منطقه شلمچه اقدام به تحرک زرهی و استفاده از سلاح شیمیایی و در منطقه خرمشهر اوایل شب مبادرت به اجرای آتش شدید کرد. به نظر می رسد، دشمن دو هدف را پی گیری می کرد، نخست از بین بردن تمرکز فرماندهی و ایجاد تشتت در افکار فرماندهانی که به منظور مقابله با دشمن در فاو متمرکز شده بودند و دوم جلوگیری از انتقال نیرو و امکانات از مناطق نزدیک، به منطقه فاو. (۳) وضعیت نیروهای خودی با وجود حضور فرماندهان سپاه، همچنان به دلیل فقدان نیرو و آتش پشتیبانی، نامطلوب بود. در پی تهاجم شیمیایی دشمن و تلفات وارده به توپخانه از ساعت ۱۱ صبح روز اول عملاً هیچ گونه آتشی علیه دشمن وجود نداشت. (۴) در مقابل، آتش توپخانه دشمن با هلی کوپتر هدایت می شد و دارای حجم بسیار بالایی بود. از ساعت ۱۷:۳۰ آتش دشمن به تدریج کاهش یافت و این موضوع، نشان دهنده تغییر مواضع توپخانه به سمت جلو بود (۵).

با تاریک شدن هوا در پایان روز ۲۸ فروردین ۱۳۶۷، فشار دشمن همچنان تا نیمه شب ادامه یافت. به نظر می رسد نیروهای دشمن تلاش می کنند در مواضع پدافندی مناسبی مستقر شوند. (۶) وضعیت حاکم در صحنه درگیری و گزارش های واصله در پایان روز نشان می داد که حفظ فاو بسیار دشوار است. در این شرایط، ضرورت حمله به دشمن بر همگان روشن بود (۷)، زیرا نیروهای دشمن با وجود پیش روی های انجام شده، همچنان گیج و

ص: ۶۲

۱- ۱۸۹. پیشین، صص ۷۴ و ۷۵.

۲- ۱۹۰. پیشین، ص ۸۱.

۳- ۱۹۱. پیشین، ص ۱۱۲.

۴- ۱۹۲. پیشین، ص ۸۲.

۵- ۱۹۳. پیشین، ص ۹۶.

۶- ۱۹۴. پیشین، ص ۹۶.

۷- ۱۹۵. پیشین، ص ۱۰۳.

آسیب پذیر بودند، لذا تهاجم شبانه به دشمن می توانست علاوه بر تحمیل تلفات بر دشمن، از توان آنها برای تهاجم در روز بعد بکاهد. بر پایه این ملاحظه، پی گیری برای انتقال نیرو، هلی کوپتر، هواپیما، توپخانه، ضد زره و پدافند هوایی در دستور کار مسئولان و فرماندهان خودی قرار گرفت. (۱) و طرح مانور برای حمله به دشمن نیز آماده شد. (۲) تأخیر در اعزام نیرو باعث شد تا عملیات نیز ساعت ۴ تا ۴:۳۰ بامداد روز ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ با تأخیر انجام شود. در این عملیات نیروهای سه لشکر نجف، کربلا و امام حسین علیه السلام به دشمن حمله کرده و شمار زیادی از نیروهای آنان را کشته و امکاناتشان را منهدم کردند (۳).

با روشن شدن هوا، مرحله سوم عملیات دشمن از ساعت ۵ صبح ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ و با اجرای آتش تهیه آغاز شد. برابر گزارش شنود رادیویی (۴) و دستور اجرای مرحله سوم عملیات در روز دوم حمله دشمن، این مسئله روشن شد که طرح دشمن در سه مرحله به شرح زیر بوده است: مرحله اول، شکستن خط بود که پیش از ظهر روز اول انجام گرفت. مرحله دوم، پیش روی تا دروازه شهر فاو بود که در بعد از ظهر روز اول تا اندازه ای تأمین شد و مرحله سوم، تصرف شهر فاو و پیش روی تا دهانه اروند بود (۵).

نیروهای دشمن در روز دوم با روحیه مضاعف پیش روی خود را آغاز کردند، اما هنوز درخواست نیروهای خودی برای هواپیما و هلی کوپتر که از ۲۴ ساعت قبل آغاز شده بود، به نتیجه نرسیده بود. (۶) سرانجام، ساعت ۶:۴۰ دقیقه فرمانده نیروی هوایی ارتش اعلام کرد، جاده های دشمن را دو بار بمباران کرده اند (۷).

عراقی ها که در آستانه ورود به شهر فاو بودند، پل بعثت را که تنها پل ثابت و اصلی ترین راه تدارک نیروهای خودی در منطقه بود، هدف راکت قرار دادند و چند نقطه از آن را تخریب کردند. بر اثر ادامه حملات، پل دچار آسیب

ص: ۶۳

۱- ۱۹۶. پیشین، ص ۸۷.

۲- ۱۹۷. پیشین، ص ۱۰۸.

۳- ۱۹۸. پیشین، ص ۱۱۵.

۴- ۱۹۹. پیشین، ص ۱۱۷.

۵- ۲۰۰. پیشین، ص ۱۵۰.

۶- ۲۰۱. پیشین، ص ۱۱۷.

۷- ۲۰۲. پیشین، ص ۱۱۸.

زیادی شد به گونه ای که امکان ترمیم آن وجود نداشت، در پی این حادثه تردد خودی از روی پل به تدریج کند شد و به موازات آن، تلاش نیروهای خودی برای خروج از شهر فاو افزایش یافت. (۱) در واقع، ورود دشمن به شهر فاو به منزله آغاز شمارش معکوس برای سقوط منطقه فاو بود، زیرا کلیه خطوط دفاعی درهم شکسته شده بود و تشکیل خط دفاعی جدید نیز به امکانات مهندسی و زمان نیاز داشت. تشدید حملات هوایی دشمن به پل بعثت بیش از پیش بر مشکلات پشتیبانی و تردد نیروها افزود. عوامل روانی ناشی از این وضعیت به تدریج زمینه تخلیه شهر فاو را فراهم ساخت.

با وجود تلاش فرماندهان و گرفتن قول مساعد برای استقرار سیستم موشکی هاگک در منطقه به منظور مقابله با تهاجم هوایی دشمن به پل بعثت، تا نزدیک ظهر هیچ گونه اقدامی صورت نگرفت.

فرماندهان سپاه تلاش های زیادی برای دریافت امکانات اعم از نیرو، هلی کوپتر، هواپیما، سیستم پدافندی هاگک انجام دادند، ولی همانند سایر نیازمندی های سپاه، این درخواست ها نیز تأمین نشد. فرماندهی سپاه طی روز اول و دوم تلاش زیادی برای متقاعد ساختن مسئولان به منظور اعلان بسیج عمومی انجام داد، ولی به نتیجه نرسید و تنها در ساعت ۱۱:۲۰ دقیقه روز دوم امام خمینی (ره) به مسئولان کشوری دستور لازم را برای در اختیار گذاشتن امکانات به سپاه صادر کردند و فرمودند که همانند عملیات کربلای ۵ هر چه را که سپاه نیاز دارد در اختیار قرار دهند (۲).

در گام بعدی دشمن با پیش روی در شهر فاو به ساحل اروندرود نزدیک شد و با تصرف اسکله فاو، امکان تردد قایق های خودی را برای پشتیبانی نیروها و یا تخلیه آنها از منطقه فاو از میان برد. با روشن شدن وضعیت منطقه، همه تلاش ها برای نجات نیروهای محاصره شده متمرکز شد. (۳) در این وضعیت که عملاً امکان درگیری وجود نداشت، تنها راه عقب نشینی، این بود

ص: ۶۴

۱- ۲۰۳. پیشین، ص ۱۲۱.

۲- ۲۰۴. پیشین، ص ۱۳۹.

۳- ۲۰۵. پیشین، ص ۱۳۰.

که نیروها از طریق چولان‌ها (۱) به ساحل رسیده و با شنا از رودخانه اروند عبور کنند. (۲) محل قرارگاه فرماندهی سیدالشهدا علیه السلام نیز از نزدیکی شهر فاو به نزدیکی پل بعثت منتقل و اسناد آن تخلیه شد (۳).

بعد از ظهر روز دوم، به دلیل از هم پاشیدگی نیروهای خودی و فقدان خط دفاعی و به موازات آن، وسعت و حجم پیش روی نیروهای دشمن، امکان مهار و اداره اوضاع به کلی از میان رفت (۴) و به همین دلیل، دستور عقب نشینی و تخلیه منطقه رسماً صادر شد. (۵) با تاریک شدن هوا، تلاش برای ترمیم پل بعثت تا ساعت ۲۴ به طول انجامید و همچنان تلاش برای تخلیه نیرو و امکانات ادامه داشت. (۶) هر چند نیروهای دشمن - با وجود تسلط بر منطقه - از نزدیک شدن به پل بعثت وحشت داشتند اما امکان ادامه حضور نیروهای خودی وجود نداشت و منطقه فاو پس از دو سال و سه ماه به طور کامل تخلیه شد (۷) (۸).

ارزیابی علل سقوط فاو

سقوط فاو در مدت ۳۶ ساعت (۹) و تأثیرات ناشی از وقوع این حادثه در تغییر توازن قوا به سود عراق، سئوالات و ابهامات بسیاری را در آن زمان مطرح کرد که تاکنون پاسخ روشنی برای آنها ارائه نشده است. سرعت سقوط فاو با توجه به ذهنیت موجود در جامعه در مورد توانایی قوای نظامی ایران و ضعف و ناتوانی نیروهای دشمن باعث شد، حتی برخی اشخاص و محافل با تحلیلی هر چند غیر منطقی و عجولانه، این واقعه را به عنوان اقدام عمدی ایران، با هدف پایان بخشیدن به جنگ ارزیابی کنند. این تحلیل نشان دهنده حیرت و

ص: ۶۵

۱- ۲۰۶. نیزارهای بلند.

۲- ۲۰۷. پیشین، ص ۱۳۱.

۳- ۲۰۸. پیشین، ص ۱۳۲.

۴- ۲۰۹. پیشین، ص ۱۳۲.

۵- ۲۱۰. پیشین، ص ۱۳۵.

۶- ۲۱۱. پیشین، ص ۱۴۲.

۷- ۲۱۲. پیشین، ص ۱۳۵.

۸- ۲۱۳. دو تن از راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه که همراه فرمانده کل و فرمانده نیروی زمینی سپاه در حادثه سقوط فاو حضور داشتند، جزوه مفصلی در ۲۰۰ صفحه رحلی از رخدادهای ۴۸ ساعته فاو تهیه کرده اند که در آن، ساعت به ساعت وقایع سقوط فاو در دو سطح فرماندهی و عملیاتی گزارش شده است.

۹- ۲۱۴. مأخذ ۱۶.

شگفتی از سقوط فاو و اجتناب از پذیرش برتری عراق بود. (۱) چنین ذهنیتی بیش از آن که متأثر از واقعیات حاکم بر جنگ باشد، ناشی از تبلیغاتی بود که به طور پیوسته از موقعیت خودی و دشمن، ترسیم می شد و ذهنیت جامعه را شکل می داد. به عبارت دیگر، شکاف موجود میان واقعیات جنگ و درک مردم از آن، برداشت و تحلیل های متفاوت و گاه غیر واقع بینانه را در جامعه به وجود آورد که تنها با تداوم حملات دشمن در سایر مناطق و پیش روی به سمت خرمشهر و اهواز درهم شکسته شد، هر چند با تشدید نگرانی و احساس خطر از وضعیت جدید بار دیگر نیروهای داوطلب به سمت جبهه ها گسیل شدند. در هر صورت، اکنون با گذشت بیش از ۱۱ سال از زمان سقوط فاو و تغییر شرایط، تا اندازه ای زمینه تجزیه و تحلیل علل سقوط سریع فاو فراهم شده است که به اجمال در این بخش به آن اشاره خواهد شد.

سقوط فاو در یک نگاه اجمالی و کلی حاصل برتری کمی فوق العاده عراق از نظر نیرو و تجهیزات و نیز تغییر استراتژی آن کشور از پدافند به آفند در پایان جنگ بود. حضور نیروهای ایران در شمال غرب (۲) در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از فاو و غافل بودن جمهوری اسلامی ایران از تغییر استراتژی عراق، علل مؤثر دیگری در سقوط فاو بودند. (۳) البته تاکنون به دلیل نگاه سطحی برخی تحلیل گران داخلی و با تأثیر پذیری از تحلیل رسانه های خارجی آنچه در مورد علل سقوط فاو به صورت محوری تر مورد تأکید قرار گرفته است، غافل گیری ایران و استفاده عراق از سلاح شیمیایی می باشد، حال آن که این مسئله در مقایسه با برتری عراق و تغییر استراتژی این کشور - که با حمایت

ص: ۶۶

۱- ۲۱۵. در این زمینه بسیاری از کارشناسان نظامی نیز تصور نمی کردند که ارتش عراق به دلیل برخوردار نبودن از آموزش کافی و روحیه تهاجمی، دست به تهاجم بزند. (معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، خرداد ۱۳۶۷، ص ۲، به نقل از نیویورک تایمز، ۹ / ۲ / ۱۳۶۷).

۲- ۲۱۶. برای آگاهی بیش تر، نگاه کنید به کتاب بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، ص ۴۱۵ تا ۴۲۷، مقاله جنگ، انقلاب و روحیه: قدرت ایران در جنگ خلیج فارس، نوشته جیمزبیل.

۳- ۲۱۷. مصاحبه اختصاصی با سردار غلامعلی رشید، درباره تحولات جنگ پس از سقوط فاو، ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۷.

گسترده جهانی همراه بود - نقش و تأثیر کم تری داشته است.

پدیده غافل گیری ایران نیاز به بررسی بیش تری دارد. چنان که پیش از این اشاره شد و اسناد و مدارک آن موجود است، حساسیت و اهمیت منطقه فاو و تلاش های مکرر عراق برای بازپس گیری آن، سبب شده بود که احتمال حمله دشمن به این منطقه و نگرانی نسبت به نتایج آن همواره وجود داشته باشد و حتی در زمستان سال ۱۳۶۶ نیز بار دیگر بر این مسئله تأکید شد.

در اسفند سال ۱۳۶۶ برادر غلامعلی رشید، معاونت طرح و برنامه قرارگاه خاتم ۱ (سپاه) اظهار داشت:

«امسال، سالی است که هم ما باید از حمله دشمن در جنوب خوف داشته باشیم، و هم او خوف دارد مثل هر سال.»

وی با توجه به این که در سال های گذشته همواره دشمن نگران هجوم بزرگ ما بود، تأکید کرد:

«امسال به عکس، ما بایستی مثل او خوف داشته باشیم» (۱).

برادر رضایی، فرمانده کل سپاه نیز با توجه به حملات مکرر منافقین و سایر ملاحظات، در ۲ فروردین ۱۳۶۷ گفت:

«ما نگران خطوط پدافندی هستیم» (۲).

وی همچنین پیش بینی کرد:

«با توجه به شرایطی که وجود دارد، از جمله مشکلات جذب نیرو، بودجه، زمین گیر شدن نیروهای سپاه در خطوط پدافندی، عدم انطباق مأموریت سپاه با وسعت سازمان آن و سایر عوامل، یک سال طول می کشد تا از خطوط پدافندی اطمینان حاصل کنیم و طی این مدت، احتمالاً دو تا سه ضربه محکم خواهیم خورد.» (۳).

با وجود این حساسیت ها، هوشیاری و دقت همراه با ارائه تحلیل و پیش بینی لازم درباره احتمال تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند وجود

ص: ۶۷

۱- ۲۱۸. مأخذ ۱۵، ص ۴۳.

۲- ۲۱۹. پیشین، ص ۲۱.

۳- ۲۲۰. پیشین، ص ۷۷.

نداشت (۱) سردار «غلامعلی رشید» در مصاحبه اخیر خود در ۲۳ مهر ۱۳۶۷، در توضیح این مسئله گفت: تمام حرکت های عراق به عنوان یک استراتژی، در ذهن ما نبود. سه مسئله بر تفکر ما سایه افکنده بود: نخست، تحلیل غلط از تلفات دشمن در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ که بیشترین خسارت را متوجه ما کرد. دوم، بن بست در جنوب و رفتن به شمال غرب و مهم تر از همه، عدم تصور از تغییر استراتژی دشمن بود. (۲) در این میان، حضور نیروهای ایران در شمال غرب با فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از فاو که به منزله تغییر استراتژی ایران بود، مسئله بسیار مهمی محسوب می شد، زیرا شبکه فرماندهی، لجستیک و نیروهای ایران در جنوب مستقر بود.

مسطح بودن زمین، نزدیکی فواصل جبهه ها، تکرار یک سلسله عملیات آفندی و پدافندی در این زمین و رفع ضعف ها و کاستی ها موجب برتری ایران بر عراق شده بود. حال آن که این برتری ها در منطقه شمال غرب نبود (۳).

در نتیجه، زمان لازم و مناسب برای عراق به منظور انتقال نیروها و امکانات و استقرار آن در منطقه جنوب فراهم شد. این همان فرصتی بود که این کشور همواره مترصد بهره برداری از آن بود که در عمل حاصل شد. حال با این ملاحظه کلی جای سؤال وجود دارد که «با وجود نگرانی های موجود به برتری عراق و احتمال تهاجم عراق به فاو، چرا همچنان نیروهای ایران در منطقه شمال غرب به حملات خود ادامه می دادند؟». پس از پاسخ به این سؤال مسلماً سؤال دیگری وجود دارد که باید به آن پاسخ داد؛ «آیا حضور نیروهای ایران در منطقه جنوب می توانست علاوه بر حفظ فاو، تهاجمات دشمن را در سایر مناطق مهار کند؟»

حضور نیروهای ایران در منطقه شمال غرب در پاییز و زمستان سال ۱۳۶۶

ص: ۶۸

۱- ۲۲۱. بعدها روزنامه نیویورک تایمز نوشت: «فرماندهان ایرانی در فاو فکر نمی کردند عراقی ها خواست و یا توان حمله به مواضع دفاعی قوی آنها را داشته باشند و عراقی ها از این احساس امنیت غلط بهره برداری کرده و ایرانی ها را صبح یکشنبه غافل گیر کردند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲/ ۲ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز، ۱/ ۲ / ۱۳۶۷).

۲- ۲۲۲. مأخذ ۵۹.

۳- ۲۲۳. پیشین.

و بهار سال ۱۳۶۷ حاصل بن بست در منطقه جنوب بود. مهم تر آن که چنین پیش بینی می شد، با تداوم پیش روی در منطقه غرب و تهدید شهرهای کرکوک و تصرف سلیمانیه، نیروهای عراقی سرانجام از جنوب جا کن شده و به غرب خواهند آمد. در زمستان سال ۱۳۶۶ و به هنگام انجام عملیات بیت المقدس ۲ بر روی ارتفاعات «قمیش»، «دولبشک» و سایر ارتفاعات مشرف به «سلیمانیه»، برادر رضایی گفت:

«ما پیش روی می کنیم و این جا دو احتمال وجود دارد: یا دشمن به منطقه غرب می آید یا وقتی مشاهده کند ما در جنوب نیستیم، حمله می کند» (۱).

پیروزی در عملیات والفجر ۱۰ و ستون کشی دشمن به غرب در اسفند سال ۱۳۶۶ (برابر گزارش قرارگاه کربلا) (۲) صحت این تحلیل را نمایاند و به خوش بینی موجود دامن زد و این تصور وجود داشت که نیروهای لشکر گارد نیز به منطقه غرب آمده اند. حملات دشمن در منطقه سپاه یکم و دوم در ۲۶ فروردین ۱۳۶۷ بر روی شاخ شمیران و در ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ بر روی ارتفاعات «ریشن»، در تداوم این خوش بینی ها تأثیر داشت (۳).

با توجه به وضعیت حاکم بر صحنه نظامی جنگ در منطقه جنوب، اساساً سه راه کار (۴) فرا روی ایران قرار داشت: نخست، بر پایه این احتمال که دشمن سرانجام به منطقه جنوب حمله خواهد کرد، با پدافند در این منطقه برای مقابله با تهاجم احتمالی عراق، آمادگی لازم حاصل شود. این راه حل با توجه به این که منطقه مورد تهاجم در جنوب مشخص نبود، تأثیر چندانی بر ممانعت از غافل گیری ایران نداشت، ضمن این که انجام ندادن عملیات خودی نیز زیان های خاص خود را در پی داشت، به ویژه این که عادت نیروهای بسیجی

ص: ۶۹

۱- ۲۲۴. مأخذ ۱۵، صص ۲۸ و ۲۹.

۲- ۲۲۵. مأخذ ۱۵، ص ۴۲، فرماندهی قرارگاه کربلا در جنوب.

۳- ۲۲۶. پیشین، ص ۴۵.

۴- ۲۲۷. تیمسار شمخانی در دوره عالی جنگ سپاه طی بحث هایی که در این زمینه انجام شد، بر این نظر بود که ما سه راه حل داشتیم: اول پدافند در برابر تهاجم عراق و کسب آمادگی برای انجام آن؛ دوم آفند به نقاط حساس که با تداوم جنگ در منطقه غرب کشور دنبال شد؛ و راه حل سوم صلح بود که برای انجام آن تلاش می شد. (دوره عالی جنگ سپاه، ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۷۴).

حضور در آفند و مراجعت به شهرها در هنگام پدافند بود بنابراین، در صورت اتخاذ استراتژی پدافندی، حداقل در کوتاه مدت امکان استفاده وسیع از نیروهای بسیج وجود نداشت. راه دوم، انجام عملیات در منطقه شمال غرب با امیدواری به جا کن شدن دشمن از جنوب بود که این کار انجام شد ولی به نتیجه نرسید. راه حل آخر، برقراری صلح بود که تلاش برای انجام آن با چانه زنی سیاسی در مورد تغییر بندهای قطع نامه ۵۹۸ به وسیله وزارت خارجه ایران پی گیری می شد.

بر پایه این ملاحظات به دلیل افزایش توان رزمی ارتش عراق، حضور یا عدم حضور در منطقه جنوب تأثیر تعیین کننده ای در روند تحولات جنگ - در صورت آغاز تهاجم عراق - به سود ایران نداشت. حتی با فرض تمرکز نیروهای ایران در منطقه فاو، سقوط این منطقه تنها با تأخیر صورت می گرفت. (۱) به همین دلیل، پس از استماع گزارش فرماندهان از سقوط فاو، آقای هاشمی رفسنجانی گفت:

«اگر ۴۰ گردان هم نیرو داشتیم، باز دشمن فاو را می گرفت.» (۲).

به نظر می رسد ریشه مشکلات و آن چه ایران را در وضعیت نامطلوب و شبیه به بن بست قرار داده بود در واقع متأثر از عقب ماندگی استراتژیک ایران در برابر عراق طی شش سال - پیش از سقوط فاو - بود. آن چه در سال های قبل و پس از فتح خرمشهر انجام گرفت با وجود تلاش ها، رشادت های ممکن و موفقیت های بزرگ، در سطح نظامی فاقد ویژگی جنگ تمام عیار و همه جانبه بود و در بعد سیاسی نیز از مشخصه تلاش جدی و زمینه ساز برای صلح برخوردار نبود. (۳) حال آن که عراق با اصلی پنداشتن جنگ تمام عیار،

ص: ۷۰

۱- ۲۲۸. پیشین، ص ۱۵۴.

۲- ۲۲۹. پیشین.

۳- ۲۳۰. یکی از نمایندگان شورای اسلامی در اظهارات خود در نطق پیش از دستور در مورد شرایط دو گانه ایران گفت: وضعیت امروز حکایت دارد که هم جنگ در جبهه باشد و هم زندگی عادی در پشت جبهه، عده ای می جنگند و عده ای زندگی می کنند. شرایط این گونه حکم می کند که این وضعیت قابل استمرار نیست و اگر تصمیمی گرفته نشود، برای جامعه شکنندگی به وجود می آید».

استراتژی نظامی را اتخاذ کرد. ترسیم چگونگی استقرار ایران در وضعیت دو گانه تا اندازه ای می تواند مشکلات و چالش های ایران را روشن کند. به همین دلیل، پس از سقوط فاو، برخی از فرماندهان با بررسی شرایط و دشواری های موجود پیشنهادهایی را برای پایان جنگ ارائه کردند، زیرا شرط ادامه جنگ، آمدن همه و بسیج کلیه امکانات بود. با این وضعیت، ادامه جنگ عملی نبوده و راهی جز اتمام جنگ وجود نداشت. (۱) در جلسه ای که در قرارگاه امام علی علیه السلام در ۱۰ کیلومتری شمال شلمچه برگزار شد، ضرورت بسیج امکانات و آمدن نیروها به عنوان یک ضرورت مطرح شد (۲).

دیگر دلایل سقوط فاو

صرف نظر از ملاحظات کلی که مورد تأکید قرار گرفت، در سطوح پایین تر، آن چه که به پیروزی عراق در فاو کمک کرد، عمدتاً ناشی از عوامل زیر بود:

۱- برنامه ریزی دقیق و دراز مدت برای بازپس گیری فاو؛ چنان که در فرصت های مختلفی عراق در این زمینه تلاش کرد که به نتیجه نرسید، ولی سرانجام با گسترش سازمان و برگزاری مانورهای مناسب بر روی ماکت منطقه فاو از آمادگی لازم برخوردار شد. پیش از این عدنان خیرالله، وزیر دفاع وقت عراق اعلام کرده بود، تصرف دوباره فاو مشروط به برقراری توازن روحیه و توان است. (۳) این امر در ارتش عراق پس از دو سال و اندی حاصل شد.

۲- جمع آوری اطلاعات بسیار دقیق از مواضع استقرار نیروهای ایران در منطقه فاو (۴) با استفاده از عکس های هوایی، ماهواره ای و کمک اطلاعاتی امریکا و منافقین.

۳- رعایت حفاظت به نحو مطلوب با جابه جایی نیروها در تاریکی شب؛ (۵) در شرایطی که دشمن در ۲۷ فروردین ۱۳۶۷ تا صبح روز بعد بالغ بر

ص: ۷۱

۱- ۲۳۱. مأخذ ۵۹.

۲- ۲۳۲. پیشین.

۳- ۲۳۳. مأخذ ۱۷، ص ۱۰.

۴- ۲۳۴. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۳۱۷، ۴ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از «الدستور»، چاپ انگلیس، ۷ مه ۱۹۸۸، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۷، ژنرال «موگن»، کارشناس نظامی فرانسه.

۵- ۲۳۵. مأخذ ۱۵، ص ۵۱.

۱۵۰۰ دستگاه خودرو وارد وفا کرد (۱)، لیکن تحرکات خود را کاملاً عادی نشان می داد و حتی آتش دشمن کاهش یافته بود. به همین دلیل، هیچ گزارش اطلاعاتی در مورد تقویت دشمن در فاو منتشر نشد (۲).

۴- اجرای طرح فریب با تظاهر به ستون کشی به غرب و اجرای تک در منطقه سپاه اول و دوم.

۵- طرح ریزی عملیاتی مناسب و استفاده از گاز سیانور در بمباران شیمیایی پشت خطوط، توپخانه ها و خمپاره اندازهای خودی که از همان آغاز عملیات، آتش توپخانه ایران را از کار انداخت.

۶- بهره برداری از فرصت با توجه به غافل گیری ایران که دشمن با توجه به حضور نیروهای ایران در منطقه شمال غرب در مدت ۱۲ ساعت با استفاده از فرصت توانست با تکیه بر برتری توان، اوضاع را به طور کامل به سود خود تثبیت کند.

۷- استعداد اندک نیروهای ایرانی در منطقه فاو که کمتر از یک لشکر بود و تمرکز اصلی نیروها در منطقه غرب در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از منطقه فاو.

آثار و بازتاب سقوط فاو

دو مشخصه برجسته ناشی از سقوط فاو، «تغییر توازن» و «برهم خوردن تعادل روانی» در جنگ بود. پیدایش این وضعیت به عنوان یک «نقطه عطف»، منجر به تقویت این احتمال شد که با «تغییر سیر جنگ»، زمان پایان دادن به آن فرارسیده است.

سقوط فاو سبب شد، علت برتری یافتن عراق و پیروزی این کشور در فاو مورد توجه کارشناسان و تحلیل گران قرار گیرد. «حمله غیر منتظره عراق»

ص: ۷۲

۱- ۲۳۶. پیشین، ص ۵۳، برادر محرابی مسئول اطلاعات قرارگاه کربلا، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۲۳۷. پیشین، ص ۵۲.

برخی از مقامات غربی و تحلیل گران را دچار شکفتی کرد (۱)، زیرا تا آن زمان آنها می پنداشتند که عراق همچنان موضع دفاعی خود را حفظ خواهد کرد، لذا این تغییر استراتژی سبب شد تا نقش مشاوره ای امریکا و شوروی و فرانسه برای سازمان دهی مجدد گارد ریاست جمهوری عوامل اصلی تغییر وضعیت شناخته شوند. (۲) پیش از این، بسیاری از کارشناسان نظامی جنگ معتقد بودند که ارتش عراق از آموزش یا روحیه تهاجمی لازم برای دست زدن به حمله برخوردار نیست، اما تحولات عمده ای که در سال ۱۳۶۶ در ارتش عراق انجام شد، تحلیل گران پنتاگون را نیز به تجدید نظر در تفکر خود واداشت. (۳) دیپلمات های مقیم بغداد نیز بازپس گیری فاو را نشانه بهبود توانایی رزمی و تقویت روحیه ارتش عراق ذکر کردند (۴).

همچنین، بازپس گیری فاو باعث شد نیروهای عراق با به دست گرفتن ابتکار عمل (۵) از یک «موضع استراتژیک» (۶) و برتر برخوردار شوند. پیدایش این وضعیت منجر به شکل گیری مفاهیم جدیدی شد، بدین معنا که توازن موجود - قرار داشتن ایران در موضع تهاجمی و برتر و در مقابل قرار داشتن عراق در موضع پدافندی و ضعف - دست خوش تغییر شود و به باورهای پیشین مبنی بر این که ارتش عراق فاقد روحیه و مهارت لازم می باشد، پایان دهد. (۷) در این میان، برخی از دیپلمات ها در خلیج فارس تأکید کردند، این تهاجم می تواند استراتژی عراق را تغییر دهد. (۸) بر اساس همین ملاحظه، فرمانده پیشین سپاه گارد گفت:

«آزاد سازی شهر فاو، سرنوشت جنگ را تغییر خواهد داد.» (۹).

سقوط فاو، استراتژی ایران را مبنی بر متقاعد ساختن حامیان عراق برای دادن امتیاز به ایران - به خاطر داشتن موضع برتر به دلیل ادامه حملات به مواضع عراق و در اختیار داشتن مناطق تصرف شده در خاک عراق - آسیب پذیر کرد و در معرض تغییر قرار داد. زیرا در میان مناطق تصرف شده،

ص: ۷۳

۱- ۲۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۲، ۱ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست.

۲- ۲۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۴۴، ۱۳ / ۲ / ۱۳۶۷، خبرگزاری رویتر، به نقل از یک تحلیل گر خاورمیانه.

۳- ۲۴۰. مأخذ ۱۷، مقاله بازپس گیری فاو، نیویورک تایمز، ۹ / ۲ / ۱۳۶۷، صص ۱۲ و ۱۳.

۴- ۲۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۸، ۴ / ۲ / ۱۳۶۷، بی بی سی، ۶ / ۲ / ۱۳۶۷.

۵- ۲۴۲. مأخذ ۷۳.

۶- ۲۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۱، ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۷، خبرگزاری فرانسه.

۷- ۲۴۴. مأخذ ۸۰، رادیو لندن، ۶ / ۲ / ۱۳۶۷.

۸- ۲۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۰، ۳۰ / ۱ / ۱۳۶۷، خبرگزاری رویتر در کویت.

۹- ۲۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۸، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۷.

«فاو» برای ایران همانند «خرمشهر» برای عراق با اهمیت بود. ضمن این که خروج عراق از لاک دفاعی و قرار گرفتن در موضع آفند، نیازمند تغییر استراتژی نظامی ایران برای مقابله با سلسله تهاجمات عراق بود که نیاز به زمان داشت و از این مهم تر، سقوط فاو در مدت ۳۶ ساعت، ضربه روانی غیر قابل جبرانی بر ایران وارد ساخت که بهبود آن به سهولت امکان پذیر نبود. بر پایه همین ملاحظه، آقای هاشمی رفسنجانی در تحلیلی از روند جنگ تأکید کرد:

«از این پس زمان به نفع ما نخواهد بود» (۱).

«گری سیک» مشاور «کارت»، رئیس جمهور وقت امریکا در امور ایران نیز در مورد تغییر موضع ایران و آمادگی امریکا برای پایان دادن به جنگ معتقد بود:

«اگر ایران مشاهده کند که ادامه جنگ واقعا به اهداف انقلاب اسلامی و بقای حکومت اسلامی لطمه می زند، سعی خواهد کرد هر طور شده است از این وضع نجات یابد» (۲).

برخی از تحلیل گران معتقد بودند، ضربات ناشی از بازپس گیری فاو به دست عراق، سبب شده است که رهبران ایران (۳) در استراتژی کهنه خود در مورد این که طولانی شدن جنگ فرسایشی با عراق منجر به از پای در آمدن حکومت بغداد خواهد شد، تجدیدنظر کنند. (۴) حتی، برخی منابع دیپلماتیک تأکید کردند، تمایل ایران به یک ابتکار صلح بین المللی بیش از گذشته افزایش یافته است (۵).

امریکایی ها پیش از این، با اسکورت نفت کش های کویت و تلاش برای

ص: ۷۴

۱- ۲۴۷. مأخذ ۷۷، خبرگزاری آسوشیتدپرس.

۲- ۲۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۶۱، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، نیویورک، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۷.

۳- ۲۴۹. «شائول بخاش» یکی از کارشناسان و استاد دانشگاه «جرج تاوان» در مورد تمایل ایران برای صلح و موانع آن گفت: «کادر رهبری ایران به حل مشکل جنگ از راه های دیپلماتیک علاقه نشان داد، اما به سبب سرسختی عراق و حمایت امریکا از آن کشور و کندی ایرانیان در تصمیم گیری، این فرصت از دست رفت. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱ / ۲ / ۱۳۶۷، به نقل از «کریستین ساینس مانیتور»).

۴- ۲۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۷، ۶ / ۲ / ۱۳۶۷، آسوشیتدپرس، ۵ / ۲ / ۱۳۶۷.

۵- ۲۵۱. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۲ / ۲ / ۱۳۶۷.

تصویب قطع نامه ۵۹۸، در نظر داشتند، با در دست گرفتن ابتکار عمل، مقدمات پایان دادن به جنگ را فراهم کنند. مهم ترین معضل امریکا مقاومت ایران به دلیل در اختیار داشتن مناطق تصرف شده بود. ایران بر اساس همین وضعیت، در پی دریافت امتیاز لازم مبنی بر تجاوز شناختن عراق بود و امریکا از پذیرفتن و تأمین این خواسته خودداری می کرد. (۱) امریکایی ها ضمن حمایت صد درصد از عراق، پس از ماجرای مک فارلین فشار مستمری را بر ایران وارد ساختند (۲) با سقوط فاو، در واقع، موانع موجود تا اندازه ای برطرف شد، به همین دلیل «ریچارد مورفی»، معاون وزارت خارجه امریکا با اظهار خرسندی از سقوط فاو و فراهم شدن شرایط پایان جنگ، گفت:

«پیروزی ماه گذشته [عراق] در شبه جزیره فاو ممکن است امکان جدیدی را برای پیش رفت از کانال دیپلماتیک فراهم سازد» (۳).

در عین حال، نگرانی امریکا از تداوم حملات عراق و تغییر موازنه، سبب شد تا «مورفی» در «سمینار خلیج فارس» بر این مسئله تأکید کرده و بگوید:

«ما می خواهیم توازن در جنگ برهم نخورد» (۴).

روزنامه امریکایی نیویورک تایمز نیز با توجه به تحولات جدید، خطاب به سیاست مداران امریکا نوشت:

«با توجه به این که گرایش امریکا به سمت بغداد میان ایران و عراق تعادل نظامی

ص: ۷۵

۱- ۲۵۲. امریکایی ها معتقد بودند مشخص ساختن عراق به عنوان متجاوز ممکن است موجب سقوط رژیم عراق شود و ایران از آن به عنوان یک پیروزی که در جبهه جنگ قادر به کسب آن نبود، برخوردار شود. (معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۹، ترجمه مقاله بازپس گیری فاو، شیرین هانتر).

۲- ۲۵۳. «شیرین هانتر»، معاون بخش خاورمیانه مرکز مطالعات بین المللی و استراتژیک دانشگاه جرج تاوان طی مصاحبه ای با رادیو امریکا در مورد سیاست امریکا گفت: «بعد از ایران - کنترا (ماجرای مک فارلین) سیاست امریکا به طور کلی و صد درصد جانب سیاست طرف داری از عراق را دارد... از این زمان، سیاست امریکا مبنی بر زیاد کردن فشار بر ایران به طور مستمر بوده است.» وی در مرحله اول، این فشار را تعویض پرچم نفت کش های کویت و قرار دادن پرچم امریکا، و مرحله دوم را حضور نظامی امریکا در خلیج فارس و سپس درگیری نظامی ایران و امریکا ذکر کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا ۳ / ۲ / ۱۳۶۷).

۳- ۲۵۴. مأخذ ۱۷، مقاله بازپس گیری فاو، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۶.

۴- ۲۵۵. مأخذ ۱۷، مقاله سیاست جدید امریکا، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۲۰.

ایجاد کرده است، اکنون زمان آن است که امریکا دیپلماسی خود را با شرایط جدید منطبق سازد» (۱).

از این پس، بر اساس درکی که امریکایی ها از وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی - نظامی جنگ داشتند، تلاش مضاعفی را برای متقاعد ساختن ایران برای پایان دادن به جنگ - با ارسال پیام های آشکار و پنهان - آغاز کردند. بر اساس همین ملاحظات، برخی از مقامات امریکایی خواهان شرکت جستن دولت امریکا در نوعی گفت و گوهای صلح با ایران بودند (۲)، زیرا منافع گوناگون امریکا در خلیج فارس پایان جنگ و بهبود روابط ایران و امریکا را به یک امر ضروری تبدیل کرده بود. (۳) در این حال، ادامه جنگ مانع بهبود روابط ایران و امریکا ارزیابی می شد. (۴) ایران تحت شرایط جدید، از یک سو از روند تحولات جنگ و سیاست های مداخله جویانه امریکا نگران بود (۵) و از سوی دیگر، برای پایان دادن به جنگ، خواستار شناخته شدن این حقیقت بود که عراق متجاوز اصلی بوده و ایران مورد تجاوز قرار گرفته است. شناسایی این موضوع در محافل بین المللی برای ایران با اهمیت بود. (۶) اما از نظر کارشناسان امریکایی تحقق هر گونه شرایطی که منجر به سقوط دولت عراق شود، به منزله بر هم خوردن توازن در خلیج فارس و تهدید دوستان و متحدان امریکا در منطقه و در نتیجه، تهدید منافع استراتژیک غرب ارزیابی می شد (۷).

آقای هاشمی با توجه به رخدادهای جدید در صحنه نظامی و سیاسی در گفت و گو با تلویزیون ایتالیا گفت:

«اگر واقعا مصلحت را در این تشخیص دهیم که باید مصالحه کرد، ما این سیاست را می پذیریم» (۸).

وی با توجه به موانعی که برای تأمین خواسته های ایران وجود داشت، افزود:

«فعلا این مصالحه برای ما و منطقه و حتی مردم عراق خیلی گران تمام

ص: ۷۶

۱- ۲۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۱، ۲۰ / ۲ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز.

۲- ۲۵۷. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷، رئیس مرکز مطالعات امور خارجه امریکا، «مایکل و لاهوس».

۳- ۲۵۸. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷، «جفری شلوس»، کارشناس امور منطقه ای در دفتر امور خاور نزدیک امریکا.

۴- ۲۵۹. پیشین.

۵- ۲۶۰. روزنامه کیهان، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۷، آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۷.

۶- ۲۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱، ۱ / ۱ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۶،

شیرین هانتر، معاون مؤسسه استراتژیک جرج تاون.

۷- ۲۶۲. مأخذ ۹۴.

۸- ۲۶۳. روزنامه کیهان، ۵ / ۲ / ۱۳۶۷.

نماینده موقت ایران در سازمان ملل نیز در این باره گفت:

«قطع نامه ۵۹۸ شامل بندی بود که مهم ترین خواسته ما را تأمین می کرد و آن این که، دبیرکل موظف است که کمیته ای برای تعیین متجاوز تشکیل دهد... پس از سفر دبیر کل سازمان ملل برای تهیه طرح اجرایی برای قطع نامه با جابه جا کردن بعضی از بندها نظرات ما تا حدودی تأمین شد، ولی دولت بعثی عراق با پیشنهاد دبیر کل مخالفت کرد» (۲).

سقوط فاو، به طور طبیعی موضع عراق را در مقایسه با گذشته تقویت کرد و همین مسئله بر پیچیدگی اوضاع برای یافتن راه حل مناسب تا اندازه ای افزود. دبیر کل، یک طرح پنج ماده ای تهیه کرد که می توانست نقطه آغازی برای حل و فصل دیپلماتیک جنگ ایران و عراق باشد. (۳) اما، عراق با این پیشنهاد مخالفت کرد، هر چند پاسخ ایران به آن مثبت بود (۴) «دکویار»، دبیر کل وقت سازمان ملل در توضیحات مشکلات جدید گفت:

«ایران مفاد ده گانه قطع نامه را پذیرفته است، ولی با ترتیب اجرای آن مخالف است... ایران می خواهد که اجرای این قطع نامه با تشکیل کمیسیونی که مسبب آغاز جنگ را معلوم کند آغاز شود، ولی عراق ایجاد هر گونه تغییر در مفاد این قطع نامه را نمی پذیرد.» (۵).

از سوی دیگر، تلاش آمریکا برای صدور قطع نامه ای به منظور تحریم ایران نیز به دلیل مخالفت چین و شوروی به عنوان دو عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل که از حق و تو برخوردار بودند ناکام ماند و امکان فشار آمریکا به ایران کاهش یافت.

«والترز» نماینده وقت آمریکا در سازمان ملل در سفر به منطقه خاورمیانه به مخالفت چین و شوروی اشاره کرد. (۶) «نیکسون»، رئیس جمهور اسبق آمریکا نیز در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «سی.ان.ان» آمریکا در مورد موضع گیری

ص: ۷۷

۱- ۲۶۴. پیشین.

۲- ۲۶۵. روزنامه کیهان، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷، جعفر محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل.

۳- ۲۶۶. مأخذ ۹۶ گری سیک، عضو اسبق شورای امنیت در زمان کارتر، در مصاحبه با نیوزویک.

۴- ۲۶۷. روزنامه کیهان، ۴ / ۳ / ۱۳۶۷، جعفر محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل.

۵- ۲۶۸. روزنامه کیهان، ۴ / ۳ / ۱۳۶۷.

۶- ۲۶۹. روزنامه کیهان، ۲ / ۳ / ۱۳۶۷.

شوروی گفت:

«اتحاد شوروی در خلیج فارس دست به بازی «رولت روسی» می زند و امریکا می بایست به وضوح به اطلاع «میخائیل گورباچف» رهبر شوروی برساند که کشورش برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق به امریکا پیوندد.»

وی اضافه کرد:

«باید ریگان به گورباچف اطلاع دهد، در صورت عدم پیوستن شوروی ها به تلاش های واشنگتن برای پایان دادن به جنگ، بر روابط امریکا و شوروی خدشه وارد خواهد آمد» (۱).

این توصیه های هشدار آمیز نیکسون، در آستانه چهارمین ملاقات گورباچف و ریگان به عنوان رؤسای دو کشور شوروی و امریکا انجام می گرفت. در چنین شرایطی که روس ها بر اساس قرارداد ژنو (۲۵ / ۱ / ۱۳۶۷) میان افغانستان، پاکستان، امریکا و شوروی، در حال اجرای نخستین مرحله خروج نیروهای شوروی از افغانستان بودند (۲)، تمرکز توجهات به تحولات جنگ ایران و عراق به جای توجه به خروج نیروهای شوروی از افغانستان، عملاً به سود مقام های مسکو ارزیابی می شد. از سوی دیگر، روس ها با توجه به ثمر نشستن کمک های تسلیحاتی و مشاوره ای خود به عراق و متقاعد ساختن فرماندهان ارتش آن کشور برای تغییر استراتژی از پدافند به آفند و فراهم کردن لوازم و امکانات اجرای این امر مهم، اوضاع را در سطح استراتژیک کاملاً به سود عراق ارزیابی می کردند و در نظر داشتند با به دست گرفتن ابتکار عمل، روند جنگ را اداره و هدایت کنند. مشاهده برتری قابل ملاحظه عراق پس از بازپس گیری فاو، روس ها را مانند عراقی ها و برخلاف امریکایی ها متقاعد ساخت که

ص: ۷۸

۱- ۲۷۰. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۲۷۱. منابع غربی، نیروهای شوروی را در افغانستان ۱۱۵ هزار نفر ذکر می کردند، برابر این آمار، در اولین مرحله باید ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر خارج می شدند. «قرارداد ژنو» شوروی را متعهد می کرد، ۵۰ درصد از نیروهایش را تا اواسط ماه اوت ۱۹۸۸ (۲۴ مرداد ۱۳۶۷) و باقی مانده آنها را ظرف شش ماه یعنی تا فوریه ۱۹۸۹ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷) از افغانستان خارج کند.

هیچ گونه اقدام تعجیلی برای پایان بخشیدن به جنگ انجام ندهند، زیرا دلیلی برای انجام این کار وجود نداشت و اوضاع کاملاً به سود مسکو و بغداد بود.

سقوط شلمچه

فرایند سقوط فاو با توجه به تأثیرات تعیین کننده آن بر تغییر توازن به سود عراق، بسیار حائز اهمیت بود. در وضعیت جدید، قابلیت تدافعی ایران برای تمرکز قوا به منظور مقابله با حملات عراق و در مقابل، توانایی عراق برای حفظ ابتکار عمل و تداوم تهاجم به سایر مناطق، نقش قابل ملاحظه‌ای در تغییر روند تحولات آینده جنگ داشت. بر پایه همین ملاحظات، بلافاصله پس از حادثه سقوط فاو، طی بررسی‌هایی که به عمل آمد و با توجه به احتمال حمله ارتش عراق به منطقه شلمچه یا «جزایر مجنون» پیشنهاد عقب نشینی مطرح شد با این استدلال که در فاو به دلیل حضور در شمال غرب نتوانستیم دفاع کنیم، پس باید نیروها را در منطقه شلمچه متمرکز کرد. در این زمینه، چون هنوز باور عمیق نسبت به واقعیت‌های جدید به وجود نیامده بود، لذا تصمیم‌گیری لازم انجام نشد. (۱) با این حال علاوه بر اقدامات مهندسی در جزایر مجنون، ترمیم و تقویت خطوط دفاعی در منطقه شلمچه نیز مورد توجه قرار گرفت. (۲) در مقابل، عراقی‌ها پس از حمله به فاو، در زمانی کم‌تر از ۴۸ ساعت نقل و انتقال از منطقه فاو را با هدف آمادگی برای عملیات بعدی، آغاز کرده (۳) و ۳۸ روز پس از حمله به فاو، سرانجام در ساعت ۸ صبح روز چهارم خرداد ۱۳۶۷ به منطقه شلمچه حمله کردند.

چند روز پیش از آغاز تهاجم دشمن، فعالیت‌های دشمن در این منطقه به نحو آشکاری افزایش یافت. هم‌زمان، در منطقه «ام الرصاص» نیز دشمن به جمع‌آوری موانع شامل خورشیدی و سیم‌های خاردار در حاشیه ساحل اروند اقدام کرد. (۴) واحد ترابری لشکر گارد جمهوری نیز نفرات، تجهیزات،

ص: ۷۹

۱- ۲۷۲. مأخذ ۵۹.

۲- ۲۷۳. سند شماره ۵۹۸، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، گزارش سه ماهه با فرماندهی کل، راوی: مجید نداف، بهار ۱۳۶۷، ص ۴.

۳- ۲۷۴. پیشین.

۴- ۲۷۵. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۴، ۲۳ / ۳ / ۱۳۶۷، ص ۸.

سلاح های ضد هوایی و مهمات را از منطقه هور، فاو و مناطق غرب به منطقه شرق بصره انتقال داد. (۱) برابر گزارش های شنود رادیویی، نیروهای دشمن از اول خرداد ۱۳۶۷ (پیش از شروع عملیات) فرکانس بی سیم های خود را در منطقه آزمایش می کرده اند (۲).

دشمن، تهاجم به شلمچه را با سه سپاه سوم، هفتم و گارد آغاز کرد. در این عملیات، نیروهای سپاه گارد از محور کانال پرورش ماهی (محور شمالی)، سپاه دوم از محور جاده شلمچه (محور وسط) و سپاه هفتم از محور جزیره «ام الطویل» (محور جنوبی) با پشتیبانی واحدهای توپخانه، زرهی و هوایی وارد عمل شدند. (۳) برابر تحلیل سردار «محسن رضایی» فرمانده کل سپاه در آن هنگام، در حالی که نیروهای خودی از زمان و مکان تهاجم دشمن آگاه بودند، ولی شلمچه تنها در مدت هشت ساعت سقوط کرد. در مقایسه با فاو، از ساعت «س» (حمله دشمن) اطلاعات به دست آمده بود، نیروها به ظاهر آماده تر بودند، غافل گیری هم وجود نداشت و خطوط دفاعی نیز تقویت شده بودند. البته نیروی احتیاط کمی در اختیار بود. ولی در هر حال اراده لازم برای مقابله با دشمن و حفظ شلمچه وجود نداشت. (۴) سقوط شلمچه نشان دهنده برتری عراق و تغییر تاکتیک آن در تهاجم بود. (۵) بیش از ۷۰ درصد توان دشمن در جنوب متمرکز شده بود. (۶) پیش از این پیش بینی شده بود که اگر عراق در موضع تهاجم قرار بگیرد، نیروهای خودی در موضع پدافندی قادر به مهار تهاجمات عراق نخواهند بود. (۷) در کتاب «تئوری عملیات و جنگ»، در مورد دشواری های حفظ ابتکار عمل و مقابله با قوای عمده دشمن، آمده است:

«حفظ ابتکار نظامی بسیار سخت تر از به دست گیری آن است. همه نویسندگان نظامی با این گفته «مولتکه» موافقند که یک اشتباه در تمرکز اصلی ارتش به سختی می تواند در طی جریان کامل نبرد اصلاح شود و آن که هیچ طرح عملیاتی در برخورد اولیه با عمده نیروهای اصلی دشمن پا برجا نمی ماند.

ص: ۸۰

۱- ۲۷۶. پیشین.

۲- ۲۷۷. مأخذ ۱۱۰، ص ۸.

۳- ۲۷۸. پیشین، ص ۹.

۴- ۲۷۹. مأخذ ۱۶.

۵- ۲۸۰. پیشین.

۶- ۲۸۱. مأخذ ۱۰۸، ص ۱۶.

۷- ۲۸۲. مأخذ ۱۶.

فرسایش نیروها شانس توانایی حفظ ابتکار را تضعیف می کند» (۱).

بازتاب سقوط شلمچه

سقوط شلمچه - نظر به اهمیت و نتایج آن در روند تحولات جنگ - بازتاب نسبتاً گسترده ای در رسانه های خبری داشت. پیش از این، سقوط فاو با آن که بسیار با اهمیت بود، ولی به دلیل غافل گیری ایران، به منزله برتری کامل عراق ارزیابی نمی شد. اما با سقوط شلمچه، تحلیل کارشناسان دست خوش تغییر شد و به تدریج برتری عراق و ضعف های ایران مورد توجه قرار گرفت. افزون بر این، تغییر استراتژی نظامی عراق، افزایش روحیه سربازان عراقی، بهبود روحیه عراق در محافل کارشناسی و هدایت عملیات به دست صدام مورد اشاره قرار گرفت. (۲) روزنامه «واشنگتن پست»، چاپ امریکا پیروزی عراق در شلمچه را به منزله «شکست عظیمی» برای نیروهای ایران ذکر کرد و نوشت:

«اکنون شکست سریع نیروهای ایرانی در شرق بصره این سؤال را در میان تحلیل گران مطرح می سازد که پس از سرگرمی با جریانات انتخابات مجلس و مانورهای سیاسی در مورد مسائل داخلی، چه به سر رهبری ایران آمده است» (۳).

رادیو لندن نیز در تحلیلی گفت:

«تغییر سیر جنگ، همه و به خصوص ایران را غافل گیر کرده است.»

در این تفسیر سقوط شلمچه به عنوان «مهم ترین عقب نشینی ایران» مورد تأکید قرار گرفت (۴).

پیش از این، با وجود افزایش توان عراق، همچنان بر برتری ایران تأکید می شد. این مسئله متأثر از چند عامل بود: نخست، قدرت تهاجمی و روحیه نیروهای ایران با حملات پی در پی و تصرف برخی از مناطق در داخل خاک عراق و دیگری، برتری نیروی انسانی ایران، وسعت سرزمینی و عمق

ص: ۸۱

۱- ۲۸۳. دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس)، سپاه پاسداران، معاونت تحقیق و پژوهش، تئوری عملیات و جنگ، سال ۱۳۷۵، ص ۹.

۲- ۲۸۴. مأخذ ۱۱۰، ص ۹.

۳- ۲۸۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۶۹، ۱۳۶۷/۳/۷، واشنگتن پست، ۱۳۶۷/۳/۶.

۴- ۲۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۶۸، ۱۳۶۷/۳/۶، رادیو لندن، ۱۳۶۷/۳/۵.

جغرافیایی بود که به عنوان عامل برتری ساز ایران بر عراق مورد توجه قرار داشت. نظر به این که از عامل دوم به طور کامل استفاده نشد، لذا بلافاصله پس از این که ماشین جنگی عراق از موضع پدافند به آفند به حرکت درآمد، مسیر جنگ به سود عراق تغییر کرد و به تدریج برخلاف گذشته، برتری عراق مورد تأکید قرار گرفت. مقامات پنتاگون بر این نظر بودند، شکست ایران نشان دهنده رشد فزاینده نیروهای مسلح عراق است و این مسئله به مفهوم شکسته شدن بن بست جنگ می باشد. (۱) کردزمن نیز در کتاب خود می نویسد:

«نیروهای مهاجم عراقی «حرفه گرایی» خود را، هم در سرعت عملیات شان و هم در استفاده از تسلیحات مرکب که برای نخستین بار در فاو به کار گرفته بودند، نشان دادند» (۲).

مقامات عراقی که پیش از این، مواضع جدیدی را مبنی بر آمادگی عراق برای بازپس گیری مناطق متصرف شده اعلام کرده بودند، با کسب پیروزی های جدید، از استراتژی جدیدی سخن گفتند. (۳) روزنامه واشنگتن پست در این باره نوشت:

«اقدامات ارتش عراق در جبهه جنگ استراتژی تازه کادر رهبری سیاسی کشور را روشن می سازد و هم اکنون نیز نشانه هایی از کارآیی این استراتژی آشکار شده است» (۴).

مجموعه وضعیت جدید باعث شد تا کارشناسان بر این مسئله تأکید کنند که موازنه قدرت بیش از پیش به نفع نیروهای عراقی تغییر کرده است (۵).

در مقایسه با وضعیت عراق و در حالی که برتری امکانات نظامی عراق تا چندین برابر ایران مورد اتفاق نظر قرار داشت، تنها کارشناسان نظامی بر این باور بودند، «ایران هم پول ندارد و هم نمی تواند از کشورهای مختلف سلاح تهیه کند. تنها برتری ایران بر عراق روحیه مردم در جنگ بود که تغییر کرده

ص: ۸۲

۱- ۲۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۵، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۷، آسوشیتدپرس، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از مقامات پنتاگون.

۲- ۲۸۸. مأخذ ۶، صص ۴۳۶ و ۴۳۷.

۳- ۲۸۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۳، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، نیویورک تایمز، ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۲۹۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۲، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو بی بی سی ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۵- ۲۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۹، ۲۷ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو بغداد، سرلشکر محمد کمال عبدالمجید، عضو مرکز مطالعات استراتژیک لندن.

است. (۱) «شهرام چوبین» از مؤسسه عالی مطالعات استراتژیک در ژنو، با توجه به وضعیت ایران و عراق، مشکلات اساسی ایران را شکاف میان توانایی های نظامی ایران و اهداف سیاسی این کشور ذکر کرد. (۲) بدین معنا که از یک سو، ایران توان دست یافتن به پیروزی نظامی برای تأمین اهداف سیاسی خود را ندارد و از سوی دیگر، نمی تواند پس از هشت سال جنگ، اهداف خود را محدود یا تغییر دهد.

کارشناسان امریکایی طی یک میزگرد تلویزیونی در امریکا، با تصدیق این مسئله که عراقی ها در مقایسه با گذشته بهتر می جنگیدند، به این موضوع اشاره کردند که عمده ترین تغییر در جنگ این است که ایران قادر نیست، همانند گذشته برای جبهه نیرو بسیج کند. برخی کارشناسان، ترکیبی از ضایعات شدید جنگی و مخالفت های سیاسی داخلی را عامل تضعیف روحیه ایران ذکر کردند. (۳) در برخی از منابع نیز نابسامانی اقتصادی به عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیر گذار در پیدایش وضعیت جدید و کاهش توانایی نظامی ایران مورد تأکید قرار گرفت (۴).

مهم ترین بحثی که در رسانه های خبری و در محافل کارشناسی و در میان تحلیل گران مسائل سیاسی و نظامی جنگ مطرح شد، احتمال پایان یافتن جنگ بود. در این میان، پیروزی های عراق به منزله افزایش شانسی حقیقی برای پایان یافتن جنگ ارزیابی می شد. (۵) در واقع، شرایط بحرانی و دشواری که ایران در آن به سر می برد، منشأ تغییر موضع ایران برای پایان جنگ ارزیابی می شد. (۶) مقامات امریکایی معتقد بودند که موضع ایران در برابر عراق از موضع «تندرو به میانه رو» تغییر یافته است. (۷) پیدایش عنصر میانه رو در مواضع ایران نسبت به پایان جنگ، علاوه بر مسائلی که پیش از این ذکر شد، عمدتاً به دلیل غافل گیری ایران نسبت به تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند بود. در واقع، اشتباه ایران این بود که تصور می کرد، عراق

ص: ۸۳

۱- ۲۹۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه» نشریه شماره ۸۲، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۷ رادیو لندن، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۷، شهرام چوبین، از مدرسه عالی مطالعات استراتژیک در ژنو.

۲- ۲۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۴، ۲۲ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۷.
۳- ۲۹۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۶، ۱۴ / ۳ / ۱۳۶۷، شبکه «ای بی سی» ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۲۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۳، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷.
۵- ۲۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۹، ۱۷ / ۳ / ۱۳۶۷، هفته نامه اکونومیست، ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۷.

۶- ۲۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۱، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۷، فیگارو، ۱۸ / ۳ / ۱۳۶۷.

۷- ۲۹۸. مأخذ ۱۲۷، واشنگتن تایمز، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۷.

نمی‌تواند به تهاجم عمده علیه ایران دست بزند و به این جهت، آماده مقابله با حمله بزرگ عراق نشده بود. (۱) لذا مسئولان جمهوری اسلامی در جست و جوی راه حلی برای پایان دادن به جنگ بودند. مقامات دیپلماتیک عراق نیز به این نتیجه رسیده بودند که ایران نسبت به یک ابتکار تازه بین‌المللی برای استقرار صلح متمایل تر شده است. (۲) گری سیک نیز طی مصاحبه‌ای با مجله نیوزویک گفت:

«در میان کادر رهبری ایران افرادی وجود دارند که مایلند راهی پیدا نمایند تا خودشان را از این موقعیت خلاص نمایند» (۳).

به موازات تغییر در موازنه جنگ، موضع‌گیری و تحلیل برخی از مقامات رسمی و شخصیت‌های امریکا قابل ملاحظه بود و حتی، روزنامه «واشنگتن تایمز» احتمال تغییر سیاست امریکا در برابر ایران و تلاش برای یافتن راه حل مورد پذیرش برای پایان دادن به جنگ را مورد اشاره قرار داد. «ورنون والتر»، فرستاده ویژه امریکا به منطقه در مصاحبه‌ای، در مورد ضرورت مذاکره میان ایران و عراق تأکید کرد، دو طرف باید کوتاه بیایند. ولی وی به هنگام ترک بحرین در حالی که تأکید می‌کرد، «به ایرانی‌ها اجازه نمی‌دهیم خواسته‌های خود را دیکته کنند»، گفت:

«ما می‌توانیم در مقابل ایرانی‌ها انعطاف داشته باشیم» (۴).

ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا نیز در گردهمایی «امنیت خلیج فارس و جنگ ایران و عراق» مواضعی را اعلام کرد که آشکارا به سود ایران بود. وی گفت: «تشکیل هیئتی را خواستاریم که علل و ریشه‌های جنگ را مشخص کند.» و سپس تأکید کرد:

«البته، اذعان داریم که نخستین بار واحدهای عراقی بودند که وارد خاک ایران شدند» (۵).

ص: ۸۴

۱- ۲۹۹. پیشین.

۲- ۳۰۰. مأخذ ۱۲۵، رادیو لندن، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از واشنگتن پست.

۳- ۳۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۷۸، ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۷، واشنگتن تایمز، ۱۵ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۰۲. روزنامه کیهان، ۸ / ۳ / ۱۳۶۷.

۵- ۳۰۳. روزنامه کیهان، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

کسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا که پیش از این نیز در نظرات و تحلیل هایی که ارائه می کرد همواره منافع امریکا را در عدم پیروزی هر یک از دو طرف درگیر در جنگ ارزیابی می کرد، با مشاهده برتری عراق بار دیگر طی سخنانی که در دیوار امریکا نیز منعکس شد، گفت:

«به سود امریکا نیست که طرفی در این جنگ بر دیگری پیروز گردد» (۱).

وی سپس درباره روابط ایران و امریکا افزود:

«بعید به نظر نمی رسد که در آینده ای دور و نه چندان نزدیک، ایران بار دیگر به غرب رو آورد. به حکم چنین تحلیلی، مسئله ایران اساساً مشکلی پیچیده و بغرنج است و باید در انتظار بود، گرایش به بنیادگرایی در ایران دوره خود را طی کند» (۲).

نیکسون، رئیس جمهور اسبق امریکا نیز با توجه به عقب نشینی نیروهای شوروی از افغانستان و موضع گیری این کشور در خصوص پایان جنگ عراق و ایران گفت:

«باید تصمیم گورباچف برای تخلیه افغانستان مورد استقبال قرار گیرد، ولی باید صریحاً به وی خاطر نشان سازیم که این اقدام شوروی کافی نخواهد بود، چرا که موضع «میخائیل گورباچف» در ارتباط با جنگ ایران و عراق بسیار مهم تر از اشغال افغانستان است.... گورباچف در منطقه صلح را بازی گرفته است.»

این تحلیل نیکسون بر این پایه بود که به گفته وی:

«در واقع شوروی، هم با ایران قول و قرار می گذارد و هم با عراق» (۳).

گورباچف که در حال برگزاری چهارمین اجلاس میان سران شوروی و امریکا بود و پیش از این نخستین مرحله خروج نیروهای شوروی از افغانستان را اجرا کرده بود، پس از پایان اجلاس به ریگان گفت:

«راه حلی که برای مسئله افغانستان به دست آمده است، خواهد توانست برای حل و فصل صلح آمیز دیگر مسائل منطقه ای نیز مورد استفاده قرار گیرد.»

ص: ۸۵

۱- ۳۰۴. پیشین، رادیو امریکا، ۹ / ۳ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۰۵. مأخذ ۱۳۸، رادیو امریکا، هنری کسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا.

۳- ۳۰۶. روزنامه کیهان، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۹ / ۳ / ۱۳۶۷.

این اظهارات نشان دهنده تمایل شوروی به مشارکت فعال و مستقیم برای حل سایر مسائل منطقه بود. وی در این مصاحبه خواهان کاهش نیروهای دریایی امریکا در خلیج فارس شد (۱).

نتایج برخاسته از سقوط شلمچه، منجر به آن شد که جمهوری اسلامی ایران دست به اقداماتی بزند. نخستین اقدام، افزایش فعالیت های دیپلماتیک و پی گیری روند جابه جایی در بندهای قطع نامه ۵۹۸ بود. دومین اقدام دعوت از مردم برای پشتیبانی از جبهه ها بود که در این راستا و با توجه به برگزاری سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی که در ۱۹ فروردین ۱۳۶۷ آغاز شد و همچنان فضای داخلی کشور را به خود مشغول کرده بود، امام خمینی (ره) در پیامی به مجلس سوم و خطاب به مردم فرمودند:

«مردم عزیز ایران بعد از فراغت از انتخابات همچون گذشته بر پشتیبانی مادی و معنوی خود از جبهه های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور را حمایت نمایند» (۲).

امام با توجه به سقوط شلمچه و تداوم حملات عراق و آثار و نتایج روحی و روانی این حوادث در پیام خود فرمودند:

«برای ملت بزرگ هیچ پیروزی بالاتر از تصمیم و عزم و اراده استقرار آنان برای رسیدن به حق نیست که بحمدالله خداوند آن را به مردم کشور ایران عنایت فرموده است» (۳).

امام در این پیام تأکید فرمودند:

«هر روز ما، روز موفقیت و امتحان جدیدی بوده است. بعد از این نیز در راه خدا ادامه می دهیم.» (۴).

پیش از این با توجه به شرایط حساس جبهه ها نیز ستاد کل سپاه طی صدور بیانیه ای به فراخوانی نیروهای بسیجی مبادرت کرد (۵).

سومین اقدام برجسته ای که ایران انجام داد، انتصاب

ص: ۸۶

۱- ۳۰۷. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۰۸. روزنامه کیهان، ۷ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۰۹. پیشین.

۴- ۳۱۰. مأخذ ۱۴۳.

۵- ۳۱۱. روزنامه کیهان، ۵ / ۳ / ۱۳۶۷.

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا در ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ بود. این اقدام به منزله ایجاد تغییرات جدید در سطوح عالی فرماندهی نظامی تفسیر شد (۱).

زمینه های انتصاب آقای هاشمی به مسئولیت جدید، اساسا پس از عملیات فاو ایجاد شد. بدین ترتیب که ضرورت بسیج امکانات کشور سبب شد تا سپاه، آقای هاشمی را به عنوان فرماندهی کل به امام پیشنهاد کند. (۲) به نظر می رسد، این انتصاب با توجه به موقعیت آقای هاشمی، می توانست زمینه برخی از پشتیبانی های لازم برای جنگ را فراهم و تسهیل کند.

امام پس از سقوط شلمچه، حکم آقای هاشمی را به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا صادر فرمودند. (۳) و در آن به درگیری و رویارویی امریکا علیه اسلام و ایران و هم آهنگی غرب و شرق در مبارزه با انقلاب اسلامی اشاره کردند. (۴) همچنین، در این حکم به ایجاد ستاد فرماندهی کل، هم آهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی، سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروها و تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی، استفاده درست از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و بهره برداری صحیح از کمک های مردمی اشاره شده بود. (۵) برادر رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران در واکنش به انتصاب آقای هاشمی گفت:

«امید است، این حسن انتخاب و تفویض اختیارات در بسیج امکانات کشور در امر جنگ و ایجاد وحدت بین نیروهای بسیج که جزو آرزوهای دیرینه رزمندگان اسلام هست، شوری نوین برای سرکوبی هر چه سریع تر متجاوز در میدان نبرد ایجاد نماید» (۶).

آقای هاشمی نیز طی مصاحبه مطبوعاتی با بیان این که حکم امام دارای دو موضوع اصلی و سه موضوع فرعی است، تأکید کرد:

«موضوع اصلی، یکی این که باید از امکانات نیروهای مسلح برای جنگ و دفاع

ص: ۸۷

۱- ۳۱۲. مأخذ ۶، ص ۴۰۳.

۲- ۳۱۳. مأخذ ۵۹.

۳- ۳۱۴. مأخذ ۱۴۲.

۴- ۳۱۵. پیشین.

۵- ۳۱۶. پیشین.

۶- ۳۱۷. پیشین.

بهرتر استفاده شود که به خاطر چندگانگی نیروهای مسلح، از امکانات به خوبی استفاده نمی شود.»

وی پس از اشاره به موضوعات فرعی حکم امام، در مورد تأثیر فوری آن گفت:

«مردم را برای جنگ جدی می کند و روی دشمن هم اثر خود را خواهد گذاشت» (۱).

آقای هاشمی همچنین در نماز جمعه تهران وضعیت جدید جنگ را به وضعیت پس از عملیات والفجر ۸ که عراقی ها دفاع متحرک را آغاز کردند، تشبیه کرد و گفت:

«این بار ما نیاز داریم، وضعیت را جدی تر بگیریم که این کار را شروع کرده ایم» (۲).

وی تأکید کرد:

«در حالی که وزارت خارجه تلاش می کند، ما هم از جنگ غفلت نمی کنیم و باید در جبهه حاضر باشیم.»

نظر به این که پیش از این، آقای هاشمی به عنوان فرماندهی عالی جنگ در صحنه سیاسی - نظامی جنگ حضور داشتند، لذا انتصاب ایشان به جانشینی فرماندهی کل قوا این گونه ارزیابی شد که «این تغییر به منظور آماده شدن برای نوعی مصالحه صورت گرفته است». (۳) عراقی ها نیز انتصاب آقای هاشمی را به منزله تلاش ایران برای صلح ارزیابی کردند (۴).

در هر صورت، تغییر حاصله و از جمله تشکیل ستاد کل قوا، گرچه مهم و مؤثر بود، ولی با توجه به اوضاع سیاسی - نظامی و شرایط هنگام تشکیل و نیز تأخیری که در فعال کردن آن به وجود آمد، بیش تر در اداره و هدایت اوضاع سیاسی - نظامی و فراهم ساختن زمینه های صلح مؤثر واقع شد تا این که بتواند شرایط ادامه جنگ را تأمین کند.

ص: ۸۸

۱- ۳۱۸. روزنامه کیهان، ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۱۹. روزنامه کیهان، ۱۴ / ۳ / ۱۳۶۷، نماز جمعه تهران، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۲۰. مأخذ ۶، ص ۴۳۱.

۴- ۳۲۱. مأخذ ۵۹.

حملات پی در پی دشمن باعث شد تا پس از سقوط شلمچه، به منظور فائق آمدن بر روند تهاجمات و برتری روحی دشمن، عملیات بیت المقدس ۷ طرح ریزی و در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۲۲ خرداد ۱۳۶۷ با ۱۰ یگان سپاه و در مجموع با استعداد ۷۰ گردان نیرو اجرا شود. در این عملیات، حد فاصل کانال «شهید ادب» تا کانال ماهی و منطقه پنج ضلعی در منطقه عمومی شلمچه به تصرف نیروهای خودی درآمد (۱).

یک روز بعد، پنج لشکر آزاد دشمن شامل دو لشکر از گارد ریاست جمهوری و لشکرهای اول مکانیزه و ۳ و ۶ زرهی که در منطقه احتیاط قرار داشتند، خود را به صحنه نبرد رساندند و در روز ۲۳ خرداد ۱۳۶۷ دست به پاتک زدند. (۲) نیروهای خودی که هدف تثبیت منطقه را دنبال نمی کردند، برای جلوگیری از تلفات احتمالی در برابر پاتک های دشمن، عقب نشینی کردند. (۳) پیش روی سریع نیروهای خودی و انهدام دشمن در عملیات بیت المقدس ۷ اثر مثبتی در روحیه نیروهای خودی داشت.

آقای هاشمی طی سخنان، در مورد انگیزه عملیات، به «گرم نگه داشتن میدان نبرد، جلوگیری از تلاش دشمن در ایجاد استحکاماتی جدید در منطقه، ارزیابی توان دشمن و وارد کردن ضربه کاری به دشمن قبل از انجام تحرکات دیگر» اشاره کرد. همچنین، وی از تغییر جهت و خنثی کردن تبلیغات کفر جهانی که تضعیف روحیه رزمندگان و تقویت نیروهای عراق را پی گیری می کرد، به عنوان هدف های دیگر این عملیات یاد کرد. (۴) آقای هاشمی در اظهارات خود با توجه به تقویت نیروهای خودی پس از اجرای عملیات بیت المقدس ۷، در مورد پایان جنگ گفت:

«در مورد اصل جنگ ما تابع نظر مقام معظم رهبری هستیم و راه پایان جنگ در غیر میدان را هم مشخص کرده ایم که اگر آماده تسلیم حق شده باشند، راه پایان جنگ آسان است» (۵).

ص: ۸۹

۱- ۳۲۲. سند نظامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، گزارش تک عراق به جزیره در ۲۲ / ۳ / ۱۳۶۷، راوی: یدالله ایزدی، قرارگاه کربلا، ص ۱ و ۲، مقدمه.

۲- ۳۲۳. مأخذ ۵۹.

۳- ۳۲۴. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۵، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۶.

۴- ۳۲۵. مأخذ ۵۷.

۵- ۳۲۶. پیشین.

همچنین آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران از نیروهای مردمی برای حضور در جبهه دعوت کرد تا در اعزام بزرگ سراسری که قرار است در تیرماه انجام شود، شرکت کنند. (۱) واحد بسیج نیز با اعلام برنامه اعزام های ویژه سپاه محمد صلی الله علیه و سلم، از کلیه نیروهای بسیجی جهت ثبت نام و اعزام به جبهه دعوت کرد (۲).

عراق در ادامه حملات خود، در ۲۴ خرداد ۱۳۶۷ در محور «ماوت» (جبهه های شمالی) وارد عمل شد اما موقعیت چشم گیری به دست نیاورد و پس از ۸ روز درگیری، تنها قسمتی از این منطقه را از دست نیروهای خودی خارج کرد. (۳) همچنین، عراق در اقدامی مشترک با منافقین در ۲۹ خرداد ۱۳۶۷ به مهران حمله کرد. در این عملیات، نیروهای عراقی با استعداد یک لشکر ارتفاعات «قلعه آویزان» که مسلط بر شهر مهران بود، به اشغال درآوردند. پس از آن نیروهای منافقین با برخورداری از حمایت یگان های دشمن، وارد شهر مهران شدند (۴).

سقوط جزایر مجنون

سقوط منطقه شلمچه و تداوم حملات دشمن در سایر مناطق و احتمال حمله به جزایر مجنون، به عنوان آخرین منطقه ای که در جبهه های جنوبی همچنان در اختیار قوای نظامی ایران قرار داشت، باعث شد تا ضرورت تخلیه دو جبهه ماوت و حلبچه در غرب کشور و انتقال نیروها به جنوب مورد توجه قرار گیرد. (۵) چنان که پیش از این اشاره شد، گسترش و زمین گیر شدن نیروهای سپاه در خطوط پدافندی در طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرز، علاوه بر این که قدرت آفندی سپاه را کاهش داده بود، بر توانایی پدافندی این نیرو تأثیرات فراوانی گذاشته بود. به عبارت دیگر استراتژی دشمن از پدافند به آفندی تغییر کرده بود و به طور طبیعی، نیروهای خودی در موضع پدافندی

ص: ۹۰

۱- ۳۲۷. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، راهنمای عملیات جنگ ۸ ساله، تهران، آبان ۱۳۶۹، ص ۹۰.

۲- ۳۲۸. روزنامه کیهان، ۲۸ / ۳ / ۱۳۶۷، خطبه های نماز جمعه تهران، ۲۷ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۲۹. روزنامه کیهان، ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۳۰. مأخذ ۱۶۳.

۵- ۳۳۱. مأخذ ۱۰۸، ص ۱۷.

قرار گرفته بودند. تمرکز نیرو برای مقابله با تهاجمات دشمن ضروری بود، بنابراین بر تخلیه برخی از مناطق تأکید می شد. در بحث هایی که به میان آمد، حتی چنین استدلال می شد که وقتی ما خرمشهر را از دشمن گرفتیم، با احتمال حمله ایران به سمت بصره، دشمن نیروهایش را از قصر شیرین، مهران و سایر مناطق عقب کشید و در منطقه شرق بصره متمرکز کرد. (۱) در شرایطی که دشمن برای حمله به جزایر آماده می شد، به نظر می رسید حفظ این منطقه بر سایر مناطق ارجحیت داشت. نظر به اهمیت این بحث و ضرورت تصمیم گیری و اقدام مقتضی، فرماندهی سپاه (برادر رضایی) تلاش می کرد، نیروهای ارتش مسئولیت پدافند یکی از چهار منطقه ماووت، چنگوله، مهران و ترجیحا حلبچه را که به وسیله سپاه پدافند می شد، بر عهده بگیرند تا نیروهای سپاه برای پدافند در جزایر، آزاد شوند. (۲) پیچیدگی و دشواری های موجود سبب شد، تصمیم گیری در این زمینه به زمان دیگری موکول شود (۳) مهم ترین علت تأخیر در تصمیم گیری برای عقب نشینی، این بود که مسئولان و فرماندهان هنوز به حفظ مواضع امیدوار بوده و عقب ماندگی خود و برتری فوق العاده عراق به لحاظ توان رزمی را باور نداشتند. تصور می شد که علت حوادث قبلی، تنها اشکالات در خطوط دفاعی و ضعف های تاکتیکی بوده است و با رفع آنها می توان دفاع کرد. (۴) با این ملاحظه کلی و در وضعیت دشواری که برای حفظ جزایر وجود داشت، تصمیم گرفته شد که برای حفظ جزایر شمالی در آن جا پدافند شود و در جزیره جنوبی برای انهدام دشمن و گرفتن زمان برای حفظ جزیره شمالی به دشمن حمله شود (۵).

با نزدیک شدن روزهای پایانی ماه خرداد، عراق بر حجم تحرکات خود و در همین راستا، در ۲۸ خرداد ۱۳۶۷ و روزهای پس از آن نیروهایش را در این جزایر تقویت کرد. (۶) نکته قابل ملاحظه در تحرکات عراق، اجتناب از حفاظت و غافل گیری بود. به نظر می رسید، دشمن قصد داشت، تحرکات خود

ص: ۹۱

۱- ۳۳۲. پیشین.

۲- ۳۳۳. پیشین، ص ۲۷ و ۲۸.

۳- ۳۳۴. مأخذ ۱۰۸، ص ۱۷.

۴- ۳۳۵. مأخذ ۵۹.

۵- ۳۳۶. مأخذ ۱۵۷، ص ۸.

۶- ۳۳۷. پیشین، ص ۵.

را نشان دهد (۱)، تا با ایجاد رعب در نیروهای ایرانی، ضریب موفقیتش را افزایش دهد.

در این حال، روزنامه واشنگتن تایمز به نقل از مقامات وزارت دفاع امریکا نوشت:

«عراق یک نیرو به تخمین ۲۰۰ هزار نفر را در نزدیکی شهر بندری بصره مستقر کرده است تا در عرض چند هفته به جزیره مجنون، ناحیه نفت خیزی از خاک عراق که در سال ۱۹۸۴ به دست ایران افتاده بود، حمله کند» (۲).

سرانجام، یک ماه پس از سقوط شلمچه، دشمن کلیه مواضع نیروهای خودی را در جزایر مجنون و «کوشک» با شناسایی قبلی از ساعت ۱۲ شب تا ساعت ۳ بامداد با استفاده از حجم شدید آتش توپخانه، زیر آتش قرار داد. (۳) عملیات دشمن در جزیره برابر گزارش نشریه رویدادها و تحلیل سپاه به شرح زیر می باشد:

ارتش بعث عراق از اولین ساعات بامداد ۴ تیر ۱۳۶۷ به اجرای آتش تهیه سنگین روی خطوط دفاعی، جاده های ارتباطی، مواضع توپخانه مقرها، عقبه ها و مراکز تجمع نیروهای خودی و همچنین بمب باران شیمیایی منطقه که دامنه آن تا حوالی هویزه گسترش یافته بود، اقدام کرد. سپس در ساعت ۳:۴۵ صبح، عملیات خود را از محورهای جاده خندق جنوبی «طلائی» و پیچ کوشک آغاز کرد. در محور جاده خندق نیروهای دشمن با تیپ های ۱ و ۲ کماندویی از سپاه ششم، تیپ ۶۰۱ پیاده و لشکر ۲۵ وارد عمل شد و پس از رسیدن به تقاطع جاده بدر و ضلع شمالی جزیره شمالی (حدود ساعت ۹ صبح)، به طرف جاده همت (شمال شرقی) به پیش روی خود ادامه دادند.

در محور جزیره جنوبی که محور اصلی تک دشمن بود، لشکرهای مدینه المنوره و «حمورایی» از سپاه گارد ریاست جمهوری پس از پیاده کردن نیرو روی جاده قمر بنی هاشم (جاده اتصالی بین دو جزیره) به طرف ضلع

ص: ۹۲

۱- ۳۳۸. پیشین، ص ۶.

۲- ۳۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۴، ۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲۳ و ۲۴، رادیو امریکا، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۸، ۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۸ و ۹.

جنوبی جزیره شمالی ادامه تک داده و با سقوط پد شماره یک در جنوب غربی جزیره شمالی به وسیله پل های شناور جی.اس.پی ادوات و تجهیزات را به داخل جزیره شمالی انتقال داد و پس از آن به سمت اضلاع دیگر جزیره پیش روی کرد. هم زمان، دشمن با ۳۰ فروند هلی کوپتر (۱) نیروهایش را روی جاده شهید همت هلی برد کرده و عقبه نیروهای خود را در قسمت شمالی جزیره شمالی مسدود کرد. ساعت ۱۱ صبح نیروهای عمل کننده عراق در محورهای اصلی و فرعی در جزیره شمالی با هم «الحاق» کردند.

با سقوط جزایر جنوبی و شمالی، رزمندگان اسلام مواضع خود را در مناطق «ابوذاکر» و «ترابه»، تخلیه نمودند که پس از چند ساعت به وسیله یگان هایی از سپاه ششم عراق اشغال گردید.

در محور طلائیه یک تیپ از نیروهای گارد جمهوری در ساعت ۷ صبح با هدف ایجاد اختلال در پشتیبانی نیروهای خودی و بستن عقبه یگان ها عملیات فرعی خود را آغاز کرد و حدود ساعت ۹ صبح به سه راهی فتح و جاده سیدالشهدا علیه السلام رسید و سپس تا پاسگاه «خاتمی» پیش روی کرد.

در محور کوشک، لشکرهای ۳ و ۶ زرهی و ۱ و ۵ مکانیزه از دو محور تک خود را آغاز و پس از پیش روی به سمت «جفیر»، تا ساعت ۹ صبح این منطقه را تصرف کردند و به دنبال آن، با گسترش به سمت غرب (سه راهی فتح) این منطقه را پاک سازی و در منطقه کانال «سلمان» (که به موازات جاده جفیر - سه راهی فتح کشیده شده بود) پدافند نمودند در محور دوم کوشک واحدهای عراقی خود را به جاده اهواز - خرمشهر (کیلومتر ۵۵) رساندند و با بستن جاده، چندین پل و قسمتی از راه آهن را تخریب کردند.

دشمن با آغاز تاریکی، از محور طلائیه و جاده سیدالشهدا علیه السلام به سمت

ص: ۹۳

۱- ۳۴۱. هلی کوپترهای دشمن در این عملیات فعالیت شدید و کم نظیری در زمینه پشتیبانی آتش، هلی برد نیرو، اسلینگ مهمات و ادوات و نیز هدایت یگان های مانوری خصوصا واحدها زرهی داشتند.

مرز شروع به عقب نشینی کرد و با استقرار در حوالی نوار مرزی پس از قطع نمودن جاده های سیدالشهدا علیه السلام و همت به تثبیت مواضع خود پرداخت (۱).

صدام در دیدار با فرماندهان و افسران نیروهای گارد تأکید کرد:

«همکاری میان سپاه سوم و گارد ریاست جمهوری در دو نبرد اصلی - در شلمچه و مجنون - نشان دهنده وضعیت جدید در برتری انسان در تمامی رسته های ارتش عراق می باشد.... نبرد مجنون، آخرین حلقه بسیار مشکل در راه آزادی خاک ما بوده است» (۲).

در روند تهاجمی دشمن که از فاو آغاز شد، حمله به جزایر اوج قدرت عراق بود (۳) که به نمایش گذاشته شد. عراق در این عملیات که به لحاظ تاکتیکی، پیش رفته بود به بهترین شکل آفند کرد و بر خلاف عملیات در فاو که خط و عقبه را شیمیایی زد، در جزایر می خواست اسیر بگیرد، این عملیات دو معنا داشت: نخست، تسلط نیروهای عراق در آفند و امیدواری به کسب پیروزی و اطمینان نسبت به عقب نشینی نیروهای ایران و دوم تلاش برای به اسارت گرفتن نیروها و فرماندهان ایرانی (۴).

بازپس گیری تمام مناطق متصرفه در منطقه جنوب، در مدت سه ماه، موقعیت سیاسی - نظامی عراق را به نحو قابل ملاحظه ای بهبود بخشید. اظهارات «نزار حمدون» معاون وقت وزیر امور خارجه این کشور نشان دهنده تداوم حملات عراق بود. وی در اظهارات خود تصریح کرد:

«عراق از این پس تصمیم ندارد تمامی مساعی خود را در صحنه دیپلماتیک متمرکز کند... فشار خود را برای بازپس گرفتن تمامی مواضع اشغال شده توسط ایران ادامه خواهیم داد» (۵).

عراقی ها پیش بینی می کردند که به زودی نتیجه جنگ روشن خواهد شد. «طه یاسین رمضان»، معاون وقت نخست وزیر عراق در مصاحبه ای با یک نشریه تونسی گفت:

ص: ۹۴

-
- ۱- ۳۴۲. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۵، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۳.
 - ۲- ۳۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۹، ۶ / ۴ / ۱۳۶۷، بغداد خبرگزاری عراق، ۵ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۳ و ۴.
 - ۳- ۳۴۴. مأخذ ۱۶.
 - ۴- ۳۴۵. مأخذ ۵۹.
 - ۵- ۳۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۵، ۴ / ۴ / ۱۳۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

«ما مطمئن هستیم که نتیجه جنگ در روزها، هفته ها و ماه های آینده روشن خواهد شد» (۱).

عراقی ها چنین ارزیابی می کردند که زمان به نفع آنها است (۲)، لذا تشدید فشارهای همه جانبه به ایران بخشی از تلاش و اقدامات عراق، در حال طرح ریزی و اجرا بود.

وضعیت جدید ایران در مقایسه با گذشته نامطلوب بود. زیرا از یک سو، با از دست دادن مناطق تصرف شده در داخل خاک عراق، فاقد موضع قوی برای فشار آوردن به سازمان ملل بود و از سوی دیگر، نمی توانست جنگ را آن گونه که مناسب است، در برابر فشارهای همه جانبه عراق ادامه دهد. (۳) در چنین وضعیت دشواری، شورای عالی پشتیبانی جنگ با صدور بیانیه ای ضمن تشریح شرایط جنگ، تصمیمات جدیدی را برای مهار معضلات اقتصادی و بسیج نیرو به جبهه ها اعلام کرد که در رسانه های خبری منعکس شد. (۴) برخی از تحلیل گران، دو تحول عمده را ناشی از رخدادهای نظامی و تصمیم گیری های جدید شورای عالی پشتیبانی جنگ و تحرکات اخیر ایران در زمینه دیپلماتیک (۵) ذکر کردند. (۶) مجله امریکایی نیوزویک به نقل از مقامات این کشور نوشت:

«ایران ممکن است با توجه به تحولات نظامی، تمایل بیش تری برای خاتمه بخشیدن به جنگ و بهبود روابط ایران با امریکا نشان بدهد.»

به همین دلیل، در این نشریه به دولت امریکا توصیه شد، به طرف داری از عراق پایان داده و در جنگ موضعی کاملاً بی طرف پیش گیرد. (۷) در پی

ص: ۹۵

-
- ۱- ۳۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۳، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷، آسوشیتدپرس، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۲- ۳۴۸. پیشین، نزار حمدون، معاون وزیر خارجه عراق.
 - ۳- ۳۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۲، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷، بی.بی.سی، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از فاینشال تایمز.
 - ۴- ۳۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۵- ۳۵۱. رادیو لندن با توجه به برقراری مجدد روابط ایران با فرانسه و مذاکره با انگلیس و کانادا به منظور تجدید مناسبات، طی تفسیری گفت: «ایران ظاهراً در پاسخ به پیروزی های نظامی عراق برای بهبود در روابطش با غرب کوشش می کند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۹، ۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲۸، رادیو لندن، ۵ / ۴ / ۱۳۶۷).
 - ۶- ۳۵۲. مأخذ ۱۸۴، رادیو لندن، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از فاینشال تایمز.
 - ۷- ۳۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۶، ۳ / ۴ / ۱۳۶۷، نیوزویک، ۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

انتشار اخبار مربوط به تماس ایران و امریکا، سرانجام «شولتز»، وزیر خارجه وقت امریکا اعلام کرد:

«ایران در سال گذشته [۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶ خورشیدی)] چندبار به طور غیر مستقیم با امریکا تماس گرفته و مقام های بلند پایه ایران این تماس ها را در زمان های گوناگون و از طریق کانال های مختلف برقرار کرده اند.... اگر ایران مایل به مذاکره باشد، امریکا از تهران خواهد خواست به جنگ خلیج فارس پایان دهد و از کارهای تروریستی دست بردارد!» (۱).

مبادله پیام های آشکار و پنهان میان ایران و امریکا در رسانه های خبری بازتاب گسترده ای داشت. روزنامه کویتی «الانباء»، هدف امریکا را از تماس های خود با ایران، شکستن حلقه محاصره و خارج کردن ایران از انزوا یاد کرد و نوشت:

«امریکا و غرب در پی پیروزی های اخیر عراق در جبهه های جنگ، رو به ایران آورده اند تا نگذارند ایران شکست بخورد» (۲).

«رابرت هانتز»، کارشناس و محقق ارشد مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه جرج تاون در امور خاورمیانه نیز به دولت امریکا توصیه کرد:

«باید بر اساس برنامه ای که به صلح تکیه داشته باشد، در شرایطی که دولت ایران از این حوادث به شدت تکان خورده است، در یک مسیر که همانا صلح در جنگ خلیج فارس است، حرکت کند.»

وی پیش بینی کرد:

«احتمال این که این تراژدی به یک کاتالیزوری برای تشنج زدایی میان ایران و امریکا مبدل شود، زیاد است.»

وی همچنین تأکید کرد:

«زمان برای حل مشکلات و اختلافات ایران و امریکا و پایان دادن به جنگ ایران و عراق مساعد شده است، به شرطی که ایران و امریکا به صورتی سازنده عمل

ص: ۹۶

۱- ۳۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۹، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.
۲- ۳۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۶، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۳، سرمقاله روزنامه کویتی الانباء.

کنند و بر عراق نیز فشار وارد آورده شود، تا از ادعای خود در مورد تمایل به خاتمه جنگ طفره نرود» (۱).

به موازات ظهور علایم آشکار مبنی بر مناسبات ایران و امریکا، شواهد و قرائن موجود، بر افزایش تنش میان امریکا و عراق دلالت داشت. نظر به این که قبل از آغاز تهاجم عراق به جزایر مجنون، امریکایی ها از نقل و انتقالات عراقی ها و آمادگی آنها برای تهاجم به جزایر اخبار را منتشر ساختند، صدام بلافاصله پس از کسب پیروزی در بازپس گیری جزایر مجنون، امریکا را متهم ساخت که از طریق ماهواره هایش در مورد تدارکات عراق برای انجام یک تهاجم در جزایر مجنون، اطلاعاتی به دست آورده و در اختیار ایران قرار داده است. (۲) اما یک سخن گوی وزارت دفاع امریکا در واکنش به ادعای صدام، آن را تکذیب کرد. (۳) مدتی بعد، یک دیپلمات عراقی در پاریس به روزنامه نیویورک تایمز گفت:

«انگیزه امریکا از تحویل این اطلاعات به ایران از سرگیری تلاش برای جلب نظر عناصری معتدل در حکومت ایران بوده است» (۴).

«یوسف ابراهیم» خبرنگار این روزنامه در پایان گزارش خود نوشت:

«اتهام صدام علیه امریکا نشانه فزاینده ای دیگر از رو به زوال رفتن عراق و امریکا است» (۵).

مجله نیوزویک نیز نوشت:

«واشننگتن اخیراً به عراق فشارهای سیاسی وارد آورده و سعی می کند عراق را راضی کند که با راه حل دیپلماتیک مورد قبول ایران، موافقت کند» (۶).

ملاقات امریکایی ها با «جلال طالبانی» رهبر «اتحادیه میهنی کردستان» یکی دیگر از مسائلی بود که مورد اعتراض عراقی ها قرار گرفت. ریچارد مورفی، مدیر کل امور خاورمیانه در وزارت خارجه امریکا با توجه با فضای ایجاد شده در رسانه های غربی مبنی بر روابط ایران و امریکا و تنش در روابط عراق و امریکا،

ص: ۹۷

۱- ۳۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۱، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۴۲ تا ۴۷، رادیو امریکا، ساعت ۲۰:۳۰، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۵۷. مأخذ ۱۸۴، ص ۳.

۳- ۳۵۸. پیشین، ص ۷، رادیو امریکا، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۵۹. مأخذ ۱۸۲.

۵- ۳۶۰. پیشین.

۶- ۳۶۱. مأخذ ۱۸۷، ص ۵۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

در سخنانی گفت:

«پذیرفتن طالبانی از سوی امریکا نباید این گونه تعبیر شود که این اقدام مداخله در امور داخلی عراق بوده است.»

وی تأکید کرد:

«دیدار طالبانی تدبیری پنهانی برابر برقراری روابط با ایران نبوده است» (۱).

مورفی همچنین در مورد ملاقات و گزارش های منتشره در اروپا مبنی بر تماس های محرمانه امریکا با نمایندگان دولت ایران، این گزارش ها را قاطعانه تکذیب کرد و گفت:

«منافع کشورهای خلیج فارس در این است که این جنگ تمام شود.»

وی در تشریح سیاست امریکا در وضعیت جدید، گفت:

«امریکا معتقد است که سیاست کنونی که، مبتنی بر قاطعیت و به طور هم زمان، آمادگی برای گفت و گو است، سیاست درستی است و همچنان پی گیری خواهد شد» (۲).

مدیر کل امور خاورمیانه در وزارت خارجه امریکا در ادامه اظهار امیدواری کرد:

«پیروزی های عراق بر این واقعیت را به تهران بفهماند که این جنگ را نمی توان برد. این، جنگی است که باید به آن خاتمه داد و مذاکره برای اعمال قطع نامه ۵۹۸ را آغاز کرد» (۳).

حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایران

ناو هواپیمابر نیروی دریایی امریکا به نام «وینسنس» در یک اقدام جنایت کارانه، در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ با شلیک دو فروند موشک به سوی هواپیمای جمهوری اسلامی ایران که از بندرعباس عازم دبی بود، جان ۲۹۰ تن انسان غیر نظامی را گرفت. (۴) این حادثه به عنوان یک فاجعه انسانی، بازتاب نسبتاً

ص: ۹۸

۱- ۳۶۲. مأخذ ۱۸۵، صص ۱۱ تا ۱۳، رادیو آمریکا، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۶۳. پیشین.

۳- ۳۶۴. مأخذ ۱۸۵.

۴- ۳۶۵. مأخذ ۱۸۹، رادیو آمریکا، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۷، ساعت ۳۰: ۲۰.

گسترده ای داشت. امریکا که از عملکرد خود آگاه بود، برای محدود کردن اثرات منفی این اقدام در افکار عمومی، در نخستین واکنش مدعی شد که هواپیمای منهدم شده، نظامی بوده و قصد تجاوز به ناو امریکایی را داشته (۱) که پس از هشدار و بی توجهی خلبان به آن، هدف موشک قرار گرفته است. امریکایی ها که در ابتدا برای کاهش عواقب منفی حرکت فاجعه آمیز خود رسانه ها را جهت داده بودند و در گام بعدی پس از آن که مشخص شد در آن هنگام هیچ هواپیمای دیگری جز «ایرباس» مسافربری ایرانی در آسمان نبوده است مدعی شدند که اقدامشان کاملا دفاعی بوده است. (۲) در همین راستا، رئیس ستاد نیروهای مسلح ارتش امریکا بیان کرد، کشتی های امریکایی برای دفاع از خودشان اقدام کردند. سران امریکایی از سویی مانع از هجوم افکار عمومی علیه خود بودند و از سوی دیگر تمایل داشتند به طرف ایرانی تفهیم کنند که امریکا برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ از هر گونه اقدام فاجعه آمیزی علیه مردم ایران خودداری نخواهد کرد. به همین دلیل، رئیس جمهور امریکا اقدام کشتی امریکایی را یک اقدام شایسته ذکر کرد (۳).

در پی تشدید درگیری میان ایران و امریکا و نگرانی از واکنش ایران، وزارت خارجه امریکا به تمام سفارت خانه های این کشور توصیه کرد به عنوان اقدامی احتیاطی در برابر تلافی احتمالی ایران، تدابیر امنیتی ویژه ای را اعمال کنند. سپس برای فروکش کردن التهاب مردم ایران سخن گوی وزارت خارجه امریکا نیز اعلام کرد: هدف امریکا پایان دادن به جنگ ایران و عراق است و کشورش به هیچ وجه خیال دیگری با ایران ندارد (۴) و در همین راستا، ریگان بار دیگر در توضیح این حادثه تصریح کرد:

«ناوهای جنگی امریکا به اشتباه یک هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی را مورد هدف قرار داده اند» (۵).

در پی گسترش دامنه نگرانی امریکایی ها، برخی از اعضای کنگره امریکا

ص: ۹۹

۱- ۳۶۶. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۵، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲۸.

۲- ۳۶۷. مأخذ ۱۸۹، ص ۱۸، خبرگزاری رویتر، به نقل از یک مقام امریکایی.

۳- ۳۶۸. پیشین.

۴- ۳۶۹. پیشین.

۵- ۳۷۰. پیشین.

خواستار ارزیابی سیاست کشورشان در خلیج فارس شدند. (۱) «ترنر»، رئیس پیشین سیا در واکنش به این درخواست، گفت:

«چنین ارزیابی در زمان حاضر کار درستی نیست.»

وی تصریح کرد:

«ما باید دقت کنیم که حادثه مصیبت بار در خلیج فارس، سیاست فشار بر ایران را - که به نظر مؤثر می آید - تغییر ندهد» (۲)

«رابین رایت» از «بنیاد کارنگی» نیز معتقد بود که امریکا نباید خروج یا کاهش حضور را [در خلیج فارس] قبول کند، زیرا این مسئله به معنای گریز امریکا از رویارویی با ایران محسوب خواهد شد (۳).

کردن نیز بر این باور بود که واقعیات اساسی، امریکا را به خلیج فارس آورده است و این واقعیات اکنون هیچ تغییری نکرده و این حادثه نباید منجر به تغییر سیاست امریکا در منطقه شود. (۴) ریگان، رئیس جمهور امریکا با توجه به مباحث مطرح شده در کنگره، در میان کارشناسان امریکایی در پیامی به کنگره ضمن تأکید مجدد بر ماهیت اقدام دفاعی امریکا، تصریح کرد:

«ایران هیچ گونه اقدام خصمانه ای انجام نداده است و این موضوع خاتمه یافته است» (۵).

ریگان همچنین طی بیانیه ای علاوه بر دفاعی قلمداد کردن این اقدام تأکید کرد:

«نفع امریکا در خلیج فارس فقط در صلح است و همین امر ضرورت دست یابی هر چه سریع تر به هدف یاد شده را تقویت می کند» (۶).

شوروی ها که در سیاست های جدید خود مترصد بهره برداری از اشتباهات امریکا بودند، با تأکید بر خروج نیروهای امریکا از خلیج فارس، گفتند:

«این فاجعه ثابت کرد که امریکا هر چه زودتر باید در خط مشی خود در خصوص خلیج فارس تجدید نظر کند.»

ص: ۱۰۰

۱- ۳۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۷، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۱۴ و ۱۵، رادیو امریکا، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۷۲. پیشین.

۳- ۳۷۳. مأخذ ۲۰۶، ص ۱۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۷۴. پیشین.

۵- ۳۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۸، ص ۲۶، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۴ / ۴

مفسر رادیو لندن در تفسیر رادیویی خود تأکید کرد، «اتحاد شوروی خواهد کوشید، از این واقعه برای مقاصد دیپلماتیک بهره برداری کند» (۱).

سقوط هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران به وسیله ناو امریکایی در فضای سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ بازناب گسترده ای نیز در داخل کشور داشت. واکنش و تحلیل آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا به دلیل موقعیت و اعتبار و نفوذ وی بسیار مورد توجه بود. وی در مجلس شورای اسلامی این واقعه را آزمایش برای مجامع بین المللی دنیا دانست و گفت:

«باید ببینیم که سازمان ملل چه می کند؟ شورای امنیت چه می کند؟ چشم انسان های صالح و همه عدالت خواهان دنیا به دروازه این مرکز دوخته شده است تا ببینند این ها وظیفه شان را چگونه انجام می دهند» (۲).

با توجه به درگیری نظامی و پاسخ گویی ایران به اقدامات خصمانه امریکا در خلیج فارس، این اظهارات به معنای تغییر موضع ایران ارزیابی شد. به نظر می رسید، ایران سیاست خارجی جدیدی را در پیش گرفته است و قصد ندارد در وضعیتی که در برابر تهاجمات پی در پی عراق قرار گرفته و فضای تبلیغاتی بین المللی نیز با حادثه سقوط ایرباس به سود ایران تغییر کرده بود، با اقدامی تلافی جویانه علیه امریکا، اوضاع را تغییر دهد. در ادامه این خط مشی، ایران خواستار تشکیل فوری جلسه شورای امنیت شد. رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل اعلام کرد: «شورای امنیت باید هر چه سریع تر قتل عامی را که اقدامات تروریستی دیگر را نیز در پی خواهد داشت، مورد بررسی قرار دهد» (۳).

مفسر بخش شرقی رادیو لندن در مورد اظهارات آقای هاشمی گفت:

«پیام آشکاری که از جانب ایران داده شد، حاکی از آن است که ایران می خواهد برای محکوم کردن ایالات متحده امریکا به جامعه بین المللی روی بیاورد» (۴).

این مفسر در تأیید نظر خود اظهار کرد:

ص: ۱۰۱

۱- ۳۷۷. پیشین ۲۱۳.

۲- ۳۷۸. روزنامه اطلاعات، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۷۹. پیشین.

۴- ۳۸۰. مأخذ ۲۱، ص ۵۵، رادیو لندن، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

«لاریجانی، معاون وزیر خارجه ایران که در وین به سر می برد، گفته است: «موضوع انتقام جویی ایران مطرح نیست، بلکه این مطرح است که ایران به نحوی واکنش نشان دهد که از تکرار چنین وقایعی جلوگیری شود.» (۱).

اظهارات نمایندگان وقت ایران در سازمان ملل و معاون وقت وزیر خارجه ایران بیان گر نوعی نگرانی از سیاست های امریکا علیه ایران بود. در حالی که دیپلمات های سازمان ملل با تعجب به تصمیم ایران مبنی بر رسیدگی به اقدام جنایت کارانه امریکا می نگرستند (۲)، ریگان با تغییر موضع گفت:

«در مورد این حادثه به اندازه کافی از ایران عذر خواهی کرده است» (۳).

در راستای کاهش تنش بین ایران و امریکا، «سازمان جهاد اسلامی» که بیش از این اعلام کرده بود یک گروه امریکایی را به قتل خواهد رساند، اعلام کرد که به درخواست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی این اقدام را به تعویق انداخته است (۴).

وضعیت جدید منجر به نوعی گفت و گوی مستقیم و غیر مستقیم میان ایران و امریکا شد. نماینده وقت امریکا در سازمان ملل انهدام هواپیمای ایرباس را «جان گداز و خوف انگیز» ذکر کرد و گفت:

«مع هذا می تواند انگیزه تازه ای برای پایان دادن به خصومت ها در خلیج فارس را فراهم آورد.»

وی در مورد موضع امریکا در برابر ایران گفت:

«ما نه درصدد رنجاندن آنها هستیم و نه تحقیر آنها» (۵).

رادیو امریکا در ۱۷ تیر ۱۳۶۷ طی برنامه ای تحت عنوان نظرات رسمی دولت امریکا گفت:

«تنها نفعی که امریکا در خلیج فارس دارد، برقراری صلح است و این فاجعه انسانی ضرورت دستیابی به آن هدف را به حداکثر شتاب [رسانده] و دو چندان ساخته است» (۶).

ص: ۱۰۲

۱- ۳۸۱. پیشین.

۲- ۳۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۰، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۸۳. مأخذ ۱۸۸، ص ۱۷، خبرگزاری فرانسه، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۸۴. پیشین، ص ۲۷، خبرگزاری کویت، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۳۸۵. مأخذ ۲۱۸، ص ۱۲، خبرگزاری فرانسه، ورنون والترز.

۶- ۳۸۶. پیشین، رادیو امریکا، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ساعت ۳۰ / ۲۱.

برقراری روابط ایران و آمریکا، پس از سقوط هواپیمای ایرباس بار دیگر مورد بحث مقامات امریکایی و رسانه های خبری قرار گرفت. سخن گوی کاخ سفید در این زمینه تصریح کرد:

«امریکا مدت مدیدی است که تمایل به برقراری تماس با ایران دارد. ما این تمایل را در هر موقعیتی ابراز داشته ایم.»

وی در توضیح دیدگاه امریکا درباره ضرورت برقراری رابطه با ایران و گفت:

«امریکا دو هدف عمده را دنبال می کند: هدف اول کمک به پایان بردن جنگ ایران و عراق است و هدف دوم، ترغیب ایران به این مسئله که چنانچه سیاست های بنیادگرانه خود را در خارج از ایران معتدل تر کند، موضع بین المللی خود را بهبود خواهد بخشید.»

وی در اظهارات خود هدف بلند مدت رابطه با ایران را جلوگیری از نفوذ شوروی و به دست آوردن جا پا در ایران ذکر کرد. وی سه مانع را برای برقراری روابط برشمرد که عبارت بودند از: «ادامه تلاش ایران در ادامه جنگ»، «حمایت از به اصطلاح تروریسم» و «نگه داری گروگان های امریکایی در لبنان» (۱). به تدریج، در میان عوامل یاد شده، پایان دادن به جنگ و بحث پیرامون آزادی گروگان های امریکایی در لبنان به مسئله اصلی در گفت و گوهای مستقیم ایران و امریکا تبدیل شد (۲).

آقای هاشمی، در نماز جمعه با ارائه تحلیلی درباره عدم واکنش ایران در مقابل سقوط هواپیمای ایرباس، گفت:

«آنها قبلا به کشتی ها و هواپیماها و سکوها نفتی ما حمله می کردند و می دیدند، ما جواب مناسب را می دهیم. اینها فکر کردند که ایران با آمادگی که دارد، یک کاری متناسب با این می کند و خودشان هم که در منطقه چیزی نداشتند، فکر کردند که ممکن است این قضیه نسبت به هواپیمای دیگری در

ص: ۱۰۳

۱- ۳۸۷. پیشین، صص ۴۹ و ۵۰، خبرگزاری رویتر، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، مارتین فیتزواتر.

۲- ۳۸۸. پیشین، ص ۵۷، رادیو لندن، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، رابین رایت، به نقل از لاریجانی، معاون وزیر خارجه ایران.

منطقه اتفاق بیفتد. آنها شاید این طور فکر می کردند، شاید هم زمینه سازی پیشین را خودشان در این رابطه کرده بودند و اگر کار خاصی به عنوان مقابله به مثل می شد، هم امریکا به هدفش رسیده بود و هم موج تبلیغاتی را علیه ما درست می کرد، اما قضیه جور دیگری شد» (۱).

آقای هاشمی ضمن ابراز تردید از تداوم حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس، افزود:

«آیا واقعا شما برای حفظ امنیت آمده اید؟ و آیا امنیت را در خلیج فارس حفظ کرده اید؟ شما آمده اید که نگذارید صلح بشود، آمدید که نگذارید امنیت باشد، آمدید زیر بال صدام را بگیرید که نیفتد» (۲).

وی بار دیگر به تصمیم گیری شورای امنیت و انتظار ایران برای محکوم شناختن امریکا در این حادثه اشاره کرد.

بلافاصله یک مقام پنتاگون که نخواست نامش فاش شود، در واکنش به سخنان آقای هاشمی گفت:

«به نظر می رسد که این یک تغییر در تهدیداتی می باشد که ما در طول تمام این هفته شنیده ایم و اگر درست باشد، ما از آن استقبال می کنیم» (۳).

دیپلمات ها معتقد بودند، این تصمیم ایران مبنی بر خودداری از دست زدن به اقدام تلافی جویانه علیه «واشنگتن»، به دلیل کسب حمایت بین المللی در جنگ این کشور علیه عراق می باشد (۴).

فراخوانی عمومی نیروهای بسیجی

امام خمینی (ره) با توجه به ماهیت اقدام تجاوزکارانه امریکا و فضای سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ و ضرورت بسیج نیروها برای مقابله با وضعیت جدید، به مناسبت فاجعه سقوط هواپیمای ایرباس پیامی را صادر کردند که در آن با توجه به «ابهام و تردیدهایی که نسبت به روند تحولات جنگ» و

ص: ۱۰۴

۱- ۳۸۹. روزنامه اطلاعات، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۲، نماز جمعه تهران، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۹۰. پیشین.

۳- ۳۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۲، ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۱۱، خبرگزاری رویتر، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۹۲. پیشین، ص ۱۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

شایعه معامله پنهانی برای پایان دادن به جنگ که پس از سقوط فاو، به وجود آمده بود، فرمودند:

«امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است. غفلت از مسائل جنگ خیانت به رسول الله است.»

ایشان در جای دیگری از این پیام تأکید فرمودند:

«باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی مان در جبهه ها از بین برود... امروز باید دست اتحاد به یکدیگر داده، محکم و استوار برای جنگی تمام عیار علیه امریکا و اذنباش به سوی جبهه ها رو کنیم» (۱).

پیام امام شور و هیجان فوق العاده ای در جامعه به وجود آورد. مردم نیز با شرکت در تشییع جنازه شهدای حادثه هواپیما، تنفر خود را نسبت به امریکا ابراز کردند و هم زمان، نوعی زمینه برای حضور گسترده در جبهه های جنگ به وجود آمد. چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز طرح قانونی مبارزه مستمر با استکبار و ادامه جنگ تا کسب پیروزی را به عنوان استراتژی جمهوری اسلامی ایران با قیاد یک فوریت تقدیم مجلس کردند. (۲) نخست وزیر وقت، مهندس میرحسین موسوی نیز در پیامی به امام و اعلام آمادگی برای تحقق نظرات ایشان در بخشی از پیام خود تأکید کرد:

«امروز وقت استقامت، امروز وقت جهاد و امروز روز برنامه ریزی، تلاش و پیروزی است» (۳).

گرچه پیش از این، فراخوانی نیروهای بسیجی تحت عنوان سپاه محمد صلی الله علیه و سلم از هفت استان از هفتم تیر آغاز شده بود، ولی به نظر می رسید که تعداد داوطلبان با شرایط حساس سیاسی - نظامی تناسب لازم را ندارد. بر این اساس شورای عالی پشتیبانی جنگ در بیانیه مهم خود در ۱۱ تیر ۱۳۶۷ تأکید کرد:

«مرحله ای بسیار حساس برای انقلاب و امتحانی بس بزرگ برای ملت قهرمان

ص: ۱۰۵

۱- ۳۹۳. روزنامه اطلاعات، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۹۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۹۵. روزنامه اطلاعات، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

ماست و ملت باید در این مرحله همه توان و نیروی ذاتی و معنوی و مادی خود را به کار گیرد و از هر گونه ساده انگاری (۱) و سهل انگاری بپرهیزد» (۲).

آقای هاشمی نیز در نماز جمعه تهران با توجه به بیانیه شورای عالی پشتیبانی جنگ گفت:

«ما شرایط را امروز بسیار حساس می بینیم، دعوتی که شورای عالی پشتیبانی جنگ کرد و دعوتی که امروز ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح کرد، هدایتی که حضرت امام کردند و از مردم خواستند که امکانات و نیروها را متوجه جبهه ها کنند، این یک دعوت بسیار جدی است... اگر ما با این وسعت در جبهه ها حاضر باشیم و آنها بدانند که ما مصمم هستیم و این گونه حوادث تلخ، ما را به زانو در نمی آورد، ممکن است ترجیح بدهند که از راه شناخت متجاوز مسئله را حل کنند و یا راه دیگری انتخاب بکنند» (۳).

ستاد فرماندهی کل قوا در نخستین بیانیه خود از مردم خواست، با روحیه اسلامی و انقلابی، بار دیگر پرده ابهام و تردیدی را که در خصوص آینده انقلاب و سرنوشت جنگ پیش چشم جهانیان افتاده و حاصل جنگ روانی دشمن است، پاره کنند. در این بیانیه از همه کسانی که توانایی حمل سلاح و عزیمت به جبهه های نبرد را دارند، درخواست شد، جهت ثبت نام و اعزام به جبهه یا مراکز آموزشی نظامی به سرعت به پاسگاه های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رده های مقاومت مراجعه و ثبت نام کنند. (۴) رادیو لندن در واکنش به بیانیه ستاد فرماندهی کل قوا اعلام کرد:

«زمان این فراخوانی به لحاظ روانی دست انتخاب شده است. زیرا پس از حادثه

ص: ۱۰۶

۱- ۳۹۶. مهندس موسوی در مصاحبه ای با مجله پاسداران اسلامی در مورد شرایط حساس جنگ گفت: «چه بسا ما دچار خوش بینی شدیم وقتی که فتح و پیروزی در جنگ نصیب ما شد... این فراز و نشیب های جنگ به خوبی نشان می دهد که اگر ما هر چند اسیر توهم بشویم که مثلا در دسر جنگ زیاد شده و بهتر است مقداری کوتاه بیایم و نظایر اینها، این تصور ما را به آنجا خواهد رساند که درست از همین نقطه دشمنان ما استفاده بکنند.» (روزنامه اطلاعات ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۷).

۲- ۳۹۷. روزنامه اطلاعات، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۹۸. مأخذ ۲۲۵، ص ۱۴، خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۹۹. پیشین.

سقوط ایرباس، امریکا مسئول شناخته می شود. این درخواست از نقطه نظر سیاسی تأثیر خوبی دارد» (۱).

تداوم تهاجمات عراق و بازپس گیری زبیدات

پس از سقوط جزایر مجنون و بازپس گیری کلیه مناطق تصرف شده در جبهه های جنوبی، تهاجم نیروهای عراقی به منطقه شمالی آغاز شد و در ۷ تیر ۱۳۶۷ نیروهای دشمن به ارتفاعات شاخ شمیران در منطقه دربندیخان حمله کردند که به دلیل مقاومت نیروهای خودی و با وجود دو روز تلاش، موفق به تصرف منطقه نشدند. (۲) در همین هنگام نیروهای خودی برای تمرکز توان خود و خارج کردن ابتکار عمل از دست عراق، تصمیم گرفتند، مناطق تصرف شده در جبهه شمالی را تخلیه کنند. بدین ترتیب، مناطق حاج عمران، ماووت و پنجوین تخلیه شد، اما نیروهای عراق وانمود کردند که خود به چنین مهمی دست یافته اند. به طوری که در ۱۵ تیر ۱۳۶۷ نیز رادیو «صوت الجماهير» به نقل از اطلاعیه نظامی ارتش عراق، آغاز عملیات نیروهای سپاه پنجم عراق را در منطقه حاج عمران، قلعه دیزه، پنجوین و ماووت و نیز آزادی آنها را اعلام کرد. (۳) در تداوم این حملات ارتش عراق طی پنج روز نبرد، کلیه مناطق شمالی کشور را که در سال ۱۳۶۶ و اردیبهشت سال ۱۳۶۷ با عملیات های کربلای ۱۰، نصر ۴، نصر ۸، بیت المقدس ۶، آزاد شده بود، بازپس گرفت (۴).

در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ دشمن در طی یک حرکت گسترده و با نیرویی به استعداد ۱۱ لشکر، منطقه وسیعی را در غرب عین خوش، موسیان و جنوب دهلران به تصرف خود درآورد. (۵) رادیو بغداد در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ به نقل از اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۵۶ اعلام کرد، عملیات «توکلنا علی الله» در منطقه زبیدات و اطراف آن، واقع در منطقه عملیات سپاه چهارم در شرق «ميسان»،

ص: ۱۰۷

۱- ۴۰۰. مأخذ ۱۹۰، ص ۷، رادیو لندن، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۰۱. مأخذ ۱۶۳.

۳- ۴۰۲. مأخذ ۲۳۱، صص ۱ و ۲، صوت الجماهير، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷، اطلاعیه نظامی ۳۲۴۶.

۴- ۴۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۴، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۰۴. مأخذ ۱۶۳.

پس از بمباران مقدماتی و آتش توپخانه، در ساعت ۷:۱۵ صبح آغاز شد و کلیه واحدها به اهداف خود رسیده اند (۱).

در اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۵۷ عراق اعلام شد، کلیه مناطق در زبیدات در ساعت ۱۱ صبح تصرف شد. یک سخن گوی نظامی عراق در گزارش خود، به مقادیر عظیم جنگ افزار، مهمات و تجهیزات نظامی و اسناد به جا مانده در مقرهای فرماندهی، تانک و توپ های به غنیمت گرفته شده، اشاره کرد (۲) عراق در اطلاعیه نظامی ۳۲۵۹ توضیح داد که در این عملیات، نیروهای گارد ریاست جمهوری و سپاه چهارم، مقر لشکرهای ۲۱ حمزه و ۷۷ خراسان از ارتش ایران را به تصرف درآورده اند. (۳) عراق در این عملیات پادگان عین خوش، کلیه منطقه عمومی زبیدات - شرهانی و بخشی از جاده عین خوش - دهلران را به اشغال درآورد و تا حاشیه شهر دهلران پیش روی کرد که با قطع جاده عین خوش - دهلران، ارتباط دزفول با دهلران قطع شد (۴).

دشمن در ادامه عملیات و در کمتر از پنج ساعت، شهر دهلران را نیز بار دیگر به تصرف خود درآورد. خبرگزاری عراق به نقل از یک فرمانده عراقی گزارش داد، لشکر پنجم مکانیزه به طرز بی سابقه ای به سوی دهلران پیش روی کرد و موفق شد، شهر را به تصرف خود درآورد. به گفته این مقام نظامی، این عملیات در یک زمان بی نظیر، ۴ / ۵ ساعت به طول انجامید و طی این مدت، حتی مقر عملیاتی نیروی زمینی ارتش ایران در منطقه جنوب تصرف شد و بیش از ۵۰ هزار تن از نیروهای لشکرهای ۲۱ و ۷۷ به اسارت درآمدند. ضمن این که ۹۰ تانک و ۴۰ نفر بر زرهی و ۱۳۰ توپخانه به غنیمت دشمن درآمد (۵).

نیروهای دشمن که در این عملیات علاوه بر بازپس گیری مناطق متصرفه در عملیات های پیشین خودی، به آسانی توانستند دهلران را همانند زمان آغاز

ص: ۱۰۸

۱- ۴۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۵، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱.

۲- ۴۰۶. پیشین، ص ۷.

۳- ۴۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۶، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱، رادیو بغداد، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۰۸. پیشین، ص ۵، به نقل از یک مقام نظامی در جنوب.

۵- ۴۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۴.

تجاوز به ایران، به تصرف خود درآوردند. (۱) وقوع این حادثه بیش تر به یک فاجعه شبیه بود تا یک رخداد نظامی و سقوط یک جبهه عملیاتی، زیرا علاوه بر سرعت پیش روی نیروهای دشمن و از هم گسیختگی نیروهای خودی، شهر دهلران و مقر فرماندهی نیروی زمینی ارتش در جنوب - واقع در عین خوش - به تصرف نیروهای دشمن درآمد. این واقعه با توجه پی آمدهای آن بسیار تأثر انگیز بود. برابر گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، نیروهای مستقر در این منطقه به هنگام عقب نشینی تنها تعداد کمی از ماشین آلات و ادوات جنگی را از مهلکه خارج ساختند و با پیش روی دشمن به سمت دهلران، اهالی این شهر اقدام به ترک خانه های خود کردند. سقوط ناگهانی این مناطق موجب نگرانی شدید اهالی ایلام نیز شد. (۲) همچنین، هزاران سرباز در اطراف جاده اندیمشک - خرم آباد و در بیابان های شمالی اندیمشک در حالت تأثر انگیزی مستقر شدند. این سربازها برابر گزارش منتشر شده، بیش از ۷۰ کیلومتر را از دشت عباس تا اندیمشک پیاده طی کرده بودند. سرگردانی این نیروها که بیش تر آنها از لشکر ۷۷ خراسان و ۱۶ قزوین بودند، روحیه مردم را نیز تضعیف کرده و موجب تأثر آنها شده بود (۳).

پیش روی عراق در عمق خاک ایران بازتاب گسترده ای در رسانه های خبری داشت. زیرا برای نخستین بار نیروهای عراقی پس از عقب نشینی از ایران در سال ۱۹۸۲ میلادی، بار دیگر وارد خاک ایران شده بودند. (۴) رادیو لندن در این باره طی تحلیلی گفت:

«اگر ادعای عراق درست باشد، این امر می تواند نشان دهنده درهم شکستن کامل مقاومت چهار ماه گذشته نیروی نظامی ایران باشد.»

در ادامه این تحلیل در مورد علت اقدام عراق آمده است:

«غرض از این حمله، غافل گیر کردن آقای رفسنجانی، کفیل فرماندهی کل قوای ایران و تشدید بحران رهبری ایران در مورد مسئله جنگ می باشد، علاوه بر این،

ص: ۱۰۹

۱- ۴۱۰. پیشین، ص ۲۵، منامه، خبرگزاری فرانسه، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۱۱. مأخذ ۲۴۴، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۶.

۳- ۴۱۲. پیشین، ص ۷.

۴- ۴۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۹، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۶، روزنامه تایمز مالی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، لندن، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

ناامیدی عراق از ایران نسبت به پذیرفتن قطع نامه ۵۹۸، بخش دیگری از دلایل ادامه حمله عراق و پیش روی در عمق خاک ایران ذکر شده است» (۱).

عراقی ها نظر به اهمیت این مسئله، ضمن تأکید بر اشغال موقت خاک ایران دلایلی را برای اقدام خود برشمردند. سخن گوی وزارت دفاع عراق در این باره اظهار داشت:

«این اقدام به دلایل تاکتیکی صورت گرفته و سربازان عراقی در ظرف چند روز آینده عقب نشینی خواهند کرد» (۲).

همچنین، به گزارش خبرگزاری «اینا»، در بیانیه ای از تلویزیون عراق، هدف از این اقدام را «انهدام تمرکز نیروهای ایران در این منطقه» ذکر کرد. رئیس وقت مجلس عراق نیز ضمن موقت خواندن حضور نیروهای عراقی در خاک ایران، تأکید کرد، نیروهای عراقی با کسب تضمین در برتری استراتژیکی خود، عقب نشینی خواهند کرد (۳).

در پی پیدایش وضعیت جدید در صحنه تحولات نظامی جلسه مشترک شورای فرماندهی انقلاب و رهبری منطقه ای حزب بعث عراق به ریاست صدام تشکیل شد. بنا به گزارش رادیو بغداد در این جلسه نتایج پیروزی های نظامی اخیر گارد ریاست جمهوری و سپاه چهارم مورد تمجید قرار گرفت. (۴) به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، این دومین جلسه مشترک سران دولت عراق در ۴۸ ساعت گذشته بود که برگزار می شد. گوینده تلویزیون عراق ضمن گزارش عملیات عراق در زبیدات که به نام «توکلنا علی الله» انجام گرفت، بخشی از سخنان صدام را که حاوی نوعی تهدید علیه ایران بود، پخش کرد. رئیس جمهور عراق در آن سخنان گفت:

«من در برابر ملت عراق می گویم که ایران فرصت را از دست ندهد و اراضی اشغال شده عراق را سریعاً تخلیه کند، زیرا اشغال زمین های عراق برای ایران گران تمام می شود» (۵).

ص: ۱۱۰

۱- ۴۱۴. مأخذ ۲۴۶، رادیو لندن، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۱۵. مأخذ ۲۴۴، ص ۱۰، بغداد، خبرگزاری آلمان، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۱۶. مأخذ ۲۴۶، ص ۶، بخش عربی رادیو بغداد، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۱۷. مأخذ ۲۴۴، ص ۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۱۸. مأخذ ۲۴۶، ص ۳، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از تلویزیون عراق.

چند روز بعد، صدام در سالگرد تأسیس حزب بعث طی تحلیلی درباره این عملیات گفت:

«عملیات «زبیدات» حد فاصلی در راستای عملیات آزاد سازی زمین ها و نابودی کامل دشمن در سال جاری بود و عملیات آینده در همین راستا خواهد بود.... اکنون شما با کسب تجربه از سالیان جنگ، دشمن را به ضعف رسانیده اید، به طوری که دیگر توانایی مقاومت در برابر شما را ندارد» (۱).

این اظهارات به خوبی نشان می داد که حملات عراق در مرحله جدید با توجه به نتایج حاصله از مرحله آزاد سازی مناطق و پیش روی در عمق خاک ایران در عملیات زبیدات، ادامه خواهد یافت. صدام در اظهارات خود تأکید کرد:

«استفاده کامل عراق از آب راه شط العرب [اروند رود]، بایستی در رأس مسائل در نظر گرفته شود، چون بنا بر حقوق عراق و مقررات بین المللی، شط العرب دهانه اصلی عراق به دریا به شمار می رود» (۲).

در هر صورت، با وجود این که از مدت ها پیش بین مسئولان جمهوری اسلامی و فرماندهان نظامی بحث عقب نشینی از مناطق تصرف شده مطرح بود، لیکن امیدواری به مقابله با حملات عراق، مانع از تصمیم گیری لازم شده بود. با تصرف منطقه زبیدات و پیش روی نیروهای عراقی در عمق خاک جمهوری اسلامی - همانند روزهای نخست تجاوز عراق در شهریور سال ۱۳۵۹ - و تصرف شهر دهلران، زمینه لازم برای اتخاذ تصمیم قطعی مبنی بر عقب نشینی فراهم شد (۳).

بازتاب و نتایج بازپس گیری مناطق تصرف شده به وسیله عراق

موفقیت های نظامی ارتش عراق در مدت سه ماه (۴)، بسیاری از ناظران و تحلیل گران امور جنگ را غافل گیر کرد، زیرا در این مدت، عراقی ها نیروهای

ص: ۱۱۱

-
- ۱- ۴۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۶، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۲- ۴۲۰. پیشین.
 - ۳- ۴۲۱. مأخذ ۵۹.
 - ۴- ۴۲۲. مأخذ ۱۸۵، ص ۲۳، خبرگزاری فرانسه، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

ایران را از مناطقی در جنوب بیرون راندند که با فداکاری کم نظیری به دست آمده بود. (۱) به همین دلیل سؤال های بی شماری در محافل دیپلماتیک مطرح شد که به تعبیر خبرگزاری فرانسه، پاسخی برای آنها وجود نداشت ولی همان محافل در این باره که «چرخشی در جنگ پدید آمده بود» - که می توانست سرنوشت ساز باشد - هم سخن بودند - آنان معتقد بودند که در آن هنگام صفحه ای از تاریخ جنگ در حال ورق خوردن بود. (۲) یکی از مهم ترین پرسش هایی که در این باره مطرح شد این بود که «آیا این [به دلیل]، نیروهای تازه عراق است یا شکست و از هم پاشیدگی ارتش ایران که از دو ماه پیش تحت فرماندهی حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در دست بازسازی کامل قرار دارد؟» (۳).

در پاسخ به این پرسش، عراق، ایران و تحلیل گران غربی هر یک تحلیل و نظرات متفاوتی را ارائه کردند. وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق در جلسه ای با نمایندگان رسانه های خبری مدعی شد که ایران از نظر نظامی شکست خورده است. (۴) صدام نیز در تحلیلی گفت:

«شکست هایی که حاصل شد، شکست هایی در نبرد نیست تا آنها را اصلاح کند، بلکه شکست در سطح استراتژیک است... شکست ایران، شکست فنی یا بی نظمی در اداره و یا نقصی در سطح عملیات یا تدارکاتی فنی نیست که اصلاح پذیر باشد» (۵).

صدام در اظهارات خود مدعی شد:

«در برابر ما محمره [خرمشهر]، عبادان [آبادان]، و الاهواز [اهواز] باز شد و هیچ کس نیست، بتواند بگوید، نمی توانستیم این مناطق را اشغال کنیم» (۶).

او همچنین در جمع وزیران جوانان کشورهای عرب ادعا کرد:

«پیروزی، معلول کثرت و اندکی عده در مقایسه میان ارتش های ایران و عراق و یا فراوانی و کمبود جنگ افزار نیست، گرچه این مسائل در کشمکش میان دو

ص: ۱۱۲

۱- ۴۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۰، صص ۱۲ و ۱۳، ۴ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۲۴ و ۲۵، خبرگزاری فرانسه، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۲۵. مأخذ ۲۴۶، صص ۲۵ و ۲۶، منامه، خبرگزاری فرانسه، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۲، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۹، رادیو صوت الجماهير، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، لطیف جاسم.

۴۲۷-۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۵، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۵ و ۶، بخش عربی
رادیو بغداد، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴۲۸-۶. پیشین، ص ۹.

اراده حائز اهمیت می باشد، اما اساس پیروزی ها این است که ایران پایگاه فکری خود را از دست داد و شکست خورد» (۱).

صدام در اثبات نظر خود، پیروزی منافقین در مهران را به عنوان افراد غیر نظامی، دلیل بر ناکامی نظامی ایران ذکر کرد (۲).

تحلیل گران غربی نیز با توجه به ملاحظات موجود، تحلیل های گوناگونی را ارائه کردند. خبرگزاری «رویتر» در گزارش خود بر این نظر بود که تغییر استراتژی عراق و عدم تناسب موقعیت نیروهای مسلح ایران برای یک جنگ دفاعی به شیوه ای که ارتش عراق در ماه های اخیر بر ایران تحمیل کرده است، منجر به ناکامی ایران و موفقیت عراق شده است. (۳) به همین دلیل، عقب نشینی های ایران بیش از آن که تاکتیکی ارزیابی شود، به منزله «شکست نظامی» مورد تأکید قرار گرفت. (۴) روزنامه «لاریوبلیکا»، چاپ ایتالیا نیز نوشت:

«در وضعیت فعلی، ایران نه تنها ابتکار عمل را از دست داده است، بلکه قادر نیست از پیش روی دشمن جلوگیری کند» (۵).

در این حال، خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات های خارجی گزارش داد:

«بعید می نماید که ایرانیان در آینده نزدیک بتوانند به وضع دشواری که با آن روبرو هستند، فائق آیند، زیرا طرز استقرار نیروهای آنها ضعیف است. اسلحه کافی در اختیار ندارند و لجستیک آنها نارسا می باشد» (۶).

سردبیر روزنامه انگلیسی تایمز مالی نیز در مورد علت پیدایش وضعیت جدید نوشت:

«برتری نسبی ایران در جنگ به خاطر روحیه قوی آن در ادامه جنگ بوده است. اکنون با از دست دادن آن (روحیه) توازن جنگ تغییر کرده است.... ایران به خاطر عقب نشینی نظامی اخیر خود قادر نیست از موضع قدرت سخن بگوید و یا در زمینه جنگ امتیازات بیش تری کسب کند.»

وی در مورد شرایط دوگانه ای که در برابر ایران قرار دارد، نوشت:

ص: ۱۱۳

۱- ۴۲۹. مأخذ ۱۰۴، صص ۳ و ۴، خبرگزاری عراق، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۳۰. پیشین.

۳- ۴۳۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۸، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۱۴ و ۱۵.

۴- ۴۳۲. پیشین، صص ۱۶ و ۱۷، بخش انگلیسی رادیو سوئیس، در مصاحبه با یک کارشناس امور جنگ، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۳۳. مأخذ ۲۵۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۴۳۴. مأخذ ۲۷۰، رادیو اسرائیل، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

«آنها (ایرانی ها) نه می توانند بر اساس شرایط محدود خود به جنگ ادامه دهند و نه به دست یابی راه حلی بر اساس حداقل شروط خود از جمله شناسایی و مجازات متجاوز یعنی صدام حسین امیدی دارند» (۱).

روزنامه ستاره سرخ چاپ مسکو نیز نوشت:

«حرکت سریع و استراتژیک عراق در بازگرداندن این مناطق دلیل مؤکدی بر توانایی و برتری نیروهای عراقی در جبهه های جنگ است.»

در این مقاله، برتری روحیه نیروهای عراقی مورد تأکید قرار گرفته است (۲).

رخدادهای صحنه جنگ در داخل ایران نیز بازتاب گسترده ای داشت. بر اساس شایعات موجود چنین تحلیل می شد که ایران بر اساس یک توافق محرمانه (۳) و با هدف دست یابی به صلح، به عقب نشینی از مناطق تصرف شده دست زده است ولی تداوم حملات عراق و برخی رخدادهای دیگر نادرستی این شایعات را به اثبات رساند. به موازات آشکار شدن ماهیت غلط این گونه شایعات، سؤالات جدیدی نیز مطرح شد. رئیس جمهور وقت و رئیس شورای عالی دفاع آیت الله خامنه ای، در نماز جمعه تهران در توضیح وضعیت جدید و دلایل پیدایش آن گفت:

«حوادث دو ماهه اخیر سؤالاتی را در ذهن مردم ما و ناظران جهانی به وجود آورد و آن این بود که چرا نیروی اسلام با آن قدرتی که داشتند، عقب نشینی کردند؟ در این مدت، رسانه های استکباری و دشمن هم با تبلیغات خود سلسله حرف هایی را به صورت دقیق مطرح ساختند و جنگ روانی در جامعه به راه انداختند، به نحوی که گویا مسئولین یا رزمندگان از جنگ خسته شده اند... عقب نشینی ما در فاو و شلمچه و غیره دارای عوامل و تحلیل های یکی دو ساله است و یک امر مقطعی نیست... اگر ضعف های ما نبود ابزار جنگی دشمن نمی توانست بر قدرت ایمان نیروهای ما پیروز شود و تنبیه یک یا چند نفر

ص: ۱۱۴

۱- ۴۳۵. مأخذ ۲۶۵، صص ۲۴ و ۲۳، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸/۴/۱۳۶۷.

۲- ۴۳۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ص ۵۴، مسکو، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳/۴/۱۳۶۷، روزنامه ستاره سرخ.

۳- ۴۳۷. مأخذ ۲۵۰، ص ۸، رم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از یک روزنامه ایتالیایی.

مقصر، کار فوق العاده ای نمی باشد اما روش اسلامی ما این نیست، در بعضی از کارها قصور هست اما مقصر، فرد خاصی نیست. عواملی دست به دست هم داده اند تا یک قصوری پیش آمده که باید از این امر جلوگیری شود. یک مقدار از ضعف‌ها مربوط به جبهه و وسایل جبهه است. آمادگی‌ها، سازمان‌دهی خطوط دفاعی و احتیاطات لازم بیش‌تر، باید انجام شود. یک مقدار هم مربوط به پشت جبهه است. یک ملت، با پرداختن به اختلافات و مسایل شخصی و حق‌کشی می‌تواند در جبهه خلل ایجاد کند... اگر عده‌ای هم و غم‌خودشان بر این است که مشکلات را علم‌کنند، این در جبهه اثر خواهد گذاشت و ما نباید غافل باشیم» (۱).

به منظور مقابله با وضعیت جدید، نشانه‌هایی دال بر تغییر استراتژی ایران آشکار شد. آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای رادیو و تلویزیونی گفت:

«ما نباید اجازه دهیم که دشمن در دنیا بتواند ما را به عنوان جنگ طلب و صدام را به عنوان صلح‌جو معرفی کند» (۲).

وی در جای دیگری، در توضیح این موضوع تأکید کرد:

«این روش ناصحیحی بود که برای جذب نیروهای انقلابی، برای کشورمان دشمن درست می‌کردیم. یعنی کشورهایی که می‌توانستند بی تفاوت باشند، آنها را روبه روی خود و در حال عداوت با خود قرار دادیم. یا حداقل کاری برای جذب آنان نمی‌کردیم.»

آقای هاشمی همچنین در مورد سیاست خارجی جدید ایران گفت:

«سیاست خارجی ما به گونه‌ای خواهد بود که بی‌جهت میدان‌ها را در اختیار دشمن قرار ندهیم. خیلی از دولت‌ها هستند که می‌توانند بی تفاوت باشند که ارتجاع یا عراق [آن] کشورها را جذب کرده‌اند» (۳).

آقای هاشمی چند روز بعد، در نماز جمعه تهران بر ضرورت ادامه جنگ تأکید کرد و گفت:

ص: ۱۱۵

۱- ۴۳۸. مأخذ ۲۳۳، ص ۱۵، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۳۹. روزنامه اطلاعات، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۴.

۳- ۴۴۰. پیشین، ص ۲، ستون نقد حال.

«همه معتقدند که ما باید همان راه را ادامه بدهیم تا حتماً راهی را که ما تعیین کرده ایم برای ختم جنگ که اعلام عراق به عنوان متجاوز است» (۱).

وی بر این باور بود که «ما غیر از این دو راه، راه دیگری نداریم»، لذا، ضمن تأکید بر راه حل دیپلماتیک با اعلام عراق به عنوان متجاوز، معتقد بودند، «باید از آمادگی لازم برای ادامه جنگ برخوردار باشیم». (۲) بر اساس همین ملاحظه کلی، بیانیه شورای عالی پشتیبانی جنگ صادر گردید و در آن تلاش مثلث امریکا، شوروی و ارتجاع عرب در واگذاری سلاح به عنوان مهم ترین عامل در پیدایش وضعیت جدید در صحنه نظامی جنگ برشمرده شد. افزون بر این، حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس در حمایت از عراق، به شهرها، حملات شیمیایی به جبهه ها و موشک باران شهرها به وسیله عراق به عنوان بخشی از عوامل تأثیر گذار بر پیدایش روند فعلی جنگ مورد تأکید قرار گرفت (۳).

ص: ۱۱۶

۱- ۴۴۱. مأخذ ۲۲۵.

۲- ۴۴۲. پیشین.

۳- ۴۴۳. مأخذ ۱۸۹، صص ۷ تا ۱۰ خبرگزاری رویتر، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

روند حملات عراق - از سقوط فاو تا تصرف مجدد دهلران - ایران را در برابر وضعیت دشواری قرار داد (۱) که چیره شدن بر این وضعیت بدون اتخاذ استراتژی مناسب امکان پذیر نبود. از سوی دیگر، عراقی بر اساس دو ملاحظه کلی مبنی بر «توانایی نظامی ارتش خود» و همچنین «احتمال (۲) موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸»، در نظر داشتند، در روزهای پایانی جنگ، با تداوم حملات به عمق خاک ایران، از موقعیت برتری به هنگام آغاز مذاکرات صلح بین دو کشور برخوردار شوند. اظهارات مقام های رسمی عراق بیانگر این واقعیت بود؛ نزار حمدون، معاون وزیر خارجه عراق در مورد ادامه فشار به ایران گفته بود:

«ما تمام سعی خود را برای اعمال تمام فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی بر

ص: ۱۱۷

۱- ۴۴۴. رادیو لندن طی تحلیلی در مورد وضعیت ایران گفت: «اوضاع چه در زمینه های سیاسی و چه در جبهه های جنگ بر وفق مراد ایران نیست، در حالی که ایران نمی تواند روی یک موفقیت دیپلماتیک در شورای امنیت حساب کند، در زمینه های نظامی نیز، در داخل کشور توجه از هم پاشیدگی ظاهری هدف های جنگی و استراتژی نظامی خود را امری دشوار یافته است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۲۸ و ۲۹، رادیو لندن، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷).

۲- ۴۴۵. برابر توضیحاتی که در صفحات بعد ارائه خواهد شد، شواهد و قرائن بسیار زیادی وجود داشت که ایران در حال آمادگی و مذاکره برای پذیرش قطع نامه ۵۹۸ می باشد.

ایران تا قبول صلح جامع از جانب ایران به کار خواهیم بست» (۱).

طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق نیز در مراسم پایانی یازدهمین اجلاس وزیران امور جوانان و ورزش عرب تأکید کرد:

«حمله های بعدی علیه متجاوزین ایرانی شدیدتر خواهد بود.» (۲).

در همین راستا، صدام در مراسم تشویق خلبانان عراقی در اظهارات بسیار مهم خود با تأکید بر استعداد ارتش عراق و نیز تهدید ایران گفت:

«حجم ارتش عراق به پنجاه لشکر و حتی فراتر از آن رسیده است.... عراقی ها می توانند دشمن را در داخل خاکش جهت خدمت به صلح و استرداد سرزمین های ملی درهم کوبند» (۳).

وی در بخش دیگری از سخنان خود به پیش روی منافقین در عمق خاک ایران اشاره کرد و گفت:

«مدتی دیگر می بینید که مجاهدین خلق به عمق بیش تری در دل ایران نفوذ می کنند» (۴).

در این حال، مفسر رادیو لندن با توجه به وضعیت حاکم بر جنگ و تهدیدات عراق، این سؤال را مطرح کرد که «آیا عراق در هفته های آینده فشار بیش تری بر ایران وارد خواهد کرد یا خیر؟» (۵) این رادیو همچنین به نقل از ناظران دیپلماتیک، احتمال تشدید فعالیت های منافقین در داخل خاک ایران را مورد تأکید قرار داد. (۶) یک منبع دیپلماتیک عرب نیز به خبرگزاری کویت گفت:

«استراتژی جنگی عراق در مرحله بعدی، انجام تهاجمات محدود علیه مراکز تجمع نیروهای ایرانی در طول جبهه های جنگ و بازگرداندن نیروهایش به پشت مرزها پس از خاتمه این عملیات است» (۷).

ایران در برابر وضعیت جدید و با توجه به ضرورت مهارت حملات عراق، راه حل هایی فراروی خود داشت، بی شک، ادامه وضع موجود کاملاً به سود

ص: ۱۱۸

۱- ۴۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۳، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۷، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۳، خبرگزاری عراق، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۱، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲ تا ۵، خبرگزاری عراق، ۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۴۹. پیشین، ص ۵.

۵- ۴۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۶، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۱، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۴۵۱. پیشین.

۷- ۴۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۸، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۳، پاریس، خبرگزاری کویت، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

عراق بود، زیرا پراکندگی نیروهای ایران در مناطق مختلف و حضور آنها در بخش هایی از خاک عراق و همچنین مخالفت ایران با قطع نامه ۵۹۸ بهانه مناسبی را در اختیار عراق قرار داده بود تا به تهاجمات خود ادامه دهد. ایران نیز به دلیل وضعیت نظامی حاکم بر جبهه ها، قادر به مهار تهاجمات عراق نبود. در همین حال، تغییر اوضاع به سود ایران مستلزم تحولات اساسی بود که بدون گذشت زمان امکان پذیر نبود. بدین ترتیب، ایران با هدف تمرکز نیروها برای رویارویی با حملات احتمالی عراق و همچنین تغییر شرایط بین المللی به سود خود، با اتخاذ استراتژی ای جدید، نخست از مناطق تصرف شده عقب نشینی کرد تا ضمن گرفتن بهانه از دست عراق، نیروهای خود را با سازمان دهی مجدد در برابر تهاجمات آن کشور، به کار گیرد و پس از آن، رسماً قطع نامه ۵۹۸ را - طی نامه رئیس جمهور وقت ایران به دبیر کل سازمان ملل در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ - پذیرفت و دو رخداد یاد شده به عنوان اقدامات ایران در چارچوب استراتژی جدید، روند تحولات را در جبهه های نبرد و صحنه های داخلی، و بین المللی به سود ایران تغییر داد. آن چه در این فصل بررسی خواهد شد، استراتژی جدید جمهوری اسلامی ایران برای مهار حملات عراق و نتایج آن در صحنه سیاسی - نظامی جنگ و داخل کشور خواهد بود.

عقب نشینی از حلبچه

در پی عقب نشینی قوای ایران از جبهه شمالی، حلبچه آخرین منطقه ای بود که تخلیه شد. در ۲۲ تیر ۱۳۶۷ ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ای، عقب نشینی نیروها به مواضع دفاعی جدید را تأیید کرد. (۱) دولت نیز در بیانیه ای با تصریح بر این که «فرماندهی جنگ تصمیم به عقب نشینی از منطقه دشت حلبچه و بسیج قوا برای دفاع از حیاتی ترین نقاط کشور گرفته است»، به برنامه ریزی همه جانبه دشمن در دو سال گذشته و نیز عقب نشینی

ص: ۱۱۹

از حلبچه اشاره کرد و این سؤال را مطرح نمود که «چه باید کرد؟» سپس این بیانیه به پرسش خود پاسخ داد: «با همان شیوه ای که دشمن به ما تعدی کرده است، باید با او مقابله نمود. اگر او به برنامه ریزی گسترده دست زده، ما نیز باید چنین کنیم.» در پایان بیانیه، بر این که این امر به زمان نیاز دارد و دشمن این را می داند، تأکید شد (۱).

آقای هاشمی رفسنجانی نیز عقب نشینی از حلبچه را حاصل تغییرات جدی در «برنامه جنگ و دفاع» خواند و گفت:

«باید توان بیش تری بگذاریم و خودمان را برای دوره طولانی آماده کنیم، حالا، اگر توانستیم این دوره را با جهش هایی، کوتاه تر کنیم، بهتر است و اگر نتوانستیم، باید برای رسیدن به اهداف مان در دراز مدت جنگ را ادامه بدهیم.»

ایشان با اشاره به ضرورت ابعاد فرهنگی، تبلیغاتی و سیاسی به عنوان عوامل تکمیل کننده حرکت نظامی در چارچوب استراتژی جدید ایران گفت:

«استراتژی جدید ما سیاسی، نظامی و فرهنگی است.»

جانشین فرماندهی کل قوا با توجه به احتمال ادامه حملات دشمن تأکید کرد:

«دشمن ممکن است فرصتی داشته باشد تا در این مدت در کار ما اختلال کند و در کوتاه مدت، ما چاره ای جز استفاده از نیروهای داوطلب نداریم» (۲).

نظر به این که عقب نشینی از حلبچه در شرایط خاصی صورت گرفته بود، به عقیده بسیاری، این اقدام می توانست به منزله پایان دادن به جنگ باشد، حال آن که در استراتژی جدید ایران، این حرکت به موازات تلاش های دیپلماتیک برای پذیرش قطع نامه ۵۹۸ انجام شد. خروج از حلبچه، اساساً برای خارج کردن بهانه از دست عراق و تمرکز قوا برای مقابله با حملات احتمالی دشمن در مناطق دیگر انجام گرفت؛ به همین دلیل، شرایط حساس و سرنوشت ساز کشور در بیانیه یاد شده مهم دولت و ضرورت آمادگی برای گذر

ص: ۱۲۰

۱- ۴۵۴. پیشین، ص ۳.

۲- ۴۵۵. روزنامه کیهان، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

از یک مرحله دشوار و طولانی در اظهارات اخیر جانشین فرماندهی کل قوا مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در اطلاعیه فوق، صادره از ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح نیز از کلیه جوانانی که آمادگی حضور در جبهه ها را داشتند، دعوت شد بدون فوت وقت به سوی جبهه ها بشتابند. مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت نیز با توجه به ضرورت حاکم کردن فضای جنگ بر کشور، گفت:

«امروز همه توجهات باید به جبهه ها باشد و بر رادیو و تلویزیون و روزنامه ها باید فضای جنگی حاکم گردد.... همچنین، سیاست خارجی و داخلی و اقتصاد ما، همه و همه باید برای، پیروزی در جنگ بسیج شود که این مهم ترین مسئله کشور است.»

وی همچنین تأکید کرد:

«آن چه اسلام از ما می خواهد، صبر و مقاومت و روحیه قوی و پایدار در معرکه است» (۱).

بی گمان بدون غلبه بر شرایط بحرانی و وضعیت نامساعد روحی و روانی حاصل از آن، اداره اوضاع امکان پذیر نبود و می توانست به نوعی گسیختگی سیاسی - نظامی - اجتماعی منتهی شود. به عبارت دیگر، مدیریت و هدایت بحران سیاسی - نظامی - روانی موجود شرط اصلی برای چیره شدن بر دشواری های حاکم بر صحنه سیاسی - نظامی کشور بود.

عقب نشینی از حلبچه با توجه به این که عراق هیچ اقدام نظامی انجام نداده بود، در مقایسه با عقب نشینی های پیش از آن مورد توجه کارشناسان و تحلیل گران رسانه های خبری قرار گرفت. مفسر رادیو لندن از این اقدام ایران به عنوان «تازه ترین شکست» نام برد. (۲) رادیو بغداد نیز در واکنش به عقب نشینی ایران از حلبچه، آن را نشانه «فروریختگی نیروهای ایران» خواند و در مورد علت آن گفت:

ص: ۱۲۱

۱- ۴۵۶. روزنامه کیهان، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۵، ص ۸، رادیو لندن، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

«ایران نیروهایش را قبل از این که نیروهای ما با آنها برخورد کنند، به ویژه در دو بخش سپاه اول و سپاه پنجم وادار به ترک مواضع و تجهیزات خود نموده است» (۱).

راديو مونت کارلو نیز در تفسیری گفت:

«عقب نشینی نیروهای ایرانی به مرزهای بین المللی متحقق گردید.»

این راديو سپس پرسید:

«ایران خواستار پایان جنگ است یا از حلبچه به صورت تاکتیکی عقب نشینی نموده تا خود را برای یک حمله بزرگ آماده سازد؟» (۲).

در این حال، عراقی ها بر اساس درکی که از استراتژی جدید ایران و دلایل عقب نشینی از حلبچه داشتند و همچنین، با گمان این که ایران قطع نامه ۵۹۸ را خواهد پذیرفت، شرایط جدیدی را برای پایان دادن به جنگ اعلام کردند:

«۱- مبادله کامل و جامع اسرا، ۲- عدم تعرض به راه آبی و استفاده کامل عراق از آب های شط العرب [اروندرو]، ۳- هم کاری بین المللی و برخورد مسئولانه با امنیت خلیج [فارس] و کشورهای حوزه آن، ۴- عقد قرارداد صلح جدید، ۵- حسن هم جواری و عدم دخالت در امور و حق انتخاب دیگران.» (۳).

عراق اعلام شرایط پنج گانه را بدین منظور انجام داد که، علاوه بر به نمایش گذاردن و تحمیل موقعیت برتر خود بر ایران، زمینه لازم را برای تداوم حملات فراهم کند، در حالی که اگر عراقی ها در پی صلح بودند بایستی در چنین وضعیتی تنها بر موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ تأکید می کردند؛ حال آن که تعیین شرایط جدید که مغایر با مفاد قطع نامه ۵۹۸ بود و به طور طبیعی با مخالف ایران همراه می شد، تنها به زمینه سازی تامین اهداف عراق کمک کرد. چنان که در ۲۵ تیر ۱۳۶۷ نیروهای ارتش عراق پس از اجرای آتش سنگین توپخانه بر منطقه صالح آباد با پیش روی در شمال شرقی مهران، از مرزهای بین المللی عبور کرده و روز شنبه در منطقه «سرکنجان چم» و

ص: ۱۲۲

۱- ۴۵۸. پیشین، ص ۶، راديو بغداد، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۵۹. مأخذ ۵، ص ۱۸.

۳- ۴۶۰. مأخذ ۵، ص ۱۵، خبرگزاری عراق، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

ارتفاعات اطراف آن مستقر شدند. (۱) در پی این حمله، روزنامه عراقی «الجمهوریه» در سر مقاله خود نوشت:

«عراق ضربات خود را به دشمن ایرانی دنبال خواهد کرد تا این رژیم را به طور کامل فلج کند تا جایی که ایران ویران و از داخل متلاشی گردد.»

در ادامه این مقاله تأکید شده بود:

«ایران بایستی منتظر عواقبی بدتر از آن چه تاکنون دیده است باشد!» (۲).

دلایل عقب نشینی ایران و ادامه حملات عراق مورد بررسی تحلیل گران و کارشناسان امور جنگ قرار گرفت. در این بررسی ها، تهاجم عراق به منزله مقابله با تلاش ایران برای بازسازی نیروهایش (۳) و همچنین، اصرار عراق برای دست یابی به صلح پایدار ارزیابی شد. (۴) گزارش گر روزنامه تایمز مالی بر اساس سخنان آقای هاشمی، این اقدام ایران را بخشی از استراتژی این کشور برای یک جنگ طولانی دانست. (۵) «دیوید هرست» نیز در مقاله ای با عنوان «جنگ زده» در روزنامه «گاردین» نوشت:

«آقای هاشمی امیدوار است، با بازسازی سیاست جنگی ایران، ابتکار نظامی را بار دیگر به چنگ آورد. اما این کار در بهترین شرایط، به زمان احتیاج دارد. در حال حاضر، شک و تردید عمیقی نسبت به شعارهای متهورانه در مورد ادامه جنگ به وجود آمده است» (۶).

تحلیل های ارائه شده مبنی بر تغییر استراتژی ایران، تنها عاملی بود که می توانست علت عقب نشینی از حلبچه - بدون درگیری با نیروهای عراقی - را توضیح دهد، و اساساً، این تحلیل ها متأثر از اظهارات آقای هاشمی بودند، زیرا وی آشکارا بر این مسئله تأکید کرد که استراتژی جنگی باید در قالب یک استراتژی کلی سیاسی و فرهنگی قرار داده شود. (۷) رادیو امریکا نیز طی تفسیری در این باره، با اشاره به تغییر استراتژی ایران گفت:

«شکست های نظامی باعث شد که رهبران ایران استراتژی خود را مورد تجدید

ص: ۱۲۳

۱- ۴۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۹، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۶۲. مأخذ ۱۶، ص ۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۶۳. پیشین، ص ۷، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش تایمز مالی.

۴- ۴۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۷، رادیو لندن، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷، مصاحبه با شهرام چوبین از کارشناسان امور ایران و جنگ.

۵- ۴۶۵. مأخذ ۱۶، ص ۱۷، لندن، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

- ۶- ۴۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۱، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۶، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.
- ۷- ۴۶۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۳۰، رادیو لندن، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

نظر قرار دهند» (۱).

رادیو لندن نیز به نقل از منابع آگاه برجسته ترین تأثیر استراتژی جدید امریکا را تحکیم موضع این کشور در شورای امنیت سازمان ملل ذکر کرد (۲)، زیرا «در چنین شرایطی، ایران ضرورت و لزوم حمایت بین المللی را درک کرده است (۳).

افزایش تحرکات دیپلماتیک

واکنش ایران در برابر سرنگون شدن هواپیمای مسافربری «ایرباس» از طریق شکایت به شورای امنیت به جای اقدام تلافی جویانه، بازتاب گسترده ای داشت. آقای هاشمی در مصاحبه ای به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا گفت:

«از همان اول اعلام کردیم که سیاست جمهوری اسلامی ایران در این مقطع فعلا مقابله با این نوع نیست، خوشبختانه اظهارات ما هم انعکاس وسیعی داشت.»

وی معتقد بود:

«نمی توان انتظار معجزه از شورای امنیت داشت، ولی آنجا، جایی است که مردم به حرف ها گوش می دهند و ما می توانیم حرف هایی که با مردم دنیا داریم، از آن تریبون مطرح کنیم» (۴).

تفسیر جدید از نقش و جایگاه سازمان ملل و تغییر روش ایران با تکیه بر تحرکات دیپلماتیک، پی آمدهای مثبتی را در پی داشت. پیش از این، واکنش ایران در برابر قطع نامه ۵۹۸ مانع از هم دردی اعضای شورای امنیت با آن کشور می شد، ولی ماجرای کشته شدن ۲۹۰ تن سرنشین یک هواپیمای مسافربری و نحوه برخورد جمهوری اسلامی باعث شد، ایران از حمایت تازه ای در شورای امنیت برخوردار شود.

جمهوری اسلامی ایران در گزارشی، از اعضای شورای امنیت درخواست

ص: ۱۲۴

۱- ۴۶۸. پیشین، ص ۱۴، رادیو امریکا، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۶۹. مأخذ ۵.

۳- ۴۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۶، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۲۳، رادیو اسرائیل، به نقل از مقاله یدویوت آهارانوت، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۷۱. مأخذ ۱۲، تهران، خبرگزاری رویترا، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از دیپلمات ها.

کرد، ضمن محکوم کردن امریکا به دلیل حمله به هواپیمای غیرنظامی، اقدامات مؤثری برای امنیت و رفت و آمد این نوع هواپیماها اعمال کند. در این گزارش همچنین تأکید شده بود، امریکا را مجبور کنند هر چه زودتر نیروهایش را از آب های خلیج فارس خارج کند (۱).

جلسه شورای امنیت، سرانجام با تأخیر، در ۲۳ تیر ۱۳۶۷ با حضور نمایندگان کشورهای انگلیس، نپال، یوگسلاوی (پیشین)، شوروی (پیشین)، ایتالیا، فرانسه، چین، آرژانتین، ژاپن، آلمان غربی و الجزایر تشکیل شد. (۲) در این نشست، وزیر خارجه وقت ایران به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران و «جرج بوش»، معاون وقت رئیس جمهور امریکا و نامزد حزب جمهوری خواه، به عنوان نماینده دولت امریکا در این اجلاس شرکت کردند. (۳) آقای ولایتی در سخن رانی ۹۰ دقیقه ای خود در این اجلاس، مواضع جمهوری اسلامی را بدون موضع گیری شدید و مستقیم علیه امریکا بیان کرد (۴).

رادیو امریکا در واکنش به سخنان وزیر خارجه ایران گفت:

«سخن رانی ۹۰ دقیقه ای دکتر ولایتی ظاهراً بسیار سخت بود ولی درهای مذاکره را نبست» (۵).

جرج بوش نماینده دولت امریکا نیز در سخنانی کوتاه، با ابراز تأسف شدید از تلفات جانی پرواز ۶۵۵ «ایران ایر»، از ایران خواست، در همین جلسه موافقت خود را با قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت اعلام کند. (۶) این جلسه در ساعت ۱۳:۳۰ پایان یافت و ادامه جلسه به صبح روز جمعه موکول شد.

طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق در واکنش به سخنان جرج بوش گفت:

«در سخن رانی بوش عناصر مثبتی مانند برقراری ارتباط میان اوضاع عمومی منطقه و ادامه جنگ ایران و عراق بود.»

وی بوش را به دلیل این که ایران و عراق را در فراخوان خود برای اتمام جنگ در ردیف مساوی قرار داد، سرزنش کرد (۷).

ص: ۱۲۵

۱- ۴۷۲. پیشین، ص ۳۰، رادیو امریکا، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۷۳. مأخذ ۷، ص ۳۳، رادیو امریکا، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۷۴. روزنامه کیهان، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۷۵. مأخذ ۲۲، صص ۴۱ و ۴۲، تهران خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۷۶. مأخذ ۷، صص ۲۴ و ۲۵، بخش فارسی رادیو امریکا، ۲۴ / ۷ / ۱۳۶۷.

۶- ۴۷۷. پیشین.

۷- ۴۷۸. مأخذ ۱۶، ص ۱۵، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

روز جمعه ۲۴ تیر ۱۳۶۷ دومین جلسه شورای امنیت درباره سرنگونی هواپیمای «ایران ایر» برگزار شد و در آن نمایندگان کشورهای عضو با ابراز تأسف از بروز این فاجعه، خواستار پایان جنگ عراق و ایران و تضمین هر چه بیش تر ایمنی پروازهای کشوری شدند.

جلسه بعدی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای رسیدگی به این حادثه روز دوشنبه تشکیل شد. (۱) و طی آن، شورای امنیت با صدور قطع نامه ای اندوه عمیق خود را به مناسبت سرنگون شدن هواپیمای مسافربری ایران ابراز داشت. (۲) شورای امنیت در این قطع نامه نه تنها امریکا را محکوم نکرد، بلکه همچون امریکا، فاجعه اخیر را به منزله ضرورت دست یابی به صلح (۳) دانسته و در یکی از بندهای اجرایی آن، لزوم پایان جنگ بر اساس قطع نامه ۵۹۸ را مورد تأکید قرار داد. (۴) در این حال، نماینده وقت ایران در سازمان ملل در واکنش به این قطع نامه گفت:

«هنگام درخواست رسیدگی به اقدام امریکا، ایران نسبت به روند تصمیم گیری در این شورا هیچ توهمی نداشت و ما می دانستیم که طرف مقصر خود در این شورا بر مسند قضاوت خواهد نشست، بنابراین میزان عدالتی که در تصمیم نهایی انتظار داشتیم، بسیار محدود و حساب شده بود.... علی رغم این نقایص، ما به نوبه خود آماده ایم با این قطع نامه کنار بیاییم» (۵).

مناسبات ایران - امریکا و ایران - شوروی در این مرحله قابل توجه بود. امریکایی ها لازمه به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق را موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ می دانستند و جرج بوش نماینده دولت امریکا این

ص: ۱۲۶

۱- ۴۷۹. مأخذ ۷، ص ۳۳، رادیو امریکا، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۸۰. روزنامه کیهان، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۸۱. ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا در یک موضع گیری آشکار اعلام کرد: «تنها نفعی که امریکا در خلیج فارس دارد، برقراری صلح است و این فاجعه انسانی (سرنگونی ایرباس) ضرورت دست یابی به آن هدف را با حداکثر شتاب، دو چندان ساخته است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۰، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷).

۴- ۴۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۶۰ و ۶۱، واشنگتن پست، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۸۳. پیشین.

موضوع را رسماً ابراز کرده بود. ضمن این که «آرما کاست»، سخن گوی وزارت خارجه امریکا نیز در گفت و گو با شبکه سراسری «سی.بی.اس» اعتراف کرد:

«ما به طور یک جانبه سعی کردیم بر ایران فشار آورده و او را مجبور به پذیرش قطع نامه نماییم» (۱).

وی همچنین گفته بود:

«از هر گونه انعطاف ایران استقبال می کنیم اما ایران نمی تواند به انتخاب خود بخش هایی از قطع نامه را بپذیرد» (۲).

در این حال، مذاکره پیرامون آزادی گروگان های امریکا در بیروت بیش ترین شایعات را درباره مذاکرات پنهانی ایران و امریکا دامن زد. خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از یک مجله لبنانی گزارش داد:

«مذاکراتی بین ایران و امریکا در یک کشور اروپایی ادامه داشته و قرار بوده است در قبال تغییر موضع سیاسی امریکا در جنگ خلیج [فارس] و در جهت منافع ایران، تعدادی از گروگان های امریکایی در جنوب آزاد شوند» (۳).

در هر صورت آمادگی ایران برای میانجی گری در آزادی گروگان های غربی شاید تأثیر بسزایی در پیدایش و گسترش این گونه شایعات داشت. در این راستا، «مارلین فینزواتر»، سخن گوی کاخ سفید بر اساس ملاحظات جدید گفت:

«امریکا مدت مدیدی است که تمایل به برقراری تماس با ایران دارد. ما این تمایل را در هر موقعیتی ابراز داشتیم.»

وی هدف مهم امریکا برای تماس مجدد با ایران را علاوه بر کمک به پایان دادن جنگ ایران و عراق، ترغیب ایران به فاصله گرفتن از سیاست های بنیاد گرایانه و پیمودن روش معتدل تر ذکر کرد. (۴) وی مدتی بعد، در سخنانی تأکید کرد:

ص: ۱۲۷

۱- ۴۸۴. مأخذ ۱۲، ص ۳۹، واشنگتن خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۸۵. مأخذ ۲۲، ص ۲۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، خبرگزاری رویتر.

۳- ۴۸۶. مأخذ ۷، ص ۴۶، بیروت، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۰، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷، واشنگتن، خبرگزاری رویتر،

۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

«بر عهده ایران است که نخستین گام را در جهت عادی سازی روابط بردارد.»

وی تصریح نمود:

«از منابع گوناگون پیام هایی دریافت کرده اند که حاکی از آمادگی ایران جهت برقراری تماس بوده است و در حال حاضر نشانه ای دال بر این که ایران آمادگی صحبت با ما را در شرایط فعلی داشته باشد، وجود ندارد» (۱).

در این حال، به نظر می رسد اظهارات دو تن از نظریه پردازان امریکایی نقش بسزایی در توجه امریکا به ایران داشته است. کسینجر، وزیر خارجه سابق امریکا طی مقاله ای در هفته نامه نیوزویک با عنوان «زمان گفت و گو با ایران فرارسیده است»، نوشت:

«کمتر کشورهایی در جهان هستند که مانند ایران و ایالات متحده هیچ دلیلی برای نزاع و همه دلایل را برای دوستی و همکاری داشته باشند.»

در این مقاله آمده است:

«حفظ تمامیت ارضی و پیش رفت اقتصادی ایران یکی از منافع اصلی ایالات متحده می باشد.»

کسینجر در پایان تأکید می کند:

«پرزیدنت ریگان صمیمانه خواهان بهبود مناسبات می باشد» (۲).

برژینسکی، مشاور سابق کارتر در شورای امنیت نیز گفت:

«برای اثبات منطقه در حفظ منافع حیاتی امریکا، استقلال و تمامیت ارضی ایران، اهمیت مشابه پاکستان را دارد.»

وی پیش بینی کرد:

«در حال حاضر و احتمالاً تا هنگامی که جنگ ایران و عراق متوقف نگردد، روابط امریکا و ایران همچنان خصمانه خواهد بود» (۳).

مناسبات ایران و شوروی در مرحله جدید متأثر از عوامل گوناگونی بود. از یک سو، مقامات مسکو برای رهایی از مخمصه افغانستان، به همکاری ایران

ص: ۱۲۸

۲- ۴۸۹. مأخذ ۱۶، ص ۴۴، رادیو اسرائیل، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۹۰. روزنامه کیهان، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

نیاز داشتند و از سوی دیگر، برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق، با تحریم تسلیحاتی ایران که امریکا آن را پی گیری می کرد، مخالف بودند. در مورد موضوع نخست، خبرگزاری رویتر از مسکو گزارش داد که «یولی ورنتسف»، معاون اول وزیر خارجه شوروی در دیدارش از تهران از مقام های ایرانی خواسته بود که در عادی شدن اوضاع افغانستان کمک کنند.

برابر گزارش های منتشره، در این دیدار همچنین توافق شده بود که دو کشور به طور سازنده این مسئله را مورد بحث و بررسی قرار دهند. (۱) در تداوم این توافق، سفر معاون وزیر خارجه ایران به شوروی همراه با موافقت هایی صورت گرفت. به گزارش رادیو مسکو، اتحاد شوروی اظهار امیدواری کرد که ایران در آزاد کردن نظامیان شوروی اسیر شده به دست مجاهدان افغانی، همکاری لازم را به عمل آورد (۲).

همان گونه که گفته شد، شوروی با تحریم تسلیحاتی ایران مخالف بود و این امر موجب می شد که عراقی ها در مناسبت های مختلف ناخشنودی خود را از این موضوع ابراز کنند، حتی به هنگام حضور «سعدون حمادی»، عضو شورای فرماندهی انقلاب عراق در مراسم جشن «روزهای دوستی شوروی و عراق» این موضوع بیان شد. با این حال، سخن گوی وزارت خارجه شوروی (پرفیلیف) گفت:

«قطع نامه ۵۹۸ برای پایان دادن به این خون ریزی کافی است.... و همان طور که می دانید، گنجاندن تحریم های تسلیحاتی در پرونده سازمان ملل مؤثر نبوده و بیش تر در حد حرف است» (۳).

ص: ۱۲۹

۱- ۴۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۶۸، مسکو، خبرگزاری رویتر، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۹۲. مأخذ ۲۵، ص ۲۵، رادیو مسکو، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۹۳. مأخذ ۲۲، صص ۲۲ و ۲۳، مسکو، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

رک به: متن قطع نامه ۵۹۸ در پایان همین فصل.

به دلیل اهمیت شرایط و وضعیتی که منجر به تصویب قطع نامه ۵۹۸ شد، این موضوع در کتاب از شلمچه تا حلبچه، جلد چهارم از همین مجموعه مورد بررسی قرار گرفته است.

قطع نامه ۵۹۸ و مواضع جهانی

جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ با ارسال نامه ای به دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل رسماً قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت. این اقدام با توجه به رفتار و مواضع سازمان ملل که در طول جنگ هشت ساله، به غیر از موارد بسیار محدود و غیر اساسی، عملاً به سود عراق رفتار می کرد، پرسش ها و ابهامات فراوانی را مطرح کرد. ضمن این که در آن ایام، با سقوط فاو، روند نظامی جنگ نیز برخلاف سال های گذشته به زیان ایران شد و عمیقاً بر روش جدید سیاسی ایران تأثیر گذاشت.

اکنون که نزدیک به یازده سال از آن ایام سخت و سرنوشت ساز می گذرد و با توجه به تغییراتی که در محیط بین المللی، منطقه و درون ایران صورت گرفته است، شاید بتوان تا اندازه ای اقدام جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یکی از پدیده های بسیار مهم جنگ و انقلاب اسلامی (۱) که علاوه بر تأثیر آن در پایان بخشیدن به جنگ، آثار و نتایجی را بر روند تحولات جامعه ایران بر جای گذاشته و خواهد گذاشت، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. در واقع، آن چه که مورد سؤال است، نحوه پایان دادن به جنگ در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ و علل موافقت جمهوری اسلامی ایران با آن می باشد. بسیار روشن است که هر گونه درگیری و جنگ، با هر میزان شدت و قدمت، سرانجام بر اساس شرایط و عواملی به پایان خواهد رسید. بنابراین، خاتمه یافتن جنگ به عنوان یک رویداد ضروری و اجتناب ناپذیر مورد سؤال نیست و نمی توان انتظار داشت که جنگ میان دو کشور به صورت دائمی تداوم داشته

ص: ۱۳۰

باشد، بلکه آن چه حائز اهمیت است، چگونگی پایان یافتن جنگ است که در خصوص جنگ عراق علیه ایران با اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ تحقق یافت.

بر اساس ملاحظات یاد شده و با توجه به تغییر روش ایران در پایان بخشیدن به جنگ، لازم است که ابعاد این موضوع و روند تحولاتی که طی هشت سال با هدف پایان دادن به جنگ و با تکیه بر راه حل های دیپلماتیک که شخصیت ها، کشورها و مجامع بین المللی مطرح کرده اند و همچنین براساس کلیات مواضع و اقدامات جمهوری اسلامی در حد فاصل تصویب تا پذیرش قطع نامه، بررسی شود تا مواضع ایران در هنگام صدور این قطع نامه آشکار شده و هر گونه شایعه ای مبنی بر مخالفت ایران با راه حل های دیپلماتیک، از جمله صدور قطع نامه ۵۹۸ برای پایان دادن به جنگ، رد شود.

مهم ترین علت تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر، متاثر از این موضوع بود که حامیان جهانی و منطقه ای عراق، پذیرش برتری ایران به عراق و تامین خواسته های بر حق آن کشور را با توجه به پی آمدهایش، به زیان منافع خود و خلاف هدف اصلی وقوع جنگ ارزیابی می کردند. جمهوری اسلامی ایران پس از آزاد سازی مناطق اشغالی و فتح خرمشهر، همواره بر دو موضوع اساسی تأکید می کرد: نخست، «محکوم کردن عراق به عنوان متجاوز و مسئول جنگ» و دوم، «پرداخت غرامت به ایران به عنوان قربانی تجاوز». با آن که خواسته های ایران کاملاً منطقی و عادلانه بود، ولی بنا به ملاحظاتی، هیچ گاه این خواسته ها به طور جدی مورد توجه سازمان ملل قرار نگرفت. امام راحل در پیام خود به حجاج بیت الله الحرام در سال ۱۳۶۶ در این باره فرمودند:

«دنيا از آغاز جنگ تاکنون در تمام مراحل دفاعی ما هیچ گاه با زبان عدالت و با بی طرفی با ما سخن نگفته است» (۱).

بنابراین، تمام تلاش ها و فعالیت های سیاسی - تبلیغاتی و نظامی ایران از

ص: ۱۳۱

۱- ۴۹۵. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد ۲۰، ۱۳۶۹)، صص ۱۰۹ تا ۱۳۳.

فتح خرمشهر تا پذیرش قطع نامه ۵۹۸ با هدف تأمین خواسته های برحق ایران انجام گرفت. کسب پیروزی نظامی با انجام سلسله عملیاتی که در مناطق مختلف صورت گرفت، برای تضمین خواسته های ایران و تحمیل آن به عراق و حامیان جهانی و منطقه ای این کشور بود. در همان حال، تلاش برای بازداشتن ایران از پیروزی نظامی برعراق یا دست یابی به پیروزی سیاسی بر پایه برتری نظامی، باعث شد تا فشارهای گوناگون و همه جانبه ای بر ایران وارد شود. ایران به موازات تشدید این فشارها، در برابر وضعیت کاملاً دوگانه و متضادی قرار گرفت، از یک سو، گسترش دامنه جنگ و تشدید فشارها و دشواری هایی که برای انجام عملیات نظامی گسترده با تضمین پیروزی وجود داشت، بیش از پیش جمهوری اسلامی ایران را در تنگنا قرار می داد و امکان تأمین خواسته هایش را دشوار می ساخت و از سوی دیگر، با توجه به برتری به دست آمده از پیروزی های نظامی ایران بر عراق و خواسته های برحق ایران، چشم پوشی از این خواسته ها برای مسئولان و تصمیم گیرندگان کشور امکان پذیر نبود. همچنین، با توجه به افکار عمومی جامعه که رخدادهای جنگ را با حساسیت زیادی پی گیری می کردند، اقدام به این تصمیم با چرخش از استراتژی پیشین، با هزینه بسیار زیادی در جامعه همراه بود. البته، این مسئله به این معنا نبود که ایران بدون در نظر گرفتن اصول و مصالح، در برابر واقعیات تسلیم شود و یا بدون در نظر گرفتن واقعیات، تنها برخی اصول و مواضع پیشین را مورد تأکید قرار دهد، برخورد ایران با قطع نامه ۵۹۸ و بعدها با فاجعه سقوط هواپیمای «ایرباس» مؤید این موضوع می باشد.

قطع نامه ۵۹۸ تنها یک روز پیش از اولین اقدام امریکا در حفاظت از نفت کش های کویت در ۳۰ تیر ۱۳۶۶ تصویب شد و حضور نظامی امریکا در منطقه هیچ معنایی جز افزایش فشار به ایران به منظور پذیرفتن قطع نامه ۵۹۸ نداشت. با وجود این که قطع نامه در شرایطی تصویب شد که ایران به دلیل در

اختیار داشتن مناطق نسبتاً حساس در خاک عراق، از برتری قابل توجهی برخوردار بود ولی روح قطع نامه برای نجات عراق بود و به گونه ای نسبتاً محسوس، نیم نگاهی نیز به ایران داشت. برابر تمهیداتی که پیش از این صورت گرفته بود چنین پیش بینی شده بود که طرف امتناع کننده از پذیرش قطع نامه، با تحریم تسلیحاتی تنبیه و تحت فشار قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران بر پایه ملاحظاتی که وجود داشت، قطع نامه را رد نکرد و به روند مذاکره با دبیر کل سازمان ملل روی توافق نشان داد و این بدان معنا بود که ایران راه دیپلماتیک را برگزیده است (۱).

آقای هاشمی طی مصاحبه ای، درباره برخورد سازمان ملل با تجاوز گفت:

«سازمان ملل اول متجاوزین را معرفی کند، قدم بعدی این است که با متجاوز چه باید بکنیم؟ این کار را یک دادگاه بکند. حال، این دادگاه بین المللی باشد یا منطقه ای یا اسلامی که اعلام کند، مسئول جنگ کیست؟ وقتی این اعلام شد، ما نیاز زیادی به جنگ نداریم» (۲).

نظر به اهمیت این موضوع یکی از مقام های ترکیه در دیدار خصوصی با یکی از مسئولان ایران گفت:

«شورای امنیت هیچ گاه دادگاهی که عراق را متجاوز اعلام کند، تشکیل نخواهد داد» (۳).

هم زمان با حضور آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت ایران در اجلاس عمومی سازمان ملل در شهریور ۱۳۶۶، ایشان در یک نشست مطبوعاتی با حضور اکثر رسانه های جهانی که در نیویورک برگزار شد، شرکت کردند. ایشان در پاسخ به پرسش یک خبرنگار در مورد چگونگی تنبیه متجاوز فرمودند:

«ما نوع تنبیه را به هیچ وجه از پیش تعیین نمی کنیم، اما اگر محکمه ای عادل برقرار شود، ما احکام آن محکمه را قبول خواهیم کرد.»

ص: ۱۳۳

۱- ۴۹۶. مأخذ ۵، ص ۳۱، رادیو امریکا، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۹۷. حمید فرهادنیا، بررسی تحولات جنگ، نخست وزیری، سال ۱۳۶۶، ص ۷۳، مصاحبه آقای هاشمی با روزنامه تهران تایمز، ۶ / ۶ / ۱۳۶۶.

۳- ۴۹۸. پیشین، ص ۷۴، به نقل از تورگوت اوزال.

ایشان همچنین در پاسخ به پرسش دیگری که عنوان شد «آیا در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ امکان صلح وجود دارد؟» گفتند:

«یقیناً وجود دارد و ما فرمول استفاده از این قطع نامه را برای رسیدن به آتش بس تهیه کرده و در اختیار دبیر کل قرار داده ایم و نکته اصلی، تنبیه متجاوز است که اگر این مسئله حل شود، تمامی مسائل حل خواهد شد» (۱).

این اظهارات به روشنی نشان می‌داد که ایران بر راه حل دیپلماتیک، به موازات سایر راه حل‌ها و نیز پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به صورت مشروط تأکید داشت. این برداشت حتی برای وزیر خارجه کشور غنا که در زمان تصویب قطع نامه ۵۹۸ ریاست شورای امنیت را بر عهده داشت، آشکار شده بود، چنان که پس از دیدار با آیت الله خامنه‌ای، در مصاحبه‌ای با مطبوعات گفت:

«ایران قطع نامه را رد نکرده است» (۲).

ایران ضمن پذیرش مشروط قطع نامه ۵۹۸ با ادامه گفت و گو با دبیر کل سازمان ملل، تمهیداتی را برای تغییر ترتیب برخی از بندهای قطع نامه پی‌گیری کرد. این مسئله باعث شد تا دبیر کل در ادامه تلاش‌های خود و سفر به تهران و گفت و گوی نهایی با آیت الله خامنه‌ای در سازمان ملل بیانیه خود را در یک جلسه مشورتی غیر علنی به اعضای شورای امنیت ارائه کند. در بند ۳ این بیانیه آمده است:

«ایران برای شروع اجرای قطع نامه دو گام هم‌زمان اولیه را ضروری می‌داند: الف- رعایت آتش بس، ب- برقراری یک هیئت بی‌طرف تحقیق.»

همچنین در بند ۴ این بیانیه آمده است:

«به نظر ایران، اولین وظیفه این هیئت، شناسایی متجاوز است و وظیفه دوم این هیئت، تعیین عواقب مسئولیت می‌باشد» (۳).

دبیر کل در این جلسه در مورد نتایج مذاکره با عراق گزارش داد:

«عراق هیچ تغییری در موضع خود ندارد و روی اجرای قطع نامه به ترتیب

ص: ۱۳۴

۱- ۴۹۹. پیشین، ص ۷۶، ۱/۷/۱۳۶۶.

۲- ۵۰۰. پیشین، ص ۷۷.

۳- ۵۰۱. پیشین، ص ۷۸.

پاراگراف های محتوایی اصرار دارد و عراق نسبت به تغییر اجرای مفاد آن مقاومت نموده و آن را رد خواهد کرد» (۱).

با این حال، فعالیت های ایران مؤثر واقع شد و دبیر کل طرحی را تهیه کرد که به «طرح اجرایی دبیرکل» مشهور شد. رئوس کلی این طرح را دبیر کل در نامه مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۸۷ میلادی (۲۳ مهر ۱۳۶۶) اعلام کرد. (۲) رادیو امریکا در گزارش خبری خود در این باره گفت:

«وی به ایران و عراق ۱۵ روز فرصت داده است تا پاسخ خود را به طرح مبسوط وی درباره برقراری آتش بس ارائه دهند. دبیر کل گفت: «پنج عضو دائمی شورای امنیت، خواستار آتش بس همراه با عقب نشینی نیروها شدند» و مهم ترین نکته طرح دبیر کل، تشکیل کمیته ویژه برای مشخص کردن آغاز کننده جنگ است» (۳).

بعدها، نماینده وقت ایران در سازمان ملل در این باره گفت:

«دیدگاه مثبت ایران نسبت به قطع نامه ۵۹۸ اساساً به دلیل بندی بود که مهم ترین خواسته ایران را تأمین می کرد، زیرا بند یاد شده دبیرکل را موظف می کرد، کمیته ای را برای تعیین متجاوز تشکیل دهد.»

پس از سفر دبیرکل به تهران، شورای امنیت سازمان ملل به دبیر کل مأموریت داد تا طرحی در زمینه اجرای قطع نامه ۵۹۸ تهیه کند. طرح اجرایی دبیر کل برای قطع نامه ۵۹۸ با جابه جا کردن بعضی از بندهای مستخرج از خود قطع نامه بود که نظرات ایران را تا حدودی تأمین می کرد، زیرا گام نخست در اجرای این طرح، تشکیل کمیته ای برای تعیین متجاوز بود. (۴) عراقی ها که با این اقدام مخالف بودند در یک موضع گیری صریح، اعلام کردند، با هر گونه تفکیک و جا به جایی در بندهای قطع نامه مخالف هستند. (۵) صدام علاوه بر موضع گیری فوق، در دیدار با وزیر خارجه ژاپن گفت:

«موضع ایران را که عراق باید متجاوز شناخته شود و مجازات گردد، نخواهد

ص: ۱۳۵

۱- ۵۰۲. پیشین، ص ۷۸ و ۷۹.

۲- ۵۰۳. پیشین، ص ۷۹.

۳- ۵۰۴. پیشین، ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۶.

۴- ۵۰۵. مأخذ ۴۶، جعفر محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل.

۵- ۵۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۴، ۸ / ۶ / ۱۳۶۶، رادیو صوت الجماهير سخنان صدام در جمع دانشگاهیان مقیم عراق، ۷ / ۶ / ۱۳۶۷.

پذیرفت» (۱).

بعدها، طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق نیز اعلام کرد، «عراق هر گونه تلاش برای تجدید نظر در متن و سلسله بندهای قطع نامه ۵۹۸ را رد می کند» (۲).

ادامه درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس در ماه های شهریور، مهر و آبان باعث شد تا امریکایی ها طرح تحریم تسلیحاتی ایران را با مشارکت فعال انگلیس پی گیری کنند. در این حال، شوروی ها نظر به ماهیت تلاش های امریکا، با این اقدام مخالف بودند. در این راستا، «پتروفسکی»، معاون وزارت خارجه شوروی در سفر به سازمان ملل، به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت:

«در حالی که امریکا مصرانه از شورای امنیت و آن کشور (شوروی) خواسته است که یک تحریم تسلیحاتی جهانی علیه ایران را مدنظر قرار دهد، کشورش می خواهد وقت بیش تری به مذاکرات داده شود....ایران و عراق دچار تشریک مساعی با شورای امنیت هستند و ما وضعیت اساسا جدیدی داریم» (۳).

در نیمه آذر ۱۳۶۶ دبیر کل سازمان ملل در پی مذاکره با نمایندگان ایران و عراق، در چکیده گزارش خود در این باره به شورای امنیت اعلام کرد، مذاکرات به بن بست عملی رسیده است. در این گزارش در مورد علل بن بست در مذاکرات آمده است:

«جمهوری اسلامی ایران به خاطر طرح مسئله غرامت و مرتبط کردن آن با مسئله عقب نشینی، از چارچوب قطع نامه ۵۹۸ خارج شده است و عراق به خاطر اعلام لزوم اجرای متوالی و بی وقف آتش بس، عقب نشینی و مبادله کامل اسرا و یا لااقل، انفکاک پذیر نبودن آتش بس و عقب نشینی، از طرح اجرایی دبیر کل فاصله گرفته است» (۴).

بنابراین گزارش، ایران و عراق هر یک به نوعی در ایجاد بن بست در روند

ص: ۱۳۶

۱- ۵۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۸۵، ۳۰ / ۶ / ۱۳۶۶، خبرگزاری «کیودو»، ۲۹ / ۶ / ۱۳۶۶.

۲- ۵۰۸. پیشین، طارق عزیز، نیویورک، خبرگزاری رویتر، ۴ / ۷ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۰۹. مأخذ ۵۴، ص ۸۸ / ۷ / ۹ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۱۰. پیشین، صص ۸۸ و ۸۹، ۱۱ / ۹ / ۱۳۶۷.

مذاکرات مقصر قلمداد می شدند. این در شرایطی است که عراق با فرض این که ایران با قطع نامه ۵۹۸ مخالفت خواهد کرد، برای دست یابی به موضع بهتر سیاسی، پذیرش قطع نامه را اعلام کرده بود ولی در عمل، با وجود این که از موضع ضعیف تری در صحنه نظامی برخوردار بود، به این دلیل که تمام تمهیدات بین المللی و منطقه ای برای نجات آن سازمان دهی شده بود به مخالفت خود ادامه می داد. در همان حال، اگر چه جمهوری اسلامی ایران قطع نامه را به طور رسمی نپذیرفته بود، ولی با عدم رد آن و پذیرش گفت و گو در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ و براساس طرح اجرایی دبیرکل که مصوب شورای امنیت بود. عملاً برای گشایش در روند صلح با هدف تأمین منابع ایران تلاش می کرد. بدیهی بود آن چه که موضع ایران را تقویت می کرد، تنها برتری نظامی بر عراق با استقرار در بخشی محدود ولی حساس در خاک عراق بود. بی گمان اعلام آتش بس و عقب نشینی به مرزهای بین المللی، به منزله خارج کردن برگ برنده ایران برای مذاکرات بود بی آن که هیچ تضمینی برای تأمین خواسته های ایران مبنی بر اعلام عراق به عنوان متجاوز و پرداخت غرامت وجود داشته باشد. مواضع یک سویه سازمان ملل در پشتیبانی از عراق همچون هفت سال گذشته تا تصویب قطع نامه ۵۹۸ و بی اعتمادی ایران به عمل کرد و مواضع این سازمان و همچنین موقعیت برتر نظامی ایران، باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران شرایط خود را برای پایان بخشیدن به جنگ مورد تأکید قرار دهد. بدون تردید اگر جمهوری اسلامی در چنان وضعیتی بدون هیچ تضمینی شرایط سازمان ملل را می پذیرفت، اکنون مهم ترین پرسشی که مطرح می شد، «علل تاخیر در پذیرش قطع نامه» نبود، بلکه این پرسیده می شد که «چرا جمهوری اسلامی در شرایط برتر نظامی قطع نامه ای را پذیرفت که نه تنها خواسته های ایران را تضمین نمی کرد، بلکه منافع طرف متجاوز را تأمین می کرد؟»

تشدید فعالیت اعراب به ویژه پس از برگزاری کنفرانس سران عرب در اردن در آذر سال ۱۳۶۶، سبب گردید دامنه فشار به ایران تا اندازه ای گسترش یابد. وزیر خارجه وقت عراق پس از این اجلاس در مصاحبه با رادیو فالانژهای لبنان گفت:

«کنفرانس سران عرب در اردن، ایران را تکان داد و در تنگنای شدیدی قرار داد و عراق امیدوار است فشارهای جدیدی برای اجرای قطع نامه ۵۹۸ از سوی کشورهای عرب و جهان علیه ایران وارد گردد.»

وی با انتقاد از موضع شوروی گفت:

«کشورهای غربی و امریکا حاضرند تا فشارهای خود را علیه ایران افزایش دهند ولی شوروی با ادامه سیاست های محتاطانه خود هنوز موضع سیاسی خود را در این خصوص اتخاذ نکرده است» (۱).

گزارش دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت مبنی بر بن بست در مذاکرات، سبب شد تا در ۳ دی ۱۳۶۶ (۲۴ دسامبر ۱۹۸۸) بر اثر فشار امریکا و اعراب و در حالی که ریاست شورا بر عهده شوروی بود بیانیه ای صادر شود که در آن علاوه بر «لزوم ادامه تلاش های دبیرکل» بر برداشتن قدم هایی از جانب شورا برای اجرای بند ۱۰ قطع نامه - که به تحریم نظامی به ویژه علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره دارد - تأکید شده بود. (۲) پس از انتشار این بیانیه، جمهوری اسلامی نسبت به آن اعتراض و اعلام کرد:

«پذیرفتن طرح دبیرکل از جانب جمهوری اسلامی ایران در واقع گامی فراتر از مسئله پذیرش قطع نامه است. در حالی که قطع نامه از ضعف های اصولی برخوردار است.» (۳).

در شرایطی که انگلیس ریاست شورا را بر عهده گرفته بود، به نمایندگی جمهوری اسلامی اعلام کرد:

«ما به عنوان رئیس به موازات تحرکات دبیر کل، جهت اقدامات دیگر (مقدمات

ص: ۱۳۸

۱- ۵۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۶۱، ۱۲ / ۹ / ۱۳۶۶، ۱۳ / ۹ / ۱۳۶۶.

۲- ۵۱۲. مأخذ ۵۴، ص ۸۹.

۳- ۵۱۳. پیشین، ص ۹۰.

تحریم تسلیحاتی ایران) تلاش می کنیم» (۱).

به موازات احتمال تحریم تسلیحاتی ایران، نمایندگان وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به رؤسای سه قوه پیشنهاد کردند، آقای ولایتی به مسکو سفر کند تا با افزایش حجم تحرکات دیپلماتیک، اقدامات احتمالی برای تحریم تسلیحاتی ایران خنثی شود. سرانجام، پس از بحث هایی که انجام گرفت، قرار شد تا معاون وقت اروپا و امریکای وزارت خارجه، با سفر به مسکو، چین، فرانسه و به ویژه انگلیس، گفت و گو و مذاکرات بیش تری انجام دهد و همچنین مطرح شد که لازم است با کشورهای، چون ژاپن، آلمان و ایتالیا که روابط خوبی با ایران دارند، گفت و گوهایی به عمل آید. در ادامه فعالیت ها مقرر شد، با سفر و ارسال پیام به کشورهای نپال، غنا، آرژانتین، برزیل، زامبیا و سنگال که از اعضای غیردائم وقت شورای امنیت بودند، نیز مذاکره شود (۲).

همچنین، وزیر خارجه وقت ایران در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل، نوشت:

«ایران از اجرای قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت به طور کلی و به هم پیوسته پشتیبانی می کند. تعیین روز (۳) D (اشاره به طرح اجرایی دبیرکل) باید با شروع آتش بس و کار بر روی تعیین هیئت بی طرف همراه باشد» (۴).

با توجه به این که، ریاست ادواری شورای امنیت از اول فوریه (۱۲ بهمن) به امریکا واگذار می شد، احتمال تحریم تسلیحاتی و افزایش فشار بر ایران، قوت می گرفت. در همین حال نماینده شوروی در سازمان ملل در ۳ بهمن ۱۳۶۶ اعلام کرد:

«نامه وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران (مورخ ۲۹ دی ۱۳۶۶) نکات مثبت و خوبی داشته است که مهم ترین آنها قبول رسمی برنامه اجرایی دبیرکل می باشد و جمهوری اسلامی ایران انعطاف پذیری خود را اثبات نموده است» (۵).

در ادامه فعالیت های سیاسی ایران، نماینده جمهوری اسلامی در اسفند

ص: ۱۳۹

۱- ۵۱۴. پیشین.

۲- ۵۱۵. پیشین.

۳- ۵۱۶. D.DAY: روز آتش بس.

۴- ۵۱۷. پیشین، ص ۹۱.

۵- ۵۱۸. پیشین، ص ۹۲.

۱۳۶۶ در گفت و گو با دبیرکل گفت:

«قطع نامه ۵۹۸ درخواست پذیرش رسمی از طرفین ندارد و قطع نامه فقط به اجرای مفاد خود عنایت دارد و جمهوری اسلامی قبول نموده است که بر اساس طرح دبیرکل، قطع نامه اجرا گردد» (۱).

دبیرکل نیز در پاسخ به اظهارات نماینده جمهوری اسلامی ایران گفت:

«مذاکرات باید در چهارچوب چهار نکته مندرج در دستور جلسه صورت گیرد: ۱- آتش بس ۲- کمیته بی طرف ۳- بازگشت به مرزهای بین المللی ۴- پرداخت غرامت» (۲).

در این دیدار، ایران بار دیگر تأکید کرد:

«جمهوری اسلامی ایران حاضر نیست بازگشت نیروها به مرحله اولیه ارتقا پیدا نماید بازگشت نیروها مهم ترین برگ برنده در دست ما است و حاضر نیستیم بدون دریافت ضمانت های لازم و رسیدن به حقوق خود، آن را از دست بدهیم» (۳).

همچنین در ۳ اسفند ۱۳۶۶ نماینده ایران با سفیر انگلیس در سازمان ملل دیدار کرد که اظهارات طرف انگلیسی با توجه به برداشتی که از مواضع ایران نسبت به قطع نامه ۵۹۸ داشت، بسیار قابل ملاحظه است. وی در این ملاقات گفت:

«ما در عین حال که انعطاف اخیر ایران را در مذاکرات با دبیرکل درک می کنیم، نمی فهمیم چرا حاضر به قبول قطع نامه ۵۹۸ نیست؟... شما انعطاف خود را خیلی به تدریج و ذره ذره خرج کرده اید، در حالی که اگر یک جا می گفتید، اهمیت و انعطاف شما بیش تر روشن می گردید!» (۴).

عراق چون روند اخیر را به زیان خود می دید، علاوه بر مخالفت با طرح اجرایی دبیرکل، از ۱۹ اسفند ۱۳۶۶ حملات موشکی به مناطق غیرنظامی در تهران را افزایش داد تا فضای هر گونه تحرک دیپلماتیک به شدت مسموم

ص: ۱۴۰

۱- ۵۱۹. پیشین، ص ۹۱ و ۹۲.

۲- ۵۲۰. پیشین، ص ۹۲.

۳- ۵۲۱. پیشین، ص ۹۳.

۴- ۵۲۲. پیشین.

شود. در همان حال بر اثر فعالیت هایی که انجام شد طرح تحریم تسلیحاتی ایران به تعویق افتاد و وزیر خارجه ایران در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل به صراحت اعلام کرد:

«دولتم بر این عقیده بود که طرح دبیر کل بر مبنای جهت اجرای قطع نامه ۵۹۸ تنظیم شده است و بنابراین، پذیرش آن (طرح اجرایی) مساوی با پذیرش قطع نامه ۵۹۸ است» (۱).

برابر این سند ایران اگر نه رسمی ولی عملاً قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفته بود سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در گفت و گو با شبکه تلویزیونی «A.B.C» آمریکا گفت:

«جمهوری اسلامی ایران اجرای قطع نامه ۵۹۸ را می پذیرد و بنابراین، ما آمادگی خود برای همکاری با دبیرکل جهت اجرای آن را اعلام می نمایم» (۲).

این شبکه تلویزیونی به نقل از منابع دیپلماتیک افزود:

«سفیر ایران در سازمان ملل روز ۱۳ اسفند ۱۳۶۶ با تسلیم یادداشتی به رئیس شورای امنیت اعلام نمود که ایران قطع نامه ۵۹۸ درباره آتش بس میان ایران و رژیم بعث، عقب نشینی نیروهای طرفین به مرزهای بین المللی، تبادل اسرا و تشکیل کمیسیون جهت شناسایی آغازگر جنگ را پذیرفته است و پرزده کوئینار را برای ترتیب دادن آن به منطقه دعوت کرد» (۳).

در این حال، دولت عراق در حالی که حملات موشکی به مردم بی دفاع و غیرنظامی را ادامه می داد، در اطلاعیه نظامی خود اعلام کرد:

«حملات علیه ایران تا زمان موافقت رهبران این کشور با استقرار یک آتش بس ادامه خواهد داشت» (۴).

در اوایل سال ۱۳۶۷ در شرایطی که ایران عملیات والفجر ۱ را در منطقه عمومی حلبچه انجام داد آقای «محلانی» (سفیر ایران در سازمان ملل)، پس از بازگشت از نیویورک، در نامه ای به معاونت سیاسی نخست وزیر نوشت:

ص: ۱۴۱

۱- ۵۲۳. پیشین، ص ۹۴.

۲- ۵۲۴. پیشین.

۳- ۵۲۵. پیشین.

۴- ۵۲۶. پیشین، ص ۹۶، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

«نفس قبول قطع نامه ۵۹۸ از نظر حقوقی و اجرایی با موضع جمهوری اسلامی نسبت به آمادگی برای اجرای قطع نامه هیچ تفاوتی ندارد.»

وی در مورد ارسال نامه وزیر خارجه و اثرات آن افزود:

«این نامه باعث شد که تصویب قطع نامه تحریم تسلیحاتی از طرف شورای امنیت که قطعی و محرز بود به تعویق افتد و بهانه از دست امریکا گرفته شود» (۱).

بمباران شیمیایی مردم حلبچه و ابعاد این فاجعه انسانی، سازمان ملل را به واکنش واداشت. اعزام یک هیئت کارشناسی و تشکیل جلسه شورای امنیت ۵۰ روز پس از جنایت عراق در حلبچه در ۱۹ خرداد ۱۳۶۷ منجر به صدور قطع نامه ۶۱۲ شد، بدون این که محدودیت عراق در آن تصریح شود! دبیرکل سازمان ملل بدون توجه به حادثه ای که رخ داده بود، طرح جدیدی را ارائه کرد که در رادیو «مونت کارلو» منعکس شد. (۲) هم زمان، حمله عراق به فاو و بازپس گیری این منطقه، مقدمات تغییر شرایط به سود عراق و به زیان ایران را فراهم کرد. به موازات این تحولات، «ورنون والترز»، نماینده دائمی امریکا در سازمان ملل اعلام کرد:

«امریکا، انگلیس و فرانسه مایلند شورای امنیت قطع نامه فوری در مورد اعمال تحریم تسلیحاتی علیه طرفی که از برقراری آتش بس در جنگ خلیج [فارس] سرباز می زند را صادر نماید... چین و شوروی، معتقدند باید فرصت بیش تری به دبیرکل داده شود تا در راه دست یابی به یک حل و فصل مبتنی بر مذاکره تلاش کند» (۳).

دبیرکل سازمان ملل پیشنهاد جدید خود مبنی بر گفت و گو در سطح کارشناسان دو کشور ایران و عراق را ارائه کرد. در این باره رادیو امریکا گفت:

«در طرح جدید به دو کشور پیشنهاد شده است، در خرداد مذاکرات به مدت سه هفته در یک محیط خصوصی برگزار شود و در پایان، دبیرکل تقویم به اجرا گذاردن طرح صلح را آماده خواهد کرد» (۴).

ص: ۱۴۲

۱- ۵۲۷. پیشین.

۲- ۵۲۸. پیشین، ص ۹۸، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۲۹. پیشین، ص ۱۰۰، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۳۰. پیشین، ص ۱۰۰، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۷.

در نخستین واکنش به پیشنهاد دبیر کل، عراقی‌ها که اوضاع را به سود خود ارزیابی می‌کردند در نامه‌ای که طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق به دکوئیار نوشته بود، تصریح کردند:

«عراق معتقد است، گفت و گوها می‌بایست در سطح وزیر ادامه یابد نه در سطح کارشناس، زیرا حل و فصل جنگ یک مسئله کاملاً سیاسی است» (۱).

عراقی‌ها بار دیگر بر شرایط پنج‌گانه خود - که پیش از این صدام اعلام کرده بود - تأکید کردند. ایران نیز در واکنش به پیشنهاد دبیر کل، در نامه‌ای که در ۱۰ خرداد ۱۳۶۷ وزیر خارجه وقت ایران نوشت، تأکید کرد:

«ما از پیشنهاد شما استقبال کرده و آماده‌ایم در مذاکراتی که در نیویورک با اعضای دبیرخانه بر اساس پیشنهاد شما انجام می‌گیرد، شرکت کنیم.»

در این نامه آمده است:

«مهم‌ترین گام اولیه در شروع اجرای طرح شما که همان تشکیل یک کمیته بی‌طرف برای تعیین متجاوز است، هنوز برداشته نشده است و همان‌گونه که ما مکرراً و موکداً در مذاکرات قبلی با شما پافشاری کردیم، مستلزم هرگونه راه‌حل سیاسی، تعیین متجاوز در گام نخست می‌باشد» (۲).

اما دبیر کل معتقد بود، چون در نامه ایران به پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ صریحاً اشاره نشده است، این امر دست و پایش را خواهد بست. (۳) وزیر خارجه ایران نیز در پاسخ به دبیر کل گفت:

«یک سال پیش در سفرتان به تهران که پیشنهاد تشکیل نهاد اعلام متجاوز را آوردید، ما برخورد داشتیم، ولی ادامه این کار از طرف شما متوقف شد که ما دلیل آن را نمی‌دانیم» (۴).

بازتاب مذاکرات و مواضع جدید ایران، برخی انتقادات نسبت به مواضع و عمل کرد وزارت خارجه را در پی داشت. آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه با بیان مواضع ایران، به انتقادات اخیر پاسخ داده و تصریح کردند:

ص: ۱۴۳

۱- ۵۳۱. پیشین، ص ۱۰۲، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۳۲. پیشین، ص ۱۰۴.

۳- ۵۳۳. پیشین.

۴- ۵۳۴. پیشین.

«ما اصراری نداریم بر این که حتما باید با جنگ این مقصود عملی شود. اگر آنها مقاصد ما را برآورده می کردند، ما حرفی نداشتیم. منتهی به تجربه معلوم شده که این ها نمی کنند... البته راه حرکت سیاسی را هم هرگز نمی بندیم. بعضی ها شایعه می کنند که این کارهای سیاسی با جنگ منافات دارد، خیر! ایدا منافات ندارد!»

ایشان در تأیید ضرورت کار سیاسی به موازات کار نظامی گفتند:

«اگر ما قدرت جنگ نداشته باشیم، کار سیاسی ممکن است اثر کند که باز هم نمی گوئیم حتما اثر خواهد کرد، چون واقعا هیچ اطمینانی به این محافل بین المللی نمی شود داشت، چون امریکا و دشمنان ما بر این محافل تسلط دارند. ما به همه گفتیم، قطع نامه ۵۹۸ را امریکا علم کرد، منتهی ما که این قطع نامه را رد نکردیم، چون نکات مثبتی را در آن گنجانده بودند. ما آن نکات مثبت را نگه داشتیم اما قبول هم نکردیم، چون نکات منفی هم دارد» (۱).

«جان لیتل» فرستاده کلیسای «کانتربری» و هیئت همراه در سفر به تهران و پس از مذاکره با مسئولان ایرانی گفت:

«ایران دیگر خواستار سرنگونی صدام نیست و خود را مقید به این تأکید کرده [است] ولی ایران به تضمین های سیاسی احتیاج دارد که رهبر عراق دیگر جنگ را از سر نگیرد.»

وی به نقل از لاریجانی گفت:

«اکنون راه حل سیاسی غالب است و بر ملاحظات نظامی ارجح است» (۲).

آقای هاشمی نیز در مصاحبه ای تلویزیونی مواضع جدید ایران را بیان کرد:

«ما نباید اجازه دهیم که دشمن در دنیا بتواند ما را به عنوان جنگ طلب و صدام را به عنوان صلح جو معرفی کند... هر گاه سخن از پیروزی در میدان نبرد به میان می آید بر موضوع لزوم جنگ از راه غیرنظامی هم تأکید شود» (۳).

سرنگون شدن هواپیمای ایرباس ایران به وسیله ناو هواپیما بر «وینسنس» در

ص: ۱۴۴

۱- ۵۳۵. پیشین، ص ۱۰۶، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۷، خطبه های نماز جمعه تهران.

۲- ۵۳۶. پیشین، ص ۱۱۰، ۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۳۷. پیشین، ص ۱۱۱، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۱۲ تیر ۱۳۶۶ و درخواست ایران برای تشکیل جلسه فوق العاده شورای امنیت روند گفت و گو درباره اقدام تجاوزکارانه امریکا و همچنین مسئله پایان دادن به جنگ را تسریع کرد (۱). در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ آقای هاشمی طی مصاحبه ای، ضمن اعلام عقب نشینی نیروهای ایران از حلبچه و برخی خطوط دفاعی، به لحاظ شرایط جدید گفت:

«استراتژی جدید ما سیاسی، نظامی و فرهنگی است» (۲).

پاسخ رسمی جمهوری اسلامی ایران به قطع نامه ۵۹۸

پس از عقب نشینی ایران از برخی مناطق همچون حلبچه در ۲۲ تیر ۱۳۶۷، ادامه حمله های عراق و تشدید فشار بین المللی به ایران، سلسله جلساتی در داخل کشور با هدف اتخاذ تصمیم نهایی درباره جنگ تشکیل شد. در نشست مشترک رؤسای سه قوه، مجلس خبرگان و شورای نگهبان شرایط سیاسی - نظامی کشور مورد بررسی قرار گرفت. (۳) امام راحل نیز در روز پنج شنبه و جمعه، ۲۳ و ۲۴ تیرماه مشورت هایی را به صورت جداگانه انجام دادند. ولی نشست اصلی بر اساس دستور امام و با حضور چهل تن از شخصیت های مهم کشور در روز شنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۷، تشکیل شد. امام در پیامی به این جلسه که مرحوم حاج سید احمد خمینی قرائت کرد، ضمن بیان نظرات خود، تصمیم گیری در مورد آینده جنگ را به جلسه واگذار کردند. (۴) چند روز پس از آن آقای هاشمی در این باره گفت:

«طی دو سه روزه گذشته، جلسات متعددی با حضور سران کشور تشکیل شده و جمع بندی تمام این جلسات به حضور امام رسیده است. طی بحث هایی که صورت گرفت، مجموعه شرایط، جمهوری اسلامی را به این نتیجه رساند که برای مصلحت انقلاب قطع نامه ۵۹۸ پذیرفته شود.... ایران تا به حال خواستار

ص: ۱۴۵

۱- ۵۳۸. در صفحات قبل به مواضع ایران و امریکا در سازمان ملل اشاره شد که از تکرار آن در این جا اجتناب می شود.

۲- ۵۳۹. پیشین، ص ۱۱۹.

۳- ۵۴۰. روزنامه کیهان، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۴۱. روزنامه رسالت، دکتر حسن روحانی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۷۵.

آن بود که ابتدا کمیته تعیین متجاوز تعیین شود ولی فعلا با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده است، از آن شرط خود صرف نظر کرده ایم.... وقتی به ما اطمینان دادند که ترکیب کمیته تعیین متجاوز به گونه ای خواهد بود که واقعا به حق رسیدگی می کند، ما از شرط قبلی خود صرف نظر کردیم» (۱).

بدین ترتیب، در جلسه ای که به ریاست رئیس جمهور وقت، آیت الله خامنه ای و با حضور مسئولان عالی رتبه کشور در ۲۶ تیر ۱۳۶۷ تشکیل شد، پایان جنگ با پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به تصویب رسید (۲) و امام راحل بر آن صحنه گذاشتند و پذیرفتند که قبول قطع نامه به صلاح نظام و انقلاب است. (۳) در پی این تصمیم رئیس جمهور در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل نوشتند:

«ایران تصمیم گرفته است که رسماً قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت را به خاطر اهمیتی که برای حفظ جان انسان ها، برقراری عدالت و صلح و امنیت منطقه و بین المللی قائل است، بپذیرد» (۴).

خاویر پترزکوئیاری، دبیرکل سازمان ملل نیز روز دوشنبه اعلام کرد، ایران قطع نامه ۵۹۸ را رسماً و بدون قید و شرط پذیرفته است. (۵) وی بلافاصله از رئیس شورای امنیت درخواست کرد تا اعضای شورای امنیت را برای مشورت گرد هم آورد. (۶) وی همچنین، اظهار امیدواری کرد که یک هفته تا ده روز دیگر آتش بس برقرار شود. (۷) همچنین، محلاتی، نماینده وقت جمهوری اسلامی در سازمان ملل با خوش بینی اعلام کرد:

«تصور نمی کنم عراقی ها در شرایطی باشند که بتوانند در برابر پایان بخشیدن به جنگ مقاومت کنند» (۸).

بازتاب پذیرش قطع نامه ۵۹۸ در ایران

واحد پخش خبر رادیو در ساعت ۲ بعدازظهر ۲۷ تیر ۱۳۶۷ بدون هیچ

ص: ۱۴۶

۱- ۵۴۲. روزنامه کیهان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۴۳. مأخذ ۹۵.

۳- ۵۴۴. مأخذ ۵۰.

۴- ۵۴۵. مأخذ ۲۱، ص ۱۵، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۵۴۶. پیشین، ص ۱۷، نیویورک، خبرگزاری کویت، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۵۴۷. پیشین، ص ۱۹، لندن، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۷- ۵۴۸. پیشین، ص ۳۱، نیویورک، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۸- ۵۴۹. پیشین، ص ۷۱، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

مقدمه ای اعلام کرد، جمهوری اسلامی ایران قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت را قبول کرده است. مردم، به ویژه رزمندگان و افراد حزب الهی و متدین و تمام کسانی که در داخل و خارج کشور نسبت به نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی تعلق خاطر داشتند، با انتشار این خبر، شگفت زده و کاملاً غافل گیر شدند و موجی از نگرانی در میان مردم پدید آمد. (۱) برابر گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، در نخستین ساعات حتی برای بسیاری از مردم این اقدام قابل قبول نبود و قطرات اشک و چهره های برافروخته آنها حکایت از همین مسئله داشت. (۲) همچنین بیش تر کسانی که خبر نیم روزی رادیو را نشنیده بودند، بیانیه جمهوری اسلامی را شایعه ای بی اساس و دور از سیاست مسئولان خواندند. حتی شایعه شده بود که به دلیل فوت امام قطع نامه پذیرفته شده است! (۳).

واکنش اولیه مردم در داخل کشور حکایت از اهمیت موضوع و نشان دهنده احساس ناباوری درباره آن بود. پیش از این نیز، پس از سقوط فاو و بازپس گیری برخی از مناطق تصرف شده به دست ارتش عراق، نوعی ابهام و ناباوری در میان مردم دیده می شد که با اعلام موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ این پدیده در ابعاد گسترده تری بار دیگر آشکار شد. باورهای مردم در خصوص جنگ که حاصل تبلیغات موجود مبنی بر برتری قوای خودی و ضعف دشمن بود باعث شد به تدریج میان درک مردم و واقعیات صحنه جنگ شکاف نسبتاً عمیقی به وجود آید که در نتیجه، برتری نظامی عراق در ماه های پایانی و قبول قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران قابل فهم و هضم نبود.

با توجه به اهمیت تبیین پذیرش قطع نامه ۵۹۸ برای مردم، رهبر فقید انقلاب اسلامی، امام خمینی (رحمه الله علیه) در پیام استقامت که به مناسبت فرارسیدن ایام حج تنظیم شده بود، توضیحاتی را فرمودند که بی شک موجب توجیه و التیام مردم، به ویژه رزمندگان اسلام شد که در غیر این صورت،

ص: ۱۴۷

-
- ۱- ۵۵۰. روزنامه رسالت، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷، «مقاله قبول قطع نامه ۵۹۸ مصلحت اسلام بود و تأمین رضایت خدا».
 - ۲- ۵۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۲، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۸۹، اصفهان، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۳- ۵۵۲. پیشین، صص ۹۰ و ۹۱، اراک، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

امکان مهار اوضاع در داخل کشور و جبهه های جنگ بسیار دشوار می شد. امام در این پیام در مورد علت قبول قطع نامه فرمودند:

«قبول قطع نامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی - نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطع نامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم» (۱).

امام در این پیام علل پذیرش قطع نامه را تغییر شرایط بیان کردند ولی به دلیل مصالحی از ذکر آن خودداری و اظهار امیدواری کردند در آینده روشن شود.

امام در آن وضعیت ملتهب و دشوار برای جلوگیری از تشدید چند دستگی و بحران در کشور، بهترین روش را انتخاب کرده و از بیان مسائلی که بخشی از آنها ریشه در گذشته داشتند، خودداری کردند تا جمهوری اسلامی ایران بتواند استراتژی جدید خود را که ناشی از وضعیت سیاسی - نظامی جدید بود به خوبی پی گیری کرده و به موفقیت برساند و این هدف جز با وحدت و انسجام داخلی دست یافتنی نبود. امام در بخش دیگری از پیام خود با توجه به ضرورت پشت سر نهادن این مرحله حساس، فرمودند:

«در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند که هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست.»

امام بار دیگر با تعبیر دیگری درباره تلخی پذیرش قطع نامه فرمودند:

ص: ۱۴۸

«قبول این مسئله [قطع نامه] برای من از زهر کشنده تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم.»

سپس امام اظهار امیدواری کردند، تلخی این روزها به شیرینی فرج حضرت بقیه الله (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و رسیدن به لقای حق جبران شود (۱).

در این حال، اظهارات برخی از شخصیت ها و مسئولان نظام برای ایجاد اطمینان نسبت به پی آمدهای پذیرش قطع نامه ۵۹۸ قابل توجه بود. آیت الله خامنه ای در نماز جمعه تهران فرمودند:

«پذیرفتن این قطع نامه معنای برگشت از شعارهای اصولی انقلاب اسلامی نیست» (۲).

حجت الاسلام کروبی، نایب رئیس وقت مجلس شورای اسلامی نیز گفت:

«پذیرش آتش بس برای حفظ انقلاب است و جنگ هم برای حفظ انقلاب می باشد» (۳).

آقای هاشمی، جانشین فرماندهی کل قوا نیز این اقدام را به مصلحت انقلاب و نظام و در جهت مصالح اسلام و امت خواند. وی ابراز امیدواری کرد:

«در صورتی که عراق پس از این از قبول قطع نامه ۵۹۸ خودداری کند، این به نفع ما خواهد بود، زیرا حربه عوام فریبانه ای از عراق گرفته خواهد شد و دنیا نیز دیگر نمی تواند بگوید، ایران قطع نامه را قبول نکرده است.»

آقای هاشمی این اقدام را یک «گام سیاسی مؤثر» عنوان کرد و گفت:

«من امکان رسیدن به صلح و آرامش را بعید نمی دانم، ولی نسبت به آن هم زیاد خوشبین نیستم» (۴).

اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸، علاوه بر داخل، بازتاب نسبتاً گسترده ای در کشورها و رسانه های خبری جهان داشت. سخن گوی وزارت خارجه امریکا با استقبال از اقدام ایران، گفت:

«این اولین گام در راه صلح است.... تأکید ما بر اجرای کامل قطع نامه ۵۹۸

ص: ۱۴۹

۱- ۵۵۴. پیشین، صص ۲۴ و ۲۵.

۲- ۵۵۵. مأخذ ۵۰.

۳- ۵۵۶. مأخذ ۹۶.

۴- ۵۵۷. پیشین، مصاحبه مطبوعاتی، آقای هاشمی رفسنجانی.

است و ایالات متحده در این راه تلاش خواهد کرد» (۱).

امریکایی‌ها که تصمیم ایران را به منزله پیروزی مهم برای سیاست خارجی ریگان ارزیابی می‌کردند (۲)، کارشکنی در اجرای قطع‌نامه را به معنای مقابله با دست‌آوردهای سیاست خارجی امریکا دانسته و در اندیشه تلاش برای سازمان‌دهی فشار بین‌المللی بر طرف‌خاطی و متمرّد بودند. (۳) سخن‌گوی وزارت خارجه امریکا با توجه به اقدام ایران در پذیرش قطع‌نامه گفت:

«حال که ایران قطع‌نامه آتش‌بس را پذیرفته است، کوشش‌های امریکا برای تحمیل آن بر ایران به کنار گذارده خواهد شد» (۴).

در این حال، «شولتز»، وزیر خارجه امریکا اعلام کرد:

«امریکا مایل به تجدید مناسبات مستقیم با نمایندگان معتبر دولت تهران است» (۵).

مقامات وزارت خارجه امریکا معتقد بودند در عین حالی که قبول قطع‌نامه می‌توانست به رفع موانع در روابط ایران و امریکا کمک نماید ولی سه مسئله همچنان به عنوان موانع اصلی بر سر راه رابطه با تهران وجود داشت که گروگان‌گیری در لبنان یکی از آن مسائل بود (۶).

شوروی‌ها نیز با اعلام رضایت عمیق خود از تصمیم تهران تأکید کردند، رهبران شوروی بارها در سطوح مختلف مسئولان ایران را به قبول قطع‌نامه ۵۹۸ دعوت کرده بودند. (۷) معاون وزیر خارجه انگلیس هم با توجه به واکنش‌های عراق تأکید کرد:

«باید در این زمینه مواظب باشیم و قبل از اتمام بازی، توپ را رها نکنیم... اکنون باید دید که عراق نیز آماده پذیرفتن طرح اجرایی دبیرکل سازمان ملل هست یا نه؟» (۸).

«گنشر»، وزیر خارجه وقت آلمان نیز تصمیم ایران را سرنوشت‌ساز و گامی

ص: ۱۵۰

-
- ۱- ۵۵۸. مأخذ ۱۰۵، صص ۱۱ و ۱۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۲- ۵۵۹. پیشین، ص ۳۲، واشنگتن، خبرگزاری فرانسه، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۳- ۵۶۰. پیشین، ص ۱۴، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.
 - ۴- ۵۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۳، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، فیلیپس اوکلی.
 - ۵- ۵۶۲. مأخذ ۴۷، خبرگزاری رویتر، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶-۵۶۳. پیشین.

۷-۵۶۴. مأخذ ۱۰۵، ص ۱۵، مسکو، خبرگزاری فرانسه، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۸-۵۶۵. مأخذ ۲۱، ص ۳۰، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

برای پایان جنگ خواند و در سخنانی گفت:

«شخصاً در مذاکرات مقدماتی برای قبول قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل توسط ایران شرکت داشته است» (۱).

کشورهای منطقه با توجه به روند رو به گسترش جنگ در منطقه خلیج فارس، تصمیم ایران را به منزله یک گام اساسی و جدی برای پایان دادن به جنگ ارزیابی و از آن استقبال کردند و در این میان، بیش از همه دولت های کویت و سعودی از اقدام ایران تسکین یافتند (۲).

«عوامل پذیرش قطع نامه ۵۹۸» از سوی ایران، به صورت گسترده ای مورد تجزیه و تحلیل تحلیل گران و کارشناسان مسائل منطقه و جنگ ایران و عراق قرار گرفت و در رسانه های خبری منعکس شد. آنچه مورد توجه این تحلیل ها بود شامل عوامل نظامی در صحنه جنگ و عوامل مؤثر داخلی ایران می شد. عوامل دیگری نیز وجود داشت که به آنها اشاره خواهد شد.

در میان عوامل نظامی، «استراتژی نیرومند عراق» (۳) در مقایسه با ایران و در نتیجه، شکست های نظامی ایران (۴) در جبهه ها و کاهش روحیه نیروهای نظامی ایران (۵) بیش از همه مؤثر بوده است، زیرا برتری عراق سبب شد تا این احساس در ایران به وجود آید که راه حل نظامی برای پایان جنگ امکان پذیر نیست. همچنین پیروزی های نظامی عراق عملاً یکی از مواد قطع نامه ۵۹۸ مبنی بر عقب نشینی به مرزهای پیش از جنگ را تحقق بخشید (۶) و زمینه های پایان جنگ را فراهم ساخت. افزون بر این، توانایی عراق برای کشاندن جنگ به داخل خاک ایران که با حمله به دهلران صورت گرفت (۷)، موجب نگرانی ایران شده بود. همچنین، عدم دست یابی به نتایج قطعی و تعیین کننده در حملات پر هزینه و پر تلفات سال گذشته آن (۱۳۶۵) به شهر بندری بصره، جمهوری اسلامی ایران را به این نتیجه رساند که قادر به پیروزی در جنگ نیست. (۸) «پدیده جنگ شهرها»، استفاده فزاینده و

ص: ۱۵۱

۱- ۵۶۶. مأخذ ۱۰۵، ص ۳۱، بن، خبرگزاری فرانسه، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۶۷. پیشین، ص ۱۵، ریاض، خبرگزاری رویتر، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۶۸. پیشین، ص ۶۳، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو بی.بی.سی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۶۹. مأخذ ۲۱، ص ۴۵، رادیو امریکا، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، رایین رایت، گزارش گرو صدای امریکا، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۵۷۰. پیشین، خبرگزاری رویتر، به نقل از دیپلمات ها و تحلیل گران.

۶- ۵۷۱. مأخذ ۱۱۵، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، دکتر امیل نخلی، استاد علوم سیاسی در کالج سنت مولی در مریلند.

۷- ۵۷۲. مأخذ ۲۱، صص ۶۵ و ۶۶، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز.

۸- ۵۷۳. پیشین.

موفقیت آمیز عراق از جنگ افزارهای شیمیایی و حملات عراق علیه تأسیسات نفتی و خطوط کشتیرانی ایران که باعث کاهش بنیه اقتصادی ایران شد (۱)، از دیگر عوامل نظامی در پذیرش قطع نامه شورای امنیت از سوی ایران بودند.

آن چه به عنوان عوامل داخلی ایران برای پذیرش قطع نامه ذکر شده است عمدتاً شامل «اوضاع نابسامان و وخیم اقتصادی ایران» (۲)، «انزوای سیاسی ایران» (۳)، «اختلافات داخلی» (۴) و وجود نوعی مبارزه قدرت (۵) و افزایش قدرت میانه روها در دستگاه حکومت ایران (۶) می باشد. برخی از تحلیل گران نیز با توجه به خبرهای موجود مبنی بر تماس های محرمانه میان مقامات ایران و امریکا به منظور دست یابی به «تضمین» در خصوص موافقت رسمی ایران با قطع نامه ۵۹۸، (۷) بر این مسئله پافشاری می کردند که ایران بر اثر فشارهای امریکا قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت. امریکایی ها نیز چنان که پیش از این اشاره شد این رخداد را به منزله پیروزی در سیاست خارجی خود ارزیابی کردند. «هارولد براون»، وزیر دفاع سابق امریکا با توجه به ملاحظات موجود، حضور امریکا را دارای اثر ذکر کرد ولی در همان حال گفت:

«ما در امریکا همواره خود را علت همه چیز می دانیم، اما واقعیت این طور نیست» (۸).

برخی از تحلیل گران علاوه بر تأثیر حضور امریکا در منطقه، پشتیبانی یک جانبه این کشور از عراق و کمک های اطلاعاتی (۹) به آن را در اتخاذ تصمیم ایران مؤثر می دانستند. (۱۰) در مقابل گروهی دیگر از صاحب نظران معتقد بودند که این گونه تحلیل ها اساساً با هدف مخدوش کردن صلح جویی ایران است (۱۱)، زیرا از مدتی قبل، ایران برای یافتن راه پایان دادن به جنگ از طریق میانجی گری به جای یک راه حل نظامی، سرگرم بررسی وسایل و ابزارهای مختلف بوده است. (۱۲) یکی از تحلیل گران پذیرش قطع نامه را در ادامه سیاستی دانست که ایران از تابستان سال گذشته اتخاذ کرد. وی معتقد بود

ص: ۱۵۲

۱- ۵۷۴. مأخذ ۲۱، صص ۲۹ و ۳۰، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۷۵. مأخذ ۱۰۵، ص ۷۱، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۷۶. مأخذ ۱۱۵، ص ۴۷، آنکارا، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۷۷. مأخذ ۲۵، خبرگزاری رویتر، هارولد براون، وزیر دفاع اسبق امریکا.

۵- ۵۷۸. مأخذ ۱۱۵.

۶- ۵۷۹. مأخذ ۱۰۵، ص ۶۳، رادیو بی.بی.سی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، روزنامه تایمز.

۷- ۵۸۰. مأخذ ۱۱۵، صص ۲۸ و ۲۹، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، روزنامه کویتی الانباء.

۸- ۵۸۱. مأخذ ۳۸، خبرگزاری رویتر، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۹- ۵۸۲. مأخذ ۲۵، ص ۳۲، بیروت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، مجله النهار العربی و الدولی.

۱۰- ۵۸۳. مأخذ ۲۱، ص ۲۹ و ۳۰، بحرین، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۱۱- ۵۸۴. مأخذ ۴۷، ص ۴۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۱۲- ۵۸۵. مأخذ ۱۰۵، ص ۷۱، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، رایین رایت، کارشناس بنیاد کارنگی برای صلح بین المللی.

که تمام کردن جنگ از طریق مذاکره صلح با عراق، مسئله ای صددرصد تازه نیست. وی سپس درباره علت اقدام ایران گفت: «فرض کنید، اگر دو مسئله در مقابل ایران بود، یکی ادامه جنگ و دیگری، پایداری انقلاب ایران، برای دولت مردان ایران در حال حاضر مسئله مهم تر این بود که اگر قطع جنگ به نفع انقلاب ایران است، آن اشکالی ندارد» (۱).

خبرگزاری رویتر در تأیید این نظر گزارش داد که برخی از دیپلمات ها و تحلیل گران بر این باور بودند که رهبران ایران بیش از دو راه پیش روی خود نمی دیدند: یکی ادامه جنگی که دیگر نمی توانستند برنده آن باشند، و دیگری حفظ انقلاب اسلامی در شرایطی که تزلزل سیاسی روز افزونی موجودیت آن را به خطر انداخته بود. (۲) به همین دلیل، این تصمیم ایران را به عنوان موفقیت امام خمینی خواندند (۳).

واکنش عراق در برابر پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸

رژیم عراق به دلیل برخورداری از برتر نظامی، خودداری ایران از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ را به سود خود ارزیابی می کرد زیرا به آن کشور امکان می داد تا حملات خود را به داخل خاک ایران ادامه دهد. بنابراین، عراق از تصمیم ایران ناخشنود بود، چنان که چهار ساعت پس از اعلام پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران، رادیو عراق سکوت اختیار کرده و خبرگزاری عراق نیز هیچ گزارشی در این باره منتشر نکرد. (۴) «لطیف نضیف جاسم»، وزیر فرهنگ و اطلاعات وقت عراق در نخستین واکنش رسمی عراق گفت:

«ما و جهانیان خبری را که از رادیو تهران به زبان فارسی پخش شد، دایر بر این که ایران به دبیرکل سازمان ملل رسماً موافقت خود را با قطع نامه ۵۹۸ اعلام داشته است، شنیدیم» (۵).

وی در ادامه سخنان خود تمایل به صلح عادلانه و شرافت مندانه طبق

ص: ۱۵۳

- ۱- ۵۸۶. مأخذ ۴۷، پرفسور رضائی، استاد علوم بین المللی و دولتی دانشگاه ویرجینیای امریکا.
- ۲- ۵۸۷. مأخذ ۲۱، ص ۲۹، بحرین، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.
- ۳- ۵۸۸. مأخذ ۴۷ ص ۳۴، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.
- ۴- ۵۸۹. مأخذ ۲۱، ص ۱۹، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.
- ۵- ۵۹۰. مأخذ ۱۱۵، ص ۱۰، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

اصولی که در سخنان صدام حسین به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب ۱۷ ژوئیه آمده بود را مورد تأکید قرار داد. (۱) این موضع گیری با تأکید بر پیشنهاد صدام برای تحقق صلح به جای قطع نامه ۵۹۸، نخستین نشانه آشکار و احتیاط آمیز در مخالفت عراق با برقراری آتش بس بود (۲).

پس از آن که معاون وقت خاورمیانه ای وزارت خارجه ایران عقب نشینی نیروهای ایران را به مرزهای شناخته شده بین المللی اعلام کرد، یک سخن گوی نظامی عراق در سخنان تهدید آمیزی گفت:

«بخش هایی از خاک ما همچنان در دست ایران است که باید آنها را تخلیه کند، و آلا ایران را با تحمل تلفات بسیار به این کار وادار خواهیم کرد» (۳).

در همین حال، رادیو عراق تا ۲۴ ساعت پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران، همچنان بر برتری نظامی عراق، و شکست و ضعف ایران و شرایط عراق برای پایان جنگ تأکید می کرد (۴).

عراقی ها ضمن حفظ روحیه جنگی و تأکید بر هوشیاری نظامی، هدف صلح جویانه ایران را در پذیرش قطع نامه مورد تردید قرار می دادند. «عصمت کتانی»، نماینده عراق در سازمان ملل پس از دیدار با دبیر کل وقت، در گفت و گو با خبرنگاران گفت:

«آن چه که واقعا اهمیت دارد، برقراری آتش بس نیست! بلکه آن است که بدانیم آیا ایران مانند عراق واقعا آماده است، یک صلح فراگیر، پایدار و شرافت مندانه را بپذیرد یا خیر؟» (۵).

در همین چارچوب طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق نیز گفت:

«احتمال می رود، تصمیم اخیر ایران یک تصمیم تاکتیکی باشد که به منظور کسب وقت و فریب دادن برای آماده شدن جهت تجاوز بیش تر باشد.»

وی در ادامه تأکید کرد:

«منطق حکم می کند که جنگ را هنوز برقرار بدانیم» (۶).

ص: ۱۵۴

۱- ۵۹۱. پیشین.

۲- ۵۹۲. مأخذ ۲۱، ص ۲۷، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۹۳. مأخذ ۲۱، ص ۲۷، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۹۴. مأخذ ۱۰۵، ص ۷، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۵۹۵. مأخذ ۱۰۵، ص ۱۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶-۵۹۶. مأخذ ۱۰۵، ص ۸، بغداد، خیرگزاری عراق، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

این موضع گیری ها به روشنی مقاصد احتمالی عراق را برای تهاجم به داخل خاک ایران آشکار می ساخت.

در شرایطی که امیدواری بسیار زیادی برای پایان جنگ به وجود آمده بود، عراق با ایجاد تردید در مقاصد صلح جویانه ایران، به منظور زمینه سازی و کسب آمادگی برای اقدام نظامی علیه این کشور، نگرانی های جدیدی را به وجود آورد. روزنامه گاردین چاپ لندن این اقدام عراق را تلاشی آشکار برای به تعویق انداختن آتش بس دانست و افزود:

«دیپلمات ها معتقدند، این امر باعث «تداوم نامحدود جنگ» خواهد شد» (۱).

برخی از نشریات امریکا نیز در سر مقاله های خود با بررسی اوضاع منطقه پیشنهاد کردند هدف اول طراحان سیاست خارجی امریکا باید این باشد که عراق را به پذیرش ابتکار سازمان ملل وادار کنند. (۲) مقام های رسمی امریکا در اظهارات خود تلویحا عراق را در صورت ادامه این روند، تهدید کردند. یک مقام امریکایی در گفت و گو با روزنامه کویتی «القبس» گفت:

«طرفی که تلاش کند در اجرای قطع نامه ۵۹۸ کارشکنی نماید، خود را درگیر مشکلاتی با امریکا خواهد دید و به وسیله جامعه بین المللی زیر فشار قرار خواهد گرفت» (۳).

حتی سفیر وقت امریکا در سازمان ملل عراق را به تحریم تسلیحاتی تهدید کرد و گفت:

«تحریم اسلحه علیه هر کشوری که از تصمیمات شورا سرپیچی کند، اعمال خواهد شد. البته، اگر عراق نیز سرپیچی کند، تحریم اسلحه مطرح خواهد شد» (۴).

عراقی ها با پیش بینی و مشاهده نشانه هایی مبنی بر اعمال فشار (۵) بر این

ص: ۱۵۵

۱- ۵۹۷. مأخذ ۳۸، ص ۴۲، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۹۸. پیشین، ص ۳۷، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۹۹. روزنامه کیهان، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، مصاحبه ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۰۰. مأخذ ۳۸، ص ۱۵، رادیو امریکا، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۰۱. در این مرحله، فشار امریکا بر کشورهای اروپایی و عربستان سعودی برای متقاعد کردن عراق جهت خاتمه جنگ به نحوی آشکار افزایش یافت و در رسانه های خبری نیز منتشر شد.

کشور برای پذیرش آتش بس، ضمن کسب آمادگی نظامی، بر دامنه اقدامات دیپلماتیک خود افزودند. به گزارش روزنامه کویتی «الانباء» یک فرستاده ویژه دولت عراق مأموریت یافت تا در سفر به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که از موافقت رسمی ایران با قطع نامه ۵۹۸ به گرمی استقبال کرده و خواهان برقراری فوری آتش بس و امنیت در منطقه بودند، سیاست جدید عراق مبنی بر لزوم ادامه عملیات نظامی علیه ایران را به تأیید این کشورها برساند. (۱) طارق عزیز نیز در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل، پنج پیشنهاد را در مورد قطع نامه ۵۹۸ به عنوان گام های عملی، به ایران و دبیرکل ارائه کرد. در بند یک این نامه به مذاکره مستقیم میان نمایندگان صلاحیت دار عراق و ایران زیر نظر دبیرکل اشاره شده و در بند دو نیز با توجه به اهمیت مسئله اروندرود پیشنهاد شده بود که جهت فراهم کردن امکان کشتی رانی برای سازمان های متخصص در سازمان ملل این منطقه پاکسازی شود. در بند سه این نامه، تضمین حقوق کامل عراق برای کشتی رانی در آب راه اروندرود، خلیج فارس و تنگه هرمز درخواست شده بود. تأکید بر این مفهوم در واقع، بازگشت به قبل از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود که پیش از این، عراق به صورت یک جانبه آن را ملغی کرده بود. در پایان نامه نیز اظهار امیدواری شده بود که ایران به این پیشنهادها پاسخ مثبت داده و دبیرکل در برداشتن گام های لازم برای اجرای آن، ابتکار عمل را به دست گیرد. (۲) این پیشنهادها همان گونه که از مفاد آن روشن بود نوعی مقابله با قطع نامه ۵۹۸ و اقدامات دبیرکل در اجرای این قطع نامه به شمار می رفت (۳).

در همین روند، سخن گوی وزارت خارجه عراق اعلام کرد، خودداری ایران از مذاکره مستقیم به معنای رد قطع نامه شورای امنیت است. دیگر مقام های عراقی نیز در اظهارات خود بر این موضوع تأکید کردند. همچنین در پی تصمیم دبیرکل برای اعزام یک تیم نظامی به بغداد و تهران، عصمت کتانی،

ص: ۱۵۶

۱- ۶۰۲. مأخذ ۱۱۵، ص ۲۸، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۰۳. مأخذ ۴۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۰۴. مأخذ ۳۸، ص ۷، رادیو لندن، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

نماینده عراق در سازمان ملل مخالفت خود را اعلام کرد و گفت:

«تاریخی که باید توپ ها را ساکت کند، یک تصمیم سیاسی است که به وسیله وزرای خارجه گرفته می شود.... دولت متبوعش بررسی می کند، آیا این تیم را بپذیرد یا نه!» (۱).

در مقابل، نماینده دائمی وقت ایران در سازمان ملل با تحویل نامه وزیر خارجه به دبیرکل آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای پذیرش تیم اعزامی سازمان ملل اعلام کرد. (۲) برخی از دیپلمات ها در نیویورک با مقایسه واکنش ایران و عراق در برابر پیشنهاد دبیرکل برای اعزام تیم نظامی به دو کشور، برخورد عراق را «توسل به نیرنگ» خواندند. (۳) خبرگزاری آلمان غربی نیز با بیان این مطلب که عراق در موقعیت نامطلوب «اجبار به رد کردن آتش بس» قرار داد، درخواست این کشور را برای مذاکره مستقیم صلح با ایران، به شرط قدیمی اسرائیل برای صلح با اعراب تشبیه کرد. (۴) تشدید تحرکات دیپلماتیک دو کشور و تلاش های فریب کارانه عراق برای جلوگیری از برقراری آتش بس باعث شد تا این مفهوم تداعی شود که «جنگ صلح» آغاز شده است (۵).

در این حال، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد، از وزیران امور خارجه دو کشور خواسته است، به نیویورک سفر کنند تا در مورد اجرای قطع نامه ۵۹۸ بحث شود. وی در پاسخ به این پرسش که «آیا مذاکرات مستقیم انجام خواهد شد؟» گفت:

«من مذاکرات را با طرفین انجام خواهم داد و هیئت نظامی در هفته آینده به منطقه اعزام خواهد شد» (۶).

در حالی که دبیرکل سازمان ملل به تلاش های خود برای اجرای قطع نامه همچنان ادامه می داد، هیچ امیدواری برای مقابله با مانع تراشی های عراق و اقدامات احتمالی نظامی این کشور وجود نداشت. عراق با درک این مسئله، به

ص: ۱۵۷

۱- ۶۰۵. مأخذ ۴۷، ص ۳۲، خبرگزاری یونایتدپرس، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۰۶. پیشین، ص ۵۱، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۰۷. پیشین، ص ۳۳، خبرگزاری آلمان، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۰۸. پیشین، صص ۳۴ و ۳۵، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۰۹. پیشین، ص ۵۱، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۶۱۰. پیشین، ص ۵۲، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

بهانه جویی های سیاسی و تبلیغاتی پرداخت تا زمینه را برای آغاز تهاجم مجدد به خاک ایران فراهم کند.

تجاوز مجدد عراق و پاسخ جمهوری اسلامی

تجاوز به مناطق جنوب، میانی و غرب

برگزاری جلسه مشترک شورای فرماندهی انقلاب عراق به ریاست صدام در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۶۷، (۱) نشان داد که دولت عراق تصمیم گرفته است دست به یک اقدام نسبتاً مهم بزند که نشانه های آن با آغاز پیش روی نیروهای ارتش عراق به خاک ایران و صدور اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۶۹ آشکار شد. ارتش عراق در این اطلاعیه هدف از این عملیات را که عملیات «توکلنا علی الله» نام گذاری شده بود، آزاد کردن باقی مانده سرزمین های عراق، انهدام نیروهای ایران و به اسارت درآوردن تعداد بیش تری از نیروهای ایرانی برای ایجاد برابری با تعداد اسرای عراقی اعلام کرد (۲).

بدین ترتیب، از سحرگاه روز جمعه ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و تنها سه روز پس از پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸ و در شرایطی که وزیر خارجه وقت ایران در حال مذاکره با دبیرکل سازمان ملل بود (۳)، نیروهای دشمن از دو محور «کوشک» و «شلمچه» به داخل خاک ایران پیش روی کردند. دشمن در محور شلمچه، کانال شهید ادب را تصرف کرد و در محور کوشک با تصرف جاده «المهدی» به حاشیه جاده اهواز - خرمشهر رسید. بنا به گزارش های موجود، عراق حدود ۳۰ کیلومتر از جاده ۱۲۵ کیلومتری اهواز - خرمشهر را از کیلومتر ۶۰ اهواز به سمت خرمشهر به تصرف خود درآورد و با استفاده از نیروهای کماندویی و زرهی تلاش زیادی به عمل آورد تا از محور شلمچه و محور جاده اهواز - خرمشهر شهر خرمشهر را محاصره کند. (۴) در این میان، حجم حملات هوایی دشمن نیز افزایش یافت. در پایان این روز، نیروهای دشمن با پشت سر

ص: ۱۵۸

۱- ۶۱۱. پیشین، ص ۵، بغداد، خبرگزاری عراق، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۱۲. پیشین، ص ۲، بغداد، خبرگزاری عراق، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۱۳. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۲۹۱.

۴- ۶۱۴. مأخذ ۴۷، ص ۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

گذاشتن جاده اهواز - خرمشهر حدود دو کیلومتر از جاده شهید «شرکت» (۱) را تصرف کرده و در پنج کیلومتری قرارگاه کربلا مستقر شدند.

انتشار خبر پیش روی دشمن به سمت جاده اهواز - خرمشهر یادآور رخدادهای آغاز جنگ بود و بازتاب گسترده ای در میان مردم به ویژه اهالی استان خوزستان داشت. در پی این حادثه، مردم بار دیگر احساس خطر کرده و بسیج شدند. نیروهایی که هشت سال در جبهه ها حضور داشته و بسیاری از آنها بارها زخمی شده بودند، دوباره به جبهه ها آمدند. (۲) استاندار خوزستان در گزارشی اعلام کرد:

«با وجود پیش روی دشمن تا آستانه شهر اهواز، اوضاع در تمام محورهای جنگ با توجه به حضور گسترده مردمی، کاملاً دگرگون شده است و وضع عمومی استان خوب است.... برای رفع تهاجم و پیش گیری از هر نوع حمله علیه شهرهای استان، مردم شهرهای سوسنگرد، اهواز، شوش، اندیمشک، دزفول را سازمان دهی و مسلح کرده ایم تا در صورت تهاجم دشمن، از شهرها محافظت کنند» (۳).

در پی دگرگونی در روحیه و نگرش حاکم بر جامعه درباره تجاوز نیروهای ارتش عراق، سپاه نیز خطوط دفاعی را برای مقابله با پیش روی دشمن تشکیل داد. مجموعه این رخدادهای که تا اندازه ای برای عراق غیر قابل پیش بینی بود، زمینه را برای تغییر اوضاع به سود ایران فراهم کرد. در چنین شرایط دشواری که خرمشهر و اهواز در معرض اشغال قرار داشتند، حاج سید احمد خمینی پیام امام را تلفنی برای فرمانده وقت سپاه این چنین قرائت کرد:

«این نقطه حیاتی کفر و اسلام است. یعنی نقطه شکست یا پیروزی، یا اسلام یا کفر است و باید متر به متر جنگید و هیچی از هیچ کس پذیرفته نیست و این جا

ص: ۱۵۹

۱- ۶۱۵. جاده شهید شرکت، دارخوین را به کیلومتر ۸۰ جاده اهواز - خرمشهر (ایستگاه راه آهن حسینیه) متصل می کند از آن جا که در هفت کیلومتری امتداد جاده شهید شرکت، قرارگاه کربلا قرار داشت، دشمن با این پیش روی در فاصله پنج کیلومتری این قرارگاه استقرار یافت.

۲- ۶۱۶. آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت، ۲ / ۷ / ۱۳۷۲، روزنامه های همان روز.

۳- ۶۱۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۳، ۹ / ۵ / ۱۳۶۷، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

نقطه ای است که یا موجب می شود سپاه حیات پیدا کند دوباره در کشور و یا برای همیشه یک سپاه ذلیل و مرده ای بشود» (۱).

امام در شرایطی دشوار و سرنوشت ساز برای مقابله با استراتژی جدید دشمن، در این پیام، سپاه را مورد خطاب قرار داده. و به یک معنا، سرنوشت حاکمیت اسلام یا کفر را با نتیجه استراتژی جدید دشمن و نیز سرنوشت سپاه را با تلاش های دشمن پیوند داده اند.

پیام امام بلافاصله در میان فرماندهان سپاه، قرارگاه ها و رزمندگان بسیجی و سپاهی منتشر شد و روح مقاومت و حماسه را در آنها احیا کرد. چنان که به تعبیر جانشین فرماندهی کل قوا، بوی نشاط و جهاد در همه جا به مشام می رسید. (۲) از بعد از ظهر روز جمعه، با شکل گیری محورهای مقاومت و ظهور رشادت و حماسه رزمندگان - همانند نخستین روزهای مقاومت در برابر دشمن در سال ۱۳۵۹ - به تدریج خسارات و تلفات فراوانی بر نیروهای دشمن وارد شد. در ادامه این تلاش ها، بعد از ظهر روز شنبه، پادگان حمید از اشغال نیروهای دشمن خارج گردید. (۳) این رخداد نظامی که موجب تقویت روحیه نیروهای خودی شد، آغاز شکست نیروهای دشمن بود. در چنین شرایطی، سخن گوی نظامی عراق آمار اسرای عملیات «توکلنا علی الله» (تهاجم عراق به خاک ایران پس از پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸) را در منطقه جنوب (۴) ۱۷۷۲ تن و در منطقه سپاه دوم ۶۸۶۳ تن و در مجموع ۸۶۳۵ تن ذکر کرد. (۵) البته، این سخن گو پس از پذیرش آتش بس به وسیله کشورش آمار و ارقام جدید و قابل تأملی درباره غنائم (۶) عملیات یاد شده ارائه داد که اگر

ص: ۱۶۰

۱- ۶۱۸. سند شماره ۱۷۱۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفترچه ثبت جنگ، قرارگاه نیروی زمینی سپاه، راوی: برادر حمیدرضا فراهانی، ۱/ ۵ / ۱۳۶۷ تا ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۵۳.

۲- ۶۱۹. روزنامه کیهان، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی.

۳- ۶۲۰. مأخذ ۲۵، ص ۸، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۲۱. مسئولیت پدافند منطقه جنوب از فاو تا چزابه بر عهده سپاه و از منطقه چزابه تا قصر شیرین بر عهده ارتش بود. ارتش عراق پس از حمله به منطقه تحت مسئولیت سپاه، به منطقه تحت مسئولیت ارتش حمله کرد.

۵- ۶۲۲. پیشین، صص ۵ و ۶، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۶۲۳. آمار و ارقام جدیدی که عراق پس از آتش بس گزارش داد به این شرح است: ۱۴۱ دستگاه مخابراتی، ۸۶ دستگاه تلفن صحرائی، ۵۸ قبضه کلت، ۴۹ قبضه تفنگ منور، ۳ قبضه تفنگ نارنجک انداز، ۴۹ عدد قمقمه، ۸۰۶ عدد کلاه خود نظامی، ۱۹ فروند موشک زمین به زمین، ۵۹ دستگاه موشک انداز، ۲۷۳ دستگاه تانک، ۸۶۷ قبضه خمپاره انداز، ۲۴۱ دستگاه نفربر زرهی، ۳۴۴ عدد موشک ضد تانک، ۵ دستگاه خودروی پل سازی، ۴۸۵ قبضه موشک انداز سبک، ۴۹ قبضه توپ خودکشی، ۱۹۹ قبضه توپ مختلف، ۳۸۴ سکوی پرتاب موشک استریلا، ۱۰۲۴ قبضه تیربار مختلف، ۲۱۴۵۵ قبضه تفنگ، ۸۵۸ عدد دوربین مختلف، ۲۲۵۴ دستگاه بی سیم، ۴۷۵۵ عدد ماسک، ۵۴۶۹ دست لباس ماسک، ۱۱۶۰ دستگاه خودروی مختلف، ۶۸ دستگاه تریلر کمرشکن های مختلف، ۱۵ دستگاه ژنراتور برق مختلف، ۷۰ دستگاه ماشین آلات مهندسی، ۱۰

دستگاه ماشین آلات کشاورزی، ۱۵ دستگاه موتور سیکلت، ۱۲ دستگاه ماشین تایپ، ۱۱۵ عدد قطب نما، ۳۰۱۳۷ عدد موشک
ضد تانک، ۵۷۲ عدد موشک استریلا، ۴۶۴۶۲ عدد گلوله توپ مختلف، ۱۰۴۷۱۲ عدد گلوله خمپاره انداز مختلف، ۱۰۵۳۷۹
عدد نارنجک ضد تانک، ۳۹۸۸۹ عدد نارنجک دستی، ۸۶۸۹ عدد گلوله موشک انداز، ۷۹۶۳۵۶ عدد گلوله ضد هوایی.

درست باشند به روشنی نشان می دهد، دشمن در تأمین اهداف خود که انهدام نیروهای خودی و گرفتن اسیر بود، با شکست مواجه شد. عراقی ها برای تقویت روحیه نیروهای خود و بیان این که آنها در تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران پیروز بوده اند، آمار اسرای ایرانی را اعلام کردند.

عملیات دشمن در جبهه میانی و غرب کشور شامل قصر شیرین، سرپل ذهاب، گیلان غرب و سردشت بیش تر به منظور کاهش تمرکز نیروهای خودی در جبهه های جنوبی صورت گرفت. این عملیات ها در ابتدا با موفقیت هایی همراه بود، ولی به تدریج در اثر مقاومت نیروهای خودی و احتمال گرفتار شدن نیروهای محاصره شده دشمن، زمزمه هایی مبنی بر عقب نشینی عراق از مناطق یاد شده - همانند روزهای نخستین جنگ - به گوش رسید.

در پی ناکامی نیروهای نظامی عراق در جبهه ها و همچنین، تحولات ایجاد شده در داخل ایران و فراخوانی و بسیج نیروها و بازیابی مجدد روحیه مقاومت مردم ایران، دولت عراق تنها ۲۴ ساعت پس از آغاز عملیات توکلنا علی الله ۴ در ساعت ۲۲:۲۵ روز شنبه، از طریق تلویزیون دولتی با قطع برنامه های عادی عقب نشینی نیروهای مسلح خود را از منطقه جنوب رسماً اعلام کرد. (۱) در این میان، سخن گوی نظامی عراق تأکید کرد، نیروهای عراق به منظور دست یابی به صلح و بنا به دستور فرماندهی، عقب نشینی کرده اند! (۲) وزیر فرهنگ و اطلاعات وقت عراق نیز اقدام ایران در فراخوانی و بسیج نیروهای

ص: ۱۶۱

۱- ۶۲۴. پیشین، ص ۹، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۲۵. پیشین، ص ۲، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

داوطلب را بهانه ای برای سرپوش گذاشتن بر حوادث و رخداد‌های پیشین جنگ ذکر کرد (۱).

از سوی دیگر، ارتش عراق در ۳ مرداد ۱۳۶۷ طی اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۷۳ عقب نشینی از جبهه میانی و غرب کشور را اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده است:

«در این عملیات، شهرهای قصر شیرین، سرپل ذهاب، گیلان غرب، سومار و صالح آباد، شهرک های گولان، سرنی و امیرآباد اشغال شد که پس از دست یابی به اهداف خود، فردا روز سه شنبه ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی مصادف با ۱۲ ذی الحجه ۱۴۰۸ هجری [قمری] تمام نیروهای ما از این شهرها و شهرک ها خارج خواهند شد» (۲).

عصمت کتانی، نماینده وقت عراق در سازمان ملل نیز در مصاحبه ای با تلویزیون «سی.بی.اس» آمریکا اعلام کرد که: روز سه شنبه کلیه نیروهای عراقی خاک ایران را ترک خواهند کرد. (۳) عراقی ها پیش از این گفته بودند، به دلایل صرفا تاکتیکی تنها برای ۲۴ ساعت تا ۳۶ ساعت در آن سوی مرز (در خاک ایران) مستقر خواهند شد. (۴) حال آن که ارتش عراق برخلاف آن چه اعلام کرده بود، پنج روز بعد، آن هم به دلیل شکست و انهدام نیروهایش، مجبور به عقب نشینی از خاک ایران شد به گونه ای که تنها در منطقه جنوب، ۱۸ تیپ زرهی و مکانیزه که قدرت اصلی نیروهای عراق را تشکیل می دادند، منهدم شدند (۵).

ارتش متجاوز عراق در شرایطی دست به عقب نشینی زد که اوضاع در سطح بین المللی و در صحنه نظامی به زیان این کشور تغییر کرده بود. افزون بر این، تغییر وضعیت درونی ایران و فراخوانی نیروهای مردمی برای رویارویی با تجاوز عراق موجب نگرانی این کشور شده بود، چنان که روزنامه «الجمهوریه» در تحلیلی نوشت:

ص: ۱۶۲

۱- ۶۲۶. پیشین، ص ۳، رادیو صوت الجماهیر، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۲۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۹، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۵، نیویورک، خبرگزاری فرانسه، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۲۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷، ۱۲۷، ص ۲۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، عبدالامیر لانیری، سفیر عراق.

۵- ۶۳۰. روزنامه السفیر، ۲۹ / ۸ / ۱۹۸۹ میلادی (۷ / ۶ / ۱۳۶۸ خورشیدی)، احمد زبیدی، سرهنگ سابق ارتش عراق، سفارت جمهوری اسلامی، بیروت.

«ایران با اعلام بسیج عمومی و دعوت مردم جهت اعزام به جبهه‌ها، به بهانه این که عراق بار دیگر تجاوز را آغاز کرده می‌خواهد احساسات ملی‌گرایانه مردم را به هیجان درآورد و روحیه از دست رفته آنان را دوباره زنده نماید» (۱).

تجاوز مجدد عراق به خاک ایران و سپس، عقب‌نشینی به مواضع اولیه، در رسانه‌های خبری جهان بازتاب گسترده‌ای داشت. خبرگزاری فرانسه اقدام عراق را در راستای تشدید فشار نظامی به ایران، برای کسب برتری و برخورداری از موقعیت بهتر به هنگام مذاکره صلح خواند. (۲) برخی از دیپلمات‌ها در بغداد نیز معتقد بودند، عراق قصد دارد از قدرت تازه نظامی خود برای دست یافتن به، صلح آن‌گونه که خود می‌خواهد استفاده کند (۳).

خبرگزاری آلمان به نقل از مطبوعات این کشور گزارش داد که بغداد می‌کوشد، همان‌گونه که جنگ را آغاز کرد، صلح را نیز مطابق شرایط مورد نظر خود به ایران دیکته کند. روزنامه آلمانی «روندشاو» در این باره نوشت:

«صدام فکر می‌کند، هم‌اکنون قادر به دست یافتن به هر چیزی است» (۴).

خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از ناظران سیاسی گزارش داد:

«عراق معتقد است، از طریق اعمال فشار نظامی، ایران را ناگزیر به پذیرش قطع‌نامه مذکور کرده است، لذا با خواستار شدن مذاکرات مستقیم، به‌گونه‌ای مشهود می‌خواهد پا را فراتر از قطع‌نامه مذکور بگذارد» (۵).

همچنین هفته‌نامه انگلیسی «اکونومیست» طی تحلیل نوشت:

«صدام ممکن است خیال کند، اگر به نبرد ادامه دهد، حکومت آیت‌الله‌ها را به کلی ساقط خواهد کرد» (۶).

بازتاب و تأثیرات اقدام عراق در پذیرش آتش‌بس نیز مورد توجه رسانه‌های خبری جهان و تحلیل‌گران قرار گرفت. «گراهام فولر» از کارشناسان برجسته سازمان سیا با تأکید بر نیروی اراده و ایمان ایرانی‌ها می‌نویسد:

«اراده ایران قابل توجه بود و با توجه به کمبودها نیز نحوه پی‌گیری جنگ از

ص: ۱۶۳

۱- ۶۳۱. مأخذ ۱۷۹، ص ۵، بغداد، خبرگزاری عراق، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۳۲. مأخذ ۱۷۹، ص ۷، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۳۳. مأخذ ۱۵۸، ص ۵، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۳۴. مأخذ ۱۳۷، ص ۱۲، هامبورگ، خبرگزاری آلمان، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۳۵. مأخذ ۲۵، صص ۲۸ و ۲۹، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۶۳۶. پیشین، ص ۱۵، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

سوی ایران بسیار چشم گیر بوده است» (۱).

تجاوز مجدد عراق به خاک ایران اراده و ایمان مردم ایران را بار دیگر زنده کرد و در صحنه جنگ موجب ناکامی دوباره عراق شد. در این حال، رادیو لندن در گزارش خبری خود گفت:

«در ایران بار دیگر حالتی شبیه به پاییز ۱۹۸۰ میلادی، زمان نخستین حمله عراق به خاک ایران زنده شد و دولت ایران می کوشد از این موضع هر چه بیش تر برای استحکام بخشیدن به موقعیت خود استفاده کند» (۲).

در گزارش دیگری تأکید شده است:

«موج تازه هجوم های عراق، ماشین جنگی ایران را توان تازه ای بخشیده است، یکی از ناظران جنگ در مؤسسه بین المللی تحقیقات لندن معتقد بود اشغال خاک ایران به وسیله عراق از این نظر اشتباه است که مثل آغاز جنگ در سال ۱۹۸۸ میلادی احساسات مذهبی و ملی ایران را تحریک خواهد کرد» (۳).

خرسندی و امیدواری نسبتاً گسترده کشورهای مختلف جهان از پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸ و پایان جنگ، تا اندازه ای عراق را برای اعلام موافقت با برقراری آتش بس تحت فشار قرار داد. در این خصوص سخن گوی وزارت خارجه انگلیس رسماً اعلام کرد:

«ما بدون شک از طرز رفتار عراق پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران نگرانیم» (۴).

زیرا این اقدامات عملاً باعث اخلال در تلاش های دبیرکل سازمان جهت اجرای آتش بس بود (۵).

بر همین اساس نشریه تایمز مالی نیز به عراق هشدار داد:

«لازم است به پرزیدنت صدام حسین گفته شود، حمایتی از امریکا، شوروی و فرانسه دریافت کرده است، به مثابه یک چک سفید نیست. قطع نامه ۵۹۸ به این منظور تنظیم شده است که هیچ کس در جنگ خلیج فارس برنده یا بازنده

ص: ۱۶۴

۱- ۶۳۷. مأخذ ۱۸۰، ص ۲۲، رادیو امریکا، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷، روزنامه واشنگتن پست.

۲- ۶۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش ویژه»، نشریه شماره ۱۳۱، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۳۹. مأخذ ۲۵، ص ۱۱، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۴۰. پیشین.

۵- ۶۴۱. پیشین.

رادیو لندن در گزارشی به نقل از دیپلمات ها در سازمان ملل گفت:

«این احساس پیش آمد، که شاید فشار بین المللی ضرورت داشته باشد تا «صدام حسین» را به همکاری بیش تر وادارد. دوستان عرب صدام به خصوص عربستان سعودی و کویت و نیز دو ابرقدرت و کشورهای اروپایی [باید] او را متقاعد کنند که اکنون موقعیت گران بهاتر از آن است که به خطر انداختن امکان صلح روا باشد» (۲).

تجاوز مشترک ارتش عراق و نیروهای منافقین به غرب

اعضای سازمان مجاهدین خلق که به دلیل مواضع اعتقادی - سیاسی خود، به منافقین مشهور شدند.

در حالی که آخرین تانک های دشمن در ۳ مرداد ۱۳۶۷ در حال عقب نشینی از منطقه جنوب بودند. (۳) و سخن گوی نظامی عراق نیز رسماً اعلام کرد که نیروهای عراق از دو شهر گیلان غرب و صالح آباد عقب نشینی کرده اند (۴)، نیروهای منافقین بر اساس یک برنامه زمان بندی شده ۳۳ ساعته، قصد داشتند، با بهره گیری از ۲۵ تپ که در مجموع چهار تا پنج هزار نفر را در بر می گرفتند، در پنج مرحله، خود را به تهران رسانند (۵) و نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کنند!

یک سخن گوی نظامی سازمان منافقین در مورد اهداف سازمان اعلام کرد: «استراتژی مجاهدین وارد آوردن هر چه بیش تر تلفات به نیروهای ایران و باز کردن راه برای یک انقلاب عمومی ضد [امام] خمینی است!» (۶).

منافقین بر این باور بودند که ایران در شرایط استیصال مطلق، به پذیرش قطع نامه تن در داده است و این روندی است که به فروپاشی و سرنگونی کامل نظام جمهوری اسلامی سرعت می بخشد. (۷) مسعود رجوی فرمانده سازمان منافقین نیز در اعلامیه ای اعلام کرد:

ص: ۱۶۵

۱- ۶۴۲. مأخذ ۴۷، ص ۱۶، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایمز مالی.

۲- ۶۴۳. مأخذ ۴۷، رادیو لندن، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۴۴. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، راهنمای عملیات ۸ سال جنگ، آبان ۱۳۶۹، ص ۶۱.

۴- ۶۴۵. مأخذ ۱۸۰، ص ۴، خبرگزاری عراق، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۴۶. روزنامه رسالت، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات سردار شبانی، فرمانده سپاه چهارم بعثت از سپاه پاسداران.

۶- ۶۴۷. مأخذ ۱۷۱، دیلی تلگراف، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۷- ۶۴۸. مأخذ ۲۱، ص ۴۴، رادیو امریکا، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

«نباید اجازه داد، رژیم ایران فرصت دیگری برای دفع الوقت بیابد و از امضای قرارداد صلح طفره رود» (۱).

پیش از این، منافقین در تحلیل درون گروهی خود امکان موافقت ایران با قطع نامه را غیر ممکن دانسته و به صراحت اعلام می کردند، تنها در صورتی جمهوری اسلامی قطع نامه را خواهد پذیرفت که به لحاظ سیاسی - نظامی و اقتصادی به بن بست کامل برسد. به عقیده آنان، این اقدام به منزله فروپاشی نظام خواهد بود و با سرنگونی قطعی حکومت ایران، زمینه برای انتقال قدرت به سازمان آنان فراهم خواهد شد. (۲) روند حوادث نظامی این باور را در منافقین تقویت کرده بود که نیروهای نظامی ایران بر اثر حملات عراق متلاشی شده اند و رخدادهای نظامی و اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ آسیب پذیری داخلی را افزایش داده است و در صورت یک ضربه نظامی، رژیم ایران فروخواهد ریخت. بر پایه این تصور، از چند ماه قبل، خروج منافقین از داخل کشور برای سازمان دهی در بیرون، شتاب بیش تری به خود گرفت. در این مرحله (طی مردادماه و پاییز ۱۳۶۶) نیروهای سازمان منافقین به عراق منتقل شدند، در همان حال به تشکیلات درون زندان ها اطلاع داده شد که به زودی نظام جمهوری اسلامی سرنگون خواهد شد بنابراین، از آمادگی برای پیوستن به سازمان و کمک به آزادسازی شهرها برخوردار باشند! (۳).

منافقین در طرح خود برای رسیدن به تهران قصد داشتند طی پنج مرحله، از شهرهای سرپل ذهاب، اسلام آباد، همدان، قزوین، عبور کرده و خود را به تهران برسانند. طبق اطلاعات به دست آمده رجوی فرماندهی کل عملیات را بر عهده داشت و از طریق مسئولان محورها عملیات را هدایت می کرد. در طرح عملیات منافقین، برای هر محور به تناسب اهمیت ماموریت، دو یا چند تیپ در نظر گرفته شده بود. فرماندهان محورها و ماموریت آنها به شرح زیر بود:

ص: ۱۶۶

۱- ۶۴۹. مأخذ ۲۱، ص ۴۴، رادیو امریکا، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۵۰. دفتر سیاسی حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بولتن «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۶، ۲۹ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۶.

۳- ۶۵۱. پیشین، ص ۲۲.

۱- مهدی براتی، فرمانده محور اول و مسئول تسخیر اسلام آباد؛

۲- ابراهیم ذاکری، فرمانده محور دوم و مسئول تسخیر باختران؛

۳- محمود مهدوی، فرمانده محور سوم و مسئول تسخیر همدان؛

۴- مهدی افتخاری، فرمانده محور چهارم و مسئول تسخیر قزوین؛

۵- محمد عطایی با معاونت مهدی ابریشم چی، فرمانده محور پنجم و مسئول تسخیر تهران (۱).

همچنین در این عملیات عراق ۱۲۰ دستگاه تانک، ۴۰۰ دستگاه نفربر، ۹۰ قبضه خمپاره انداز ۸۰ میلی متری، ۳۰ قبضه توپ ۱۲۲ میلی متری، ۱۵۰ قبضه خمپاره ۴۰۰ میلی متری، هزار قبضه تیربار کلاشینکف، ۳۰ قبضه توپ ۱۰۶ میلی متری، و ۱۰۰۰ دستگاه کامیون و خودرو در اختیار منافقین قرار داده بود (۲).

بدین ترتیب، روز دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۶۷ در ساعت ۱۴:۳۰ پس از اجرای آتش سنگین و بی سابقه توپخانه ارتش عراق در محور سرپل ذهاب نیروهای منافقین در ساعت ۱۵:۳۰ با عبور از خط، حمله خود را آغاز کردند (۳).

عملیات منافقین با حملات کامل ارتش عراق همراه بود؛ به موازات پیش روی نیروهای منافقین به سمت شهر «کرد» نیروهای عراقی نیز ضمن اجرای آتش پشتیبانی، از جنوب گردنه «پاطاق» از نزدیکی سرپل ذهاب پیش روی کردند. سرانجام، در ساعت ۱۸:۳۰ نخستین تانک های عراقی با آرم منافقین وارد شهر کردند شدند (۴) و با پیش روی به سمت اسلام آباد، در حدود ساعت ۲۱:۲۰ آن شهر را به تصرف درآوردند. (۵) پس از آن که ایران اعلام کرد، شهر کرد به اشغال نیروهای عراقی درآمده است خبرگزاری عراق در واکنش به این خبر گزارش داد:

«همان طور که در مفاد اطلاعیه نظامی ۳۲۷۳ آمده است، نیروهای عراقی به طور دقیق همچنان در غرب تنگه پاطاق و در شرق شهر سرپل ذهاب و در

ص: ۱۶۷

۱- ۶۵۲. پیشین.

۲- ۶۵۳. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات برادر علی شمخانی، معاونت اطلاعات و عملیات فرماندهی کل قوا.

۳- ۶۵۴. مأخذ ۱۹۸.

۴- ۶۵۵. مأخذ ۲۰۲ ص ۱۷.

۵- ۶۵۶. مأخذ ۱۹۸.

شرق گیلان غرب مستقر هستند» (۱).

پس از انتشار نخستین اطلاعیه نظامی عراق و تأیید تصرف شهرهای کرد و اسلام آباد، رادیو منافقین خطاب به مردم باختران اعلام کرد نیروهای سازمان در حال پیش روی به سمت شهر کرمانشاه هستند و از مردم این شهر خواست، به نیروهای آنان بپیوندند (۲).

بلافاصله پس از تصرف شهرها کرد و اسلام آباد، مردم این دو شهر و روستاهای اطراف شب هنگام همان روز و سحرگاه روز بعد (سه شنبه) به سمت شهر کرمانشاه حرکت کردند. در همان حال، شهر کرمانشاه نیز به حالت نیمه تعطیل در آمد و تنها چند نانوايي و فروشگاه مواد غذایی در شهر مشغول فعالیت بودند. همچنین به دلیل کمبود بنزین در شهر صف های طولی در برابر جایگاه های فروش بنزین تشکیل شده بود (۳).

پس از ورود نیروهای منافقین به کرد و اسلام آباد، درگیری تا چند ساعت در شهر ادامه داشت و شماری از نیروهای مردمی و سپاه با منافقین درگیر بودند، ولی تلاش آنان به دلیل عدم آمادگی، بی ثمر بود. منافقین بلافاصله پس از ورود به اسلام آباد جریان برق و خطوط مخابراتی شهر را قطع کردند. نیروهای منافقین پس از تصرف اسلام آباد، تا منطقه حسن آباد در ۲۰ کیلومتری این شهر پیش روی کردند و برای تجدید سازمان، در همان جا مستقر شدند (۴). بعدها، یکی از نیروهای منافقین که به اسارت نیروهای جمهوری اسلامی در آمده بود، در مورد این توقف گفت: چون منافقین مطمئن بودند، خط دفاعی ایران را در تنگه «چهارزبر» شکسته و می توانند به کرمانشاه دست یابند، لذا تمام امکانات خود را به صورت یک فنر جمع شده در پشت این تنگه آماده نگه داشتند تا به محض باز شدن راه در مدت ۳۰ دقیقه شهر کرمانشاه را تصرف کنند (۵).

نیروهای خودی بلافاصله پس از آگاهی از پیش روی منافقین، در منطقه

ص: ۱۶۸

۱- ۶۵۷. مأخذ ۱۸۰، ص ۳، خبرگزاری عراق، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۵۸. پیشین، ص ۲۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۵۹. پیشین، ص ۱۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۶۰. مأخذ ۲۰۲، ص ۱۷.

۵- ۶۶۱. مأخذ ۱۷۱، صص ۱۳ و ۱۴، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

حسن آباد در فاصله ۲۰۰ متری نیروهای منافقین روی «ارتفاعات چهارزبر» خط پدافندی تشکیل داده و با نیروهای دشمن که تعدادشان به ۲۰۰۰ تن می رسید - که با هدف هجوم یک باره و سریع به شهر باختران، بدون هیچ گونه امکانات پدافندی در پایین ارتفاعات و پشت تنگه چهارزبر مستقر شده بودند - درگیر شدند. این تجمع بدون پدافند منافقین باعث شد که بسیاری از آنان هلاک شده و بخش وسیعی از تجهیزات شان نیز منهدم شود. همچنین، از بعد از ظهر همان روز، سه راه اسلام آباد - ملاوی با هدف جلوگیری از فرار منافقین مسدود شد (۱).

در بامداد ۵ خرداد ۱۳۶۷، در پی پیش روی نیروهای منافقین بار دیگر درگیری آغاز شد، و در اثر سماجت نیروهای دشمن، سه دستگاه از خودروهای منافقین به مواضع نیروهای خودی نفوذ کردند، ولی پس از تحمل تلفاتی به عقب رانده شدند (۲).

هم زمان با پیش روی نیروهای منافقین در عمق خاک ایران، برای جلوگیری از عملیات هوایی هواپیماها و هلی کوپترهای جمهوری اسلامی علیه آنان، هواپیماهای عراقی، پایگاه های شکاری نوژه همدان، وحدتی دزفول و همچنین پادگان تیپ ۲ سقر و پایگاه هوانیروز در کرمانشاه را بمباران کردند (۳).

در حالی که درگیری در منطقه حسن آباد و ارتفاعات چهارزبر همچنان ادامه داشت، در پی انتشار اطلاعات منافقین مبنی بر قصد ورود به باختران و همچنین ورود مردم شهرهای کرد و اسلام آباد به این شهر، شایعات آن قدر گسترش یافت که نخستین گروه از شهروندان کرمانشاهی، این شهر را به سمت همدان ترک کردند. چنان که، تا نیمه شب روز سه شنبه، بیش از ۹۰ درصد از جمعیت ۹۰۰ هزار نفری باختران از این شهر خارج شده و به سوی «بیستون»، «صحنه»، «هرسین»، «سنقر»، «گلبانی» و همدان و حتی

ص: ۱۶۹

۱- ۶۶۲. پیشین، مأخذ ۲۰۲، ص ۱۷.

۲- ۶۶۳. پیشین.

۳- ۶۶۴. مأخذ ۱۸۰، ص ۷ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

برخی به سمت تهران حرکت کردند. حرکت سیل آسای مردم اعم از پیاده و سواره، ترافیک بسیار سنگینی در بلوار شهید بهشتی کرمانشاه و جاده همدان به وجود آورده بود و مردم نگران و مضطرب با شتاب، از شهر خارج می شدند (۱).

عملیات مرصاد

برخلاف آن چه که در افکار عمومی، عملیات منافقین و مجموعه تحولات در پی آن به نام عملیات مرصاد نامیده می شود، منافقین عملیات خود را «فروغ جاویدان» نامیدند و بعدها مجموعه تلاش نیروهای سپاه، بسیج و هوانیروز برای مقابله با دشمن و آزاد سازی شهرهای اسلام آباد و کرد، «مرصاد» نام گرفت.

پس از مقاومت نیروهای اندک سپاه و بسیج (در حد یک گردان) در دشت حسن آباد، و زمین گیر شدن نیروهای دشمن در پشت ارتفاعات چهارزبر، به تدریج فرماندهی و نیروهای خودی برای آزاد سازی مناطق تصرف شده و انهدام نیروهای منافقین، در منطقه متمرکز شدند. روز پنجشنبه، ۶ مرداد ۱۳۶۷ عملیات «مرصاد» با رمز یا «علی بن ابی طالب علیه السلام»، آغاز شد. (۲) در این عملیات، سه گردان از تیپ نبی اکرم صلی الله علیه و سلم، تیپ مسلم و یک گردان از ایلام از پشت به اسلام آباد حمله کردند. منافقین تصور می کردند، همانند روزهای قبل نیروهای عراقی همچنان در این مناطق حضور دارند، حال آن که عراقی ها عقب نشینی کرده و منطقه در دست نیروهای ایرانی بود. به همین دلیل، نیروهای خودی توانستند به راحتی از این محور وارد اسلام آباد شوند. پیش از این نیروهای یکی از گردان ها که اهالی اسلام آباد بوده و به تمام راه های شهر آشنایی داشتند، با نفوذ به داخل شهر با دشمن درگیر شدند و سازمان دهی منافقین را در داخل شهر برهم زدند. (۳) منافقین برای ترمیم ضربات وارده، دو تیپ از نیروهای خود را از محور حسن آباد فراخواندند تا با پیش روی نیروهای خودی مقابله کنند. همچنین، در این عملیات نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم از سه راهی غرب اسلام آباد و از پشت پمپ بنزین دشمن را

ص: ۱۷۰

۱- ۶۶۵. مأخذ ۱۹۰، صص ۴۹ و ۵۰، باختران، خیرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۶۶. مأخذ ۲۰۲ ص ۱۸.

۳- ۶۶۷. مأخذ ۱۹۸.

دور زده و تلفات زیادی بر آنها وارد ساختند. در اثر پیش روی نیروهای خودی، در ساعت ۲ بعد از ظهر، اسلام آباد از اختیار نیروهای منافقین خارج شد. در این حال خلبانان نیروی هوایی با ۱۲۳ سورتی پرواز، مواضع منافقین را در هم کوبیدند. خلبانان هوانیروز نیز با اجرای آتش پر حجم بر روی دشمن، زمینه فروپاشی مواضع منافقین را فراهم ساختند.

بلافاصله پس از آزاد سازی شهر اسلام آباد، یگان های سپاه پیش روی را به سمت کردند آغاز کردند. قبل از رسیدن نیروهای خودی به این شهر در ساعت سه نیمه شب، ۳ فروند هلی کوپتر ترابری در کردند به زمین نشستند و تعدادی از کادرهای منافقین و رهبری سازمان (۱) را از شهر خارج کردند. این واقعه نشانه آشکاری از شکست منافقین بود، چنان که پس از مدتی با پیش روی نیروهای خودی به سمت کردند و انهدام تانک های زره پوش برزیلی منافقین، دشمن هر آن چه داشت پس از ۴۸ ساعت بر زمین نهاده و متواری شد.

در این عملیات، ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تن از نیروهای منافقین به هلاکت رسیدند و حدود هزار تن زخمی شدند و میان کشته شدگان و اسرا تعدادی از کادرهای سازمان و فرماندهان تپ ها دیده می شدند. (۲) یکی از نیروهای منافقین که در این عملیات به اسارت درآمده بود، در اعترافات خود حرکت منافقین را در منطقه اسلام آباد، متناسب با ذهنیت های غلط قبلی و باعث از دست رفتن توان نظامی و به قول خودشان، اعتبار سیاسی آنها دانست. این حرکت منافقین، آن چنان آنها را آسیب پذیر کرد که حتی باعث اوج گیری اختلافات شدید درونی میان رهبری و باقی مانده اعضای سازمان شد. (۳) بدین ترتیب، منافقین پس از تحمل یک شکست استراتژیک در پشت تنگه «پاطاق» روز جمعه ۷ مرداد ۱۳۶۷ رسماً اعلام کردند که از شهرهای اسلام آباد و کرند عقب نشینی کرده اند! (۴).

ص: ۱۷۱

۱- ۶۶۸. برابر اطلاعات موجود رهبر منافقین و همسرش طی مدت اشغال، در شهر کردند به سر می بردند.

۲- ۶۶۹. مأخذ ۲۰۲، ص ۱۸.

۳- ۶۷۰. مأخذ ۱۹۸.

۴- ۶۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۲، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۲، بغداد، آسوشیتدپرس، ۷

۱۳۶۷ / ۵ /

اقدام مشترک عراق و منافقین در پیش روی به عمق خاک ایران بازتاب گسترده ای یافت و حساسیت های زیادی را برانگیخت، زیرا این تحرکات پس از موافقت ایران با قطع نامه شورای امنیت در حالی انجام گرفت که اراده بین المللی بر پایان جنگ مصمم شده بود، ولی اقدام عراق و منافقین عملاً به معنای ادامه جنگ بود.

«هاروی موریس» از روزنامه «ایندپندنت» طی تحلیلی در مورد اهداف و استراتژی منافقین نوشت:

«استراتژی فعلی مجاهدین و عراق ظاهراً ایجاد یک منطقه آزاد شده در دست مجاهدین است تا از این طریق، سازمان مخالف رژیم ایران، نقشی در توافق نهایی صلح داشته باشد» (۱).

یک نشریه دیگر نیز، اقدام منافقین را، به دلیل نگرانی آنها از سرنوشت خود در صورت موافقت عراق با آتش بس دانست (۲).

پشتیبانی عراق از منافقین و پیوستگی آنها در انجام این عملیات مخالف جمهوری اسلامی مورد بحث محافل خبری قرار گرفت آن چنان که خبرگزاری رویتر در این باره به نقل از یک دیپلمات گزارش داد:

«تحلیل گران معتقدند، این عملیات نمی توانسته بدون پشتیبانی قوی ارتش عراق به ویژه بدون پوشش آتش توپخانه صورت گرفته باشد» (۳).

خبرنگار رادیو لندن نیز در این باره گفت:

«کمتر کسی معتقد است که مجاهدین به تنهایی دارای تجهیزات زرهی، افراد کافی یا حتی نیروی آتش باری باشند که بتوانند بدون پشتیبانی یک ارتش منظم تا این اندازه در داخل خاک ایران مقاومت نشان بدهند» (۴).

روزنامه لوموند حدود یک ماه پیش از عملیات مشترک عراق و منافقین

ص: ۱۷۲

۱- ۶۷۲. مأخذ ۱۹۰، صص ۳۶ و ۳۷، رادیو لندن، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۷۳. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه ۱۳۳۸،

۲۶ / ۵ / ۱۳۶۷، کریستین ساینس مانیاتور، اول اوت ۱۹۹۸ (۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷).

۳- ۶۷۴. مأخذ ۲۲۲، ص ۳، خبرگزاری رویتر، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۷۵. مأخذ ۲۲۲، ص ۶، رادیو لندن، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

تصریح کرده بود که «ارتش آزادی بخش ملی ایران» به عنوان جزیی لاینفک از آرایش نظامی ارتش عراق است و هر گونه فعالیت نظامی آن بدون اجازه فرماندهی عالی عراق غیر قابل تصور است. (۱) در همین راستا، خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات‌ها اعلام کرد، با توجه به گفت و گوهای صلح که در مقر سازمان ملل در نیویورک ادامه دارد، دیپلمات‌ها گمان می‌کنند که بغداد از ارتش آزادی بخش ملی برای حفظ فشار نظامی بر تهران استفاده می‌کند (۲).

در این حال، تأثیر و پی آمدهای استقرار منافقین در داخل عراق و همکاری آنها با ارتش عراق برای حمله به خاک ایران مورد توجه تحلیل گران قرار گرفت. رادیو لندن در تحلیلی گفت:

«حمله مجاهدین به هر منظوری که انجام گرفته باشد، در ظاهر تأثیر مطلوبی در داخل ایران نداشته است.»

در این تفسیر همچنین تأکید شده است:

«درباره مقاصد عراق برای حمایت از مجاهدین و حملات آنها به داخل ایران، نظریه های مختلفی وجود دارد که قدرت نمایی در مقابل مجاهدان عراقی طرف دار ایران و نیز ایجاد پایگاهی برای نیروهای مسعود رجوی در داخل ایران از آن جمله است. به عقیده ناظران، اگر رسیدن به اهداف بالا در نظر بوده توفیقی حاصل نشده است زیرا شمار زیادی از مجاهدین در این نبردها کشته شده اند» (۳).

مفسر نشریه گاردین چاپ لندن نیز نوشت:

«طرف داران رجوی قادر نیستند احساس واقعی مردم ایران را درک کنند و نمی دانند که ایرانیان با هر گونه افراطی گری من جمله از نوع منافقین، بیزارند بزرگترین اشتباه رجوی این بوده است که تشکیلاتش را کاملاً به دامان صدام انداخته و اکثر منتقدان رجوی می گویند، این کار خودکشی سیاسی است.»

«دیویدهرست» در پایان مقاله خود آورده است:

ص: ۱۷۳

۱- ۶۷۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۴، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۷، لوموند، ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۷۷. مأخذ ۲۲۲، خبرگزاری رویتر، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۷۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۵، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷.

«با این اقدام، روحیه مردم ایران مجددا زنده شد و به جای این که باعث از هم پاشیدگی درونی ایران شود، به تحکیم آن کمک کرد» (۱).

تایمز مالی نیز نوشت:

«مجاهدین در داخل ایران از حمایت گسترده ای برخوردار نیستند» (۲).

برتری ایران در صحنه نظامی که موجب عقیم ماندن طرح مشترک عراق و منافقین شده بود، موضع سیاسی این کشور را که در حال مذاکره با دبیرکل سازمان ملل بود تقویت کرد. بر پایه همین ملاحظه کلی، فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) در خطبه های نماز جمعه تهران گفت:

«اگر عراق به تجاوزات خود ادامه دهد، شاهد پاسخ ما در میدان جنگ خواهد بود» (۳).

امریکایی ها که از تحرکات عراق و منافقین علیه ایران ناخشنود بودند، همراه با اعضای دائمی دیگر شورای امنیت و عربستان سعودی، عراق را تحت فشار قرار داده (۴) و از کشورهای عربی نیز خواستند، به عراق در خصوص پیش روی غیر قابل اداره منافقین هشدار دهند. (۵) در این حال، «چارلز ردمن»، سخن گوی وزارت خارجه آمریکا در موضع گیری آشکاری گفت:

«ارتش آزادی بخش ملی ایران، مستقر در عراق با پشتیبانی عراق عمل می کند و در پی سرنگون ساختن دولت ایران از طریق زور است.»

وی تأکید کرد:

«امریکا از گروه هایی که در پی سرنگون ساختن دولت ایران از طریق زور هستند حمایت نمی کند» (۶).

تغییر اوضاع به سود ایران

عراق و منافقین علاوه بر این که در چارچوب سیاست های منطقه ای شوروی عمل می کردند، از لحاظ نظری و گرایش های فکری نیز متأثر از مبانی فکری

ص: ۱۷۴

۱- ۶۷۹. مأخذ ۲۲۲، رادیو لندن، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۸۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۰، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷، تایمز مالی، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۸۱. مأخذ ۲۲۲، صص ۱۲ و ۱۳، تهران، بغداد، خبرگزاری آلمان، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۹ / ۵ / ۱۳۶۷، به

نقل از دیپلمات های غربی.

۵-۶۸۳. مأخذ ۲۲۲، ص ۸، رادیو امریکا، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست.

۶-۶۸۴. مأخذ ۱۷۱، صص ۴۰ و ۴۱، واشنگتن پست، خیرگزاری فرانسه، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

روس ها بودند. با توجه به نگرش سوسیالیستی روس ها نسبت به ریشه بحران های اجتماعی که معتقد بودند، ناکامی نظامی در ایجاد شورش، قیام و انقلاب مؤثر است، عراق و منافقین نیز می پنداشتند که ناکامی های نظامی ایران می تواند به بحران داخلی اعم از بی انضباطی اجتماعی و یا بحران «مشروعیت» منجر شود و فرصت مناسبی را برای بهره برداری در اختیار آنها قرار دهد. تجربه روسیه پس از شکست از ژاپن در ۱۹۰۵ میلادی و طرح تفکرات سوسیالیستی در سال ۱۹۱۷ میلادی که در میان جنگ اول به پیروزی کمونیست ها منجر شد، حاوی همین تجربه بود. بعدها، «استالین» در نامه ای به «پیشه وری» در توجیه علت عقب نشینی نیروهای شوروی از آذربایجان ایران، از آن به عنوان تاکتیک های «لنین» یاد کرد. استالین در این نامه آورده است:

«ایران درگیر یک جنگ با یک دشمن خارجی نیست که یک ناکامی نظامی بتواند محافل انقلابی ایران را تضعیف کند. نتیجه آن که، در ایران وضعیتی وجود ندارد که بتواند با تاکتیک های لنین در ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ میلادی تطابق داشته باشد» (۱).

آن چه عراق و منافقین را ناکام گذاشت و محاسبات آنها را درهم ریخت در واقع، در نقطه کانونی آن چه که آنها به سود خود، ارزیابی می کردند به وقوع پیوست؛ پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸ و ادامه حملات عراق و منافقین، روند تحولات داخلی و سپس، اوضاع نظامی را به سود ایران و به زیان عراق و منافقین دست خوش تغییر کرد. به تدریج فشار بین المللی بر عراق افزایش یافت، به گونه ای که تمام ناظران و تحلیل گران به اقدامات عراق و منافقین با دیده تردید می نگرستند.

تلاش نیروهای عراقی در آستانه اشغال مجدد خرمشهر، پیام امام به سپاه و واکنش مردم نسبت به این رخدادها که حضور در صحنه های جنگ را

ص: ۱۷۵

۱- ۶۸۵. ناتالیا یکوروا، بحران آذربایجان از دیدگاه اسناد نویافته شوروی، مجله گفت و گو، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۲۸، نامه استالین به جعفر پیشه وری.

در پی داشت، وضعیتی همانند روزهای آغاز جنگ به وجود آورد. چنان که آقای هاشمی در ترسیم وضعیت داخلی کشور و روحیه نیروهای داوطلب گفت:

«بوی نشاط و جهاد در همه جا به مشام می رسد» (۱).

مهندس موسوی، نخست وزیر وقت نیز در هیئت دولت گفت:

«جبهه ها امروز فضای غیرقابل وصفی دارد. حماسه آفرینی و دفاع و مقاومت [شما] است که برای دشمن شکست و نابودی را در پی خواهد داشت» (۲).

در این مرحله، در پی فرمان حضرت امام مبنی بر حضور هر چه بیش تر در جبهه ها، ۱۳۰ هزار بسیجی، عازم جبهه های جنگ شدند. (۳) استقبال مردم به قدری گسترده بود که پذیرایی و سازمان دهی نیروهای داوطلب برای مسئولان بسیاری از پادگان های نظامی مشکل آفرین شده بود. به گفته یکی از فرماندهان، در یک پادگان نظامی در محور میانی که حداکثر، گنجایش ۱۰ هزار نیرو را داشت، ۱۶ هزار تن در آن جای گرفته بودند و قرار بود، ۴ هزار تن دیگر به آنان افزوده شوند. کمبود امکانات باعث شد، برخی از نیروها در فضای باز، شب را به صبح برسانند. (۴) به همین دلیل، معاونت نیروی انسانی ستاد فرماندهی کل قوا با درخواست از نیروهای داوطلب برای خودداری از عزیمت انفرادی و مراجعه به مراکز رسمی، تأکید کرد که داوطلبان با توجه به ظرفیت نیروهای رزمی و پشتیبانی یگان ها، در اولویت اعزام نیروهای رزمی ثبت نام کنند. (۵) در این مرحله بسیاری از نیروهایی که تنها در آغاز جنگ عازم جبهه های نبرد شده و یا بنا به دلایلی تاکنون در صحنه جنگ حضور نیافته بودند، به علت وضعیت سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ، برای اعزام و حضور در جبهه ها ثبت نام می کردند. (۶) در این حال، حضور رئیس جمهوری وقت و رئیس شورای عالی دفاع، آیت الله خامنه ای، در جبهه های نبرد جهت تبیین تحولات جنگ برای رزمندگان و بررسی مشکلات آنان، نقش مؤثری داشت.

ص: ۱۷۶

۱- ۶۸۶. مأخذ ۱۷۳.

۲- ۶۸۷. مأخذ ۱۷۳.

۳- ۶۸۸. روزنامه کیهان، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات مسئول بسیج.

۴- ۶۸۹. مأخذ ۱۷۱، ص ۱۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۹۰. روزنامه کیهان، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۶۹۱. سردار غلامعلی رشید، مصاحبه اختصاصی، آبان ۱۳۶۷.

نادیده انگاشتن خواسته های بر حق جمهوری اسلامی ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و دریافت غرامت از آن موجب تداوم جنگ شده بود و تبلیغات گسترده و هم آهنگ مخالفان جمهوری اسلامی، مشروعیت مقاومت و پایداری مردم ایران را در معرض شک و تردید برخی از جهانیان قرار داده بود، ولی واکنش اخیر عراق و منافقین صلح طلبی دروغین صدام و حقانیت مقاومت ایران را برای دنیا آشکار کرد. آیت الله خامنه ای طی سخن رانی خود در اهواز در این باره فرمودند:

«ما از روز اول می گفتیم، عراق جنگ افروز است. بعضی ها این را قبول می کردند و بعضی ها نمی خواستند قبول کنند. اما امروز حرف ما ثابت شده است» (۱).

فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) نیز در این زمینه گفت:

«تا به حال مظلومانه دفاع می کردیم، اما متهم بودیم که جنگ طلبیم و صلح را نمی خواهیم، هیچ کس توجهی نمی کرد که ملت ما می گوید، تا پیروزی می جنگیم، یعنی تا پیروزی در گرفتن حقمان و نه در گرفتن زمین دیگران. ما الآن مواضع صلح طلب و صاحب حق را داریم و در دنیا صدام، متجاوز، ناحق و انعطاف ناپذیر است» (۲).

رسانه های خارجی و تحلیل گران غربی نیز تغییر اوضاع داخلی و افکار عمومی در ایران را مورد تأکید قرار دادند. رادیو لندن در این باره گفت:

«تهاجم تازه عراق پس از پذیرش آتش بس از سوی ایران، موضع دولت اسلامی را در برابر افکار عمومی تقویت کرده است. در ایران اکنون بار دیگر حالتی شبیه به پاییز ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، زمان نخستین حمله عراق به خاک ایران، زنده شده است. (۳) ... موج تازه هجوم های عراق ماشین جنگی ایران را توان تازه ای بخشیده است. (۴) و فعالیت های بسیج مردم را برای جنگ احیا کرده است» (۵).

«هانس هایتو کوبیتس» تحلیل گر انستیتوی بین المللی مطالعات استراتژیک لندن با تغییر روند تبلیغات در رسانه های غربی تأکید کرد:

ص: ۱۷۷

۱- ۶۹۲. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۹۳. مأخذ ۱۷۳.

۳- ۶۹۴. مأخذ ۱۹۰، ص ۴۰، رادیو لندن، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۹۵. پیشین، صص ۳۷ و ۳۸.

۵- ۶۹۶. پیشین، ص ۴۴.

«ایرانیان در مطبوعات غربی پیروزی تبلیغاتی قابل ملاحظه ای به دست آورده اند... و مطبوعات غربی بر ضد عراق چرخش کرده اند» (۱).

بعدها، یکی از نظامیان ارتش عراق طی تحلیلی در روزنامه «السفیر» در مورد نتایج استراتژیک عراق نوشت:

«هنگامی که نیروهای ایرانی با آتش بس موافقت کردند، رهبری عراق ابتکار عمل را در دست داشت و در یک «اشتباه استراتژیک» بزرگ افتاد و شدیداً به ایران حمله کرد. به خصوص در منطقه خوزستان، به نزدیکی های اهواز که رسید، ناگهان تغییری در ایران مشاهده شد و ایرانی که از کمبود نیروهای داوطلب رنج می برد، ناگهان حرکت خروشان ملی را دید که شور و شوقی را در محافل مردمی ایران ایجاد کرد» (۲).

در حالی که ایران بر اثر وضعیتش در صحنه نظامی و پذیرش قطع نامه ۵۹۸ با پرسش ها و دشواری های بسیار پیچیده ای روبه رو بود، اقدام مشترک عراق و منافقین در حمله به خاک ایران، پی آمدهایی را به همراه داشت که وضعیت داخلی ایران و سپس صحنه نظامی را تحت تأثیر قرار داد، بر انسجام درونی ایران افزود، ماهیت تجاوزکارانه دولت عراق و ضرورت مقاومت ایران در برابر این کشور را در دوران جنگ آشکار ساخت، زمینه تحمیل قطع نامه ۵۹۸ را به رژیم عراق که برای پذیرش آن پیش شرطهایی گذاشته بود، فراهم کرد و همچنین مقدمه ای برای برقراری آتش بس به وسیله سازمان ملل در مرزها شد. این وضعیت باعث گردید تا ایران بر مواضع سیاسی خود در قبال مذاکرات صلح تأکید کند، مبنی بر این که پیش از برقراری آتش بس نیز، هیچ شرط یا شرطی را که عراق همچنان بر آنها تأکید می کرد، نمی پذیرد و پس از برقراری آتش بس هیچ مذاکره ای بر سر مرزهای شناخته شده بین المللی با عراق، انجام نخواهد داد (۳).

ص: ۱۷۸

۱- ۶۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۹، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۹۸. روزنامه السفیر، ۲۹ / ۸ / ۱۹۸۹، احمد زبیدی، سرهنگ سابق ارتش عراق، ارسالی از سوی سفارت جمهوری اسلامی در بیروت.

۳- ۶۹۹. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، سخنان آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور.

بی‌اعتمادی نسبت به خط مشی و روش و رفتار عراق به ویژه در واکنش آن کشور پس از موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ و نیز تلاش برای پایان دادن به وضعیتی که اساساً بر پذیرش قطع نامه ۵۹۸ مؤثر بود. موجب شد، جمهوری اسلامی ایران بر اتمام سریع جنگ و اقدام سازمان ملل در اعلان زمان برقراری آتش بس اصرار ورزد. در مقابل، عراقی‌ها که مترصد نهایت بهره‌برداری از شرایط جدید برای تقویت مواضع سیاسی خود و تحمیل آن بر ایران بودند، بلافاصله با ایجاد ابهام در صداقت جمهوری اسلامی ایران و تأکید بر مذاکره مستقیم پیش از برقراری آتش بس، تمهیدات لازم را برای تجاوز نظامی فراهم ساختند. (۱) و تنها ۳۶ ساعت پس از آن که ایران قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت، مجدداً همانند روزهای نخست جنگ، به عمق خاک ایران تجاوز کردند. (۲) در واقع، دو راه حل (دیپلماتیک و نظامی) برای پایان جنگ وجود داشت؛ راه حل دیپلماتیک با مسئولیت سازمان ملل میسر می‌شد که لازمه آن، تلاش دبیرکل سازمان ملل برای فراخوانی وزیران خارجه دو کشور و اعزام هیئت‌های متخصص سازمان ملل برای به اجرا گذاشتن آتش بس و چگونگی نظارت بر آن بود. (۳) عراق بر خلاف ایران، تمایلی به راه حل دیپلماتیک نداشت، لذا راه حل نظامی را برگزید تا علاوه بر تحمیل شرایط خود بر ایران، ابتکار عمل را در صحنه دیپلماتیک نیز از دست سازمان ملل خارج کرده، و در اختیار خود بگیرد. اقدام عراق با آن که عمیقاً موجب ناخرسندی بود، اما غیر از فشار

ص: ۱۷۹

۱- ۷۰۰. «تیم لوئین»، خبرنگار رادیو لندن در مورد ماهیت و اهداف عراق در گزارشی گفت: «عراق می‌خواهد برتری ماشین نظامی خود را به کار گیرد و تلاش می‌کند که ایران را برای مذاکره مستقیم و یک موافقت صلح مناسب هر چه بیش‌تر تحت فشار قرار دهد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۹، رادیو لندن، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷).

۲- ۷۰۱. در صفحات قبل، اقدام نظامی عراق و منافقین توضیح داده شد.

۳- ۷۰۲. مأخذ ۱۷۹، ص ۹، رادیو لندن، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

دیپلماتیک و تبلیغاتی که می توانست علیه عراق اعمال شود، هیچ ساز و کار دیگری برای مقابله با این اقدام پیش بینی نشده بود و وجود نداشت؛ به همین دلیل، سرنوشت جنگ در روزهای پایانی آن به جای روش های دیپلماتیک در صحنه جنگ رقم می خورد. این موضوع، اهمیت مقابله با تهاجم نظامی عراق و نقش تعیین کننده آن بر افزایش تأثیر گذاری فشارهای دیپلماتیک و افکار عمومی را مشخص کرد. امام با هوشمندی و درایت و بر پایه درکی که نسبت به وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی - نظامی جنگ و ضرورت های موجود برای اداره و هدایت روند تحولات تا اخذ نتیجه مطلوب داشتند، در سخنانی، چارچوب و خط مشی تلاش ها و اقدامات سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی را مشخص فرمودند:

«ما در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می کنیم و این، به هیچ وجه تاکتیک نیست، فرزندان انقلابیم! توجه کنید، امروز روز حضور گسترده در جبهه ها است. فکر نکنید که دیگر جنگ تمام شده است. خود را بسیج به سلاح ایمان و جهاد کنید و بر دشمن غدار رحم جایز نیست و این ها تمام حرف هایشان یک فریب است. ما خواستیم به دنیا ثابت کنیم که صدام معتقد به مجامع بین المللی نیست و ما تا قبول قطع نامه از سوی عراق جواب دشمنان را در جبهه ها خواهیم داد» (۱).

در حالی که ابهام و نگرانی زیادی از اقدامات عراق وجود داشت و دبیرکل سازمان ملل تلاش می کرد، با فراخوانی وزیران خارجه ایران و عراق، مذاکرات صلح را آغاز کند، نماینده وقت ایران در سازمان ملل درباره موضع ایران برای پایان دادن به جنگ تصریح کرد:

«ما امروز دیگر اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران آماده است، همین لحظه آتش بس در جنگ را بپذیرد، ولی طی شب گذشته و امروز، عراق به مناطق غیرنظامی و تأسیسات اقتصادی ایران حمله کرده است» (۲).

ص: ۱۸۰

۱- ۷۰۳. مأخذ ۵۰.

۲- ۷۰۴. مأخذ ۳۸، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۱۸ تا ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش خبرنگار بخش صدای امریکا از مقر سازمان ملل در نیویورک.

وزیر خارجه وقت ایران نیز در نامه ای به دبیرکل وقت سازمان ملل نوشت:

«چه تضمینی وجود دارد، رژیمی که در مرحله اولیه برقراری صلح بی اعتنا به تصمیمات مراجع بین المللی و تعهد خود در پذیرش قطع نامه ۵۹۸، کلیه اصول و مقررات بین المللی و حتی قطع نامه پذیرفته شده خود را چنین آشکارا نقض می کند، در مراحل بعدی تعهدات خود را در مورد صلح مجدداً نقض ننماید؟» (۱).

آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت ایران نیز در پیام به ائمه جمعه سراسر کشور با بر شمردن شرایط کشور و ضرورت هوشیاری تأکید فرمودند:

«همان هایی که تا دیروز ریاکارانه از صلح دم می زدند و ما را بر نپذیرفتن قطع نامه ۵۹۸ شمات می کردند، امروز به طمع افتاده اند که ایران اسلامی را به امضای قراردادی خفت بار مجبور کنند» (۲).

در شرایطی که ایران، برگزاری جلسه شورای امنیت را که قرار بود درباره سرنگونی هواپیمای مسافربری ایرباس ایران تشکیل شود، پی گیری می کرد، واقعه جدیدی، روند فعالیت شورای امنیت و اولویت های ایران را دگرگون کرد. این واقعه، نامه عراق به دبیرکل سازمان ملل درباره قطع نامه ۵۹۸ بود. طارق عزیز در این نامه نوشته بود:

«تا روزی که ما از قصد واقعی ایران اطلاع نیابیم، جنگ ادامه خواهد داشت» (۳).

بدین ترتیب، عراقی ها به موازات تجاوز و پیش روی در عمق خاک ایران، رسماً بر ادامه جنگ تأکید کردند. سفیر وقت جمهوری اسلامی در سازمان ملل با درخواست لغو جلسه شورای امنیت در مورد سقوط هواپیمای ایرباس، در دیدار با دبیرکل رسماً اعلام کرد:

«اگر موضع تهران برای شما روشن نیست، از من توضیح بیش تری بخواهید، اگر روشن است به عراق بگویید که پذیرش صلح از طرف تهران برای شما مبهم نیست» (۴).

ص: ۱۸۱

۱- ۷۰۵. روزنامه کیهان، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۰۶. پیشین.

۳- ۷۰۷. مأخذ ۳۸، صص ۱۸ و ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش خبرنگار بخش فارسی صدای امریکا از مقر سازمان ملل در نیویورک.

۴- ۷۰۸. پیشین.

فشار ایران بر دبیرکل برای اعلام موضع گیری و انتظار این کشور از شورای امنیت که پیش از این در نامه وزیر خارجه وقت ایران به دبیرکل مورد تأکید قرار گرفته بود (۱) باعث شد تا رئیس شورای امنیت بدون این که قطع نامه ای در مورد سقوط هواپیمای ایرباس ایران داشته باشد، در سه شنبه شب (ساعت ۲۰) طی بیانیه ای که برای خبرنگاران قرائت شد، درخواست شورای امنیت را این گونه مطرح کند:

«با توجه به حوادث اخیر به دنبال پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله جمهوری اسلامی ایران، اعضای شورا از دو طرف درگیر مصرانه می خواهند، حداکثر خودداری را از خود نشان دهند تا دبیرکل بتواند قطع نامه ۵۹۸ را به اجرا گذارد» (۲).

شورای امنیت با وجود آگاهی از اقدام عراق و ماهیت آن و در شرایطی که ایران از پی گیری صدور رأی در مورد سرنگونی هواپیمای ایرانی ایرباس صرف نظر کرده بود، تنها به دلیل ابهام نسبت به نتیجه اقدام عراق و نیز فقدان سازوکار مناسب برای مقابله مستقیم با تجاوز عراق به خاک ایران، در بیانیه خود به این عبارت بسنده کرد که: «از دو طرف درگیر درخواست می شود، حداکثر خودداری را نشان دهند». واکنش شورای امنیت به خوبی نشان داد، مسیر تأمین خواسته های ایران و مقابله با تجاوز عراق تنها از جبهه ها می گذرد. و بدین ترتیب امام بر بسیج نیروهای مردمی و فراخوانی آنها برای حضور در جبهه ها و مقابله با دشمن تأکید فرمودند (۳).

در شرایط جدید، جمهوری اسلامی ضمن اعلام موافقت با اعزام تیم سازمان ملل برای سفر به ایران جهت بررسی جزئیات فنی آتش بس، دعوت دبیرکل را برای سفر وزیر خارجه به مقر سازمان ملل در نیویورک پذیرفت. (۴) دبیرکل سازمان ملل نیز در مصاحبه ای اعلام کرد:

«وزرای خارجه با دعوت به نیویورک خواهند آمد تا با هر دو طرف به صورت

ص: ۱۸۲

۱- ۷۰۹. مأخذ ۵۰.

۲- ۷۱۰. مأخذ ۳۸، ص ۱۸ و ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش خبرنگار بخش صدای امریکا در مقر سازمان ملل در نیویورک.

۳- ۷۱۱. مأخذ ۵۰.

۴- ۷۱۲. مأخذ ۲۵، صص ۲۹ و ۳۰، رادیو کلن، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

وی تأکید کرد، هیئتی از کارشناسان سازمان ملل نیز پس از اقامتی چند روزه در تهران، به بغداد خواهند رفت و پس از بازگشت آنها به نیویورک و ارائه گزارش مأموریت، وی خواهد توانست، تاریخ آغاز متارکه جنگ را اعلام کند. (۲) در این حال، دبیرکل سازمان ملل همانند رئیس وقت شورای امنیت - که زمان احتمالی آتش بس را ۱۰ روز بعد اعلام کرده بود (۳) - زمان احتمالی برقراری آتش بس را ۱۰ تا ۱۲ روز دیگر اعلام کرد. (۴) بدین ترتیب، با توجه به سفر هیئت اعزامی سازمان ملل به دو کشور ایران و عراق - به شرط فراهم بودن کلیه مقدمات برای انجام مأموریت - در خوش بینانه ترین وضعیت، دست کم ایران تا دو هفته پس از آغاز تجاوز مجدد عراق، نمی توانست هیچ انتظاری برای برقراری آتش بس داشته باشد.

با سفر آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران به سازمان ملل تلاش ها و اقدامات دیپلماتیک ایران شکل جدیدتری به خود گرفت؛ در حالی که هیچ ساز و کار مشخصی برای مقابله مستقیم با تجاوز عراق - که همچنان در خاک ایران پیش روی می کرد - وجود نداشت و یا اگر موجود بود، بنا به ملاحظاتی به کار گرفته نمی شد، به راحتی می توان دشواری های موجود بر سر راه تلاش های دیپلماتیک ایران در سازمان ملل را ترسیم کرد.

گرچه پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و در اعتراض به نحوه پایان جنگ و ضرورت بررسی علل آن، پرسش ها و ابهاماتی از سوی برخی شخصیت ها، محافل و جریان های داخلی کشور مطرح شد، ولی به دلیل ضرورت برخورداری از انسجام درونی برای گذار از مرحله جدید، امام پاسخ به علل پذیرش قطع نامه را به زمان دیگری واگذار کرد و در دیدار با فرماندهی وقت کل سپاه، مسئولیت مذاکرات صلح را بر عهده وزارت امور خارجه گذاشت و همگان را به سکوت و حمایت از این تصمیم دعوت کرد. بدین ترتیب، در

ص: ۱۸۳

۱- ۷۱۳. مأخذ ۱۸۱، ص ۲۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۱۴. مأخذ ۱۸۱، ص ۲۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۱۵. مأخذ ۱۷۹، صص ۳۰ و ۳۱، نیویورک خبرگزاری فرانسه، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۱۶. مأخذ ۱۸۰، ص ۱۱، واشنگتن، خبرگزاری کویت، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

حالی که موقعیت سیاسی - نظامی ایران عمیقاً در معرض چالش قرار گرفته بود و نیاز به تصمیم‌گیری روشن و قاطع در مذاکرات صلح وجود داشت، سرانجام، با تصمیم‌گیری امام مبنی بر واگذاری اختیارات کامل به وزیر خارجه وقت - که در تلکسی به نقل از مرحوم حاج سید احمد خمینی ارسال شد - عملاً دست وزارت خارجه برای مذاکره باز گذاشته شد. (۱) با این حال، اختلاف نظر در مورد میزان پای بندی به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر موجب شد تا در نخستین دور مذاکرات مربوط به برقراری آتش بس در نیویورک، طی تلکسی از امام در این باره استفسار شود و امام در پاسخ فرمودند که ملاک، قرارداد ۱۹۷۵ میلادی باشد و همین امر مسیر مذاکرات را روشن کرد (۲).

چنان که اشاره شد، حضور وزیر خارجه وقت ایران در سازمان ملل و آغاز نخستین دور مذاکرات با رئیس برزیلی شورای امنیت و ابلاغ تمایل اعضای شورا مبنی بر «تعیین تاریخی برای اعلام آتش بس» (۳) در حالی انجام شد که نیروهای عراق پس از تجاوز مجدد به خاک ایران، همچنان در خاک ایران حضور داشتند و قبل از عقب نشینی نیز، نیروهای منافقین در عملیات مشترک با عراق در منطقه غرب کشور، تجاوز به خاک ایران را آغاز کرده بودند. با وجود قول همکاری رئیس شورا برای برقراری آتش بس و اظهار خشنودی وی نسبت به مواضع ایران، اما، سازمان ملل هیچ سازوکار و یا ابزار قوی و کارآمد برای مقابله با پیش روی منافقین و یا واداشتن عراق به عقب نشینی از خاک ایران و برقراری آتش بس در اختیار نداشت. آن چه که می توانست در آن شرایط سخت و دشوار و سرنوشت ساز کارساز باشد، مقاومت نیروهای خودی و عقیم گذاشتن تلاش های اخیر عراق و منافقین بود.

در حالی که رئیس وقت شورای امنیت در نخستین دور مذاکرات با سفیر عراق در سازمان ملل، به نقل از وی آمادگی عراق برای عقب نشینی را اعلام کرد (۴)، طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه وقت عراق در مصاحبه ای

ص: ۱۸۴

۱- ۷۱۷. مأخذ ۱۶۸، ص ۲۷۶.

۲- ۷۱۸. پیشین، ص ۲۷۶.

۳- ۷۱۹. پیشین.

۴- ۷۲۰. پیشین.

«مذاکره مستقیم» را به عنوان شرط عراق برای دست یابی به هر گونه توافقی در مورد اجرای آتش بس، مورد تأکید قرار داد و گفت:

«اعلام آتش بس کامل، بستگی به توافق طرفین مذاکره کننده به طور مستقیم درباره اجرای مفاد قطع نامه دارد» (۱).

در این مصاحبه، طارق عزیز به این دلیل که ایران در موازات اعلام پای بندی به صلح، دستور بسیج عمومی به جبهه ها را دنبال می کند (۲)، مواضع جمهوری اسلامی را ضد و نقیض خواند. وی بدون اشاره به علت اعلام بسیج عمومی در ایران - که اساسا به دلیل تجاوز و پیش روی ارتش عراق و منافقین در داخل خاک ایران صورت گرفته بود - گفت:

«به دلیل ناشناخته بودن مقاصد ایران، نایستی عجولانه اقدام کنیم» (۳).

وزیر خارجه ایران در نخستین ملاقات خود با دبیرکل سازمان ملل، با توجه به کارشکنی عراق در روند صلح گفت:

«روشن است که اگر آنها در داخل خاک ما باشند، ما با آتش بس موافقت نمی کنیم، مردم ما نمی پذیرند که شهرهای بزرگ آنها در اشغال عراق باشد و آتش بس اعلام کنیم» (۴).

وی سپس در مورد مقاصد عراقی ها گفت:

«آنها می خواهند، وضعیت را به ابتدای جنگ، یعنی ۱۹۸۰ [میلادی] برسانند» (۵).

وی در این دیدار با تأکید بر این موضوع که «اگر فارغ از وضعیت جدید به مذاکره بنشینیم، احتمالا به نتیجه نخواهیم رسید»، از دبیرکل درخواست کرد، جلسه ای خصوصی با وی داشته باشد، که با این درخواست موافقت شد. (۶) دبیرکل در جلسه خصوصی با وزیر خارجه ایران، ضمن گوش فرادادن به سخنان وی در مورد حملات اخیر عراق، در پاسخ گفت:

«قصدم به نحوی، از وضعیت این مسئله باخبر شوم.»

ص: ۱۸۵

۱- ۷۲۱. مأخذ ۱۸۰، صص ۳ و ۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۲۲. پیشین.

۳- ۷۲۳. پیشین.

۴- ۷۲۴. مأخذ ۱۶۸، ص ۲۹۶.

۵- ۷۲۵. پیشین.

۶- ۷۲۶. پیشین.

دبیرکل سپس تلاش کرد با استفاده از اطلاعات ماهواره ای امریکایی ها از صحت اظهارات آقای ولایتی در مورد عراق آگاه شود. (۱) وی سپس در جلسه بعدی اظهار داشت:

«اخباری از ماهواره ها توسط مقامات آمریکا به دست من رسیده است، نظر ایران را تأیید می کند.»

وی در این جلسه با اعلام خبر آغاز فشار اعضای دائمی شورای امنیت بر عراق، گفت:

«عراق نمی تواند فشار افکار عمومی و شورای امنیت را نادیده بگیرد» (۲).

همچنین، در این جلسه، دبیرکل از قول امریکایی ها، تمایل آنها را برای گشودن باب مذاکرات مطرح ساخت که مورد موافقت نماینده ایران قرار نگرفت (۳).

در شرایطی که مذاکرات در سازمان ملل ادامه داشت و هیچ چشم انداز روشنی برای پیش رفت در روند صلح و برقراری آتش بس وجود نداشت، موقعیت ایران در پی تلاش نیروهای سپاه و بسیج در انهدام و عقب راندن نیروهای عراق و منافقین از جبهه های جنوب و غرب، به تدریج بهبود یافت و به موازات تغییر اوضاع در جبهه ها به زیان عراق، در عرصه دیپلماتیک نیز شرایط برای بهبود اوضاع به سود ایران فراهم شد و وزیر خارجه ایران پس از چند روز مذاکره، در مصاحبه ای با روزنامه «کریستین ساینس مانیتور» در مورد مرزهای دو کشور گفت:

«هیچ مستمسک حقوقی برای نقض قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر وجود ندارد» (۴).

از سوی دیگر، با آشکار شدن نشانه های شکست تلاش های نظامی عراق، نمایندگی دائم این کشور در نیویورک طی بیانیه ای اعلام کرد:

«عقب نشینی نیروهای عراقی آغاز شده است» (۵).

ص: ۱۸۶

۱- ۷۲۷. مأخذ ۱۶۸، ص ۲۹۷.

۲- ۷۲۸. پیشین.

۳- ۷۲۹. پیشین.

۴- ۷۳۰. مأخذ ۱۹۰، ص ۳۸، رادیو امریکا، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۷۳۱. مأخذ ۲۲۲، ص ۲۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

در چهارمین جلسه دبیرکل با هیئت ایرانی که در روز جمعه ۷ مرداد ۱۳۶۷ برگزار شد، دبیرکل با اشاره به سفر تیم کارشناسان نظامی به بغداد که در روز سه شنبه گزارش خود را به وی تسلیم خواهند کرد، طرح اجرایی خود را برای برقراری آتش بس قرائت کرد. در این طرح پیش بینی شده بود، برابر بند ۱ قطع نامه به عنوان نخستین گام، ایران و عراق باید برای برقراری آتش بس، عقب نشینی به مرزهای شناخته شده بین المللی را بپذیرند و در مراحل بعد، با عقب نشینی کامل و اعزام گروه ناظران، همکاری دو کشور با کمیته بین المللی صلیب سرخ آغاز شود. (۱) در این جلسه قرار شد نماینده ایران در جلسه بعدی نظر نهایی خود را درباره طرح ۱۲ بندی دبیرکل اعلام کند (۲).

با وجود ناکامی نظامی، عراق در مواضع سیاسی خود همچنان بر مذاکره مستقیم پافشاری داشت. در این باره، سعدون حمادی، وزیر مشاور در امور خارجه عراق تأکید کرد:

«ما انجام مذاکرات مستقیم را آغاز صحیحی بر اجرای مفاد قطع نامه می دانیم» (۳).

رادیو صوت الجماهير نیز در تفسیری اعلام کرد:

«آتش بس پیش از انجام مذاکرات مستقیم ممکن است [موجب شود که] جریان مذاکره در نیمه راه و [با اجرای] بخشی از مفاد قطع نامه که در حال حاضر خواست ایران است و به اجرا در [نیامدن] بخشی که خواست ایران نیست، رها شود» (۴).

همین امر سبب شد حتی در برخی از رسانه های خبری پافشاری عراق به مذاکره مستقیم به عنوان بزرگ ترین مانع برای دست یابی به توافق آتش بس مورد تأکید قرار گیرد. (۵) روزنامه «گاردین» در این باره نوشت:

ص: ۱۸۷

۱- ۷۳۲. برای آگاهی بیش تر نگاه کنید به: کتاب «تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران»، نوشته علی اکبر ولایتی، ص ۳۰۴.

۲- ۷۳۳. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۰۶.

۳- ۷۳۴. مأخذ ۱۷۱، ص ۶، رادیو صوت الجماهير، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۳۵. پیشین.

۵- ۷۳۶. پیشین، ص ۱۹، به نقل از خبرگزاری یوگسلاوی.

«دبیرکل نه تنها در حال حاضر به هدف تحقق آتش بس نزدیک نشده، بلکه از آن فاصله گرفته است» (۱).

نماینده امریکا در سازمان ملل نیز با توجه به شرایط به وجود آمده از عمل کرد عراق، اعلام کرد:

«برقراری آتش بس طی ۱۰ روز آینده خیلی خوش بینانه است» (۲).

در پی بازتاب روند مذاکرات، دبیرکل سازمان ملل طی مصاحبه ای در پاسخ به پرسش خبرنگاران در مورد بن بست مذاکرات گفت:

«برعکس، ما داریم به گونه ای بسیار مثبت کار می کنیم، من بسیار، بسیار خوشنودم، چون فکر می کنم کارها در جریان است و در جهت درست پیش می رود» (۳).

در همین حال، خبرگزاری جمهوری اسلامی از اهواز گزارش داد:

«تدریجا روند تبلیغاتی رادیو عراق که بیش تر در ستایش صدام و «قادسیه» بود، قطع شد و تنها به جز بیانیه های گاه بی گاه نظامی، هیچ تبلیغ یا تحلیلی علیه ایران پخش نمی شود» (۴).

در ادامه مذاکرات ایران با دبیرکل سازمان ملل و پس از اعلام نظر درباره طرح پیشنهادی دبیرکل، ششمین نشست دو طرف در ساعت ۵ بعد از ظهر روز دهم مرداد ۱۳۶۷ تشکیل شد و دبیرکل نظرات خود را در مورد پیشنهادهای ایران بیان کرد. در جلسه ای خصوصی که در همین روز با دبیرکل برگزار شد، وی پیشنهاد کرد که متن مشترکی تهیه و اعلام شود و وزیران خارجه دو کشور نیز با وی ملاقات کنند؛ این پیشنهاد را وزیر خارجه ایران بنا به ملاحظاتی رد کرد. (۵) در مذاکرات خصوصی دبیرکل با آقای ولایتی، وی از ایران خواست، صبر و خویشتن داری نشان داده و در نیویورک بماند. (۶) در این حال، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل (محمد جعفر محلاتی) با رئیس شورای امنیت دیدار و گفت و گو

ص: ۱۸۸

۱- ۷۳۷. مأخذ ۲۲۲، ص ۳۲، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷/۵/۱۳۶۷.

۲- ۷۳۸. مأخذ ۲۳۳، ص ۸، رادیو امریکا، ۸/۵/۱۳۶۷.

۳- ۷۳۹. مأخذ ۱۷۱، ص ۳۱، خبرگزاری رویتر، ۷/۵/۱۳۶۷.

۴- ۷۴۰. مأخذ ۲۳۳، ص ۴، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹/۵/۱۳۶۷.

۵- ۷۴۱. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۱۳.

۶- ۷۴۲. پیشین، ص ۳۲۰.

کرد. رئیس شورا در این دیدار گفت:

«دبیرکل گزارشی به شورا ارائه کرده است و امروز طارق عزیز با دبیرکل صحبت داشته و موضع وی بیش از اندازه مثبت بوده است.»

وی در این ملاقات گوشه ای از گزارش خود به شورا را برای آقای محلاتی خواند. در این گزارش آمده بود:

«من با همه اعضای شورا صحبت کردم. هیچ کس مخالف نبود که روز (۱)، D-Day اعلام شود.»

وی در این گزارش پیشنهاد کرده بود:

«چند روز صبر کنید. ما در حال حاضر با طارق عزیز و کشورهای منطقه مانند عربستان مشورت می کنیم و می خواهیم زمانی که D-Day را اعلام می نمایم، دیگر کسی پشتیبان صدام نباشد» (۲).

در حالی که بسیاری از ناظران بر این باور بودند که اجرای آتش بس بدون موافقت دو طرف درگیر عملیات غیر ممکن است (۳)، دبیرکل در سخنانی اعلام کرد، حتی بدون موافقت دو کشور ایران و عراق، تاریخی برای اجرای آتش بس اعلام خواهد کرد. (۴) محافل دیپلماتیک در سازمان ملل، این موضع گیری را به معنای «فشار بر عراق» دانستند (۵) در این حال، سعدون حمادی در مصاحبه با خبرنگاران، در مورد فشارهای بین المللی به عراق گفت:

«ما معتقدیم، برخی از کشورهای بزرگ در بازی مسابقه کسب نفوذ در داخل ایران به ویژه پس از پایان جنگ یا بعد از [امام] خمینی وارد شده اند... اگر هدف آن باشد که به ایران جایزه ای به زیان عراق داده شود و خسارت ایران در جنگ جبران و این امر به زیان عراق تمام شود، این امر مردود و قابل قبول نیست و در برابر آن مقاومت می کنیم» (۶).

با پیدایش شرایط جدید در صحنه سیاسی - نظامی جنگ، برخی شواهد

ص: ۱۸۹

۱- ۷۴۳. اعلام آتش بس.

۲- ۷۴۴. پیشین.

۳- ۷۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۶، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۴۶. پیشین.

۵- ۷۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۷، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۷۴۸. مأخذ ۲۹۲، صص ۱۹ و ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

آشکارا نشان می داد که عراق آماده پذیرش برقراری آتش بس است. در این راستا، معاون اول نخست وزیر عراق طه یاسین رمضان به دستور صدام به پنج کشور عرب شامل بحرین، عربستان، کویت، یمن شمالی و اردن سفر کرد. (۱) با آن که رمضان در بازگشت از سفر خود اعلام کرد، کشورهای عرب از موضع عراق مبنی بر مذاکره مستقیم حمایت می کنند (۲)، ولی منابع عرب گزارش دادند، کشورهای «شورای همکاری» از صدام خواسته اند تا قبل از هر چیز، آتش بس را بپذیرد. (۳) ملک فهد، پادشاه عربستان سعودی نیز وزیر امور خارجه خود را به بغداد فرستاد و سفیر عربستان در واشنگتن (بندر بن سلطان) با سفرای پنج کشور عضو دائم و مقام های عراقی دیدار و گفت و گو کرد تا موافقت خود با تضمین آتش بس و حمایت از مذاکرات مستقیم پس از اعلام و برقراری آتش بس را اعلام کند (۴).

روزنامه نیویورک تایمز که بیش تر، مواضع وزارت خارجه امریکا را منعکس می کند در مقاله ای نوشت:

«امریکا به عراق فشار می آورد تا آتش بس را قبول کند.»

در این مقاله تأکید شده است:

«یک مقام وزارت خارجه امریکا گفته این اشتباه است که تصور بشود، امریکا قادر است، عراق را به قبول امری که نمی خواهد وادار سازد.»

در بخش دیگری از همین مقاله آمده است:

«سعودن حمادی، مشاور وزارت خارجه عراق گفته است، علت این که امریکا می خواهد هر چه زودتر جنگ تمام شود، این است که نفوذ خود را بار دیگر در ایران برقرار سازد» (۵).

سرانجام، با تغییر اوضاع به زیان عراق و بر اثر فشارهایی که بر آن وارد می شد، این کشور در ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ طی نامه ای به دبیرکل اعلام کرد، در صورتی که ایران موافقت خود را با مذاکرات مستقیم به صورت آشکار بدون

ص: ۱۹۰

۱- ۷۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۸، ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ۱۳۸، ص ۵، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۵۰. پیشین.

۳- ۷۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۰، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۷، ۱۴۰، ص ۲۱، رادیو لندن، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۵۲. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۲۹.

۵- ۷۵۳. مأخذ ۲۹۸، ص ۱۳، رادیو امریکا، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

ابهام و رسماً اعلام کند، عراق نیز با آتش بس موافقت می کند. (۱) [صدام](#) نیز در سخنانی، رسماً اعلام کرد:

«ما آمادگی خویش را با آتش بس اعلام می کنیم... پس از مشورت با برادران عرب و تشکیل جلسه های متعدد از سوی شورای فرماندهی انقلاب و فرماندهی کشوری، حزب بعث آمادگی خویش را با آتش بس اعلام می نماید» (۲).

دبیرکل سازمان ملل در هشتمین نشست خود با وزیر خارجه وقت ایران در روز شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ پس از قرائت بخشی از سخنان صدام، گفت:

«اگر در قبال پیشنهاد عراق نظر شما مثبت باشد، با طرف عراقی و شورا درباره آتش بس و D-Day صحبت خواهم کرد» (۳).

وزیر خارجه ایران نیز با تأکید بر این موضوع که شروع مذاکرات مستقیم پس از D-Day است و نه مسائل دیگر - که باید در جای خود حل و فصل شوند - قول مساعد داد که روز بعد، به اظهارات حکومت عراق پاسخ دقیق خواهد داد. (۴) سرانجام نهمین جلسه ملاقات با دبیرکل که در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۶۷ برگزار شد، وزیر خارجه وقت ایران پاسخ جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر قبول برقراری آتش بس اعلام کرد. (۵) پس از این جلسه وزیر خارجه ایران به خبرنگاران گفت:

«ما پیشنهاد دبیرکل سازمان ملل متحد را قبول می کنیم که مذاکرات مستقیم پس از اعلام آتش بس صورت بگیرد» (۶).

قرار شد دبیرکل سازمان ملل در گزارشی به اعضای شورای امنیت، زمان برقراری آتش بس را اعلام کند. در همین روند، در نشستی غیر رسمی با اعضای شورای امنیت، دکوئیار پیشنهاد کرد، تیم ناظر بر آتش بس که آن را «یونیماک» (گروه نظامی ناظر سازمان ملل در جنگ ایران و عراق) نامیده بود متشکل از ۳۵۰ تن: یک هیئت پشتیبانی کننده نظامی، یک واحد هوایی و احتمالاً یک واحد کوچک دریایی در مرحله اول، به مدت شش ماه در منطقه

ص: ۱۹۱

۱- ۷۵۴. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۲۹.

۲- ۷۵۵. مأخذ ۲۹۸، ص ۸، رادیو بغداد، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۵۶. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۲۱.

۴- ۷۵۷. پیشین، ص ۳۲۲.

۵- ۷۵۸. پیشین، ص ۳۲۴.

۶- ۷۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۲، ۱۸ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۸، رادیو کلن، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

مستقر شود. (۱) سرانجام، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد، تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۸۷ میلادی (۲۹ مرداد ۱۳۶۷) زمان برقراری آتش بس خواهد بود. (۲) و پس از آن، اقدامات لازم برای اجرای بندهای ۷، ۶، ۴ و ۸ قطع نامه انجام خواهد شد (۳) (۴).

در پی اعلام زمان برقراری آتش بس، آقای هاشمی رفسنجانی، جانشین فرماندهی کل قوا در پیامی اعلام کرد:

«نیروهای مسلح از امروز نباید شروع کننده هیچ گونه حرکت نظامی و مسلحانه باشند، ولی وظیفه دارند، آماده و هوشیار بمانند و هر گونه شرارت دشمن را در هوا، دریا و زمین به طور شایسته جواب دهند» (۵).

در همین حال، سرفرماندهی ارتش عراق نیز بیانیه ای صادر کرد، صدام در جشن و پایکوبی مردم عراق شرکت جست، تلویزیون بغداد با قطع برنامه های عادی خود، خبر زمان برقراری آتش بس را اعلان کرد و سه روز تعطیل عمومی در این کشور اعلام شد. چند روز پس از آن، صدام در جلسه هیئت دولت عراق درباره روند تحولاتی که منجر به پایان جنگ شد و در توجیه علل پذیرش آتش بس، پیش از مذاکره مستقیم، صحبت کرد. وی گفت:

«عراق از لحاظ نظامی پیروز شد و تمامی جهان به انتظار شنیدن تصمیم صلح از بغداد و نه از تهران و شورای امنیت و سازمان ملل بودند. از نظر قانونی، قطع نامه ۵۹۸ مرده بود و آن چیزی که قطع نامه را احیا کرد، ایران بود» (۶).

وی درباره وضعیتی که ایران قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت، گفت:

«اگر در آن روز ایران موافقت خود را با قطع نامه اعلام نمی کرد، حداکثر تا دو ماه پس از آن هر چیزی که شما [عراقی ها] حتی در کاغذ می نوشتید، از سوی ایران مورد قبول واقع می شد. این دو ماه را به عنوان حداکثر مدت محاسبه شده در برنامه ها و توانایی و قدرتی که در اختیار داشتیم، تعیین کرده بودیم» (۷).

سرانجام، در فاصله کمتر از دو هفته از تعیین زمان برقراری آتش بس در

ص: ۱۹۲

۱- ۷۶۰. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۶۱. روزنامه کیهان، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۶۲. برای آگاهی بیش تر از بندهای یاد شده، به متن کامل قطع نامه در پایان همین فصل مراجعه شود.

۴- ۷۶۳. پیشین.

۵- ۷۶۴. مأخذ ۳۰۸.

۶- ۷۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۸، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ۱۴۸، ص ۲، بخش عربی

رادیو بغداد، ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۷- ۷۶۶. پیشین.

۲۰ اوت ۱۹۸۷ (۲۹ مرداد ۱۳۶۷) تا اجرای آن، کلیه تلاش‌های دبیرکل سازمان ملل برای استقرار نیروهای «یونیمگ» در تهران و عراق انجام گرفت و بدین ترتیب، جنگ ایران و عراق پس از گذشت هشت سال از زمان تجاوز عراق به ایران به پایان رسید در حالی که هیچ دست آورد سیاسی یا نظامی برای عراق در بر نداشت و همین امر، زمینه جنگ دیگری (تجاوز عراق به کویت) را در منطقه فراهم ساخت.

پیوست:

متن کامل قطع نامه ۵۹۸

شورای امنیت با تأیید مجدد قطع نامه (۱۹۸۶) ۵۸۲ خود؛ با ابراز نگرانی عمیق از این که علی رغم درخواست‌هایش برای آتش بس، منازعه بین ایران و عراق به شدت سابق با تلفات شدید انسانی و تخریب مادی ادامه دارد؛ با ابراز تأسف از آغاز و ادامه منازعه، همچنین با ابراز تأسف از بمباران مراکز صرفاً مسکونی غیر نظامی، حملات به کشتی رانی بی طرف با هواپیماهای کشوری، نقض قوانین بین المللی انسان دوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه، به ویژه کاربرد سلاح های شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو؛ با ابراز نگرانی عمیق نسبت به احتمال تشدید و گسترش بیش تر منازعه، مصمم گردید به تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه بخشد.

معتقد گردید که باید یک راه حل جامع، عادلانه، شرافت مندانه و پایدار بین ایران و عراق به دست آید؛ با یادآوری مفاد منشور ملل متحد، به ویژه تعهد همه دول عضو به حل اختلافات بین المللی خود از راه های مسالمت آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به مخاطره نیفتد؛ با حکم به این که در منازعه بین ایران و عراق نقض صلح حادث شده است؛ با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد،

ص: ۱۹۳

۱- خواستار آن است که به عنوان قدم اولیه جهت حل و فصل (مناقشه) از راه مذاکره، ایران و عراق یک آتش بس فوری را رعایت کرده، به تمام عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا خاتمه داده و تمام نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.

۲- از دبیرکل درخواست می کند که یک تیم ناظر ملل متحد برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیرکل درخواست می نماید با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده، گزارش آن را به شورای امنیت ارائه نماید.

۳- مصرانه می خواهد اسرای جنگی آزاد شده و پس از قطع مخاصمات فعال کنونی، بر اساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹، بدون تأخیر به کشور خود بازگردانده شوند.

۴- از ایران و عراق می خواهد با دبیرکل در اجرای قطع نامه و در تلاش های میانجی گرایانه برای حصول یک راه حل جامع، عادلانه و شرافت مندانه مورد قبول دو طرف در خصوص تمام موضوعات موجود، منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.

۵- از تمام کشورهای دیگر می خواهد که حداکثر خویشتن داری را مبذول دارند و از هر گونه اقدامی که می تواند منجر به تشدید و گسترش بیش تر منازعه گردد، احتراز کنند و بدین ترتیب اجرای قطع نامه را تسهیل نمایند.

۶- از دبیرکل درخواست می نماید که با مشورت با ایران و عراق، مسئله تفویض اختیار به هیئتی بی طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی نموده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.

۷- ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاش های بازسازی با کمک های مناسب بین المللی پس از خاتمه درگیری تصدیق می گردد و در این خصوص از دبیرکل درخواست می کند که یک هیئت کارشناسان

برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت، تعیین نماید.

۸- همچنین از دبیرکل درخواست می‌کند که با مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، راه‌های افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد مذاقه قرار دهد.

۹- از دبیرکل درخواست می‌کند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطع‌نامه مطلع نماید.

۱۰- مصمم است برای بررسی اقدامات بیش‌تر جهت رعایت و اجرای این قطع‌نامه، در صورت ضرورت جلسات دیگری مجدداً تشکیل دهد (۱).

ص: ۱۹۵

۱- ۷۶۷. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۴، صص ۱۴۰ تا ۱۴۲.

پایان جنگ ایران و عراق گذشته از دورنمای مبهم حل اختلافات دو طرف در پشت میز مذاکره، از دو نظر با اهمیت بود؛ نخست، پایان درگیری نظامی هشت ساله در منطقه استراتژیک خلیج فارس و احتمال آغاز دوران ثبات و آرامش در منطقه و دوم، تأثیر پی آمدها و نتایج ناشی از پایان جنگ در ایجاد توازن در منطقه و تعیین رفتارهای احتمالی دو بازیگر منطقه، یعنی ایران و عراق. تمام تحولاتی که پس از پایان جنگ ایران و عراق تا اشغال کویت به دست عراق روی دادند، متأثر از این ملاحظات بودند.

در این فصل، برای توصیف و تحلیل روند تحولات، مباحث، در چهار محور کلی شامل «بازتاب پی آمدهای احتمالی پایان جنگ»، «آغاز مذاکرات بی حاصل تحت نظر دبیرکل سازمان ملل»، «تلاش عراق برای به دست گرفتن ابتکار عمل» (۱) و «اشغال کویت به وسیله عراق و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر»، ارائه شده اند. نظر به این که هدف اصلی در این فصل، تجزیه و تحلیل رخدادهایی است که در فاصله زمانی از برقراری آتش بس تا موافقت مجدد عراق با قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر اتفاق افتاده اند، لذا پی آمدهای اقدام عراق در

ص: ۱۹۶

۱- ۷۶۸. باید توجه داشت که ابتکار عراق در ارسال نامه های صلح طلبانه برای رئیس جمهوری اسلامی ایران به قصد زمینه سازی برای تجاوزی دیگر به همسایه ای دیگر انجام شد.

اشغال کویت و حمله نظامی امریکا به عراق و آزاد سازی کویت مورد بحث و بررسی قرار نگرفته اند.

بازتاب پی آمدهای احتمالی پایان جنگ

اشاره

حوادث و رخدادهای ماه های پایانی جنگ ایران و عراق، گرچه بر شدت و دامنه جنگ افزود، اما اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و در مقابل، ناتوانی نظامی عراق برای دست یابی به پیروزی نظامی و یا ادامه جنگ، شمارش معکوسی برای پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق بود. این مسئله به دلیل آن که سرانجام جنگ میان دو بازیگر منطقه خلیج فارس به پایان می رسید، حائز اهمیت بود و به این دلیل بازتاب نسبتاً گسترده ای در رسانه های خبری داشت و توجه کارشناسان و تحلیل گران امور منطقه و ایران را جلب کرد.

با توجه به این موضوع که تحولات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران منجر به تغییر موازنه حاکم بر منطقه شد، همواره در سال های قبل (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) این هدف به وسیله قدرت های بزرگ و برخی کشورهای منطقه دنبال می شد که علاوه بر مهار و اداره ی تحولات متأثر از این رخداد بزرگ در داخل ایران و منطقه، نظم (سیاسی - نظامی) پیشین نیز به منطقه بازگردانده شود. در راستای همین هدف بود که جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی به عنوان ابزاری برای مهار اثرات انقلاب اسلامی به وسیله مخالفان آن مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین بررسی پی آمدهای پایان چنین جنگی - که ابزار مهار انقلاب اسلامی قلمداد می شد - بسیار پر اهمیت است و آن را می توان در این سه بخش دسته بندی و مورد بررسی قرار داد: الف- ارزیابی دست آوردهای جنگ، ب- فرآیند تحولات و توازن منطقه ای، ج- تجزیه و تحلیل روند تحولات ایران.

با توجه به ابعاد گسترده بازتاب پایان جنگ، مسائل دیگری وجود دارد که

حائز اهمیت بوده و بررسی آنها لازم است، اما در این فصل تنها رخدادهای و مسائلی مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرند که به اشغال کویت و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق منجر شد؛ به همین دلیل است که بررسی بازتاب پیآمدهای جنگ تنها در سه محور یاد شده محدود گردیده است.

ارزیابی دست آوردهای جنگ

ارزیابی دست آوردهای پایان جنگ برای دو کشور ایران و عراق اساساً، نوعی ارزیابی از پیروزی یا شکست دو طرف یا یکی از آنها در جنگ می‌باشد. علاوه بر آن، این موضوع دامنه تحولات پایانی جنگ را نیز در بر گرفته است. چنین نگرش و برخوردی، نوعی مفهوم سازی برای تعیین درس‌های جنگ ایران و عراق و تفهیم آن به عنوان «یک جنگ بی معنا و بی حاصل» می‌باشد. در این باره، در مرداد ۱۳۶۷ رادیو آمریکا در گفتاری سیاسی با عنوان «نظرات رسمی دولت آمریکا» تأکید کرد:

«پایان گرفتن این جنگ فقط به سبب تحلیل رفتن بنیه دو طرف و یا آگاهی ایران و عراق از عدم امکان دست‌یابی به پیروزی نظامی نیست، بلکه پایان گرفتن این جنگ همچنین بدان سبب است که قطع نامه ۵۹۸ سازمان ملل یک راه حل سیاسی و عادلانه برای برقراری صلح را ممکن ساخته است» (۱).

در این گفتار سیاسی علاوه بر راه حل سیاسی برای پایان جنگ، بر نقش آمریکا نیز تأکید شد.

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز نیز در ارزیابی موقعیت دو طرف جنگ و بررسی ادعا و تبلیغات عراق مبنی بر دست‌یابی به پیروزی نوشت:

«این تفاهم کلی وجود دارد که هر گونه ادعایی که عراق به هنگام پایان پذیرفتن جنگ درباره پیروزی می‌کند، ادعایی بی اساس است. پس از هشت سال شکست و پیروزی، پیش روی و عقب نشینی، اشغال و تخلیه مواضع، اکنون

ص: ۱۹۸

۱- ۷۶۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۴، ۲۰ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۳۶، رادیو آمریکا، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

نیروهای عراقی در جایی قرار گرفته اند که در آستانه جنگ در سپتامبر سال ۱۹۸۰ میلادی (شهریور ۱۳۵۹ خورشیدی) قرار داشته اند، یعنی «مرزهای بین المللی» (۱).

هفته نامه «داناس» چاپ «زاگرب» طی تحلیلی درباره پایان جنگ نوشت:

«در این جا غالب یا مغلوب وجود ندارد و هر دو کشور در همان جایی هستند که هشت سال قبل بودند، هیچ یک از آن دو به هدف هایی که در سال ۱۹۸۰ میلادی تعیین شده بود، نرسیدند. بغداد انقلاب اسلامی را از پای دریاورد، هر چند که ضربه محکمی به آن وارد کرد و جلوی صدور آن را گرفت و از طرف دیگر، تهران نیز نتوانست رژیم بی خدای عراق را سرنگون کند» (۲).

روزنامه لبنانی السفير نیز در خصوص پیروزی عراق و علت تصمیم گیری ایران این چنین تفسیر کرد:

«پیروزی عراق به مشابه شکست عراق در جنگ نمی باشد. چرا که ایران به خاطر عوامل و رویدادهای بین المللی و منطقه ای که انقلاب اسلامی از نظر سیاسی و نظامی با آن روبه رو شد، این تصمیم را اتخاذ کرد» (۳).

روزنامه «کوریره دلا سرا» چاپ ایتالیا نیز ماهیت جنگ را از نظر «مبارزه امام خمینی با غرب» مورد بررسی قرار داد و بدون ذکر دلایل خود نوشت:

«السلام گرای» موجب شکست جنگ شده است» (۴).

آنتونی کردزمن یکی از کارشناسان جنگ در امور ایران و عراق در کنفرانس ویژه ای که «انستیتو تحقیقاتی بین المللی بروکینز» در شهر واشنگتن برگزار شد، گفت:

«جنگ از چند نظر برای هر دو کشور یک شکست محسوب می شود، زیرا هیچ یک به هدف های سیاسی خود نرسیده و به عنوان قدرت مسلط بر منطقه ظهور نکرد. هیچ یک قادر به خروج از نفوذ قدرت های بزرگ نیست و هنوز آینده امنیتی ایران و عراق نامعلوم مانده است و هیچ یک قادر به تضمین امنیت خود با

ص: ۱۹۹

۱- ۷۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۳۵، رادیو امریکا، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۰، ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۲۸، به گزارش خبرگزاری تانیوگ، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۷۲. مأخذ ۱، صص ۱۳ و ۱۴، بیروت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۷۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۱۱ و ۱۲، رم،

روزنامه نیویورک تایمز در مقاله ای تحلیلی، به ارزیابی عراق از «شرایط انقلابی» در ایران و امکان بهره برداری از آن برای تصرف خوزستان و اداره راه آبی بسیار مهم اروندرود و در پیآمد آن، سرنگون شدن حکومت انقلابی ایران و جایگزین شدن صدام به عنوان قدرت منطقه ای، نوشت:

«تجاوز صدام یکی از بزرگ ترین شکست های تاریخ معاصر بود. زیرا این تجاوز، ایرانی ها را پشت سر رژیم اسلامی آیت الله خمینی متحد کرد و منجر به یک جنگ هشت ساله گردید» (۲).

در این تحلیل ها، دست آوردهای جنگ و ارزیابی پیروزی یا شکست، از دیدگاه های گوناگونی مورد بررسی و توجه قرار گرفته است. نظر به این که عراق به عنوان آغازگر جنگ و با هدف های مشخص، از جمله: سرنگونی نظام انقلابی حاکم بر ایران، تصرف و تجزیه خوزستان و لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر به ایران تجاوز کرد، لذا آخرین موقعیت نیروهای عراقی پس از گذشت هشت سال از آغاز جنگ، می تواند یکی از برجسته ترین شاخص ها برای ارزیابی پیروزی یا شکست حکومت عراق در جنگ باشد. بر پایه این ملاحظه، نه تنها عراق نتوانست اهداف خود را تأمین کند، بلکه در طول هشت سال جنگ تنها با پشتیبانی همه جانبه بین المللی و منطقه ای نتوانست به حیات سیاسی، نظامی و اقتصادی خود ادامه دهد و همین مسئله ابعاد وابستگی عراق را به قدرت های بزرگ عمیق بخشید. در همان حال، اگر چه با وجود تمهیدات قدرت های استکباری و تمام حامیان عراق، جمهوری اسلامی ایران نتوانست به پیروزی نظامی قطعی دست یابد، ولی تنها با حمایت و پشتیبانی مردمی، دفاع هشت ساله را اداره و نظام سیاسی خود را با شاخص های انقلابی - دینی تثبیت کرد.

ص: ۲۰۰

۱- ۷۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۶، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۰، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۵، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۶، واشنگتن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷.

نخستین و مهم ترین پرسش که با پایان جنگ برای ناظران و تحلیل گران و نیز تصمیم گیرندگان منطقه ای و بین المللی مطرح شد، این بود که «ایران و عراقی که از این جنگ سر بر می آورند، چگونه ایران و عراقی خواهند بود؟»

با وجود تلاش دو کشور برای پر کردن خلاء قدرت در منطقه، در طول هشت سال جنگ، این خلاء نسبت به گذشته گسترده تر شده بود. (۱) با پایان گرفتن جنگ، ابهام های زیادی نسبت به توانایی ها و مناسبات دو کشور همچنان خودنمایی می کرد و فرض و گمان های زیادی در این باره وجود داشت. برخی از تحلیل ها بیانگر این معنا بود که ایران به سوی اعتدال گرایش یافته و عراق نیز ملایم تر و عاقل تر شده است. در این حال، تأکید می شد، تنها گذر زمان محک آزمایش برای فرض ها و گمان ها خواهد بود. ولی واقعیت ها حاکی از این بود که دو کشور منافع فوق العاده ای برای ایفای نقش گسترده تر در منطقه دارند (۲).

با توجه به برتری عراق در توان نظامی - به دلیل حمایت های همه جانبه بین المللی - رفتار این کشور به دلیل احساس غرور پیروزی و در عین حال احساس عدم امنیت، قابل پیش بینی نبود (۳) آمار و ارقام مربوط به افزایش توان نظامی عراق نیز قابل ملاحظه بود. کردزمن بر این باور بود که عراق، تنها برای نگهداری ماشین جنگی اش سالانه به بیست میلیارد دلار نیاز دارد. (۴) اسرائیلی ها نیز بر این باور بودند که عراق دارای ۵۵ لشکر، ۵۰۰۰ دستگاه تانک و یک نیروی هوایی مدرن و موشک های دوربرد مجهز به کلاهک های شیمیایی است. (۵) «شیمون پرز» نیز با توجه به برتری نظامی عراق، این سؤال را مطرح کرد که آیا عراق پس از جنگ تمام نیروی خود را برای بازسازی به کار خواهد گرفت و یا این که برای رهبری در جهان عرب تلاش خواهد کرد؟ (۶).

ص: ۲۰۱

۱- ۷۷۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۳، ۹ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۴۷، رادیو امریکا، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷، گزارش تحلیلی از کریستین ساینس مانیاتور.

۲- ۷۷۷. پیشین.

۳- ۷۷۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۷، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۸، گزیده ای از سخن رانی های کنفرانس انقلاب در ده سال بعد، شهرام چوبین، بهمن ۱۳۶۷.

۴- ۷۷۹. مأخذ ۶، صص ۱۰ و ۱۱، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۷۸۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۳، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۰، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، اویهو بین نون، سرلشکر نیروی هوایی اسرائیل.

۶- ۷۸۱. پیشین.

یکی از کارشناسان مسائل جنگ در بررسی خود از آینده خلیج فارس معتقد بود که ایران به عراق فرصت خواهد داد تا نقشی را که پیش تر داشته است، در منطقه ایفا کند. با این حال، دشمنی میان ایران و عراق باقی خواهد ماند و در یک مسابقه تسلیحاتی شدید درگیر خواهند شد. (۱) سایر تحلیل گران نیز مناسبات ایران و عراق را همچنان خصومت آمیز ارزیابی می کردند. (۲) بدهی بالغ بر ۹۰ میلیارد دلاری (۳) عراق در مقایسه با بدهی ایران، نقطه ضعف عراق محسوب می شد و در مقابل، نقطه قوتی برای ایران بود. لذا بر اساس همین ملاحظه، برخی از تحلیل گران در پاسخ به این پرسش که زمان به نفع کیست؟ معتقد بودند، در کوتاه مدت، زمان به نفع عراق و در دراز مدت به نفع ایران است و با بازسازی اقتصادی، ارتش و روابط با سایر دولت ها، توازن قدرت به نفع ایران تجدید شده و برتری عراق همچون برف زمستانی محو خواهد شد. (۴) در این حال، با توجه به موقعیت ایران و عراق و تأکید بر ادامه دشمنی میان آنها به عنوان یک واقعیت، توازن منطقه ای نیز در یک نگاه کوتاه مدت و دراز مدت، حول محور این دو کشور ارزیابی می شد. به همین دلیل، برخی تحلیل گران با توجه به ضعیف بودن کشورهای منطقه، بر این باور بودند که امنیت منطقه خلیج فارس در صورتی تضمین می شود که بین ایران و عراق توازن برقرار شود. (۵) و بر پایه همین ملاحظه، ضرورت توجه به ایران و متقابلاً بهبود روابط با سایر کشورها را گوشزد می کردند.

پایان جنگ ضمن این که نیروهای ایران و عراق را از درگیری آزاد کرد، محور ثقل توجه کشورهای منطقه را از جنگ ایران و عراق به سایر مسائل منطقه ای از جمله مسئله اعراب و اسرائیل سوق داد. در این باره رادیو لندن یکی از پیامدهای احتمالی پایان جنگ ایران و عراق را تمرکز بر اختلاف های اعراب و اسرائیل ذکر کرد. (۶) بی گمان این تغییر و تحول خوشایند اسرائیلی ها نبود؛ برابر اظهارات «دان شومردن»، اسرائیلی ها از آغاز جنگ همواره تحولات

ص: ۲۰۲

۱- ۷۸۲. مأخذ ۶، صص ۱۱ و ۱۲، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷، کردزمن.

۲- ۷۸۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۲۶ و ۲۷، رادیو بی.بی.سی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۸۴. مأخذ ۶، صص ۴ و ۵، رادیو کلن، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۸۵. مأخذ ۱۰.

۵- ۷۸۶. رادیو بی.بی.سی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، شیرین هانتر، محقق و تحلیل گر دانشگاه جرج تاون امریکا.

۶- ۷۸۷. مأخذ ۱۵.

آن را زیر نظر داشته و بر این عقیده بودند که نتیجه جنگ بر امنیت و درگیری اعراب - اسرائیل اثر مهمی خواهد داشت. (۱) به همین دلیل، پس از آن که ایران قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت و علائم پایان جنگ ایران و عراق آشکار شد، «اسحاق شامیر»، نخست وزیر وقت اسرائیل گفت:

«این ممکن است به معنای آغاز یک دوره جدید در سراسر منطقه باشد» (۲).

حتی، برخی از تحلیل گران نظامی در «تل آویو»، در آن هنگام بر این مسئله تأکید داشتند که «امنیت اسرائیل دچار دگرگونی های اساسی شده و ممکن است از این هم وخیم تر شود، زیرا ناآرامی های چند ماه اخیر در اراضی اشغالی، به موازات احتمال برقراری صلح میان ایران و عراق، می تواند منجر به تمرکز توجهات به قیام فلسطینی ها شود.» (۳) با این که اسرائیلی ها بعید می دانستند عراق پس از جنگ ایران و عراق تمایلی برای حمله به اسرائیل داشته باشد (۴)، ولی از اعتماد به نفس ارتش عراق و تشویق این کشور به انجام عملیات خارج از مرزهای عراق نگران بودند. (۵) در این حال، مرکز تحقیقاتی اسرائیل در تل آویو (۶) و دانشگاه «جافا» (۷) در بررسی منطقه ای، احتمال شکل گیری جبهه جدیدی در شرق علیه اسرائیل را پیش بینی کردند.

بدین ترتیب، آینده ایران و عراق و تأثیر آن در توازن منطقه خلیج فارس، موضع گیری و رفتار دو کشور در خصوص تحولات منطقه خاورمیانه، اختلاف های اعراب و اسرائیل و احتمال تغییر توازن منطقه به زیان اسرائیل از جمله مسائلی بودند که پس از پایان جنگ ایران و عراق مورد توجه اسرائیلی ها و حامیان جهانی آنها (امریکا و انگلیس) قرار داشت و موجب نگرانی آنها شده بود.

تجزیه و تحلیل روند تحولات ایران

در آن هنگام اظهار نظر و پیش بینی درباره روند تحولات داخلی ایران اساسا بر

ص: ۲۰۳

۱- ۷۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۵، ۲۱ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۲۸ و ۲۹، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۰ / ۵ / ۱۳۶۷، به نقل از تلویزیون اسرائیل.

۲- ۷۸۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۲، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۵۸، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۹۰. مأخذ ۱۲، ص ۹، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۹۱. پیشین، ص ۸، بیت المقدس، خبرگزاری فرانسه، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، اسحاق رابین، وزیر جنگ وقت اسرائیل.

۵- ۷۹۲. مأخذ ۲۱، ص ۵۷، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۷۹۳. مأخذ ۶، ص ۵، رادیو کلن، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۷- ۷۹۴. مأخذ ۸، ص ۹، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

پایه تأثیراتی که پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و نحوه پایان جنگ بر جامعه ایران و انقلاب اسلامی داشت، صورت می گرفت. «بروس لنیکن»، کاردار پیشین امریکا در تهران ضمن تأکید بر ضرورت توجه به اقدام ایران در پذیرش قطع نامه، بر این باور بود که تاکنون، ادامه جنگ با هدف اعلام شده ایران مبنی بر سرنگونی حکومت مرتد در بغداد بوده است و پیروزی در این راه می توانست نشانه نیروی انقلابی و جاذبه آن برای جامعه بزرگ تر اسلامی باشد. (۱) به همین دلیل، پایان جنگ، در غرب این امید را به وجود آورد که ایران فرصتی پیدا خواهد کرد تا به الگوی سنتی خود بازگردد و انقلاب فقط در بر گیرنده سقوط شاه باشد. (۲) لذا، اقدام ایران به دلیل نتایج احتمالی آن به منزله ایجاد امید برای تغییر شیوه تفکر در تهران ارزیابی می شد (۳)

برخی از تحلیل گران نیز تصمیم ایران را برای پایان دادن به جنگ، در چارچوب ضرورت حفظ انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می دادند. به عقیده رایین رایت، یکی از کارشناسان منطقه خاورمیانه اقدام ایران نخستین گام از اجرای استراتژی گسترده تری برای آغاز مرحله ای جدید در انقلاب است. هدف از این استراتژی آن است که بقای انقلاب اسلامی اهمیت بیش تری یافته است. (۴) تحلیلی که صدام بلافاصله پس از موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ انجام داد بر اهمیت تحلیل بالا می افزاید. وی در تحلیل خود در توجیه دست یافتن به اهداف خود در مقابله با انقلاب اسلامی، اجرای اهداف عراق مبنی بر مقابله با انقلاب اسلامی گفته بود:

«مهم ترین نتیجه پیروزی های عراق شکست کامل بنیان ایدئولوژیکی دولت ایران بوده است» (۵).

در مورد روند تحولات داخلی ایران همچنان نظرات متفاوتی ارائه می شد، برخی از تحلیل گران بر این باور بودند که چون ایران با پذیرش قطع نامه در حقیقت آمادگی خود را برای بازگشت به جامعه جهانی اعلام داشته است (۶).

ص: ۲۰۴

۱- ۷۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۱، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۳۳، رادیو امریکا، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۹۶. بازنشاسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، مرداد ۱۳۶۷، مقاله مسئله تجاوز و نقش دریافت جهانی از جنگ ایران و عراق، ص ۳۰۰، ژوهانس ریسنر.

۳- ۷۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۶، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۳۴، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۹۸. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، بولتن «رادیوهای بیگانه»، ۳۰ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۷۹۹. مأخذ ۸، ص ۴۰، بغداد، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۸۰۰. مأخذ ۵، ص ۸، رادیو امریکا، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷، رایین رایت.

در نتیجه، مجبور می شود توجه خود را به داخل کشور معطوف کند و بدین ترتیب خط تروریسم و شورش های اسلامی کاهش خواهد یافت (۱) البته، این مسئله به معنای پایان انقلاب نیست (۲)، زیرا اراده امام خمینی کماکان فائق است. هر چند دوره او در حال گذر است و کشمکش، میان افراد امیدوار برای به دست گرفتن قدرت پس از رفتن او، تشدید یافته است (۳) «گراهام فولر»، از کارشناسان سازمان سیا طی مقاله ای که در روزنامه واشنگتن پست به چاپ رسید، نوشت:

«در ایران ترک انقلاب مطرح نیست بلکه صحبت از چگونگی دنبال کردن آن است.... با وجود بحث و حدس های زیادی که در مورد جنگ صورت می گیرد، جنگ، آزمایش نهایی برای اعتبار انقلاب محسوب نمی شود، بلکه اکنون نیز چون دوران مناظرات «استالین» و «تروتسکی» در سال های دهه ۱۹۲۰ میلادی در شوروی، صحبت از تحکیم مبانی انقلاب در داخل و مسئله صدور انقلاب به دیگر کشورها است. در ایران مسئله پایان جنگ به منزله اعتدال در رویه ایران تلقی نمی شود، بلکه مسئله منافع دراز مدت حکومت انقلابی است.... البته شکست های اخیر ایران اتخاذ این تصمیم را تسریع کرد» (۴).

همچنین بخشی از تحلیل کارشناسان رسانه های خارجی بر ظهور گرایش به غرب در ایران به دلیل ابراز تمایل این کشور به برقراری روابط گسترده با جهان (۵)، ضرورت تلاش غرب برای نزدیک شدن به ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک حاضر، میزان جمعیت، بازار مناسب و هم جواری آن با شوروی و نیز ناتوانی اعراب در رسیدن به ائتلافی که بتواند بلوک قدرتمند و بااهمیتی به وجود آورد (۶)، تأکید داشت. سفیر اسبق آمریکا در تهران (ریچارد هلمز) بر این باور بود که «ایران در دراز مدت مایل به کار کردن با آمریکا بوده و با تغییر دستگاه رهبری ایران، مصلحت اندیشی بیش تری به کار خواهد بست و آمریکا نیز بازیگر اصلی در ایران خواهد بود» (۷).

ص: ۲۰۵

-
- ۱- ۸۰۱. مأخذ ۲۷، ص ۳۳، رادیو آمریکا، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۷، بروس لنینگن.
 - ۲- ۸۰۲. مأخذ ۳، ص ۳۵، رادیو آمریکا، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۷، وال استریت ژورنال، شاتول بخاش، نویسنده کتاب «ردای پیامبر».
 - ۳- ۸۰۳. مأخذ ۲۹، ص ۳۶، رادیو آمریکا، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، بررسی مطبوعات آمریکا.
 - ۴- ۸۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۲۲ و ۲۳، رادیو آمریکا، ۱۳۶۷ / ۵ / ۳.
 - ۵- ۸۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۳، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۴۴ و ۴۵، رادیو اسرائیل، ۱۸ / ۵ / ۱۳۶۷.
 - ۶- ۸۰۶. رادیو آمریکا، ۳ / ۷ / ۱۳۶۷، فیلیپ رابین، پژوهش گر برنامه خاورمیانه در مؤسسه سلطنتی مسائل بین المللی لندن.
 - ۷- ۸۰۷. روزنامه وال استریت ژورنال، ۳ دسامبر ۱۹۸۸ (۱۲ / ۹ / ۱۳۶۷).

نویسنده کتاب «عقاب و شیر» نیز طی سخن رانی خود در کنفرانس «انقلاب اسلامی ایران ده سال بعد»، درباره ایران گفت:

«دو موضع کلیدی در مورد ایران وجود دارد؛ نخست موضعی که مرکز اصلی آن عربستان سعودی بود و در سال های ۸۳ - ۱۹۸۲ به شدت به صورت برجسته بروز کرد، که واگذاری ایران و عراق [به حال خود] در دو سال اول جنگ و سیاست حفظ فشار بر ایران و در منگنه قرار دادن این کشور از خطوط برجسته این سیاست بود. موضع دوم، [مربوط به] عمل گرایان طرفدار جغرافیای استراتژیک بود که به ایران به عنوان یک ابرقدرت منطقه ای می نگرد؛ کشوری با منابع سرشار، موقعیتی بسیار مهم و جمعیتی عظیم. آنها استدلال می کنند که ایران باید ایفای نقش کند و این نقش عاملی خواهد بود در حل آن چه که در افغانستان می گذرد. عمل گرایان می گویند، امریکا و ایران در دراز مدت به هم نیاز دارند. این دو کشور دارای مشترکات زیادی هستند که می توانند با یکدیگر کار کنند. خط مشی این عمل گرایان آن بوده است که برای هموار کردن راه، اندکی به ایران فشار آورند و نگذارند که از طریق طرف های ثالث عالی رتبه ژاپنی و آلمانی مسائل حل نشود» (۱).

فرض اصلی در تحلیل های ارائه شده - گذشته از درستی و نادرستی آنها - بر پایه دو ملاحظه کلی صورت می گرفت. نخست: تأثیر پایان جنگ پس از موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ در سیاست های داخلی و خارجی این کشور و ایجاد تغییرهایی در این سیاست ها و دوم: ضرورت برقراری ارتباط امریکا و غرب با ایران - با در نظر گرفتن ملاحظه اول - به منظور موازنه جدید در منطقه و نیز مهار بحران های احتمالی منطقه ای که اساسا می توانند از برتری غیرقابل تردید عراق ناشی شوند.

ص: ۲۰۶

۱- ۸۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۸، برگزیده ای از سخن رانی های کنفرانس انقلاب ایران ده سال بعد، بهمن ۱۳۶۷، «جیمز آی بیل».

انتشار متن مذاکرات در غیر از رسانه های خبری که جنبه های تبلیغاتی و تحلیلی در آنها غلبه دارند، برای نخستین بار در کتاب «تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران» نوشته آقای علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران - منتشر شد. نظر به اهمیت و ضرورت طرح این بحث و به دلیل دسترسی نداشتن به سایر منابع، گزارش این مذاکرات عمدتاً با اتکاء به کتاب یاد شده تنظیم و تدوین شده است. لذا برای آگاهی بیش تر، خوانندگان محترم برای اطلاع بیش تر می توانند به این کتاب مراجعه کنند.

نخستین مذاکرات در ژنو

با وجود دشواری های فراوان، سرانجام در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ آتش بس میان دو کشور ایران و عراق برقرار شد، اما با توجه به وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی و جبهه های نظامی، به نظر می رسید، اوضاع به نحو آشکاری شکننده است و هر گونه حادثه یا واکنش نامناسب می تواند منجر به از سرگیری درگیری ها شود. بنابراین، برای «تحکیم آتش بس»، اجرای بند ۱ قطع نامه ۵۹۸ مبنی بر عقب نشینی به مرزهای بین المللی الزامی بود ولی این امر بدون انجام مذاکره میان دو کشور ایران و عراق، تحقق نمی یافت. بدین منظور، دبیرکل سازمان ملل بلافاصله پس از پایان مذاکرات آتش بس و با استناد به موافقت دو کشور برای انجام مذاکرات مستقیم، طی نامه ای از وزیران خارجه ایران و عراق خواست، در مذاکرات شرکت کنند. (۱) با وجود مخالفت عراق برای شرکت در جلسات که موجب تأخیر در برگزاری آن شد، سرانجام، با اعلام آمادگی این کشور و سفر وزیران خارجه ایران و عراق به ژنو، سوم شهریور ۱۳۶۷ نخستین دور مذاکرات آغاز شد. (۲) در این مذاکرات، «عقب نشینی به مرزهای بین المللی» مورد اهتمام ایران بود، در حالی که عراقی ها لایروبی اروند و آزادی کشتی رانی را با آتش بس مرتبط دانسته و حتی تلویحا، تهدید می کردند، در صورت عدم پذیرش لایروبی و آزادی کشتی رانی، آتش بس در خطر است. (۳).

ضرورت مقابله با تلاش های جدید عراق که به منزله آغاز «جنگ صلح»

ص: ۲۰۷

۱- ۸۰۹. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۳۳.

۲- ۸۱۰. پیشین، ص ۳۳۴.

۳- ۸۱۱. پیشین، ص ۳۳۶.

بود، باعث شد وزیر خارجه وقت ایران طرحی را برای مقابله با پیشنهادهای خارج از دستور جلسه تهیه کند. وی در ملاقات با دبیرکل ضمن ارائه طرح خود تأکید کرد:

«ما مخالف هر صحبتی یا طرحی هستیم که عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر را مخدوش نماید، ولو این که مذاکرات به بن بست برسد، این، از تعلیمات مستقیم رهبر انقلاب امام خمینی به این جانب است.»

آقای ولایتی سپس افزود:

«لایروبی قاعده خاصی دارد که در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مندرج است» (۱).

در واقع، با انجام نخستین دوره مذاکرات کاملاً آشکار شد که عراقی‌ها به هیچ وجه مایل به پیش رفت مذاکرات نیستند و با مطرح کردن مسئله لایروبی به جای عقب نشینی عملاً تلاش می‌کردند که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را نادیده بگیرند. در این حال بود که دبیرکل سازمان ملل ژنو را ترک کرده و آقای «الیاسون» را به عنوان نماینده خود در مذاکرات معرفی نمود (۲) و در پی آن دومین دور مذاکرات به ریاست نماینده دبیرکل آغاز شد. تداوم سرسختی عراق در مذاکرات سبب شد تا آقای «پیکو» یکی از دستیاران دبیرکل در ملاقاتی بگوید:

«نظر عراقی‌ها این است که نقش سازمان ملل حفظ شود» (۳).

سفیر وقت ایران در ژنو نیز برای توضیح وضعیت موجود با دبیرکل ملاقات کرد. در این دیدار، دبیرکل با اعلام حمایت از نظرات و برنامه‌های ایران، گفت:

«عراقی‌ها در کار خود سرسخت و یک دنده هستند... آتش بس در حال حاضر شکننده است» (۴).

بدین ترتیب و پس از پایان دومین دور مذاکرات بدون دستیابی به نتیجه‌ای مفید، الیاسون اعلام کرد، از طرف دبیرکل به او دستور داده شده است که به مذاکرات پایان دهد. ایران نیز با آگاهی از ماهیت رفتارهای عراق

ص: ۲۰۸

۱- ۸۱۲. پیشین، ص ۳۳۷.

۲- ۸۱۳. پیشین، ص ۳۴۱.

۳- ۸۱۴. پیشین، ص ۳۴۳.

۴- ۸۱۵. پیشین، ص ۳۴۴.

مبنی بر انجام مذاکرات دو جانبه و حذف نظارت بین المللی، تلاش کرد مذاکرات در نیویورک و تحت نظر دبیرکل ادامه یابد. بر همین اساس، آقای الیاسون، نماینده دبیرکل پس از قرائت بیانیه دبیرکل و تأکید بر «اجرای بند ۱ قطع نامه» بدون هیچ گونه تأخیر (۱)، از وزیران خارجه دو کشور دعوت کرد، در سپتامبر ۱۹۸۸ میلادی (شهریور - مهر ۱۳۶۷) در نیویورک به مذاکرات ادامه دهند. (۲) ولی وزیر خارجه عراق ضمن مخالفت با تعلیق مذاکرات، عدم موافقت کشورش را برای ادامه مذاکرات در نیویورک، به این دلیل که نیویورک شهر بی طرفی نیست، اعلام کرد. سرانجام پس از مشورت دبیرکل با ۱۵ عضو شورای امنیت و حمایت آنان از ادامه مذاکرات در نیویورک، آقای الیاسون طی بیانیه ای پیشنهاد دبیرکل را برای ادامه مذاکرات در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ (۳۱ شهریور ۱۳۶۷) تکرار کرد. (۳) طارق عزیز در این باره اعلام کرد:

«ما نظر دبیرکل را برای تشکیل یک جلسه در نیویورک می پذیریم، اما تاریخ آن مناسب نیست» (۴).

عراقی ها مایل بودند پس از مذاکره ای یک جلسه ای در نیویورک، جلسات بعدی در ژنو تشکیل شود. به همین دلیل، طارق عزیز گفت:

«تا تاریخ مذاکرات مجدد در ژنو تعیین نشود، مذاکرات فعلی را ما تمام شده نمی دانیم» (۵).

ادامه مذاکرات در نیویورک

پس از حضور وزیران خارجه دو کشور در نیویورک، نخستین جلسه مذاکرات سه جانبه با حضور دبیرکل در ۹ مهر ۱۳۶۷ (اول اکتبر ۱۹۸۸) آغاز شد. عراقی ها در این جلسه علاوه بر خواسته های پیشین، خواهان تغییر محل مذاکرات بودند. نظر به این که در بند ۱ قطع نامه تصریح شده بود، پس از برقراری آتش بس در زمین، هوا و دریا، عقب نشینی بدون تأخیر انجام پذیرد،

ص: ۲۰۹

۱- ۸۱۶. پیشین، ص ۳۴۶.

۲- ۸۱۷. پیشین، ص ۳۴۷.

۳- ۸۱۸. پیشین، ص ۳۴۸.

۴- ۸۱۹. پیشین، ص ۳۴۸.

۵- ۸۲۰. پیشین، ص ۳۴۸.

این اقدام عراق به منزله کارشکنی در انجام مذاکرات و ممانعت از بحث محتوایی بود. به همین دلیل، عراقی‌ها ضمن کارشکنی و اختلال در روند مذاکرات، تلاش می‌کردند که از چنین اتهامی رهایی یابند. بر پایه همین ملاحظات وزیر خارجه عراق در این جلسه گفت:

«نیویورک شهر بی طرفی نیست، عراق در مورد مسائل محتوایی در ایالات متحده نمی‌تواند صحبت کند» (۱).

بدین ترتیب، نخستین دور مذاکرات در نیویورک به دلیل دست نیافتن به توافقی در مورد محل مذاکرات و شروع بحث محتوایی، به پایان رسید. در حد فاصل زمان باقی مانده تا آغاز دومین دور مذاکرات، الیاسون با توجه به پذیرش مواضع مثبت ایران و کارشکنی عراق به سفیر وقت ایران در نیویورک گفت:

«ما در بعضی اوقات می‌توانیم رأساً عمل کنیم ولی در بعضی اوقات دیگر، نیاز به همکاری دو طرف داریم و نمی‌خواهیم بر عراق فشار زیادی بیاید که آتش بس شکننده شود» (۲).

این اظهارات نشان می‌داد که سازمان ملل با وجود آگاهی از کارشکنی عراق، به دلیل نگرانی از رفتار احتمالی عراق و شرایط شکننده‌ای که وجود داشت، مایل به اعمال فشار بر این کشور نبود.

دومین دور مذاکرات با حضور دبیرکل در ۱۴ مهر ۱۳۶۷ (۶ اکتبر ۱۹۸۸) آغاز شد. در این جلسه، دبیرکل گفت:

«ما قادر نبوده‌ایم، چیزی را که مایلیم به دست آوریم که آن مسئله نیت رسمی دو طرف به اجرای کامل «بند ۱» در همین زمان و مکان است.... جریان مذاکرات باید ادامه یابد، راه دیگری نیست» (۳).

در این جلسه، وزیر خارجه ایران بار دیگر تأکید کرد، به دلیل کارشکنی‌های عراق نتیجه‌ای حاصل نشده است. (۴) بدین ترتیب، دبیرکل پس از پایان دومین

ص: ۲۱۰

۱- ۸۲۱. پیشین، ص ۳۵۲.

۲- ۸۲۲. پیشین، ص ۳۵۵.

۳- ۸۲۳. پیشین، ص ۳۵۷.

۴- ۸۲۴. پیشین، ص ۳۵۷.

دور مذاکرات که همچنان بی نتیجه مانده بود، در گزارشی به شورای امنیت، با ایجاد اطمینان مبنی بر «عدم خطر جدی برای شکستن آتش بس» و تأکید بر «ضرورت عقب نشینی به عنوان تنها راه برای مستحکم ساختن آتش بس» (۱)، زمان دور جدید مذاکرات را در ژنو اعلام کرد.

در همین حال، جمهوری اسلامی ایران در ادامه تلاش های دیپلماتیک خود، ضمن اعزام هیئت های به کشورهای عضو سازمان ملل و بعضی کشورهای مؤثر و ذی نفوذ، در ۲۵ مهر ۱۳۶۷ برای توجیه نمایندگان دیگر کشورهای مقیم تهران، تمام سفیران را به موازات امور خارجه دعوت کرد (۲).

ادامه مذاکرات در ژنو

در مجموع هفت دوره مذاکرات با حضور دبیرکل در ژنو انجام شد که در مقایسه با مذاکراتی که پیش از این در ژنو و سپس نیویورک صورت گرفته بود، این دور از مذاکرات از نتایج چشم گیری برخوردار بود. نخستین دور مذاکرات مستقیم که زیر نظر دبیرکل در روز سه شنبه، دهم آبان ۱۳۶۷ برگزار شد، دکوئیا اظهار امیدواری کرد، بر خلاف مذاکرات نیویورک، دو طرف در ژنو وارد بحث های ماهوی شوند. (۳) وزیر خارجه ایران در این جلسه مجدداً تأکید بر ضرورت اجرای بند ۱ قطع نامه مبنی بر عقب نشینی به مرزهای بین المللی (۴)، تصریح کرد، نقشه ها و مدارک، همان اسناد و نقشه های عهدنامه ۱۹۷۵ میلادی هستند که در سازمان ملل ثبت شده است وزیر خارجه عراق نیز مواضع پیشین را بار دیگر تکرار کرد.

دومین دور مذاکرات روز بعد (۱۱ آبان ۱۳۶۷) آغاز شد. دبیرکل با توجه به موافقت ایران و عراق با طرح چهار ماده ای دبیرکل که مورد حمایت شورای امنیت قرار داشت، تصریح کرد، دو کشور توافق کرده اند، نیروهای خود را به مرزهای شناخته شده بین المللی عقب بکشند و این اقدام، طی دو هفته

ص: ۲۱۱

۱- ۸۲۵. پیشین، صص ۳۵۹ و ۳۶۰.

۲- ۸۲۶. پیشین، ص ۳۵۹.

۳- ۸۲۷. پیشین، ص ۳۶۲.

۴- ۸۲۸. پیشین، ص ۳۶۳.

انجام خواهد گرفت و دو طرف متعهد شده اند از اقداماتی که منجر به تغییر آرایش نظامی آنان شود، خودداری کنند. در حالی که طارق عزیز مجدداً مواضع پیشین کشورش را تکرار می کرد، وزیر خارجه ایران در این جلسه نیز، موافقت خود را با متن ارائه شده در سخنان مقدماتی دبیرکل اعلام کرد. (۱) وی پیشنهاد کرد، اسناد مربوط به تأیید و تکمیل عقب نشینی که همان عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر هستند، در اختیار گروه های ناظر بر آتش بس قرار گیرند. (۲) طارق عزیز نیز در این مذاکرات گفت:

«آزادی کشتی رانی و لایروبی شط العرب [اروندرو] آتش بس را کامل می کند و اگر این ها درست شود، قطع نامه نیز اجرا خواهد شد» (۳).

وی سپس تهدید کرد:

«اگر وزیر خارجه ایران به عقب نشینی تقدم می دهد، باید بداند که ما آتش بس را مستحکم نکرده ایم. بنابراین، حالت آتش بس نمی تواند خیلی زیاد دوام بیاورد و باید آن را تحکیم کرد» (۴).

با وجود این مجادلات، به تدریج دبیرکل سازمان ملل سایر بندهای توافق چهار ماده ای را قرائت کرد.

عدم تمایل عراق به پیش رفت مذاکرات و تکرار مواضع پیشین در مقابل پاسخ های وزیر خارجه ایران، محتوای مذاکرات را به مباحث تکراری تبدیل کرده بود و با وجود تلاش های دبیرکل در مذاکرات سه جانبه و دو جانبه با دو طرف، هیچ گونه گشایش قابل ملاحظه ای در گفت و گوها حاصل نمی شد. در همان حال، نگرانی نسبت به احتمال درگیری مجدد سبب شده بود، مذاکرات تحت نظر دبیرکل ادامه یابد. بدین ترتیب، سومین دور مذاکرات سه جانبه روز ۱۴ آبان ۱۳۶۷ آغاز شد. دبیرکل در آغاز این مذاکرات، بر پایه تجارب به دست آمده از مذاکرات پیشین، گفت:

«در صورتی که موضوعات را به طور انفرادی بحث کنیم، هیچ یک از طرفین

ص: ۲۱۲

۱- ۸۲۹. پیشین، ص ۳۷۲.

۲- ۸۳۰. پیشین، ص ۳۷۳.

۳- ۸۳۱. پیشین، ص ۳۷۳.

۴- ۸۳۲. پیشین، ص ۳۷۴.

دبیرکل که معتقد بود برای رسیدن به تفاهم مشترک، باید مسائل را در یک مجموعه (Package) بررسی کرد (۱) و افزود:

«فرض من بر این است که برای دست یابی به صلح به ژنو آمده ایم، پیش رفت ما بستگی به تصمیم سیاسی و اراده طرفین دارد. تفاهم سیاسی کلید رسیدن به صلح است و هیچ یک از پیشنهادها جایگزین اراده سیاسی نخواهد شد» (۲).

دبیرکل در ادامه اظهارات خود، دو طرف را ترغیب کرد تا گفت و گوها را زیر نظر الیاسون ادامه دهند. (۳) بدین ترتیب، دور سوم مذاکرات بدون دست یابی به نتیجه مشخصی پایان یافت و دبیرکل با برداشتی که نسبتاً به ماهیت مذاکرات داشت، مسئولیت مذاکرات را بر عهده نماینده خود، الیاسون گذاشت و ژنو را به مقصد نیویورک ترک کرد.

چهارمین دور مذاکرات با ریاست الیاسون در ۱۶ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد. الیاسون در این نشست، با توجه به این که دبیرکل پیش از رفتن به نیویورک، بر ایجاد کمیته مشترک نظامی و برداشتن گام های اولیه برای آزادی اسرای معلول و بیمار تأکید کرده بود (۴)، اظهار امیدواری کرد مذاکرات از روند سازنده ای برخوردار شود. در این دور از مذاکرات نیز هر یک از وزیران خارجه ایران و عراق بار دیگر مواضع و دیدگاه های خود را تکرار کردند. الیاسون پس از گوش دادن به سخنان دو طرف تأکید کرد:

«ما مشتاق به ادامه مذاکرات سازنده هستیم» (۵).

وی ابراز تمایل کرد که در جلسات کارشناسان که روز بعد برگزار خواهد شد، موضوعات مورد علاقه دو طرف برای نیل به اهداف قطع نامه مورد بررسی قرار گیرد.

پنجمین دور مذاکرات نیز در ۱۷ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد. در این جلسه، الیاسون با بیان نظریات دو طرف در پنج بند که در مذاکرات قبلی تاکنون

ص: ۲۱۳

۱- ۸۳۳. پیشین، ص ۳۷۹.

۲- ۸۳۴. پیشین، ص ۳۸۰.

۳- ۸۳۵. پیشین، ص ۳۸۱.

۴- ۸۳۶. پیشین، ص ۳۸۲.

۵- ۸۳۷. پیشین، ص ۳۹۲.

مطرح شده بود (۱) گفت:

«به نظر من، این تفاوت‌ها غیر قابل حل نیستند، ما نیاز به فرمول‌های عملی داریم و اگر نتوانیم، با ابتکار این راه‌ها را به اتمام برسانیم، تا خیر بیش‌تری را سبب خواهیم شد.»

وی دو طرف را به ارائه ایده‌ها و فرمول‌های اجرایی دعوت کرد. (۲) الیاسون در پایان جلسه پس از بیان مواضع دو طرف به این دلیل که مسیر بحث‌ها سازنده می‌شود، تشکر کرد و بار دیگر بر اهمیت ادامه بحث سازنده تأکید کرد (۳).

ششمین دور مذاکرات در فضایی مشابه گذشته، در ۱۹ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد. الیاسون در آغاز این جلسات گفت:

«باید درک کنیم که نیازی به پیش‌رفت در کارمان وجود دارد و گزینه محتمل است که جریان صلح در خطر قرار گیرد.»

وی در ادامه، با اشاره به گفت‌وگوی جداگانه با وزیران خارجه ایران و عراق و بیان این که اراده ایجاد حسن هم‌جواری و روابط صلح‌آمیز در دو طرف وجود دارد گفت:

«هر چند که از مذاکرات برمی‌آید، سوءظن متقابل از نیت طرفین هم وجود دارد» (۴).

وزیر خارجه ایران در این جلسه پس از توضیحاتی درباره خودداری از پراکنده‌گویی و تشتت‌آفرینی در اظهارنظرها، گفت:

«عقب‌نشینی ارتباطی به پیش‌رفت مسائل مختلف ندارد و باید هر چه زودتر انجام شود» (۵).

وی تأکید کرد:

«چیزی که آتش بس را تهدید می‌کند، عقب‌نشینی نکردن است» (۶).

الیاسون در پایان این دور از مذاکرات، با ابراز خرسندی از مطالبی که بیان

ص: ۲۱۴

۱- ۸۳۸. پیشین، ص ۳۹۴.

۲- ۸۳۹. پیشین، ص ۳۹۴.

۳- ۸۴۰. پیشین، ص ۳۹۹.

۴- ۸۴۱. پیشین، ص ۴۰۰.

۵- ۸۴۲. پیشین، ص ۴۰۱.

۶- ۸۴۳. پیشین، ص ۴۰۳.

شد، گفت:

«ما به جهتی می رویم که آمادگی برای ایجاد کمیون مشترک نظامی بیش تر شده است.»

وی سپس پیشنهاد کرد که روز بعد، مجددا جلسه مذاکرات با حضور وزیران خارجه دو کشور برگزار شود. (۱).

الیاسون در ابتدای هفتمین دور از مذاکرات که در ۲۰ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد، گفت:

«به پایان دو هفته مذاکره در ژنو می رسیم و قدم های مثبتی در خصوص کمیته بین المللی صلیب سرخ و حل مسئله اسرا و شروع کار گروه نظامی برداشته شد.... به هر حال آنچه گفته شد، گام های کوچکی است که در راه پیش رفت برداشته شده است» (۲).

وی سپس پیام دبیرکل را قرائت کرد. در این پیام تصریح شده بود:

«اگر قرار است که پیش رفت قابل توجهی در نشست های آینده داشته باشیم، اتخاذ تصمیم سیاسی در این مورد ضروری است.»

در بخش دیگری از این پیام اظهار تأسف شده بود که دبیرکل نمی تواند در گزارش به شورای امنیت از پیش رفت مذاکرات صحبت کند (۳).

بدین ترتیب، مذاکرات در ژنو به پایان رسید و دبیرکل نیز در گزارش خود به شورای امنیت، ضمن مختصر خواندن پیش رفت در گفت و گوها، تأکید کرد، در تفسیر از آتش بس، زمان خروج نیروها و لایروبی اروندرود [شط العرب] اختلافاتی وجود دارد. (۴) ادامه مجادلات در مذاکرات موجب یأس و سرخوردگی دبیرکل سازمان ملل و شورای امنیت شد، به گونه ای که گمان می رفت، دبیرکل و شورای امنیت، موضوع مذاکرات را رها کنند (۵) و این به زیان ایران و برابر خواسته و خط مشی عراق بود.

ص: ۲۱۵

۱- ۸۴۴. پیشین، ص ۴۰۴.

۲- ۸۴۵. پیشین، ص ۴۰۴.

۳- ۸۴۶. پیشین، ص ۴۰۵.

۴- ۸۴۷. پیشین، ص ۴۰۵.

۵- ۸۴۸. پیشین، ص ۴۱۰.

در پی اقداماتی که پس از پایان مذاکرات ژنو تا دور جدید مذاکرات انجام گرفت و نیز سفر نماینده ویژه دبیرکل به بغداد و ارسال نامه های وزیران خارجه ایران و عراق به دبیرکل، مجددا در ۲۸ بهمن ۱۳۶۷ ملاقات سه جانبه ای در نیویورک با حضور دبیرکل انجام گرفت. در این جلسه، دبیرکل با توجه به دیدگاه های دو طرف گفت:

«دو طرف نیاز دارند که از مذاکرات صلح، محترمانه و سربلند و سرافراز بیرون آیند و برای این که به یک صلح پایدار و بلند مدت برسیم، باید در این جریان پیروز و یا بازنده ای وجود نداشته باشد» (۱).

پس از سخنان دبیرکل طارق عزیز ضمن اعلام موافقت با اظهارات دبیرکل گفت:

«دیدارهای گذشته ما بیش تر شبیه به مجادله و جنگ تبلیغی بود و به مذاکره شباهت نداشت» (۲).

آقای ولایتی هم در ابتدای اظهارات خود تصریح کرد:

«در سه نوبت مذاکرات گذشته، ما به هیچ نتیجه مطلوب و ملموس نرسیده ایم.»

وی خطاب به دبیرکل افزود:

«بنا به دعوت شما به نیویورک آمدیم، به رغم این که هیچ قرینه ای جدی از تغییر اوضاع نداریم» (۳).

پس از اظهارات وزیران خارجه دو کشور، اجلاس نیویورک به پایان رسید و مقرر شد ادامه مذاکرات بار دیگر در ژنو انجام شود. در فروردین ۱۳۶۸ دبیرکل با انتشار بیانیه ای ضمن اشاره به مذاکرات کارشناسی اعلام کرد که دو طرف توافق کرده اند، دور جدیدی از مذاکرات مستقیم در سطح وزیران زیر نظر دبیرکل از ۲۰ آوریل ۱۹۸۹ (۳۱ فروردین ۱۳۶۸) در ژنو برگزار شود (۴).

ص: ۲۱۶

۱- ۸۴۹. پیشین، ص ۴۱۴.

۲- ۸۵۰. پیشین، ص ۴۱۵.

۳- ۸۵۱. پیشین، ص ۴۱۶.

۴- ۸۵۲. پیشین، ص ۴۱۹.

قبل از برگزاری نخستین دور مذاکرات جدید در ژنو، الیاسون در ملاقات با وزیر خارجه ایران گفت:

«ما مشکلی اساسی و جدی با عراق نداریم» (۱).

مذاکرات جدید در ژنو

در نخستین دور مذاکرات که در ۳۱ فروردین ۱۳۶۸ در ژنو برگزار شد، پس از سخنان دبیرکل، طارق عزیز گفت که از آغاز مذاکرات هشت ماه می گذرد، ولی نتیجه ای به دست نیامده است. و سپس ایران را به برخورد غیر منطقی متهم کرد. آقای ولایتی نیز در پاسخ به این اظهارات و تمایل ایران به صلح سؤال کرد:

«چگونه می شود که از حسن هم جواری و آینده خوب و سازنده روابط صحبت کرد در حالی که خاک این کشور توسط دیگری اشغال شده است؟»

وی همچنین گفت:

«پس از برقراری آتش بس هیچ پیش رفت جدی در مسیر اجرای قطع نامه حاصل نشده است و این مغایر با هدف ما است» (۲).

طارق عزیز در ادامه اظهارات خود همانند وزیر خارجه ایران تصریح کرد:

«هر دو طرف به این نتیجه رسیده ایم که پیش رفت نداشته و به نتایج ملموسی دست نیافته ایم.»

دبیرکل در پایان، در واکنش به اظهارات وزیران خارجه دو کشور گفت:

«این موجب نگرانی و ناراحتی من است» (۳).

در دومین مذاکرات که روز دوم اردیبهشت ۱۳۶۸ برگزار شد، دبیرکل با صراحت اعلام کرد:

«این حرکت نامطلوبی است که ما پس از یک سال به چیزی جز همان آتش بس و استقرار نیروهای ناظر صلح سازمان ملل نرسیم.... عدم اجرای

ص: ۲۱۷

۱- ۸۵۳. پیشین، ص ۴۲۰.

۲- ۸۵۴. پیشین، ص ۴۲۳.

۳- ۸۵۵. پیشین، ص ۴۲۳.

قطع نامه بدون آثار نخواهد بود» (۱).

دبیرکل سازمان ملل در پایان اظهارات خود خطاب به وزیران خارجه دو کشور درخواست کرد:

«به جای تکرار مواضع گذشته، مذاکرات را در جهت اجرای مفاد قطع نامه به پیش ببرید» (۲).

با وجود درخواست دبیرکل، نه تنها در این جلسه بلکه در سومین دور مذاکرات که یک روز بعد و در ۳ اردیبهشت ۱۳۶۸ برگزار شد، هیچ نتیجه و پیش رفتی حاصل نشد و عملاً، روند مذاکرات در حد فاصل اردیبهشت تا آبان سال ۱۳۶۸ بیش از شش ماه متوقف ماند (۳).

در هر صورت این مرحله از مذاکرات با وجود صرف وقت، نتیجه مشخصی دربر نداشت و همین امر، منجر به یأس و سرخوردگی دبیرکل و اعتراف تلویحی وی به شکست مذاکرات شد. وی پس از شنیدن سخنان وزیرای ایران و عراق گفت:

«غلبه بر مشکلات و موانع موجود، جز با عزم جزم از سوی دو طرف میسر نخواهد شد» (۴).

در این حال، در صحنه بین المللی از یک سو، «صلح طلبی ایران» و در مقابل، کارشکنی های عراق در روند صلح آشکار شد. همچنین سازمان ملل و شورای امنیت نشان دادند، تمایلی به اجرای قطع نامه در شرایط خاص حاکم بر آتش بس نداشتند (۵) و اگر هم می داشتند، ابزار لازم را برای اعمال فشار بر عراق و اجرای قطع نامه ۵۹۸ در اختیار نداشتند. بدین ترتیب، در این مرحله از مذاکرات، ایران مانند دوران جنگ، تنها و غریب در صحنه مذاکرات برای احقاق حق خود به تلاش پرداخت و با هوشیاری و مقاومت، امید گرفتن امتیاز را از دشمن سلب کرد و به استعمارگران اجازه سوء استفاده از وضع نه جنگ و نه صلح را نداد (۶).

ص: ۲۱۸

۱- ۸۵۶. پیشین، ص ۴۲۴.

۲- ۸۵۷. پیشین، ص ۴۲۵.

۳- ۸۵۸. پیشین، ص ۴۳۱.

۴- ۸۵۹. پیشین، ص ۴۴۵.

۵- ۸۶۰. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، متن نامه های مبادله شده بین رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۴، مقدمه آقای هاشمی رفسنجانی.

۶- ۸۶۱. پیشین.

با وجود توقف در روند مذاکرات وزیران خارجه ایران و عراق، تحرکات سیاسی دیگری انجام شد. از جمله می توان به سفیر الیاسون، نماینده دبیرکل سازمان ملل در آبان ۱۳۶۸ به تهران و بغداد اشاره کرد. وی ملاقات های متعددی را در سطوح مختلف انجام داد. پس از آن دبیرکل گزارش نتایج این سفر را در ۱۷ آذر ۱۳۶۸ در جلسه ای خصوصی به اطلاع اعضای شورای امنیت رساند. (۱) به موازات بن بست در مذاکرات، دو جریان دیگر در حال شکل گیری بود که به تدریج تأثیر و نتایج این جریان ها بر روند مذاکرات ایران و عراق مناسبات و عراق با برخی از کشورهای منطقه، امریکا و اسرائیل آشکار شد. جریان اول، تهدیدات عراق علیه ایران و جریان دوم، افزایش تنش میان عراق و برخی کشورها بود. طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق در ۱۳ آذر ۱۳۶۸ طی مصاحبه ای اختصاصی با مجله «التضامن» گفت:

«همه شهروندان عراق می دانند که شط العرب [اروندرو] در طول تاریخ به عراق تعلق داشته و بایستی دیر یا زود به این کشور بازگردانده شود... عراق هنوز از جانب ایران تهدید می شود و ما هنوز در وضعیت نه صلح و نه جنگ به سر می بریم.»

رمضان سپس تهدید کرد:

«اگر ایران شرایط جدیدی فراهم آورد، این امر ادامه شرایط جنگی سابق نیست، بلکه جنگ تازه ای با شیوه و تاکتیک جدید خواهد بود.»

وی در توضیح جنگ تازه گفت:

«مقصودم این است، از نظر شیوه رزمی و حجم خسارات احتمالا- جنگی تازه خواهد بود، زیرا ما دیگر جنگ هشت ساله به ملتیمان تحمیل نخواهیم کرد» (۲).

ص: ۲۱۹

۱- ۸۶۲. مأخذ ۴۱، ص ۴۳۵.

۲- ۸۶۳. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه ۱۴۴۴، ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۶۸، به نقل از التضامن، ۱۳ / ۹ / ۱۳۶۸.

پس از رحلت امام خمینی رحمت الله علیه در خرداد ۱۳۶۸ عراقی ها - با توجه به تبلیغات رسانه های خارجی - با این فرض که کشمکش تازه ای در عرصه قدرت سیاسی روی خواهد داد، تحولات داخل ایران را با دقت زیر نظر داشتند. رمضان در همین مصاحبه گفت:

«هنوز مراکز تصمیم گیری در ایران مشخص نشده و احتمال بروز تحولات تازه ای وجود دارد» (۱).

این اظهارات به خوبی نشان می دهد که عراقی ها پس از رحلت امام و با این تصور که روند بی ثباتی سیاسی در ایران آغاز شده است، نخست از انجام مذاکرات سه جانبه خودداری کردند و با اعلام مواضع جدید، دست به تهدیدات ایران زدند. آزمایش موشک ۴۸ تنی سه مرحله ای عراق و پرتاب آن به فضا در آذر ۱۳۶۸ در واقع نشان دادن قدرت مندی عراق و پشتوانه اظهارات جدید مقام های این کشور بود. طارق عزیز، وزیر خارجه عراق پس از آزمایش موفقیت آمیز این موشک، در سخنانی گفت:

«کشورش قادر است هر نقطه ای در جهان را مورد حمله قرار دهد.... عراق همچنان مورد تهدید ایران است، لذا باید قدرت دفاعی خود را افزایش دهد تا طرف مقابل را از هر گونه اقدامی بازدارد» (۲).

طارق عزیز در مورد دلیل کاربرد موشک جدید نیز گفت:

«اگر هر کشوری در منطقه یا خارج از منطقه به عراق حمله کند، این کشور حق دارد که در مقابل متجاوز از خود دفاع کند» (۳).

افزایش قدرت موشکی و تهدید عراق مبنی بر مقابله با هر کشوری در منطقه یا خارج از منطقه، حاوی مفاهیم بسیار گسترده ای بود که جریان جدیدی را در رسانه های غربی بر علیه عراق شکل داد و به تدریج زمینه های افزایش تنش در روابط عراق با امریکا و اسرائیل و برخی از کشورهای منطقه از جمله عربستان و کویت را فراهم ساخت و سرانجام، با اقدام عراق در اشغال

ص: ۲۲۰

۱- ۸۶۴. پیشین.

۲- ۸۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۷۲، ۲۶ / ۹ / ۱۳۶۸، طارق عزیز، ۲۵ / ۹ / ۱۳۶۸.

۳- ۸۶۶. پیشین.

کویت، بحران گسترده ای منطقه را فراگرفت.

عراقی ها با درکی که نسبت به اوضاع داخلی ایران پس از رحلت امام و منطقه داشتند، از این پس ادامه شرایط نه جنگ و نه صلح را به زیان خود ارزیابی می کردند، لذا در مرحله نخست، تلاش کردند، با تهدید ایران، این کشور را به نادیده انگاشتن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و پذیرش صلح تحمیلی وادار کنند، لیکن مقاومت ایران منجر به ارائه طرح پیشنهادی (۱) صدام در ۱۵ دی ۱۳۶۸ شد. صدام به مناسبت شصت و نهمین سالگرد تأسیس ارتش عراق، طرح صلح خود را مطرح کرد که شامل موارد زیر بود:

۱- مبادله کلیه اسرای مجروح و معلول و نیز کلیه اسرای که تا سال ۱۹۸۲ میلادی اسیر شده اند.

۲- ملاقات مقام های ایرانی و عراقی در تهران و بغداد به منظور حل اختلافات و درک بهتر دیدگاه های طرفین در زمینه اجرای قطع نامه ۵۹۸.

۳- گشودن مرزهای دو کشور و افتتاح دفاتر هواپیمایی ایران و عراق در بغداد و تهران و فراهم آوردن تمهیدات لازم برای مشتاقان زیارت اماکن متبرکه در دو کشور (۲).

محتوای این پیشنهاد گرچه بیانگر خط مشی عراق مبنی بر حذف سازمان ملل و دبیرکل از روند مذاکرات یا تأکید بر مذاکرات مستقیم میان دو کشور بود و در گذشته صدام چند بار از طریق نمایندگی های عراق در آلمان و سوئیس و جاهای دیگر پیام خود را برای مقام های ایرانی ارسال کرده بود (۳).

اما محتوای این پیام ها با توجه به اقدامات بعدی عراق، و همچنین محتوای نامه صدام به رئیس جمهور ایران نشان دهنده ی تلاش عراق برای به دست

ص: ۲۲۱

۱- ۸۶۷. صدام در نخستین نامه ای که برای رهبران ایران در اردیبهشت ۱۳۶۹ ارسال کرد به این پیشنهاد اشاره داشته.

۲- ۸۶۸. مأخذ ۴۱، ص ۴۳۸.

۳- ۸۶۹. مأخذ ۹۳.

گرفتن ابتکار عمل و پایان دادن به شرایط نه جنگ و نه صلح بود.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل بی‌اعتمادی نسبت به فعالیت‌های عراق و نگرانی از تهدیدات این کشور علیه خود، ضمن نادیده گرفتن پیشنهاد جدید عراق، در جبهه‌های جنگ نیز آمادگی نظامی خود را آشکار ساخت. در این خصوص، مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای، با توجه به نامه آقای ولایتی که در آن نگرانی خود را از اقدام نظامی عراق ابراز کرده بود، نیز ضمن دستور اعزام تیم بازرسی از ستاد کل نیروهای مسلح، به خطوط مقدم و بررسی وضعیت منطقه، به نیروهای سپاه و ارتش ابلاغ فرمودند که از آمادگی و هوشیاری لازم برخوردار شوند.

بن بست حاکم بر مذاکرات در یک نگاه کلی، متأثر از عوامل گوناگونی بود، از یک سو عراق در نظر داشت، آنچه را که در جبهه‌های جنگ و متکی بر توان نظامی در ماه‌های پایانی جنگ به دست نیاورده بود در پشت میز مذاکره کسب کند و در سوی دیگر میز مذاکره، جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم دست نیافتن به پیروزی قطعی نظامی، به دلیل هشت سال مقاومت جنگ در برابر توسعه طلبی و اقدامات تجاوزکارانه عراق و تأکید بر تحقق خواسته‌های برحق خود، نمی‌توانست، شرایط عراق را بپذیرد. همچنین، ایران، با تعیین اولویت‌های جدید و با تأکید بر بازسازی و توسعه اقتصادی، روند تازه‌ای را پس از جنگ، در پیش گرفته بود. علاوه بر آن دورنمای روشنی برای تحمیل اراده سیاسی و خواسته‌های ایران بر عراق با تأکید بر راه‌های غیر دیپلماتیک وجود نداشت، زیرا ایران از نظر نظامی در موقعیتی قرار نداشت که به اهداف خود با ابتکار عمل نظامی دست یابد. در همین حال آمریکا، غرب و سازمان ملل نیز فاقد انگیزه، اراده و ابزار لازم برای اعمال فشار بر عراق بودند. در نتیجه به نظر می‌رسید، ادامه وضعیت «نه جنگ نه صلح» با توجه به دورنمای مبهم روند صلح و به دلیل خطرات موجود، موجب نگرانی کشورهای منطقه و تا اندازه‌ای

ایران و عراق شده بود. ریشه این مسئله - صرف نظر از هر گونه ملاحظاتی - اساساً به این موضوع بازمی‌گشت که ایران و عراق هیچ‌یک به شکلی تعیین‌کننده، در جنگ پیروز نشده بودند، بنابراین، قادر نبودند راه حل موردنظر خود را بر دیگری تحمیل کنند. در عین حال، هیچ‌یک از دو طرف در موقعیتی قرار نداشت که بتواند شکست را بپذیرد (۱).

تلاش صلح جویانه

در حالی که مذاکرات و روش صلح جویانه به صورتی اجتناب‌ناپذیر بر دو طرف تحمیل شده بود و عملاً امکان گشایش بن بست و پیش‌رفت در مذاکرات بسیار ضعیف به نظر می‌رسید، سه راه کار کلی برای پشت سر نهادن این وضعیت وجود داشت:

۱- اعمال فشار بین‌المللی بر عراق به منظور ایجاد تمکین در آن کشور برای پذیرش راه حل مسالمت‌آمیز زیر نظر سازمان ملل و دبیرکل، برخی از تحلیل‌گران معتقد بودند که بدون وارد آوردن فشار از خارج، چشم‌اندازی برای تحرک وجود ندارد؛ همان‌گونه که بدون فشار، امکان برقراری آتش‌بس وجود نداشت. (۲) این روش، به دلیل نبود ابزار و تمایل همراه با وحدت اراده در اعضای شورای امنیت، نمی‌توانست نتیجه مطلوبی داشته باشد، چرا که در این برهه زمانی روس‌ها از موضع عراق حمایت کرده و خواستار مذاکره مستقیم میان دو طرف درگیر و یا میانجی‌گری مسکو بودند.

۲- آغاز مجدد درگیری نظامی به وسیله یکی از دو طرف علیه دیگری با هدف کسب برتری و تحمیل خواسته‌های خود بر طرف مقابل؛ بر پایه نظر برخی منابع، احتمال داشت عراق با توجه به پیش‌رفت‌هایش در تهیه و ساخت تسلیحات شیمیایی، میکروبی و موشکی، از آنها استفاده کند. چنان‌که، برخی از مقام‌های رسمی عراق صریحاً به این مسئله اشاره کرده بودند. به نظر

ص: ۲۲۳

۱- ۸۷۰. مأخذ ۱۰.

۲- ۸۷۱. پیشین.

می رسید، ظرفیت لازم برای شروع جنگی دیگر در منطقه، تا اندازه ای در داخل ایران و احتمالاً در داخل عراق وجود نداشت. با این حال وضعیت به گونه ای بود که معاون وزارت خارجه امریکا در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آن کشور گفت:

«طرفین از آتش بس راضی نیستند و هر دو طرف تهدید به از سرگیری فعالیت نظامی کرده اند. هیچ حرکتی در جهت اجرای قطع نامه ۵۹۸ وجود نداشته و هیچ حادثه خاصی وجود ندارد که ما را متقاعد کند که احتمال آغاز جنگ از شش ماه پیش تر است» (۱).

۳- تلاش دیپلماتیک دو طرف درگیر جهت به دست گرفتن ابتکار عمل برای خروج مذاکرات از بن بست؛ این راه کار که می توانست در روند مذاکرات گشایشی به وجود آورد، به وسیله عراق - نظر به اهداف و شرایطی که داشت - با ارسال نامه برای رئیس جمهور ایران آغاز شد و سرانجام، به پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق و عقب نشینی نیروهای این کشور از خاک ایران و آزادی دو جانبه اسرا منجر شد.

زمینه های تلاش صلح جویانه

شرایط و عواملی که به ابتکار عمل عراق در انتخاب روش صلح جویانه منجر گردید زمینه های متفاوتی داشت که به تدریج نشانه های آن آشکار شد. اما به طور مشخص، می توان گفت، موافقت جمهوری اسلامی با قطع نامه ۵۹۸، رحلت امام خمینی در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تعیین اولویت های سیاست خارجی و داخلی ایران با تأکید بر توسعه اقتصادی و ابراز تمایل ایران به تنش زدایی و بهبود مناسبات با همسایگان (۲) و در مقابل ادامه سیاست توسعه طلبانه عراق

ص: ۲۲۴

۱- ۸۷۲. بولتن وزارت اطلاعات، ۲۸ / ۹ / ۱۳۶۸.

۲- ۸۷۳. تمایل ایران به تنش زدایی و بهبود مناسبات با همسایگان با اقدام در میانجی گری برای حل مناقشات آسیای میانه و قفقاز آشکار شد.

در منطقه و اعمال تهدید و ارباب علیه همسایگان و قدرت نمایی با آزمایش پرتاب موشک ۴۸ تنی سه مرحله ای به فضا، زمینه آغاز رویکرد جدید منطقه ای امریکا و غرب را فراهم ساخت. بر اساس این رویکرد جدید، به نظر می رسد، از این پس مأموریت صدام برای مقابله با انقلاب اسلامی به پایان رسیده است. روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از یک هفته نامه چاپ لندن در این باره نوشت:

«بغداد دیگر نمی تواند ادعا کند که در حال ایفای نقش مهمی در جلوگیری از انقلاب ایران است. بلکه تاکنون تنها خود را درگیر مداخله در مناقشه اعراب و اسرائیل کرده است. جنگ علیه ایران از یک جنبه، مأموریتی برای نشان دادن برتری استراتژیک عراق بود و صدام مأموریت داشت، جلوی انقلاب ایران را بگیرد و از گسترش بنیادگرایی اسلامی به سراسر منطقه جلوگیری کند» (۱).

بعدها، پس از اشغال کویت، صدام نیز در مصاحبه با شبکه تلویزیونی فرانسه، به مأموریت عراق در جهت منافع غرب اشاره کرد و گفت:

«عراق برای منافع غرب با ایران جنگید و اگر کشورش موفق نمی شد جلوی پیش روی نیروهای ایرانی را بگیرد، وضعیت کنونی غرب نامعلوم بود» (۲).

در همین راستا، به تدریج موج جدیدی در رسانه های خارجی با ابراز نگرانی نسبت به افزایش توان نظامی عراق و ضرورت مهار آن، مطرح شد. به طور طبیعی این مسئله از نظر مسئولان و تصمیم گیرندگان عراق پوشیده نبود و می توان بخشی از ریشه های ابتکار عمل عراق برای صلح با ایران را در همین نگرش جست و جو کرد.

قدرت نظامی عراق با پرتاب احتمالا موفقیت آمیز نخستین موشک ماهواره ای دوربرد به فضا و پرتاب دو فروند موشک زمین به زمین دیگر با برد دو هزار کیلومتر خطری برای تمام منطقه مدیترانه و اروپای غربی - حداقل در بخش جنوبی آن - ارزیابی می شد. (۳) روزنامه اشپگل، چاپ آلمان طی

ص: ۲۲۵

۱- ۸۷۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۹.

۲- ۸۷۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۹.

۳- ۸۷۶. ستاد مشترک ارتش (سماجا)، بولتن اخبار و گزارشات روزانه ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۸، شماره ۹۳.

«دهه جدید، عصر رسیدن عراق به تکنولوژی مدرن می باشد و برای اولین بار، خطر در تیررس قرار گرفتن قاهره، آتن، استامبول و تمام نقاط ایران و اسرائیل و منطقه خاورمیانه توسط عراق وجود دارد» (۱).

احتمال دست یابی عراق به بمب اتمی با کمک چین و برخی کشورهای دیگر و همچنین، گسترش تسلیحات شیمیایی، این کشور را قادر می ساخت با استفاده از موشک کندور ۲، با برد ۲۰۰۰ کیلومتر حتی بتواند، به عنوان یک قدرت نظامی برتر در منطقه، خودنمایی کند و با بهره برداری از این قدرت، بر فشار خود به کشورهای منطقه بیفزاید. (۲) بر مبنای این تحلیل ها برخی کارشناسان توصیه می کردند، باید کاری کرد که محاسبات بغداد به هم خورده و عراقی ها پی ببرند که تلاش های دست رسی به سلاح های هسته ای مقرون به صرفه نخواهد بود (۳).

در این راستا، امریکایی ها در ادامه فشار تبلیغاتی و روانی علیه عراق، پرداخت وام یک میلیارد دلاری به این کشور را لغو کردند (۴) و انگلیسی ها نیز پس از اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی انگلیس و عراق در لندن، اعتبار صادراتی عراق طی سال ۱۹۹۰ میلادی را بیش از ۳۰ درصد کاهش دادند (۵).

افزایش تنش در روابط عراق و امریکا و همچنین تهدیدهای عراق و اسرائیل علیه یکدیگر در این مرحله قابل ملاحظه بود. صدام طی سخنانی، از حضور امریکا در منطقه با توجه به برقراری آتش بس، انتقاد کرد و تکرار این مطلب از سوی امریکایی ها که «قصدها دارند در منطقه بمانند» را سؤال برانگیز دانست. (۶) روزنامه القادسیه، ارگان ارتش عراق نیز سیاست امریکا در جهان عرب را با توطئه چینی و تهدیدات دانست و شعار «یانکی به خانه ات برگرد» را به عنوان شعار مردم جهان مورد استقبال قرار داد. (۷) صدام در این مرحله به

ص: ۲۲۶

۱- ۸۷۷. مأخذ ۹۶، دی ولت، چاپ آلمان غربی، ۱۰ دسامبر ۱۹۸۹ (۱۹ / ۹ / ۱۳۶۸).

۲- ۸۷۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۹، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۹، رادیو امریکا، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۹، لئونارد اسپکنر، کارشناس امور هسته ای در بنیاد مطالعاتی صلح کارنگی در واشنگتن. ۳- ۸۷۹. پیشین.

۴- ۸۸۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۸، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۹، رادیو بین المللی فرانسه.

۵- ۸۸۱. هفته نامه آدینه، شماره ۵، ۹ / ۱۰ / ۱۳۶۸، روابط اقتصادی عراق و انگلیس.

۶- ۸۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۳۷، ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۸، صدام حسین در ملاقات جان کلی معاون وزارت امور خارجه امریکا، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۸.

۷- ۸۸۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۳۶، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۸، بغداد، آسوشیتدپرس، ۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۸.

صورت تلویحی از موضع برخی کشورهای میانه رو عرب مانند کشورهای ثروتمند خلیج فارس و طرف دار امریکا انتقاد کرد. (۱) صدام در گفت و گو با مبارک، رئیس جمهور مصر در مورد مواضع اخیر خود گفت:

«عراق در برخورد با قدرت های بزرگ جهانی به شیوه «سر زیر خاک بردن همچون شتر مرغ» اعتقاد ندارد و پس از پیروزی در جنگ با ایران، روش عقب نشینی در صحنه سیاست جهانی را نمی پذیرد» (۲).

در پی نگرانی عراق از اقدام ناگهانی اسرائیل علیه این کشور - همانند حمله اسرائیل به دو مرکز اتمی عراق در سال ۱۹۸۱ میلادی، پس از تجاوزش به ایران - اسرائیل را به مقابله به مثل تهدید کرد. صدام در دیدار با پنج سناتور امریکایی از جمله؛ «رابرت دال» رئیس اقلیت جمهوری خواه سنا که در موصل انجام گرفت، تصریح کرد:

«من دستور خودم را برای فرماندهان نیروی هوایی و فرماندهان موشکی عراق در مورد این که به محض اطلاع از حمله اسرائیل با بمب اتمی، به کمک سلاح شیمیایی دوگانه پاسخ دهند را صادر کرده ام.... احتمال دارد، روزی به هنگام گردهمایی فرماندهان نظامی، اسرائیل یک بمب اتمی به بغداد شلیک کند، از این رو، به فرماندهان برای پاسخ گویی به چنین حمله ای دستور واضح صادر کرده ام» (۳).

در این حال، ولیعهد بحرین در مصاحبه با مجله «السیاسه» در تداوم مواضع عراق گفت:

«اگر اسرائیل اشتباه کند و به عراق حمله کند، پاسخ عراق سخت خواهد بود» (۴).

واکنش عمومی اعراب نیز نسبت به هشدارهای صدام مثبت و قابل ملاحظه بود، حتی حافظ اسد از مواضع بغداد پشتیبانی کرد. در حالی که عراقی ها نگران حمله ناگهانی اسرائیل بودند و نسبت به آن هشدار می دادند،

ص: ۲۲۷

۱- ۸۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۴۴، ۸ / ۱۲ / ۱۳۶۸، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۱۲ / ۱۳۶۸، مقاله روزنامه تایمز مالی.

۲- ۸۸۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۱، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۹، روزنامه السیاسه، چاپ کویت.

۳- ۸۸۶. مأخذ ۱۱۱، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۴- ۸۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۶، ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی.

«عراق ممکن است بدون تحریک قبلی به اسرائیل حمله کند. ما بیانیه های عراق را خصمانه تلقی می کنیم» (۱).

آغاز صلح جویی با فرستادن نامه برای رهبران ایران

نخستین نامه رئیس جمهور عراق

در حالی که فضای بین المللی به شدت علیه عراق شکل می گرفت و تهدیدهای متقابل عراق و اسرائیل علیه یکدیگر احتمال وقوع درگیری مجدد در منطقه را افزایش داده بود، در ۵ اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه سر بسته ای از رئیس جمهور عراق و آقای یاسر عرفات برای مقام معظم رهبری و رئیس جمهور ایران ارسال شد. به منظور بررسی مضامین نامه و همچنین تهیه جواب و برخورد مناسب با این موضوع، در ۸ اردیبهشت ۱۳۶۹ جلسه ای در محضر مقام معظم رهبری و با شرکت اعضای شورای عالی امنیت و مشاوران سیاسی رهبری و رئیس جمهور تشکیل شد. (۲) در این نشست، با توجه به شرایط حاکم بر منطقه، احتمالات زیادی در مورد انگیزه و علت اصلی اقدام عراق مطرح شد. در حالی که وضعیت عراق از نظر اقتصادی، مشکلات سیاسی اش با همسایگان و طلب کاران به ویژه امریکا و فرانسه، توجهات را به خود معطوف کرده بود، کمتر احتمال داده می شد که جنگی بین عراق و حامیان دیروز و آن روزش به وجود آید (۳).

صدام در نخستین نامه خود ضمن اشاره به ابتکار پنجم ژانویه ۱۹۹۰ میلادی، تصریح می کند:

«تاکنون متقابلاً به صلح مورد علاقه دو کشورمان راه نیافته ایم تا با هم از بلایای جنگ و امکان شعله ور شدن مجدد آن فاصله بگیریم» (۴).

وی می افزاید:

ص: ۲۲۸

۱- ۸۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۳، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۹، بیت المقدس، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۹.

۲- ۸۸۹. مأخذ ۱۰۱.

۳- ۸۹۰. پیشین، ص ۱۵.

۴- ۸۹۱. پیشین، ص ۲۱.

«بدیهی است که امر خیر و آنچه می تواند پایه و اساسی برای آمال و آرزوها باشد، ممکن است در هاله ای از حدس و گمان ها و تفسیرهای شک برانگیز قرار گیرد.» (۱).

در این نامه، ضمن اشاره به احتمال شعله ور شدن مجدد جنگ امکان حدس و گمان ها و تفسیرهای شک برانگیز نسبت به اقدام غیرقابل پیش بینی عراق ابراز شده است. صدام در ادامه نامه خود، به اخبار مربوط به تهدیدهای صهیونیسم و برخی ابرقدرت ها اشاره کرده و احتمال «از سرگیری ستیز مسلحانه و خونین، بین ایران از یک طرف و امت عربی از طرف دیگر» را مورد بررسی قرار می دهد. همچنین، وی در این نامه پیشنهاد ملاقات مستقیم در مکه مکرمه یا هر مکان دیگری را مطرح و اظهار امیدواری می کند:

«بدین ترتیب، خون هایی را که چه بسا بار دیگر به هر علت بر زمین ریخته شود، محفوظ بداریم، زیرا از جمله احتمالات مترتب بر وضع موجود این که عوامل دست اندرکار وقوع فتنه میان ایران و عراق در گذشته، بار دیگر برای شروع مجدد جنگ به نحوی که صلح را از دو کشورمان دور سازد، تلاش کنند» (۲).

در نخستین نامه رئیس جمهوری عراق، کلیه کلمات و عبارات، ابهام برانگیز و نگران کننده بودند و حتی از این عبارات نوعی تهدید قابل استنباط بود؛ با این حال، در یک نگاه کلی و با توجه به فضای تنش زا در منطقه، نفس اقدام عراق مثبت ارزیابی می شد. طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق در سخنانی، با تأیید ارسال نامه صدام به ایران گفت:

«این نامه، نامه صلح بوده است» (۳).

رادیو لندن طی تفسیری در این باره گفت:

«دوران ما و عمل غرب با عراق به پایان رسیده است و همه این واقعیات برای تغییر و تفسیر علل اقدام سازش کارانه اخیر صدام جهت حل اختلافات با ایران کمک می کنند» (۴).

ص: ۲۲۹

۱- ۸۹۲. پیشین، صص ۲۱ و ۲۲.

۲- ۸۹۳. پیشین، ص ۲۳.

۳- ۸۹۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۴۵، ۱۴ / ۲ / ۱۳۶۹، بخش عربی رادیو بغداد، ۱۳ / ۲ / ۱۳۶۹.

۴- ۸۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۳، ۲۲ / ۲ / ۱۳۶۹، رادیو لندن، ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۹.

نگرانی برخی از محافل نسبت به ماهیت اقدام اخیر عراق و پی آمدهای احتمالی آن، منجر به ایجاد ابهام نسبت به ابتکار عمل جدید عراق شد.

رادیو اسرائیل طی تفسیری، هدف عراق از این اقدام را حذف سازمان ملل از دور مذاکرات دانست. (۱) رادیو مسکو نیز در تفسیری گفت:

«علائم سازش احتمالی روز به روز آشکار می شود» (۲).

روزنامه الدستور نیز نوشت:

«این ابتکار، به خودی خود مسئله مهمی است و برای اولین بار برای شکستن بن بست مذاکرات، دو طرف به مبادله مستقیم نظریات خود پرداخته اند. این اقدام نشانه خرسندی رهبری عراق است، زیرا این کار به عراق فرصت می دهد، در صورت هر گونه مقابله احتمالی با اسرائیل از جانب ایران آسوده خاطر باشد» (۳).

پاسخ رئیس جمهور ایران به نامه رئیس جمهور عراق

با توجه به اقدامات اخلاص گرانه عراق در مذاکرات صلح وجود ابهاماتی در خصوص انگیزه صدام حسین از ارسال نامه به رئیس جمهور ایران و همچنین، محتوای این نامه، سرانجام پس از بحث و بررسی های انجام شده، به وسیله رهبران جمهوری اسلامی آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت ایران در پاسخ به نامه صدام می نویسد:

«به راستی اگر مطالبی که در این پیام آمده [است] هشت سال پیش مورد توجه واقع می شد و ارسال پیام جای اعزاز سرباز را می گرفت، امروز دو کشور ایران و عراق و شاید همه امت اسلامی با این همه خسارات و ضایعات مواجه نبود» (۴).

در ادامه نامه نوشته شده است:

«در همان آغاز انقلاب اسلامی جنگی ناخواسته و ویرانگر بر ما تحمیل شد و بخش بزرگی از سرزمین ها در مرزهای غربی کشور اشغال گردید» (۵).

ص: ۲۳۰

۱- ۸۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۶، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۹، رادیو اسرائیل، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۹.

۲- ۸۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۷، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۹، رادیو مسکو، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۹.

۳- ۸۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۸، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۹، امان، خبرگزاری کویت، ۲۶ /

۲ / ۱۳۶۹.

۴- ۸۹۹. مأخذ ۱۰۱، ص ۳۰.

۵- ۹۰۰. پیشین، ص ۳۰.

با توجه به برداشتی که نسبت به ماهیت تهدید آمیز نامه صدام وجود داشت در نامه آقای هاشمی تصریح شده است:

«ادامه وضع نه صلح نه جنگ و یا تجدید جنگ برای هر دو کشور و هر دو ملت عراق و ایران، ویرانی بیش تر و برای امت اسلامی، ناتوانی و برای کفر جهانی، شادمانی و فرصت کسب امتیاز به بار خواهد آورد.»

آقای هاشمی (فرمانده عالی جنگ در سال های پایانی مقاومت هشت ساله) با اشاره به تجربه جنگ، به صدام یادآوری می کند:

«تجربه جنگ تحمیلی به دیرباوران هم فهماند که تهاجم نظامی قادر نخواهد بود که پایه های انقلاب اسلامی متکی بر اراده مردم مسلمان را متزلزل سازد» (۱).

وی در بخش دیگری از نامه خود نوشت:

«ما از هر گونه ابتکار و پیشنهادی که دو کشور را به صلح جامع برساند استقبال می کنیم و وضعیت نه جنگ و نه صلح را مطلوب نمی دانیم» (۲).

همچنین در این نامه تصریح شده است:

«ادامه اشغال بخشی از سرزمین ما می تواند حرکت ما را در راه تحصیل صلح جامع، کند و یا بی ثمر کند.»

رئیس جمهور اسلامی ایران در ادامه تأکید می کند:

«قبل از تماس رؤسای جمهوری، نمایندگان بحث های کارشناسی را انجام دهند و شیوه اقدام به گونه ای باشد که خللی به اعتبار قطع نامه ۵۹۸ که چارچوب مناسبی برای حل و فصل اختلافات است، وارد نشود» (۳).

همان گونه که از محتوای این نامه روشن است، پاسخ ارائه شده کاملاً احتیاط آمیز بود. در این نامه ضمن استقبال از صلح، به تهدیدهای احتمالی پاسخ داده شده و تلاش شده است، حقانیت مواضع و اقدامات ایران با توجه به ماهیت رفتار تجاوزکارانه عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اثبات شود.

ص: ۲۳۱

۱- ۹۰۱. پیشین، صص ۳۰ و ۳۱.

۲- ۹۰۲. پیشین، ص ۳۱.

۳- ۹۰۳. پیشین، ص ۳۲.

نماینده خبرگزاری فرانسه واکنش اخیر ایران را که به مبادله نامه میان رؤسای جمهوری دو کشور ایران و عراق منجر شد، به منزله عقب نشینی این کشور از مواضع قبلی خود ارزیابی کرد، همچنین خبرنگار شبکه «سی.بی.اس» آمریکا در آستانه شکل گیری مرحله جدیدی از مناسبات ایران و عراق این سؤال را طرح کرد که «چگونه می شود به عراق اطمینان کرد؟» (۱).

دومین نامه رئیس جمهور عراق

در نامه دوم صدام که در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۹ نوشته شد، آمده است:

«برداشت ما این بود که شما با پیشنهاد ما در زمینه برگزاری «ملاقاتی در سطح سران» برای حل و فصل قاطع و نهایی مشکلات موجود بین دو کشور که علت کشمکش و یا نتیجه آن بوده [است]، موافقت دارید و ما از این امر خوشحال شدیم» (۲).

صدام در این نامه اشاره کرده است:

«روح پیام شما آن چنان که ما امیدوار بودیم نبود» (۳).

وی در مورد علت مکاتبه مستقیم به عنوان روشی مفیدتر برای ایران و عراق و همچنین، مفهوم صلح و نحوه تحقق آن می نویسد:

«صلح بین دو کشور نمی تواند بر این اساس که مقرون به باور طرف دیگر باشد، تحقق یابد و عنایت یک طرف به صلح بدون آن که به موازات آن اندیشه ها، مفاهیم و روش ها توسط طرف مقابل نیز مورد عنایت قرار گیرد، مفید فایده نخواهد بود» (۴).

صدام با گلایه از به کارگیری برخی عبارات از جمله «جنگ تحمیلی» و «والسلام علی من اتبع الهدی» به جای «والسلام علیکم» می افزاید:

«به کارگیری الفاظ و عبارات زمان جنگ این توهم را به وجود نمی آورد که به کار برنده آن الفاظ به قدرتی افزون بر قدرت شناخته شده آن در زمان جنگ،

ص: ۲۳۲

۱- ۹۰۴. مأخذ ۱۲۷، سازمان ملل، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۰۵. مأخذ ۱۰۱، ص ۳۵.

۳- ۹۰۶. پیشین، ص ۳۵.

۴- ۹۰۷. پیشین، ص ۳۶.

دست یافته است؟» (۱).

در ادامه نامه درخواست شده است:

«هیچ یک از طرفین به گذشته نپردازد تا بدین وسیله به آینده لطمه نزنند. (۲)... [زیرا] هر یک از طرفین نزاع برای آغاز جنگ، تاریخ خاص خود را دارد» (۳).

«در این نامه تأکید شده است: هیچ یک از دو طرف کشمکش شایسته نیست که پیش بهایی برای دیدار مستقیم غیر از تمایل جدی به تحقق صلح، نپردازد» (۴).

این درخواست، بیش تر در پاسخ به درخواست ایران مبنی بر عقب نشینی از مناطق اشغالی بود. زیرا در ادامه همین عبارات، توضیحاتی در مورد زمان عقب نشینی نیروهای عراقی در سال ۱۹۸۲ میلادی در مقایسه آن با شرایط عقب نشینی ایران از حلبچه آمده است.

دیدار نمایندگان دو کشور

در پی موافقت با پیشنهاد آقای هاشمی مبنی بر دیدار نمایندگان دو کشور قبل از ملاقات سران، «برزان ابراهیم التکریتی» و آقای «سیروس ناصری» به عنوان نمایندگان دو کشور، مذاکرات را آغاز کردند و در مورد تعیین مکان، از ایران درخواست شد نظر خود را به طور صریح بیان کند.

به تدریج، مندرجات نامه های سران دو کشور منجر به نوعی مجادله شد، همان گونه که در مذاکرات صلح، بین وزیران خارجه ایران و عراق چنین بحث های بی نتیجه ای مطرح شده بود. در واقع، این اظهارات بخشی از دیدگاه ها، حقایق و واقعیت های گذشته را مطرح می ساخت و به لحاظ تاریخی ارزشمند بود، اما به هیچ وجه به گشایش در بن بست مذاکرات و رهایی از وضعیت «نه جنگ نه صلح» کمک نمی کرد.

ص: ۲۳۳

۱- ۹۰۸. پیشین، ص ۳۷.

۲- ۹۰۹. پیشین، ص ۳۸.

۳- ۹۱۰. پیشین، ص ۳۸.

۴- ۹۱۱. پیشین، ص ۳۹.

رئیس جمهور ایران در نامه دوم خود که در ۲۸ خرداد ۱۳۶۹ نوشته شد، تصریح می کند:

«جواب نامه دوم را هم می دهیم ولی انتظار داریم، بعد از این وقت را با مبادله نامه ها تلف نکنیم» (۱).

در این نامه در پاسخ به گله های رئیس جمهور عراق آمده است:

«در نامه شما آداب معمول در مکاتبات رسمی و رایج رعایت نشده (۲)، ولی بهتر است که بگذاریم و بگذریم» (۳).

در ابتدای این نامه، تصریح شده است، برخلاف انتظار و درخواست صدام، حضرت آیت الله خامنه ای در مذاکرات شرکت نکرده و رئیس جمهور با اختیارات کامل عمل خواهد کرد. همچنین، در این نامه به بخشی از بحث های مطرح شده در نامه صدام در مورد عقب نشینی پاسخ داده شده و سپس در نامه ای سیروس نصری به عنوان نماینده رئیس جمهور در مذاکرات معرفی می شود. (۴) در این نامه، شهر مکه به عنوان محل مذاکرات - به خاطر نقش سعودی در زمان جنگ - پذیرفته نشده و مقرر می شود، در آستانه شروع مذاکرات، محل مشخص شود. در این نامه، آقای هاشمی بر این مسئله تأکید می کند که دبیرکل در جریان مذاکرات قرار گیرد تا از ابتکارهای ایشان در راه تحکیم صلح استفاده شود (۵).

صدام در سومین نامه خود در ۲۵ تیر ماه ۱۳۶۹ (۱۶ ژوئیه ۱۹۹۰) درخواست اعزام نماینده به تهران را مطرح می کند که به آن پاسخ داده نمی شود. چهارمین نامه عراق نیز که آخرین نامه آن کشور پیش از تهاجم به کویت است، در ۸ مرداد ۱۳۶۹ (۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰) نوشته شد. این نامه به لحاظ محتوایی با نامه های قبلی کاملاً تفاوت داشت، صدام در این نامه، نظرات

ص: ۲۳۴

۱- ۹۱۲. پیشین، ص ۴۳.

۲- ۹۱۳. پیشین، ص ۴۴.

۳- ۹۱۴. پیشین، ص ۴۵.

۴- ۹۱۵. پیشین، ص ۴۶.

۵- ۹۱۶. پیشین، ص ۴۷.

خود را در ۱۳ بند درباره دست یابی به صلح ارائه می کند. در مقدمه ی این نامه آمده است:

«پس از بررسی دقیق تحول روابط و وضعیت فعلی میان عراق و ایران و خطراتی که منطقه را در بر گرفته و محیط بر آن شده [است] و... خود را در موقعیت ارائه پیشنهاد تازه ای یافتیم» (۱).

در این نامه بار دیگر به نیروهای اهریمنی اشاره شده و آمده است:

«[آنها می خواهند] با استناد به این واقعیت که جنگ بین دو کشور از نظر حقوقی پایان نیافته است، دو کشور را به سوی آنچه مجددا جرقه جنگ را بزند، سوق دهند» (۲).

صدام در این نامه به جبهه خشکی (مرز زمینی) ایران و عراق به طول ۱۲۰۰ کیلومتر و مرز آبی در دریا به طول ۸۰۰ کیلومتر اشاره می کند. (۳) استفاده از عبارت ۸۰۰ کیلومتر مرز دریایی که شامل سواحل کویت، عربستان، بحرین، قطر و امارات متحده عربی نیز می شود، ابهامات زیادی را به هنگام مطالعه نامه برانگیخت. شاید این عبارت، صریح ترین عبارتی باشد که صدام در این نامه به کار برده است و بدین وسیله، در واقع، به اهداف خود مبنی بر تصرف کویت و گسترش مرز دریایی اشاره می کند. نظر به این که چنین احتمالی پیش از اشغال کویت داده نمی شد لذا، مقام های ایرانی این عبارات را به منزله نوعی تهدید ارزیابی کردند، زیرا صدام در این نامه بار دیگر به احتمال از سرگیری جنگ ایران با بهانه های ساده اشاره می کند (۴).

در بند ۳ این نامه به اصل توافق برای آغاز مذاکرات اشاره شده و در بند ۴ بر عقب نشینی نیروهای دو کشور در مدت دو ماه پس از تصویب نهایی توافق های همه جانبه دو طرف تأکید شده است. در بند ۵ نیز آمده است، آزادی اسرا همانند عقب نشینی و هم زمان با آن (برابر بند ۴) قابل اجرا می باشد. در سایر بندها نیز به موضوعاتی مانند نحوه تصمیم گیری در مورد

ص: ۲۳۵

۱- ۹۱۷. پیشین، ص ۵۱.

۲- ۹۱۸. پیشین، ص ۵۲.

۳- ۹۱۹. پیشین، ص ۵۲.

۴- ۹۲۰. پیشین، ص ۵۲.

اروندرو، تضمین اجرای قطع نامه از سوی یک مرجع بین المللی، نحوه تقسیم کمک های بین المللی برای بازسازی دو کشور و گشایش سفارت خانه ها در تهران و بغداد اشاره شده است. در آخرین بخش این نامه آمده است:

«پیشنهاد فوق فراگیر بوده و اجزای آن به هم پیوسته و غیر قابل تفکیک است و رسیدن به آن با استمداد از تجربه و نیز گفت و گوی نمایندگان ما در ژنو، آقایان ناصری و برزان، ممکن گشته است» (۱).

به موازات تبادل نامه میان رؤسای جمهوری ایران و عراق و مذاکرات نمایندگان دو کشور در ژنو، کم کم نشانه هایی مبنی بر حل تدریجی اختلافات ایران و عراق آشکار شد. رادیو مسکو طی تحلیلی در این باره گفت:

«در حال حاضر پایه و اساس خوبی برای رفع نهایی حالت جنگ میان دو کشور فراهم شده است و مسکو در حال حاضر از کوشش های خود برای حل و فصل مسائل مورد اختلاف میان ایران و عراق دست بر نمی دارد» (۲).

رادیو مسکو در تحلیل دیگری در مورد فرآیند این مذاکرات گفت:

«بازی دیپلماتیک میان ایران و عراق ممکن است برای آینده مناسبات ایران و عراق اهمیت قاطعی داشته باشد» (۳).

روزنامه القادسیه چاپ عراق نیز نوشت:

«عراق مشتاق است که از راه گفت و گو به حالت نه جنگ و نه صلح با ایران پایان دهد، قرارداد صلح را امضا کند و موجبات تقویت مناسبات آینده با ایران را بر شالوده احترام متقابل و علاقه بر امنیت و صلح منطقه ای فراهم آورد» (۴).

با ادامه گفت و گوی نمایندگان ایران و عراق در ژنو، بخش فارسی رادیو امریکا گفت:

«برای نخستین بار از زمان انقلاب اسلامی تاکنون، نمایندگان ایران و عراق بدون حضور نمایندگان سازمان ملل متحد، یکدیگر را ملاقات می کنند.»

رادیو امریکا در ادامه گفتار خود به نقل از دیپلمات ها، ملاقات نمایندگان

ص: ۲۳۶

۱- ۹۲۱. پیشین، صص ۵۳ تا ۵۷.

۲- ۹۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۶۹، ۷ / ۳ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، رادیو مسکو، ۶ / ۳ / ۱۳۶۹.

۳- ۹۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۰، ۱۸ / ۳ / ۱۳۶۹، رادیو مسکو، ۱۷ / ۳ / ۱۳۶۹.

۴- ۹۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۳، ۲۱ / ۳ / ۱۳۶۹، رادیو امریکا، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۹.

دو کشور را قدمی مثبت و مهم در راه رسیدن به صلح خواند.

روزنامه نیویورک تایمز نیز درباره تأثیر موافقت ایران و عراق در تحولات منطقه نوشت:

«این می تواند توازن منطقه را برهم بزند و تأثیر مهمی بر حوادث خاورمیانه و در نتیجه خصومت بین اعراب و اسرائیل بر جای بگذارد» (۱).

در این حال، اسرائیل با نگرانی از روند تحولات اخیر، تلاش می کرد، در روابط ایران و عراق خراب کاری کند و شکاف دیدگاه های میان دو کشور را عمیق تر سازد (۲).

پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در پی اشغال کویت

اشغال کویت و بازتاب های آن

ماشین جنگی عراق در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ (دوم اوت ۱۹۹۰ میلادی) با حرکتی برق آسا از ساعت ۲ نیمه شب تا ساعت ۸ صبح (در مدت هشت ساعت) کویت را اشغال کرد (۳)، و بدین ترتیب، نطفه یکی از مهم ترین رخدادهای تعیین کننده و تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه در چند دهه اخیر بسته شد. استعداد ارتش عراق در این عملیات بالغ بر ۹۵ هزار تن شامل یگان های پیاده و زرهی بود و در مقابل، ارتش کوچک کویت با ۲۰ هزار نیرو مقاومت قابل توجهی در برابر این حمله از خود نشان نداد. عراق با متصرفات جدید از توانائی های تاکتیکی و استراتژیکی جدیدی برخوردار شد که به دلیل پی آمدهای، آن برای قدرت های منطقه ای و بین المللی قابل هضم و پذیرش نبود. ارزش اولیه تسلیحات کویت که طی این حمله در اختیار ارتش عراق قرار گرفت حدود ۳۰ میلیارد دلار بود که در آن میان، ۱۳۰ فروند هواپیما، ۱۰۰ فروند هلی کوپتر، ۷۰ فروند انواع شناورهای نظامی، ۱۰۰ سکوی متحرک پرتاب موشک ضد هوایی با بیش از ۵۰۰ فروند موشک، ۱۰۰

ص: ۲۳۷

۱- ۹۲۵. دفتر سیاسی نمایندگی امام در سپاه، «رویدادها»، نشریه شماره ۲۹۷، نیویورک تایمز، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۴، ۱ / ۴ / ۱۳۶۹، کویت، خبرگزاری کویت، به نقل از یک روزنامه کویتی، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۹.

۳- ۹۲۷. عباس عطاری کرمانی، روز شمار جنگ نفت، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۰.

دستگاه تانک و نفربر تنها بخشی از این تسلیحات بودند. اعلام الحاق کویت و هفت جزیره این کشور به خاک عراق که در واقع سرزمینی برابر با بیش از ۱۷ هزار کیلومتر مربع و ساحلی به طول ۲۵۰ کیلومتر با ۹ پاسگاه بندر دریایی را شامل می شد، عراق را از موقعیت ژئواستراتژیکی مناسبی برخوردار کرد و مناطق تحت نفوذ این کشور تا نزدیکی های تنگه هرمز گسترش داد. همچنین با توجه به ذخایر نفتی کویت که ۱۰۹ میلیارد بشکه تخمین زده می شد، به اضافه ذخایر نفتی خود عراق که حدود ۷۵ میلیارد بشکه بود، عراق را به ثروتمندترین (۱) کشور منطقه تبدیل کرد (۲).

سرعت عمل عراق و در مقابل، غافل گیری کویت و حامیان آن موجب به بار آمدن خسارت های زیادی از جمله اشغال کویت شد. امیر کویت با وجود استقرار نیروهای نظامی عراق در مرز کویت و فضای تنش زا میان دو کشور، با اعتماد به سرویس اطلاعاتی امریکا و نیروهای نظامی این کشور، از اطمینان خاطر مبالغه آمیزی برخوردار بود و لذا هیچ گونه تمهیداتی برای مقابله و یا فرار فراهم نکرده بود، به همین دلیل امیر کویت بلافاصله پس از آغاز پیش روی ارتش عراق در خاک کویت، در نیمه های شب سراسیمه درخواست و خود را به سفارت امریکا رساند و با هلی کوپتر به عربستان رفت و وزیران او نیز جاده ۵۰ کیلومتری کویت تا عربستان را با ماشین پیمودند و تنها برادر کوچک امیر تا آخرین لحظه مقاومت کرد و کشته شد (۳).

ریچارد مورفی، معاون وقت وزیر خارجه ریگان در نخستین واکنش به حمله عراق در گفت و گو با برنامه صبح شبکه تلویزیونی سی.ان.ان گفت:

«حرکت صدام همه را غافل گیر کرد.... در دوران بعد از جنگ جهانی دوم این نخستین بار است که یک کشور عربی مورد تجاوز یک کشور عربی دیگر قرار

ص: ۲۳۸

۱- ۹۲۸. ذخایر نفتی عربستان ۱۶۴ میلیارد بشکه نفت است ولی عراق در این مرحله صاحب ۱۸۴ میلیارد بشکه نفت می شد.

۲- ۹۲۹. معاونت اطلاعات سپاه، شهریور ۱۳۶۹، گزارش های نوبه ای، صص ۷ تا ۱۹.

۳- ۹۳۰. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۱.

«میچل دوار»، یکی از کارشناسان و تحلیل‌گران نیز گفت:

«۲۴ ساعت پیش از حمله عراق به کویت در مصاحبه‌ای با بی.بی.سی اعلام کردم که حضور نظامی عراق در مرز کویت صرفاً یک تهدید به شمار می‌رود و اصلاً تصور نمی‌کردم که صدام این چنین بی‌رحمانه به این کشور تجاوز کند» (۲).

البته، آمریکایی‌ها پس از تجاوز عراق به کویت، سعی کردند، غفلت خود را چنین توجیه کنند که به دوستان منطقه‌ای خود اتکا کرده بودند و تصور می‌کردند، آنها پیشاپیش مخاطرات سیاسی منطقه را تشخیص می‌دهند. (۳) در این میان اسرائیلی‌ها، که به شدت نسبت به افزایش توان نظامی عراق به ویژه گسترش سلاح‌های شیمیایی، هسته‌ای و موشکی این کشور و اتحاد نظامی اردن و عراق نگران بوده و با دستگاه‌های اطلاعاتی خود، عراق را به دقت زیر نظر داشتند، در برابر این تهاجم غافل‌گیر شدند، حال آن‌که، تمرکز قوای عراق در امتداد مرز کویت از چشم آنها دور نمانده بود، اما سازمان‌های اطلاعاتی نتوانسته بودند تهاجم عراق را پیش‌بینی کنند (۴).

این غافل‌گیری همه‌گیر می‌تواند متأثر از عوامل مختلفی باشد، از جمله:

۱- عدم احتمال حمله یک کشور عربی به کشور عربی دیگر به ویژه کویت که علاوه بر پشتیبانی همه‌جانبه از عراق در جنگ علیه ایران، مورد حمایت کامل آمریکا نیز قرار داشت.

۲- ظرفیت منطقه پس از تحمل یک جنگ هشت ساله به آن میزان نبود که بتواند برای یک جنگ دیگر، آن هم در محدوده خلیج فارس آماده شود.

۳- گرایش عراق به سمت غرب و وابستگی‌های اقتصادی به گونه‌ای بود که تحلیل‌گران از رفتار عاقلانه و متعادل تر صدام سخن می‌گفتند.

ص: ۲۳۹

۱- ۹۳۱. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، بولتن «بازتاب حمله عراق به کویت»، شماره ۱، مرداد ۱۳۶۹، ص ۷.

۲- ۹۳۲. پیشین.

۳- ۹۳۳. الکسی و نجف وان کوهن، دیدگاه‌های بین‌المللی درباره جنگ خلیج فارس، ترجمه محمد حسین آریا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۲، مقاله سیاست‌های منطقه‌ای جنگ، شهرام چوبین.

۴- ۹۳۴. پیشین، ص ۸۷، مقاله اسرائیل و جنگ، نوشته: آوای اسلیم.

۴- مشکلات داخلی عراق پس از یک جنگ هشت ساله و تعهدات مالی این کشور به گونه ای نبود که عراق بتواند برای نبردی جدید آماده شود.

۵- تداوم وضعیت «نه جنگ نه صلح» بین ایران و عراق و عدم دست یابی به توافق نهایی با توجه به شکنندگی این وضعیت، ایجاب می کرد اهتمام اصلی عراق بر پایان بخشیدن به اختلافات با ایران متمرکز باشد.

البته، دلایل قابل بررسی دیگری هم وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. نظر به آن که از زمان پایان جنگ ایران و عراق در مرداد ۱۳۶۷ تا آغاز حمله عراق به کویت در مرداد ۱۳۶۹ (به مدت دو سال) سمت و سوی تهدیدات عراق همچنان علیه ایران بود، تحرکات کاملاً آشکار نظامی عراق بیش تر به عنوان نوعی «قدرت نمایی رعب انگیز» و «تهدیدهای باج گیرانه» از شیوخ ثروتمند خلیج فارس ارزیابی می شد لذا احتمال حمله نظامی عراق به کویت مورد توجه سازمان های اطلاعاتی قرار نگرفته بود به گونه ای که در برابر تجاوز عراق به کویت کاملاً غافل گیر شدند.

نظر به اهمیت تجاوز عراق به کویت و آثار و پی آمدهای اشغال این کشور، بحث و بررسی های بسیار زیادی درباره ریشه ها و علل اصلی اقدام عراق انجام گرفت که می توان آنها را به دو نظریه برجسته و عمده تقسیم کرد: در نظریه نخست - که به عنوان نظریه ای نسبتاً رایج بازتاب گسترده ای یافت - عراق در قالب یک «تئوری توطئه» که صحنه پرداز اصلی آن امریکا بود، با چراغ سبز این کشور وارد عمل شد و به کویت حمله کرد. بر اساس نظریه دوم، تهاجم عراق به کویت در اثر تصمیم مستقل سیاسی و بدون دخالت و صحنه پردازی قدرت های خارجی و تنها در چارچوب اهداف استراتژیک حکومت عراق و بر مبنای الزامات این حکومت و تصور صدام از صحنه بین المللی و منطقه و با

زمینه سازی این کشور انجام شد. (۱) به عقیده طرف داران نظریه دوم، تهاجم عراق تلفیقی از مسائل تاریخی، اقتصادی، ژئوپلتیک و استراتژیک است (۲).

در این میان، گرچه طرف داران هر دو نظریه دلایل، شواهد و قرائن گوناگونی را برای اثبات نظر خود ارائه می کنند، اما به نظر می رسد، نظریه دوم با واقعیات تطبیق بیش تری داشته باشد. این مسئله با این توضیح بیش تر روشن می شود که طرف داران نظریه اول بر این باورند که صدام مزدور امریکا و در نتیجه، همواره در خدمت منافع امریکا بوده است. افزون بر این آرایش ۹۵ هزار نیروی نظامی عراق در مرز کویت نمی توانسته از دید دستگاه های اطلاعاتی و همچنین، تحلیل گران و تصمیم گیرندگان امریکایی پنهان مانده باشد. با توجه به آن که این فرضیات قابل اثبات نیست و مقام های امریکایی نیز در اظهارات علنی خود بر غافل گیری در برابر اشغال کویت اعتراف کرده اند، لذا دلیلی وجود ندارد که موضوع حمله عراق به کویت را بر پایه «تئوری توطئه» توجیه کرد. البته، این مسئله قابل انکار نیست که برخورد متناقض امریکایی ها در برابر عراق، که بی شباهت با برخورد تردید آمیز دستگاه دیپلماسی و امنیتی امریکا با شاه و پدیده انقلاب اسلامی نبود، به توهمات صدام و ارزیابی های نادرست وی از اوضاع منطقه دامن زده باشد، ولی این موضوع دلایل دیگری دارد که به هیچ وجه نمی تواند مبنای استدلال برای اثبات «تئوری توطئه» قرار گیرد.

در این میان، اظهارات شخصیت های رسمی عراق در مورد علت و انگیزه عراق از اشغال کویت بیش تر به نظریه اول نزدیک است، با این تفاوت که عراقی ها بر این باور بودند که در معرض توطئه ای قرار گرفتند که امریکا و اسرائیل با کمک عربستان سعودی و کویت به صورت مشترک آن را طراحی کرده بودند و لذا برای خنثی سازی و غلبه بر آن، به چنین اقدامی دست زده اند. سعدون حمادی، از شخصیت های سیاسی عراق که در دی ماه ۱۳۶۹

ص: ۲۴۱

۱- ۹۳۵. سردار سلامی، پروژه علل شکست نظامی عراق و پیروزی متحدین، ۱۳۷۶، بخش بحث و بررسی ادبیات و منابع موجود، اظهارات سردار غلامعلی رشید، ص ۱۰.

۲- ۹۳۶. پیشین.

به تهران سفر کرد، در دیدار با چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ضمن اشاره به تاریخ پیدایش کویت و نقش انگلیسی ها در جدا کردن این کشور از عراق به دلیل وجود چاه های نفت آن و قصد حکام عربستان سعودی و کویت برای ضربه زدن به عراق، گفت:

«ما درست پس از خاتمه جنگ [با ایران] احساس کردیم که توطئه ای علیه ما در شرف انجام است.»

وی اقدام کنگره امریکا در لغو فروش گندم به عراق و حملات تبلیغاتی این کشور در مورد سلاح های شیمیایی و همچنین اعدام «بازیافت» را به اتهام جاسوسی، از دلایل این توطئه ذکر کرد و افزود:

«برای خرید وسائل [تجهیزات مورد نیاز] متوجه شدیم که C.I.A در پشت سر ما است تا قرارداد را افشا کرده و برهم زند.»

وی همچنین به طرح ترور صدام اشاره کرد و گفت:

«اطلاعاتی به دست مأمورین امنیتی ما رسید که جان رئیس جمهور ما در خطر است. شاه حسین [شاه اردن] شخصا نامه ای به بوش نوشت و به او این مطلب را گفت که سیستم دستگاه های اطلاعاتی امریکا می خواهند این عمل را انجام دهند و بوش آن را تکذیب نکرد.»

این مقام عراقی ادامه داد:

«به ما اطلاعاتی رسید که اسرائیل طی توطئه ای قصد دارد برای ضربه زدن به تأسیسات علمی در عراق، از طریق هوایی اقدام کند و اگر نگفته بودیم که ضربه را پاسخ خواهیم داد، این اتفاق افتاده بود» (۱).

وی در پایان اظهارات خود بار دیگر تأکید کرد:

«احساس کردیم که امریکا قصد دارد عراق را تضعیف کرده و به آن ضربه بزند.»

صدام نیز پیش از حمله به کویت، طی سخنانی، به طرح گسترده امریکا برای سقوط قیمت نفت اشاره کرد که به کمک برخی کشورهای منطقه انجام

ص: ۲۴۲

گرفت و باعث شد که عراق در نیمه سال ۱۹۹۰ حدود ۱۴ میلیارد دلار زیان کند. (۱) بعدها، لطیف جاسم، وزیر وقت اطلاعات عراق در مصاحبه با نشریه آلمانی اشپیگل گفت:

«همه امیدوار بودند بعد از جنگ با ایران ما از پای درآییم، خواه از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا نظامی.... کویت نقش صهیونیست‌ها را به عهده گرفت و از طریق افزایش میزان تولید نفت، قیمت را در سطح بسیار پایینی نگه داشت، به طوری که ما میلیاردها دلار ضرر کردیم و اقتصادمان دچار مخاطره گردید. به این ترتیب، آن خبیث کویتی می‌خواست ما را به زانو درآورد. در این رابطه، امارات نیز با او همکاری داشت» (۲).

عراقی‌ها برای اثبات ادعای خود مبنی بر نقش کویت در طرح آمریکا برای تضعیف عراق، پس از اشغال کویت، نامه محرمانه اداره امنیت کویت به شیخ «سالم الصباح»، وزیر کشور کویت را منتشر ساختند. در بند پنجم این سند که حاوی توافق مدیر کل اداره کل امنیت کویت (سرهنگ فهد احمد الفهد) و مدیر سرویس اطلاعاتی استان الاحمدی، پس از بازدید از مقر سازمان سیا در ۱۲ تا ۱۸ نوامبر ۱۹۸۹ و دیدار با «ویلیام وبستر»، مدیر کل سازمان سیا می‌باشد، آمده است:

«ما با طرف امریکایی به توافق رسیدیم که بهره‌برداری از وخامت اوضاع اقتصادی عراق جهت اعمال فشار بر دولت آن و تعیین رسمی مرزهای ما، اهمیت دارد.» (۳).

بنابراین برخلاف تبلیغات امریکایی‌ها مبنی بر این که عراق برای «برتری بر منطقه خلیج فارس و رهبری جهان عرب» (۴) به کویت حمله کرد، به نظر می‌رسد این مسائل می‌توانست به عنوان نتایج و پی‌آمد اشغال کویت، موقعیت استراتژیکی عراق را ارتقا دهد، ولی به گفته «افرایم کارش»، استاد بخش مطالعاتی جنگ کالج «کلینگ» لندن انگیزه عراق چیز دیگری بود. وی

ص: ۲۴۳

۱- ۹۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۹، بغداد، خبرگزاری رویترا، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۳۹. روزنامه اشپیگل، ۲۶ / ۷ / ۱۳۶۹، مصاحبه با لطیف جاسم، وزیر اطلاعات عراق.

۳- ۹۴۰. این سند بعدها در سال ۱۹۹۰ به وسیله «ژون آفریک» چاپ پاریس منتشر شد.

۴- ۹۴۱. مأخذ ۱۶۲، ص ۸، مصاحبه سی.ان.ان با گری سیک، مشاور امنیتی کارتر.

می گوید:

«اوضاع در عراق قبل از جنگ بسیار دشوار بود به همین دلیل صدام برای آن که از نظر اقتصادی زنده بماند، به کویت حمله کرد» (۱).

صرف نظر از ملاحظاتی که در مورد ریشه یابی اقدام عراق وجود داشت، بدون تردید، نتایج و پی آمدهای احتمالی این واقعه یکی از مهم ترین انگیزه های شکل گیری رخدادهای بعدی در منطقه، از جمله اقدام نظامی امریکا علیه عراق و همچنین، موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر بود. در واقع، اشغال کویت، عراق را در موقعیت جدیدی قرار داد که از یک سو، برای امریکایی ها قابل هضم و پذیرش نبود و به همین دلیل، مقدمات ایجاد ائتلاف جهانی برای اقدام نظامی علیه عراق را فراهم کرد و از سوی دیگر، عراق با دست یابی به کویت و برخورداری از امتیازات ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک جدید، نیازی به لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر و در نتیجه، پافشاری روی مواضع خود در مذاکرات صلح با ایران نداشت و لذا، به راحتی از مواضع خود در این مذاکرات عقب نشینی کرد و این قرارداد را پذیرفت.

از نظر امریکایی ها، عراق با اشغال کویت طرح استراتژیکی امریکا را مغشوش و موقعیت استراتژیکی عربستان سعودی را به مخاطره انداخته بود، زیرا با این حادثه، ترکیب قدرت در منطقه به هم خورد (۲) و در نتیجه «تعادل قوا» در خلیج فارس از میان رفت. (۳) فرآیند این تحولات نه تنها ثبات کشورهای هم پیمان امریکا در منطقه را دست خوش تحولات اساسی می کرد، بلکه مهم ترین عنصر اساسی برای منافع حیاتی امریکا و غرب یعنی نفت را در معرض چالش های بنیادین قرار می داد. به گفته برژینسکی عراق در موقعیت جدید از این امکان برخوردار بود که در تعیین قیمت نفت نقش فعال تری ایفا کند (۴) و به بازیگر نهایی در سیاست های اوپک تبدیل شود (۵).

امریکایی ها در برابر پیدایش وضعیت جدید دو راه کلی فرا روی خود

ص: ۲۴۴

۱- ۹۴۲. روزنامه اطلاعات، ۳۱ / ۱ / ۱۳۷۰.

۲- ۹۴۳. مأخذ ۱۶۲، «میچل هاونس»، رئیس مرکز مطالعات جهانی عرب وابسته به دانشگاه جرج تاون در گفت و گو با سی.ان.ان.

۳- ۹۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۶، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۹، رادیو بی.بی.سی، ۲۱ / ۵ / ۱۳۶۹.

۴- ۹۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۱، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۹، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۹، روزنامه تایمز لندن.

۵- ۹۴۶. مأخذ ۱۶۲، مرداد ۱۳۶۹، روزنامه نیویورک تایمز، به نقل از گری سیک.

داشتند: نخست آن که، با اقدام به تقسیم پیروزی با عراق، سرانجام واقعیات جدید را پذیرفته و با عراق به گفت و گو و تفاهم برسند. برابر شواهد و قرائنی که وجود داشت، عراقی ها تصور می کردند، امریکایی ها به دلیل عدم تمایل به اقدام نظامی و سایر ملاحظات و محدودیت هایی که در برابر خود داشتند، سرانجام این راه حل را خواهند پذیرفت. به عبارت دیگر، از نظر عراقی ها، امریکایی ها در نهایت نفت می خواستند که عراق برای آنها تأمین می کرد. شاید یکی از علل اصلی شکست عراق ناشی از همین محاسبه نادرست و عدم آمادگی عراق برای اقدام نظامی بود. به عبارت دیگر، عراق تصور می کرد، پس از اشغال کویت و اندکی کشمکش و جنگ سیاسی - تبلیغاتی، امریکا با آنها مصالحه خواهد کرد.

راه حل دوم، امریکایی ها تصمیم گیری برای اقدام نظامی بود، شرایط بین المللی در آستانه پایان جنگ سرد و تحولات اروپای شرقی و همچنین، اوضاع حساس و آسیب پذیر منطقه و مهم تر از همه، آثار روانی جنگ ویتنام در افکار عمومی مردم امریکا و اختلاف نظر در میان متحدان جهانی امریکا، از جمله موانعی بود که امریکایی ها باید برای فائق آمدن بر آنها تلاش می کردند. طرف داران راه حل دوم چنین استدلال می کردند که امکان مصالحه بر سر منافع حیاتی امریکا وجود ندارد و صدام قابل اعتماد نیست و پی آمدهای تسلط صدام بر منطقه، موجی از بی ثباتی و افزایش قیمت نفت را در پی خواهد داشت. در این میان، اسرائیلی ها نقش تعیین کننده ای در مجاب کردن امریکا به اقدام نظامی داشتند. «آوای اشلیم» در تبیین دیدگاه اسرائیلی ها نسبت به جنگ و نقش آنها در ترغیب امریکا به اقدام نظامی علیه عراق می گوید:

«اسرائیلی ها در فعالیت های پشت پرده خود و اعمال نفوذ بر سیاست مداران امریکا، می کوشیدند، که این کشور را برای انجام عملیات نظامی کوبنده، قانع کنند.»

وی در توضیح این مسئله می افزاید:

«پاتریک بوچانان» نویسنده امریکایی نوشت: «فقط دو گروه هستند که بر طبل جنگ در خاورمیانه می کوبند، یکی وزارت دفاع اسرائیل و دیگری، آمین گویانش در امریکا؛ دوستان اسرائیل در واشنگتن و «هنری کسینجر» در رأس آنان به تقویت و هم آهنگی موضع تندروها یا طرف داران شدت عمل پرداختند» (۱).

کسینجر به عنوان یک نظریه پرداز صهیونیست در تبیین مواضع و اقدامات ضروری امریکا در مرحله جدید، نقش غیرقابل انکاری داشت. وی بر این باور بود که «نباید بگذاریم اکنون که ارتش عراق وارد کویت شده است، سالم و با مصالحه خارج شود، زیرا در وضعیت دیگری، ارتش عراق بار دیگر بحران ایجاد خواهد کرد.» وی توصیه می کرد: «امریکا باید با استفاده از فرصت، اکنون که ارتش عراق گرفتار شده است، آن را منهدم کند». کسینجر در توضیح نظرات خود در روزنامه لوس آنجلس تایمز نوشت:

«اگر تحریم ها بیش از حد نامؤثر، و دیپلماسی ناموفق بماند، برای ایالات متحده لازم است تا انهدام قاطع تجهیزات نظامی عراق را مدنظر قرار دهد، مخصوصا اگر نتیجه تحریم ها و فعالیت های دیپلماسی، صدام حسین را بر جای خود و ماشین جنگی او را بدون صدمه باقی بگذارد، ممکن است این امر به یک میان پرده یا تنفس بین دو تجاوز بدل شود» (۲).

افزون بر توصیه هایی که به منظور مجاب کردن امریکا برای اقدام نظامی علیه عراق صورت می گرفت، نظرات دیگری نیز به عنوان الزامات جدید در سیاست منطقه ای امریکا مورد توجه قرار داشت که اساس آنها مبتنی بر دو مسئله بود: نخست، این فرض مورد تأکید قرار می گرفت که منشاء مسائل در منطقه بر هم خوردن توازن استراتژیک است (۳) و دیگر آن که، این بحران یک بحران دراز مدت در منطقه است. (۴) بر پایه این ملاحظات، برخی توصیه

ص: ۲۴۶

۱- ۹۴۷. مأخذ ۱۶۴، ص ۹۲، مقاله اسرائیل و جنگ آوای اسلیم.

۲- ۹۴۸. پیشین.

۳- ۹۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۷، ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۹، واشنگتن، خبرگزاری فرانسه، ۱۹ / ۶ / ۱۳۶۹، اسحاق رابین.

۴- ۹۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۲، ۱۸ / ۵ / ۱۳۶۹، خبرگزاری رویتر، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۹، جودیت کیپر کارشناس انیستیتو برولینگر.

می کردند، امریکا با طرح ریزی نظامی - امنیتی جدید در منطقه، در درازمدت باید احیای دوباره ایران را به عنوان یک ضد ضربه علیه قدرت عراق در نظر بگیرد و در صورت تغییر رفتار ایران، مسلح کردن مجدد ایران به برهم زدن توان قدرت عراق کمک خواهد کرد. (۱) اساس این تحلیل بر پایه موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و قابل این کشور برای برخورداری از یک نقش کلیدی و تعیین کننده، استوار بود (۲).

پنجمین نامه صدام و پاسخ رئیس جمهور ایران

به عقیده بسیاری از تحلیل گران مسائل منطقه، جنگ عراق با ایران علت زیربنایی دومین جنگ خلیج فارس بود (۳) و مجموعه شرایط، صدام را برای آغاز دومین جنگ در طول یک دهه برانگیخت. در واقع، بن بست در پایان یافتن یک سره جنگ و ناکامی عراق در تجاوز به ایران و ناتوانی آشکار آن کشور در تحمیل بازگشایی اروندرود - گذرگاه اصلی عراق به خلیج فارس - بر جمهوری اسلامی ایران به صورت یک مانع عمده استراتژیکی و پریشانی سیاسی برای عراقی ها درآمد. (۴) بنابراین، اگر این فرض را بپذیریم که جنگ دوم ریشه در جنگ اول و تبعات ناشی از آن دارد، می توانیم این مسئله را به آن اضافه کنیم که نتیجه جنگ دوم، منجر به موافقت مجدد عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، و عقب نشینی این کشور از مناطق اشغال شده ایران و آزادی اسرا و در نتیجه موجب گشایی در بن بست ناشی از جنگ اول شد که پیروزی سیاسی ایران در پی داشت.

بر پایه این ملاحظه کلی، با پی گیری روندی که در تبادل نامه ها میان رئیس‌ان جمهور عراق و ایران وجود داشت، می توان چگونگی موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. با وجود آن که جمهوری اسلامی ایران به نامه های سوم و چهارم رئیس جمهور عراق که در

ص: ۲۴۷

۱- ۹۵۱. پیشین.

۲- ۹۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۸۶، ۳۱ / ۶ / ۱۳۶۹، رم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۶ / ۱۳۶۹، روزنامه ایل مساجرو.

۳- ۹۵۳. مأخذ ۱۶۴، ص ۷.

۴- ۹۵۴. مأخذ ۱۶۴، ص ۳۵، مقاله ارزیابی های غلط در بغداد، آما تریا بارام.

۲۵ تیر و ۸ مرداد ۱۳۶۹ ارسال شده بود - بنا به دلایلی - پاسخ نداد، ولی رئیس جمهور عراق تنها یک روز پس از اشغال کویت، پنجمین نامه خود را در ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور ایران ارسال کرد. محتوای این نامه اساساً با در نظر گرفتن مواضع جدید و احتمالی ایران بود. البته جمهوری اسلامی ایران بلافاصله، اشغال کویت را محکوم و بعدها ضمن اعلام حمایت از قطع نامه سازمان ملل، در خصوص اشغال کویت مخالفت خود را با هر گونه تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه اعلام کرد. در ابتدای نامه جدید صدام آمده است:

«از خلاصه فعالیت سیاسی شما شمه ای از آنچه از سوی دولت ایران صادر شد، آگاهی یافتیم» (۱).

وی پس از اشاره به مندرجات آخرین نامه رئیس جمهوری ایران نوشت:

«اینک پس از قضیه کویت، علائم بحران در افق پدیدار گشته و ممکن است، کسانی را که به اندازه کافی تأمل و بردباری از خود نشان ندهند، به مسیر کشمکش بکشاند» (۲).

در ادامه نامه، صدام ضمن تأکید بر این مسئله که «دریافته ایم که شما خواهان صلحید»، اظهار امیدواری می کند:

«پس از انجام گفت و گو با شما رئیس جمهور ایران و با کسانی که معرفی می نمایید، در آستانه مرحله سرنوشت ساز صلح قرار بگیریم» (۳).

و سپس می افزاید:

«آرزو ندارم افرادی همچون شما و برادران شما در کادر رهبری ایران که یک جنگ هشت ساله را آزموده اند، متزلزل شده، به امری که نه به مصلحت ایران و نه جزو هدف های مردم ایران است، روی آورند» (۴).

رئیس جمهور عراق ضمن تهدید ایران مبنی بر خودداری از مداخله و یا بهره برداری از شرایط موجود برای انجام حرکت جدیدی علیه عراق می افزاید:

ص: ۲۴۸

۱- ۹۵۵. مأخذ ۱۰۱، ص ۶۰.

۲- ۹۵۶. پیشین، ص ۶۰.

۳- ۹۵۷. پیشین، ص ۶۱.

۴- ۹۵۸. پیشین، صص ۶۱ و ۶۲.

«اگر عراق و ایران هر یک از آنها از موضع صحیح خود منحرف شود، ملت خویش را از یک فرصت تاریخی برای نیل به صلح و نیز تثبیت حقوق مشروع خود، محروم خواهد ساخت» (۱).

آقای هاشمی در پاسخ به نامه پنجم رئیس جمهوری عراق طی نامه ای که در ۱۷ مرداد ۱۳۶۹ نوشته شد، ابتدا در اعلام وصول نامه ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ صدام با گلایه از محتوای تهدید آمیز نامه صدام می نویسد:

«با آن که اصل نامه علی الظاهر به منظور پیش برد مذاکرات صلح تنظیم شده، لیکن، بخشی از مضامین آن تأسف آور است» (۲).

نامه رئیس جمهور ایران، ضمن تأکید بر «حرکت صادقانه» ایران برای «تأمین حقوق مشروع و تغییر ناپذیر ملت ایران» (۳)، در هفت بند تنظیم شده است. در بند اول نامه همچون گذشته، ملاقات سران، به مذاکرات محتوایی نمایندگان دو کشور و حل و روشن شدن مسائل مهم و کلیدی مشروط شده است. در بند دوم، با صراحت اعلام شده است:

«پیشنهاد مشخص با مبنا قرار گرفتن معاهده ۱۹۷۵ برای مذاکرات صلح می باشد» (۴).

در بند سوم نیز سقف زمانی دو ماه برای عقب نشینی غیر قابل توجیه قلمداد شده و تأکید شده است که این کار در مدت یکی دو روز قابل انجام است. (۵) در سایر بندها نیز نوعی مجادله نسبت به مواضع و اقدامات جدید عراق در اشغال کویت صورت گرفته است. در بند پنجم این نامه آمده است:

«تهاجم غیرقابل تصور به یک کشور همسایه بدون کوچک ترین اطلاع و هم آهنگی، آن هم با آثار و تبعات فوق العاده آن در رابطه با ما، می تواند اعتماد ما را سست سازد و تردید جدی در انگیزه های مذاکرات چند ماهه اخیر ایجاد نماید» (۶).

همچنین، در بند ششم آمده است:

ص: ۲۴۹

۱- ۹۵۹. پیشین، ص ۶۲.

۲- ۹۶۰. پیشین، ص ۶۶.

۳- ۹۶۱. پیشین، ص ۶۶.

۴- ۹۶۲. پیشین، ص ۶۷.

۵- ۹۶۳. پیشین، ص ۶۷.

۶- ۹۶۴. پیشین، ص ۶۸.

«لحن نامه اخیرتان مناسب با حالت لازم در جریان مذاکره نیست. لحن و زبانی به کار گرفته اید که در گذشته عدم کارآیی آن در رابطه با ملت مسلمان و انقلابی ما آزموده شده [است]» (۱).

در ادامه همین بند تصریح شده است:

«ما به دنبال استفاده از شرایط فعلی نیستیم و جز حقوق مشروع و قانونی خود، چیز دیگری نمی خواهیم» (۲).

آقای هاشمی در بند هفتم نامه، بار دیگر بر قرارداد ۱۹۷۵ میلادی برای مشخص کردن مرزهای در زمین و رودخانه تأکید کرد (۳).

پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ در ششمین نامه رئیس جمهور عراق

صدام در ششمین و آخرین نامه خود به رئیس جمهوری ایران که در ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) نوشته شد، رسماً پیشنهاد آقای هاشمی را مبنی بر لزوم مبنا قرار دادن عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، پذیرفت. وی علت این اقدام را در مقدمه نامه خود که در چهار بند تنظیم شده است، چنین ذکر می کند:

«به خاطر آن که هیچ یک از توانایی های عراق در خارج از میدان نبرد بزرگ بلااستفاده باقی نماند و به جهت بسیج این توانایی ها در جهت اهدافی که مسلمانان و اعراب شرافت مند بر حقانیت آنها اتفاق نظر دارند و برای جلوگیری از تداخل سنگرها و دور ساختن گمان ها و تردیدها تا آن که خیراندیشان راه خود را برای برقراری روابط طبیعی میان عراق و ایران بیابند، تصمیمات زیر را اتخاذ نمودیم.»

در بند یک این نامه لزوم مبنا قرار دادن عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر پذیرفته شده است و در بند سوم آن آمده است:

«ما عقب نشینی خود را از روز جمعه هفدهم اوت ۱۹۹۰ (۲۶ مرداد

ص: ۲۵۰

۱- ۹۶۵. پیشین، ص ۶۹.

۲- ۹۶۶. پیشین، ص ۶۹.

۳- ۹۶۷. پیشین، ص ۷۲.

۱۳۶۹) آغاز می کنیم.»

در بند چهارم نیز اعلام شده است:

«ما به عنوان آغازگر آزادی اسرا، روز جمعه ۱۷ اوت اقدام خواهیم کرد.»

در آخرین بخش نامه نیز رئیس جمهور عراق صدام ضمن پذیرش خواسته های ایران، اظهار کرد:

«با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب، همه آنچه را که می خواستید و بر آن تکیه می کردید، تحقق می یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی ماند.»

در چند خط آخر نامه به صورت تلویحی به این موضوع اشاره کرد که «عراق انتظار دارد، ایران در این بحران در کنار عراق قرار گیرد!»، و در ادامه نوشت:

«بدین وسیله کسانی را که سعی می کنند از آب گل آلود ماهی بگیرند، از سواحل خود دور کنیم و چه بسا در جهاتی همکاری کنیم که در نتیجه آن، خلیج [فارس] به دریاچه صلح و امنیت و عاری از ناوگان ها و نیروهای بیگانه که در کمین ما نشسته اند، مبدل شود، مضافاً آن که، همکاری مزبور می تواند شامل جنبه های دیگر زندگی شود» (۱).

عراق در شرایطی به پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تن داد و از خاک جمهوری اسلامی ایران عقب نشینی کرد که به یک اعتبار، به دلیل مقاومت مردم ایران چاره ای جز این نداشت و به اعتبار دیگر، با اشغال کویت موقعیت ممتازی کسب کرده بود که نیازی به پافشاری بر لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نداشت. در هر حال به نظر می رسد این اقدام عراق بر اساس چند دلیل صورت گرفته باشد که از آن جمله است:

۱- اهمیت قرارداد ۱۹۷۵ که عمدتاً به منظور راه یابی عراق به شمال خلیج فارس بود با تصرف کویت کاهش یافت، و در ضمن پیروزی

ص: ۲۵۱

به دست آمده، نیز پی آمدهای ناشی از پذیرش قراردادی که به علت آن عراق جنگ را شروع کرده بود، را تحت شعاع قرار می گرفت.

۲- جلوگیری از بهره مندی احتمالی امریکا از ایران علیه عراق به خاطر شرایط نه جنگ نه صلح و خصومت های دیرینه بین ایران و عراق.

۳- عدم تجزیه توان عراق در صورت تداوم و شدت درگیری نظامی در کویت، چرا که عراق بیش از ۳۰ لشکر در مرز ایران داشت که با پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ توانست آنها را به کویت و به مرز عربستان و همچنین ترکیه گسیل کند.

۴- تمایل عراق برای نزدیک شدن به ایران به لحاظ موضع ضد امریکایی این کشور، و اشتراک موضع در مسئله نفت کسب حمایت این کشور در شرایط بحرانی در صورت تداوم محاصره سیاسی و اقتصادی و یا درگیری نظامی.

در واقع بین پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر با موقعیت آینده عراق در کویت - به عنوان مهم ترین عامل - ارتباط تنگاتنگی وجود داشت که حتی عراقی ها و برخی تحلیل گران و ناظران امور سیاسی بر آن تأکید داشتند.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت تجاوزکارانه حمله عراق به کویت و پی آمدهای احتمالی آن برای منطقه و منافع ایران، چند راه کلی فرا روی خود داشت که برای دو طرف جنگ و حامیان و متحدان آنها حائز اهمیت بود. متحدین به رهبری امریکا در وهله نخست با هدف اداره و مهار دامنه بحران مایل بودند، ایران نیز در جبهه آنان قرار گیرد، تا در کنار سوریه، ترکیه و عربستان سعودی محاصره عراق تکمیل شود. این اقدام بدترین وضعیت را برای عراق به وجود می آورد، زیرا به جز برقراری آتش بس شکننده میان ایران و عراق که امکان از سرگیری مجدد درگیری نیز وجود داشت، هیچ گونه قراردادی برای برقراری صلح و حل و فصل اختلافات امضا نشده بود. لذا، این

وضعیت می توانست با گشایش جبهه جدید برای عراق، قوای نظامی این کشور را تجزیه کند. روزنامه نیویورک تایمز که بیش تر موضع وزارت خارجه امریکا را بیان می کند، با توجه به تحولات جدید، در مورد موضع گیری ایران و انتخاب های احتمالی این کشور نوشت:

«تهران با یکی از اساسی ترین پرسش هایی که در برابر انقلاب اسلامی اش قرار گرفته، روبه رو شده است و آن آن که، از این موضع جدید قدرت برای تضعیف عراق استفاده کند یا آن که با پیوستن به عراق در بیرون راندن ایالات متحده، یعنی دشمن مشترک دو کشور از منطقه بکوشد» (۱).

متقابلاً- وضعیت مطلوب برای عراق این بود که جمهوری اسلامی در کنار عراق با گشایش جبهه جدید در برابر امریکا دامنه بحران را وسعت بخشد و تا آن سوی تنگه هرمز و تا دریای عمان گسترش دهد. عراقی ها از ایران همین انتظار را داشتند و طارق عزیز طی اظهارات خود، ابراز تمایل کرد، ایران برای رویارویی با تجاوز امریکا علیه عراق با این کشور همکاری کرده و با حضور بیگانگان در خلیج فارس مخالفت کند. (۲) وزیر خارجه عراق طی سفر به تهران، در مذاکرات خود با مقام های ایرانی این درخواست را به گونه ای دیگر هم راه با تقاضای کمک برای شکستن محاصره اقتصادی عراق عنوان کرد. در این راستا، سفیر عراق در سازمان ملل توافق اخیر ایران و عراق را به مراتب مهم تر از تحولات خلیج فارس و تأثیرگذار بر کل منطقه دانست و گفت:

«ما خواستار دخالت ایران در زمینه امنیت خلیج [فارس] هستیم و برای آن که آنها بیش از این خود را در انزوا احساس نکنند، از نقش سازنده ایران در تأمین امنیت و ثبات منطقه استقبال می کنیم» (۳).

در همین چارچوب، سعدون حمادی در سفر به تهران در دی ۱۳۶۹ این خواسته ها را اعلام کرد. وی در یکی از این مذاکرات با اشاره به انقلاب اسلامی ایران و شعارهای این کشور علیه استعمار ویژه امریکا و اسرائیل گفت:

ص: ۲۵۳

۱- ۹۶۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۲، ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹، رادیو امریکا، ۲۷ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۷، ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۹، رادیو امان.

۳- ۹۷۱. اداره امور بین المللی مجلس شورای اسلامی، ملاقات سعدون حمادی با تنی چند از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۶۹، ص ۳.

«الان این شعارها در منطقه مطرح هستند» (۱).

وی که به «هم پایی و تشریک مساعی» مایل بود، گفت:

«اگر از من سؤال کنید که نظر ما [عراق] چیست؟ با کمال صراحت می گوئیم، اگر به جای شما [ایران] بودیم علیه ایالات متحده وارد عمل می شدیم» (۲).

وی در ادامه اظهار کرد:

«از گذشته امریکا هم از ما و هم از شما به خاطر جلوگیری از نفوذ کمونیسم حمایت می کرد، این وضعیت از بین رفته و امریکا در آینده نه از ما و نه از شما برای دفع کمونیسم حمایت نخواهد کرد و اگر خدای ناکرده ایالات متحده در منطقه پیروز شود، حتی یک رژیم ملی در منطقه باقی نخواهد ماند» (۳).

پس از سخنان سعدون حمادی، آقای رجایی خراسانی، نماینده سابق ایران در سازمان ملل با بیان مطالبی که پاسخ نسبتاً جامع، همراه با ظرافت های دیپلماتیک بود گفت:

«اگر به جای ما بودید کاری را می کردید که الآن از ما می خواهید، من فکر می کنم شعار مبارزه با امریکا یکی از شعارهای اساسی انقلاب ما بوده است. به هر حال، فرصتی که شما بتوانید با ما همکاری کنید بوده است و لذا آن را نمی خواهیم زیاد تجزیه و تحلیل کنیم. اجمالا عرض کنم، روزگاری شما در این فرصت بودید که کاری را بکنید که الآن از ما می خواهید» (۴).

جمهوری اسلامی ایران نظر به دشواری و نتیجه گیری های موجود، راه حل دیگری را برگزید و با محکومیت اشغال کویت و حمایت از قطع نامه سازمان ملل در این باره و رعایت عراق و همچنین اعلام مخالفت با تغییر جغرافیای منطقه، مواضع خود را با عنوان «منافع ملی» برای افکار عمومی جامعه ایران - که به دلیل روحیه ضد امریکایی تمایل به هم سوئی با عراق علیه امریکا داشتند - توضیح داد.

در چنین شرایطی، همان گونه که منطق تحولات جدید، پذیرش

ص: ۲۵۴

۱- ۹۷۲. مأخذ ۲۰۰، سازمان ملل، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۷۳. مأخذ ۲۰۱.

۳- ۹۷۴. پیشین، ص ۳.

۴- ۹۷۵. پیشین، ص ۵.

قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و صلح با ایران را به عراق تحمیل کرد، همین منطق ایجاب می کرد، جمهوری اسلامی ایران با اغتنام فرصت، به تحکیم صلح با عراق و قطعی کردن آن با مبادله اسناد مبادرت کند. بدیهی است، به همان میزان که اشغال کویت برای منافع ایران زیان آور بود، پیروزی امریکا بر عراق نیز همین نتایج را با ابعاد گسترده تر و عمیق تری در بر داشت. بنابراین، تداوم مناقشه امریکا و عراق می توانست نقش بی بدیل و تعیین کننده ایران را برای ایجاد موازنه و تأمین ثبات در منطقه برای کشورهای منطقه و خارج از منطقه بیش از گذشته روشن و اثبات کند.

بازتاب پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در رسانه های خبری

در پی ارسال نامه صدام در ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) مبنی بر پذیرش عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، سه روز بعد در ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ (۱۷ اوت ۱۹۹۰) و همزمان با عقب نشینی نیروهای نظامی از مناطق اشغالی، آزادی اسرا آغاز شد. آقای هاشمی یک روز پس از آن (۲۷ مرداد ۱۳۶۹)، در پاسخ به آخرین نامه صدام نوشت:

«شروع عقب نشینی نیروهای شما از اراضی اشغالی ایران را دلیل صداقت و جدی بودن شما در راه صلح با جمهوری اسلامی ایران به حساب می آوریم و خوشبختانه موعد مقرر آزادی اسرا هم آغاز گردید» (۱).

در پایان نامه ضمن اعلام آمادگی برای پذیرش نمایندگان عراق در تهران و با عبارت «والسلام علیکم»، برقراری صلح میان دو کشور اعلام شد (۲).

نظر به نگرانی هایی که همچنان نسبت به رفتار عراق وجود داشت، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران هم زمان با آغاز عقب نشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی، طی نامه ای به دبیرکل با هدف «ثبات و ضبط تحولات جدید» این موضوع را به آگاهی وی رساند. (۳) در پی آزادی نخستین گروه هزار

ص: ۲۵۵

۱- ۹۷۶. مأخذ ۱۰۱، ص ۷۵.

۲- ۹۷۷. پیشین، ص ۷۶.

۳- ۹۷۸. مأخذ ۴۱، ص ۴۷۷.

نفری اسرای ثبت نام شده ایرانی از مرز خسروی، به لحاظ وضعیت بحرانی منطقه، تلاش شد تبادل روزانه اسرا تا حد ممکن افزایش یابد، که در پی این هم آهنگی و توافق دو طرف، سقف تبادل اسرا به سه هزار نفر در روز رسید (۱).

هم زمان، عقب نشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی به مرزهای زمینی شناخته شده بین المللی که بر اساس عهدنامه ۱۹۷۵ مشخص بود، در مدت پنج روز از ۱۷ تا ۲۱ اوت ۱۹۹۰ (۲۶ تا ۳۰ مرداد ۱۳۶۹) انجام گرفت و تکمیل شد و این در حالی بود که گروه ناظر نظامی سازمان ملل متحد میان ایران و عراق (یونیمگ) بر این عقب نشینی نظارت می کرد (۲).

متعاقب این تحولات، طارق عزیز، معاون نخست وزیر و وزیر خارجه عراق در رأس هیئتی در ۱۸ شهریور ۱۳۶۹ به تهران آمد و در ۲۳ آبان ۱۳۶۹ نیز، وزیر خارجه ایران (علی اکبر ولایتی) عازم عراق شد. (۳) در این میان، سفرهای دیگری نیز انجام شد که تمامی آنها، دلالت بر بهبود مناسبات ایران و عراق و خارج شدن از وضعیت نه جنگ نه صلح داشتند. پیدایش این وضعیت بازتاب نسبتاً گسترده ای در رسانه های خبری داشت.

دبیرکل سازمان ملل که در جریان تمام مراحل تصویب قطع نامه ۵۹۸ در تیر ۱۳۶۶ و موافقت ایران با آن در تیر ۱۳۶۹ قرار داشت و از پیچیدگی و دشواری های دو سال مذاکره میان ایران و عراق در وضعیت شکننده نه جنگ نه صلح کاملاً آگاه بود، پس از اقدام عراق گفت:

«تصمیم عراق کاری را که من برای دو سال قادر به دست یابی به آن و اجرای قطع نامه ۵۹۸ نشدم، عملی ساخت» (۴).

واکنش امریکایی ها که در مسئله اشغال کویت با عراق درگیر بودند، با توجه به این که حرکت های جدید عراق در خصوص ایران، ارتباط عمیقی با اشغال کویت داشت، قابل ملاحظه بود. بوش، رئیس جمهور وقت امریکا طی سخنانی گفت:

ص: ۲۵۶

۱- ۹۷۹. پیشین، ص ۴۷۹.

۲- ۹۸۰. پیشین، ص ۴۸۱.

۳- ۹۸۱. پیشین، ص ۴۸۶.

۴- ۹۸۲. خیرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۱، ۶ / ۶ / ۱۳۶۹، مصاحبه دکوئیار با شبکه سی.ان.ان.

موافقت عراق با تمام شرایط ایران برای من تعجب آور است. پیش بینی این توافق بر وضعیت منطقه در شرایط فعلی برایم ممکن نیست» (۱).

سخن گوی وزارت خارجه امریکا نیز اظهار امیدواری کرد، این اقدام عراق یک بازی تبلیغاتی دیگر نباشد. (۲) رادیو امریکا طی گفتاری با عنوان «نظرات رسمی دولت امریکا در مورد انجام این اقدام»، گفت:

«صدام حسین این امتیاز شگفت انگیز را در پاسخ به تقبیح شدید و همگانی جهانیان از تجاوز بی دلیل عراق علیه کویت داد» (۳).

مواضع کویتی ها و همچنین مقام ها و نشریات عربستان سعودی، به دلیل آن که در وضعیت جدید، به صورت مستقیم با عراق درگیر بودند، از اهمیت زیادی برخوردار بود. «شاهزاده بندر»، سفیر عربستان در امریکا در یک نشست مطبوعاتی با اشاره به دوران جنگ ایران و عراق و درخواست مکرر عراق از عربستان برای آن که این کشور از امریکا و سایر قدرت های غربی بخواهد که عراق را یاری کنند، شعارهای ضد امریکایی اخیر عراق را به باد تمسخر گرفت و گفت:

«واقعیت امر این است که اگر ما نبودیم، عراق نمی توانست از نیروهای امریکایی و یا امپریالیستی در جنگ علیه ایران بهره مند شود» (۴).

وزیر کشور عربستان سعودی، «نایف عبدالعزیز» نیز ضمن توضیح مواضع پیشین کشور خود گفت:

«ما فرصت نداشتیم که به ایران بگوییم، حد و مرز خود را بشناسد، ولی عراق این امکان را داشت که از مقاصد ایران جلوگیری کند.»

وی سپس افزود:

«به نظر ما آنچه که ایران خواسته بود، تحقق یافت» (۵).

اظهارات مقام های کویتی در مقایسه با مقام های سعودی از ندامت و شرم ساری بیش تری برخوردار بود. آنها نیز برای نفی بهانه های صدام مبنی بر

ص: ۲۵۷

۱- ۹۸۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۸۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۹.

۳- ۹۸۵. محسن صفری، ما اعتراف می کنیم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۰، به نقل از رادیو امریکا، ۲۳ / ۸ / ۱۳۶۹، نوامبر ۱۹۹۰.

۴- ۹۸۶. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، بولتن «بازتاب تجاوز عراق به کویت در امریکا»، شماره ۳ و

۲، ص ۲، از بخش سوم، کنفرانس مطبوعاتی سیزدهم اوت ۱۹۹۰، در سفارت عربستان در واشنگتن.
۵-۹۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۷، ۱۲ / ۶ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۶ / ۱۳۶۹.

نقش کویت در توطئه علیه عراق برای کاهش قیمت نفت و فشار برای دریافت بدهی های عراق، مسائلی را مطرح کردند. از جمله: «تولید بیش از نیاز به منظور تأمین اقتصاد عراق»، «اقدام سعودی ها و کویت در فروش نفت برای عراق» (۱) و «کمک های نقدی کویت به عراق بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار که با احتساب سایر کمک ها این رقم از مرز ۳۰ میلیارد دلار هم می گذرد» (۲).

بعدها، در سفر «جابر الاحمد الصباح»، وزیر خارجه کویت به ایران، وی در دیدار با رئیس جمهور وقت ایران، آقای هاشمی رفسنجانی، دست یابی ایران به حقوق حقه خود و بازپس گرفتن سرزمین هایش بر اساس عهدنامه مشروع و ثابت ۱۹۷۵ میلادی الجزایر و همچنین آزادی اسرای ایرانی را صمیمانه تبریک گفت. (۳) وزیر کار و امور اجتماعی کویت نیز در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی گفت:

«صدام از جمهوری اسلامی ایران شکست خورد و برای توجیه مردمش کویت را اشغال کرد تا شکست خود را جبران کند» (۴).

در این حال، «عبدالله بشاره»، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس نیز موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را شکست بزرگ سیاسی، روحی و فرهنگی برای این کشور خواند (۵).

هدف عراق از پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، مورد توجه برخی رسانه ها قرار گرفت. در این میان، تحلیل های مختلفی از جمله: «عقیم گذاشتن تلاش های تهران برای بهره برداری از بحران جاری» (۶) و در نتیجه «خنثی کردن ایران و آرامش در جبهه شرقی» (۷) و همچنین ایجاد «خط تأمین نیازهای عراق به ویژه مواد غذایی» (۸) و احتمالاً در هم شکستن صفوف اعراب با جهان اسلام که علیه عراق متحد شده اند (۹) به عنوان بخشی از اهداف و انگیزه های عراق ذکر شده است. توضیحات سفیر عراق در پاریس علت تصمیم گیری عراق را تا اندازه ای روشن می کند. وی می گوید:

ص: ۲۵۸

۱- ۹۸۸. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، بولتن «بازتاب تجاوز عراق به کویت در امریکا»، شماره ۵، ص ۳، به نقل از مسعود ناصر الصباح، سفیر کویت در واشنگتن.

۲- ۹۸۹. پیشین.

۳- ۹۹۰. مأخذ ۲۱۵، ص ۱۸۲، ۱ / ۶ / ۱۳۶۹.

۴- ۹۹۱. پیشین، ص ۱۹۱، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹.

۵- ۹۹۲. پیشین، ص ۱۸۳.

۶- ۹۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۹، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۹، قاهره، خبرگزاری یونایتدپرس، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹، به نقل از دیپلمات های غربی مستقر در خلیج فارس.

۷- ۹۹۴. پیشین، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، رادیو اسرائیل، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹.

۸- ۹۹۵. پیشین، رادیو امریکا، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹، مناشه امیر، کارشناس اسرائیل در مستهل ایران.

۹-۹۹۶. پیشین، رادیو امریکا، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹، یوسف دولمرت، استاد دانشگاه اسرائیل در مسائل خاورمیانه.

«عراق به عنوان یک دولت و یک حزب با مسائل و موقعیت‌ها از دید استراتژیک و علمی نگاه می‌کند و این تصمیم سلامت امنیت و آینده عراق را تضمین می‌کند و این چیز مهمی است و این تصمیم با آینده عراق هم آهنگی دارد» (۱).

نتایج اقدام عراق مبنی بر پیروزی ایران و شکست عراق، حجم گسترده‌ای از تحلیل رسانه‌های خبری جهان را به خود اختصاص داد. «آنتونی پارسونز»، سفیر سابق انگلیس در ایران معتقد بود که «صدام در تجاوز به ایران به دلیل مقاومت ایران شکست خورد و هنگامی که متوجه شد نمی‌تواند بر ایران سلطه پیدا کند، از شرایط خود صرف نظر کرد» (۲). روزنامه «الیوم» چاپ عربستان نیز پیروزی ایران را آسان خواند و نوشت:

«ایران بدون آن که حتی یک گلوله شلیک کند، به تمام خواسته‌های خود دست یافت» (۳).

یک کارشناس مسائل منطقه و ایران از پیروی ایران به عنوان یک پیروزی اخلاقی نام برد، زیرا عراق با این اقدام، در واقع مسئولیت شروع جنگ را پذیرفت و دنیا این مسئله را قبول کرد. (۴) روزنامه «الاتحاد» چاپ ابوظبی در این باره نوشت:

«با پذیرش قرارداد الجزایر از سوی عراق، بزرگ‌ترین پیروزی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران تحقق یافت و عراق تسلیم خواسته‌های ایران شد» (۵).

رادیو مسکو نیز طی تحلیلی گفت:

«ایران پس از دو سال چانه زدن با عراق و خودداری از هر گونه عقب‌نشینی، بالاخره توانست به اهداف خود دست یابد» (۶).

بدیهی است که تأکید بر پیروزی ایران معنای شکست عراق را در درون خود جای داده است، ولی در عین حال، تأکید بر شکست بزرگ صدام از جمله عبارتی بود که به چشم می‌خورد، با توجه به آن که پیروزی ایران و شکست عراق، بر اثر موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر متأثر از اشغال

ص: ۲۵۹

۱- ۹۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۰، ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۹، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹ / ۵ / ۲۵.

۲- ۹۹۸. اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، ۲ / ۸ / ۱۳۶۹، الشرق الاوسط، ۱۳ / ۷ / ۱۳۶۹.

۳- ۹۹۹. مأخذ ۲۱۵، ص ۱۹۰، رادیو ریاض، به نقل از روزنامه الیوم، ۴ / ۹ / ۱۳۶۹.

۴- ۱۰۰۰. پیشین، ص ۱۸۷، رادیو امریکا، ۲ / ۷ / ۱۳۶۹.

۵- ۱۰۰۱. پیشین، ص ۱۷۹.

۶- ۱۰۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۲، ۷ / ۶ / ۱۳۶۹، رادیو مسکو، ۶ / ۶ / ۱۳۶۹.

کویت بود (۱)، به نظر می‌رسید، عراق شکست در این صحنه را با پیروزی در اشغال کویت معاوضه کرده است و از آن پس، مواضع سرسختانه تری اتخاذ خواهد کرد و این احتمال که عراق برای خروج نیروهای نظامی خود از کویت مصالحه کند وجود نداشت.

ص: ۲۶۰

۱-۱۰۰۳. مأخذ ۲۱۵، گری سیک، رادیو امریکا، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۹.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

